

مقدمه - بنیاد حقیقت

هفت حقیقت بزرگ

فصل 1 - حقیقت را از کجا بیابیم؟

حقیقت را از کجا بیابیم؟

چه کسی وقتی با این سوال روبرو می شود که "دوست داری فریب بخوری؟" پاسخ دهد: "بله؟" همه دوست دارند حقیقت را بدانند. طبیعی است که انسان به دنبال آن باشد. از زمانی که به دنیا آمده ایم، به دنبال شناخت آن بوده ایم. از کودکان گرفته تا افراد مسن، از چینی تا آمریکایی و برزیلی، همه آرزوی یکسانی دارند: دانستن حقیقت. این شبیه به انگیزه حیوانات برای جستجوی غذا است. آنها بیدار می شوند و به دنبال او می روند. چه کسی آن را قرار داده است؟ یک مثال کوتاه به ما امکان می دهد به این سوال پاسخ دهیم. وقتی ماشین هایی را می بینیم که در خیابان در حال حرکت هستند، متوجه می شویم که همه آنها چهار چرخ دارند. چرا آن را دارند؟

زیرا سازنده آنها را به این شکل برنامه ریزی و ساخته است. از این رو ما مورد خود را درک می کنیم. همه انسانها میل به شناخت حقیقت دارند، زیرا خداوند خالق آنها آن را در وجودشان قرار داده است.

خدا برنامه ریزی کرد که خواسته همه انسانها از طریق یک موجود، یک شخص برآورده شود. عیسی گفت: "من... حقیقت هستم" (یوحنا 14:6) او حقیقت در

شخص بنابراین، آرزویی که خداوند برای شناخت حقیقت در وجود همگان قرار داده است، میل به شناخت مسیح است. بنابراین، کتاب مقدس او را "آرزوی همه ملل" می نامد.

(هاجی 2:7) حکیم نوشت: «سخن او بسیار شیرین است. آری، او کاملاً مطلوب است» (سرود 5:16) اما مردم این را نمی دانند. آنها همیشه به دنبال حقیقت هستند، بدون اینکه بدانند در چه کسی است. سپس، خدا دستور داد که انجیل، بشارت، به تمام جهان موعظه شود، و گفت: "کلمه جسم شد و در میان ما ساکن شد!" (یوحنا 1:14) موعظه انجیل راهی است برای گفتن: هی، کسی که به دنبالش هستی قبلاً نزد تو آمده است! او عیسی مسیح، خداوند است. او گفت: «کسی که نزد من بیاید گرسنه نخواهد بود. و هر که به من ایمان آورد هرگز تشنه نخواهد شد.» (یوحنا 6:35) او تنها کسی است که می تواند گرسنگی همه انسان ها را برای حقیقت رفع کند. او «مردی است که راستی را که از خدا شنیده به شما گفته است» (یوحنا 8:40)

اگر طرفدار هر فلسفه دینی هستید که مسیح را در مرکز خود ندارد، ممکن است فکر کنید که ما در ارائه خود بسیار مشتاق هستیم.

مسیح و توانایی او برای ارضای بزرگترین نیازهای ما. با این حال، بررسی مختصر آثار او قطعاً نشان می‌دهد که چنین نیست. یحیی تعمید دهنده یک بار این سوال را مطرح کرد که آیا مسیح آرزوی همه ملل است یا نه. او شاگردانش را نزد او فرستاد و این سؤال را مطرح کرد: «آیا تو آن کسی هستی که باید بیایی یا ما دنبال شخص دیگری هستیم؟» در پاسخ، عیسی «بی‌درنگ بسیاری از بیماری‌ها، بدی‌ها و ارواح پلید را شفا داد. و به بسیاری از نابینایان بینایی بخشید. آنگاه عیسی پاسخ داد و به آنها گفت: بروید و آنچه را دیده‌اید و شنیده‌اید به یوحنا بگویید: کورها می‌بینند، لنگان راه می‌روند، جذامیان پاک می‌شوند، ناشنوایان می‌شنوند، مردگان زنده می‌شوند و به فقرا انجیل موعظه می‌شود. و خوشا به حال کسی که از من آزرده نشود» (لوقا. 7:20-23). عیسی چقدر رنجها را کاهش داد، چقدر بارها را از دوش مردم برداشت! یک بار، هنگام خروج از کنیسه، "جمعیت زیادی از مردم او را همراهی کردند و او همه آنها را شفا داد" (متی. 12:15).

چه روز خاطره انگیزی برای کسانی که در آن شهر زندگی می‌کردند! دیگر نیازی به رفتن به بیمارستان یا تکیه بر دارو نبود. دیگر هیچکس با عصا تکان نمی‌خورد و با عصا راه نمی‌رفت. شادی او این بود که مردم را خوشحال می‌دید. چقدر خوب بود کنار این مرد بودن! و او برای انجام این همه کار شگفت انگیز چه چیزی را مأمور کرد؟ بگذارید باور کنند که او قادر به انجام آنها بوده است. فرمود: هر چیزی برای کسی که ایمان بیاورد ممکن است.

(مرقس. 9:23) همه کسانی که به عیسی به عنوان تنها مجرای برکت، عشق و قدرت از جانب خدا ایمان داشتند، فیض دریافت کردند.

هر کس در کنار عیسی بود احساس می‌کرد که بهشت برای برکت دادن به مردم به زمین آمده است. اگرچه او انسان بود، اما در هنگام برداشتن بار نگرانی‌ها و مراقبت‌های آنها، باری به نظر نمی‌رسید. (28: در نهایت، همانطور که کتاب مقدس ثبت می‌کند، او جان خود را برای ما فدا کرد و گناهان و بار گناه ما را بر دوش خود گرفت. لوقا. 23:34) چه کسی را می‌توان با او مقایسه کرد که چنین کارهای بزرگی انجام داد و چنین محبت فداکارانه‌ای از خود نشان داد؟ هر کسی که بی‌طرفانه واقعیت‌ها را ارزیابی کند، می‌تواند بگوید: "هیچ کس". هیچ مردی که تا به حال روی این زمین زندگی نکرده است، هرگز به انجام همین کار نزدیک نشده است. کارهای عیسی به ما این اطمینان را می‌دهد که او از آسمان فرستاده شده است و عشقی ناشناخته برای مردم را نشان می‌دهد که منشأ آن در خداست. "هر که مرا دیده است، پدر را دیده است" (یوحنا. 14:9) و «خداوند عشق است»؛ "کسی که دوست ندارد خدا را نمی‌شناسد" (I)

یوحنا (8: 4) ما صمیمانه بر این باوریم که هر انسانی دوست دارد چنین شخصی را در کنار خود داشته باشد - که او را صادقانه و صادقانه، ایثارگرانه و نوع دوستانه دوست دارد. که صمیمانه به دنبال کمک به شما و برکت واقعی شماست. در دنیایی که از هر طرف و از طریق روش‌های مختلف، انسان‌ها به دنبال استفاده از یکدیگر، به‌عنوان اشیاء، برای رسیدن به اهداف خودخواهانه‌شان هستند، همه آرزو دارند که با کسی همراهی کنند که شخصیتی را داشته باشد که توسط عیسی تجلی یافته است.

زندگی در خدمت بشریت

از بین تمام کارهایی که عیسی را به خواسته انسان تبدیل می‌کند، یکی از آنها برجسته است: مرگ او از طرف ما، بر روی صلیب کالواری. چرا او قربانی شد؟ "تا از طریق مرگ... همه کسانی را که از ترس مرگ در تمام زندگی خود در اسارت بودند رهایی بخشد" (عبرانیان. 2:14) عمیق‌ترین ترس انسان از مرگ است.

همانطور که متن می گوید، همه را تحت تاثیر قرار می دهد. اساس اضطراب انسان در آن نهفته است. و چرا وجود دارد؟ «نیش مرگ گناه است و قدرت گناه شریعت است» (اول قرنتیان، 15:56)

این متن به این معناست که: ترس از مرگ، وجدان انسان را «نیش میزند» یا خار می کند، زیرا به خدا گناه کرده است. و چیزی که انسان را متوجه می کند که گناه کرده است، قانون است. "گناه تخطی از شریعت است" (اول یوحنا، 3:4) ما در مورد ده فرمان شریعت خدا صحبت می کنیم که در خروج 17-20:3 نوشته شده است. "مزد گناه مرگ است" (روم، 6:23) انسان از مردن می ترسد زیرا گناهکار است، قانون جهان ده فرمان را نقض می کند. و تمام عمر از ترس مردن در معرض بندگی است. اما خبر خوب این است که عیسی به جای او مرد. عادل برای ناعادل. مرگ او تاوان انسان را داد و با ایمان به او انسان زنده می ماند. او با ایمان از گناهانش عادل می شود. زندگی جاودانه و آزادی از ترس مرگ نزد اوست. «هدیه رایگان خدا حیات جاودانی در مسیح عیسی است» (روم).

(23:6 و "او برای همه مردم مرد" (دوم قرنتی، 14: 5) هدیه زندگی در مسیح به همه تقدیم می شود. به همین دلیل نیز او آرزوی همه ملت هاست. هر که او را بشناسد در او نجات دهنده و دوستی خواهد یافت که بسیار به آن نیاز داشتند. مسیح تنها کسی است که عطش روح را سیراب می کند. و دعوت می کند: «کسی که تشنه است بیاید. و هر که بخواهد، آب حیات را مجانی بگیرد» (Apoc. 22:17).

نزدیک ما

به طور کلی، مشهورترین و دلخواه ترین افراد در این دنیا تمایل دارند برای لذت بردن از حریم خصوصی از توده ها پنهان شوند. اما آرزوی همه ملت ها هر روز حتی پس از رفتن به بهشت برای همه قابل دسترس شد. علاوه بر این، او حتی منتظر نیست که ما او را بجوییم - او همیشه نزد ما می آید و اصرار می کند که او را بپذیریم! او وعده داد: "اینک، من همیشه تا پایان عصر با شما هستم" (متی، 28:20).

او و نجات او دور نیست. "تو نزدیکی ای خداوند" (مزمور، 119:151)

ممکن است کسی فکر کند: «اما اگر عیسی را نبینیم چگونه نزدیک است؟ شاگردان او را دیدند، اما ما ندیدیم.» آنچه به نظر می رسد یک نقطه ضعف ظاهری است در واقع منبع شادی بیشتری برای ما است. عیسی دقیقاً به این دلیل که او اینجا نیست و قابل مشاهده است، ممکن است زمانی که با شاگردان بود، از همیشه نزدیکتر باشد. او می تواند در درون ما زندگی کند. پولس گفت: «مسیح در من زندگی می کند» (غلاطیان، 2:20) رازی که برای مقدسین و جهان آشکار می شود «مسیح در شماست» (کولسیان، 1:27) مسیح که توسط بشریت محدود شده بود، وقتی روی این زمین بود نمی توانست همه جا باشد. بنابراین، به نفع ما بود که او به بهشت رفت و مسح روح القدس را از خدا دریافت کرد. هنگامی که مسیح با روغن آسمانی، روح مسح شد، آن را بر ما ریخت و آن را از طریق فرشتگان خدمتگزار فرستاد (اعمال رسولان، 33، 2:32؛ عبرانیان، 1:13) فرشتگان با وجدان ما صحبت می کنند و در زمانی که ما بیشتر به آن نیاز داریم راهنمایی عیسی را صادقانه منتقل می کنند. این گونه است که وعده عیسی محقق می شود: «اینک، من بر در ایستاده ام و می گویم. اگر کسی صدای مرا بشنود و در را بگشاید، به خانه او خواهیم آمد و با او غذا خواهیم خورد و او با من.» (مکاشفه، 3:20) «مکاشفه عیسی مسیح» که خدا به او داد، "از طریق فرشته" برای ما فرستاد (مکاشفه، 1:1)

وقتی به راهنمایی های عیسی که فرشتگان آورده اند گوش می دهیم، به آنها دستور داده می شود که با بخشی از روح القدس که مسیح به آنها داده است، ما را تقویت کنند و ما را قادر می سازد بر گناه غلبه کنیم. سپس اعمال و عادات ما شروع به تغییر می کند و این بر شخصیت ما تأثیر می گذارد - یعنی از نظر اخلاقی که هستیم. هستند

نجیب شده، شخصیت ما دگرگون می شود. مردم می بینند که شبیه عیسی در ما ساخته می شود. ما شروع به عمل می کنیم همانطور که او در موقعیت های مختلف عمل کرد. این گونه است که مسیح در ما زندگی می کند. کلماتی که پولس نوشت: "مسیح در من زندگی می کند" این معنی را دارد.

بنابراین، با این فرآیند که شامل همکاری همه فرشتگان در بهشت است، مسیح، حقیقت، در درون مردان گناهکار و شیطانی زندگی می کند و قلب و ذهن آنها را متحول می کند. به آنها پیامی می دهد که چگونه حقیقت مندرج در ده فرمان در هر موقعیتی در زندگی آنها اعمال می شود و به آنها قدرت می دهد تا مطابق با آن زندگی کنند. و اگر ما هم او را قبول داریم به ما بیاموز.

مژده انجیل

انجیل پیامی است که مردم را دعوت می کند و می آموزد که تشنگی خود را برای حقیقت در مسیح فرو نشانند. این آرزویی را برآورده می کند که خدا در انسان قرار می دهد تا او را بشناسد. بنابراین، هنگامی که مسیح به کسی ارائه می شود، او تحت تأثیر تصمیم گیری قرار می گیرد. یا او در عیسی محبوب روح خود را می شناسد، کسی که به آن نیاز دارد، یا با طرد کردن او وجدان خود را آزار می دهد. اگرچه ممکن است اینطور به نظر نرسد، اما برای انسان ها سخت است که عیسی را رد کنند، زیرا این به معنای رد حقیقت است. و وقتی کسی حقیقت را نپذیرد چه اتفاقی می افتد؟ همیشه به هوشیاری شما باز می گردد، "نقش زدن"، سوزن زدن یا تحریک کردن. احساس می کنید کسی در درون شما می گوید: «او همان چیزی است که باید بپذیری. چرا ردش میکنی؟ (جامعه 12:11) سائولو در ذهن خود با سوزن های حقیقت مبارزه کرد. او عیسی و پیروانش را طرد کرد و با او به عنوان یک فریبکار رفتار کرد. اما وجدانش چیز دیگری به او می گفت. از این رو، هنگامی که عیسی خود را بر او آشکار کرد، گفت: "سائول، سائول... برای تو سخت است که در برابر اوها مقاومت کنی."

(اعمال رسولان 5، 9:4) از این رو انسان برای رد عیسی نیاز به مبارزه با حقیقت دارد. در غیر این صورت او را قبول خواهید کرد. و اگر او را بپذیرید و به او ایمان بیاورید، نجات خواهید یافت، زیرا هر که با قلب خود به او ایمان آورد، نجات خواهد یافت. "برای نجات چه باید بکنم؟... به خداوند عیسی ایمان بیاورید و شما و خاندانتان نجات خواهید یافت" (اعمال رسولان 31، 16:30)

نوشته شده است: «و این است حیات جاودانی تا تو را تنها خدای حقیقی و عیسی مسیح را که فرستادی بشناسند» (یوحنا 17:3) زندگی ابدی شامل شناخت خدا و عیسی مسیح است. اما عیسی گفت: «هر که مرا دیده، پدر را دیده است» (یوحنا 14:9) هر که او را بشناسد، پدر را خواهد شناخت. بنابراین، حیات جاودانی شناخت عیسی مسیح است، زیرا شناخت او نیز شناخت پدر است. همانطور که انجیل مردم را به شناخت حقیقت در مسیح دعوت می کند، در واقع آنها را به دریافت حیات جاودانی دعوت می کند. شناخت عیسی، تا با شناختن او از مرگ نجات یابد. عیسی گفت: "من... حقیقت هستم." و نیز: «و یَعْرِفُوا الْحَقَّ وَ الْحَقَّتْ يَجْعَلُكُمْ... هر که گناه کند بنده گناه است... پس اگر پسر تو را آزاد کند، همانا آزاد خواهی بود.» (یوحنا 36، 34، 8:32، 14:6) با شناخت مسیح، ما واقعاً از گناه آزاد خواهیم شد. رهایی از گناه به عبارت دیگر، همانطور که مسیح را می شناسیم، از احکام خدا اطاعت خواهیم کرد. درجه شناخت ما از مسیح با اطاعت ما از شریعت او متناسب خواهد بود. مثل این،

شناخت مسیح، حقیقت، انسان را از محکومیت و آلودگی گناه رها می کند. انسان را موجودی نجات یافته، از نظر اخلاقی پیروز و آزاد می سازد.

به سوی زندگی ابدی - ساختن خانه معنوی ما

هنگامی که مسیح را پذیرفتیم، بهبود اخلاقی ما باید ادامه یابد تا زمانی که «به شناخت پسر خدا، یک انسان کامل، به اندازه کامل قد مسیح برسیم، به طوری که دیگر فرزندان نباشیم که به این سو و آن سو پرتاب شده اند. با حيله و نیرنگ مردانی که با حيله گری فریب می دهند، همه باد تعالیم را متحول می کند» (افسیسیان، 13، 14، 4).

پولس رشد ما را با قد و قامت مسیح با کار ساختن خانه مقایسه می کند: «بنابراین شما دیگر غریبه یا بیگانه نیستید، بلکه با مقدسین و خاندان خدا همشهری هستید. بر پایه رسولان و انبیا ساخته شده است که عیسی مسیح سنگ بنای اصلی آنهاست. که در او تمام ساختمان، با هماهنگی، به معبدی مقدس در خداوند تبدیل می شود، و شما نیز در او با هم به منزلگاه خدا در روح ساخته می شوید» (افس. 2: 19-22). رسول در نامه خود به قرنتیان این مقایسه را با عمق بیشتری بررسی می کند:

زیرا ما با خدا همکار هستیم. تو مزرعه خدا، ساختمان خدا هستی.
بر اساس لطف خدا که به من عطا شده است، من به عنوان یک سازنده دانا شالوده را بنا نهادم. و دیگری بر آن بنا می کند. اما بگذار هرکس ببیند چگونه می سازد. زیرا هیچ کس نمی تواند بنیان دیگری جز آنچه که عیسی مسیح گذاشته شده است، بگذارد.
با این حال، اگر چیزی که کسی بر پایه بنا می کند طلا، نقره، سنگ های قیمتی، چوب، یونجه، کاه باشد، کار هر شخص آشکار می شود. زیرا روز آن را آشکار می کند، زیرا با آتش آشکار می شود. و کار هر کدام هر چه باشد، خود آتش آن را آزمایش خواهد کرد.» اول قرنتیان 13-9: 3

در این قسمت، پولس رسول کلیسا را با یک ساختمان مقایسه می کند. او در نامه ای به قرنتیان می گوید: "شما بنای خدا هستید". سپس بیان می کند که او پایه و اساس را گذاشت: "عیسی مسیح" (آیه 11). پولس به آنها «عیسی مسیح و او مصلوب شد» را به عنوان حامل گناهان جهان، به عنوان نجات دهنده کامل انسانها موعظه کرد (اول قرنتیان، 2: 2 و قرنتیان او را پذیرفتند. بنابراین، عیسی در ذهن آنها به عنوان پایه و اساس ایمان آنها تثبیت شد.

عیسی حقیقت است (یوحنا 14: 6). پولس با موعظه، حقیقت را در اذهان مؤمنان قرنتی فرو برد. اما او همچنین گفت که "دیگری بر این پایه بنا می کند". یکی دیگر از واعظان انجیل، در این مورد، آپولون مبشر، همانطور که در فصل های 1 و 2 نامه مشاهده می شود، حقایق بیشتری را از کلام مسیح به قرنتیان تعلیم داد. بنابراین، آپولو "بر این پایه بنا کرد." کار واعظان انجیل با کار مردانی که خانه می سازند مقایسه شد. هر حقیقتی که در قلب شنوندگان ریخته می شد به ساختن حقایق در ذهن آنها کمک کرد.

هر واعظی سازنده است.

هفت ستون

مقایسه نشان می‌دهد که حقایق که توسط واعظان انجیل تعلیم داده می‌شود، بخشی از ساخت «ساختمان روحانی» در ذهن مؤمنان است. از آنجایی که واعظان واقعی از جانب خودشان صحبت نمی‌کنند، بلکه از روح مسیح الهام می‌گیرند، درست است که بگوییم که او خود سازنده خانه روحانی ما است. «و موسی در تمام خانه خدا به عنوان یک خادم وفادار بود... اما مسیح به عنوان پسر در خانه خود. ما خانه کی هستیم» (عبرانیان 6، 3:5 کتاب مقدس او را به عنوان همان حکمتی معرفی می‌کند که به ما تعلیم می‌دهد: "اما شما در مسیح عیسی از او هستید که از جانب خدا برای ما حکمت شد ...") (اول قرنتیان 1:30) کتاب امثال فصل 9، آیه 1، در مورد او به عنوان حکمت صحبت می‌کند: «حکمت خانه خود را ساخت و هفت ستون آن را نشان داد.» امثال 9: 1

مسیح هفت ستون حقیقت را در ذهن ما می‌سازد. پس از اینکه او را به عنوان نجات دهنده شخصی خود پذیرفتیم، او به عنوان حکمتی که هست، حقایق را به ما خواهد آموخت که به عنوان ستون هایی در ذهن ما عمل خواهند کرد. وظیفه شما؟ همان ستون های خانه: از فروریختن آن در اثر باد و سیل جلوگیری کنید - محکم نگه دارید تا نیفتد.

عیسی به عناصری اشاره کرد که توسط شیطان برای فروریختن خانه روحانی ما استفاده می‌شود: "و باران بارید، رودخانه ها طغیان کردند، بادها وزیدند و بر آن خانه کوبیدند" متی 7:25 به یوحنا گفته شد: «آب هایی که دیدی... قوم ها، جماعت، ملت ها و زبان ها هستند» (مکاشفه 17:15) بنابراین آب نشان دهنده آزار، تمسخر و نفوذ بد مردم است. و در مورد بادها، پولس نوشت: «تا دیگر مانند بچه‌های کوچک نباشیم که از این طرف به آن سو پرتاب می‌شوند و با هر باد تعالیمی، با حيله‌گری انسان‌ها، با حيله‌گری که ما را به گمراهی می‌کشند، دور می‌شوند.» (افس 4:14) بنابراین، بادهای آموزه و آب آزار و اذیت و تأثیرات شیطانی عناصری هستند که می‌توانند خانه معنوی ما را به ویرانی سوق دهند. کسانی که هفت ستون ایمان عیسی را بیاموزند و به آن ایمان داشته باشند از بدبختی در امان خواهند ماند.

ساختمان با مصالح بادوام

پولس در نامه به قرنتیان نشان می‌دهد که همه واعظان انجیل حقایق بزرگ، هفت ستون ایمان را تعلیم نمی‌دهند. بلکه آنها را با آموزه های دیگری جایگزین می‌کنند، قابل مقایسه با «چوب، یونجه و کاه»، که در آزمون آب و بادهای خطا مقاومت نمی‌کنند. او در مقایسه رسولان با سنگ‌تراشان می‌گوید: «اما اگر کسی بر پایه بنا بسازد طلا، نقره، سنگ‌های قیمتی، چوب، یونجه، کاه باشد، کار هر کس آشکار می‌شود.» اول قرنتیان 13، 12:3 برخی از پیام‌ها مانند "طلا، نقره و سنگ‌های قیمتی" در چشمان بهشت. آموزه های کتاب مقدس، بر اساس کلام خدا. دیگران "چوب، یونجه و کاه" هستند. آموزه هایی که احکام مردان است. پولس می‌گوید که «عمل هر انسانی آشکار خواهد شد. زیرا روز آن را آشکار می‌کند، زیرا با آتش آشکار می‌شود. و کار هر یک از آنها هر چه باشد، خود آتش آن را آزمایش خواهد کرد.» (اول قرنتیان 13:13) آتش نشان خواهد داد که آیا ایمان در نتیجه موعظه پیامبران در مؤمنان ایجاد شده است یا خیر. آتش آزمایش ایمان است، همانطور که پطرس گفت: "ای عزیزان، از آتش سوزانی که در آتش ظاهر می‌شود تعجب نکنید.

در میان شما، برای آزمایش شما طراحی شده است، گویی اتفاقی خارق‌العاده برای شما می‌افتد» (اول پطرس، 4:12)

هنگامی که بادهای تعالیم و آب های آزار و اذیت بر مسیحیان پرتاب شود، کسانی که آموزه هایی را از مردم دریافت کرده اند، مانند یونجه و کاه چوب، گمراه خواهند شد. از سوی دیگر، کسانی که با حقایق کلام خدا، با آموزه های کتاب مقدس تغذیه شده اند، متوجه تضاد بین آنچه آموخته اند و خطا می شوند و می توانند در حقیقت ثابت قدم بمانند. درست مثل خانه ای که ستون ها را تکیه می دهند، سقوط نمی کنند.

یک تصویر

به عنوان مثال، فرض کنید شخصی این پیام را به عنوان تعلیم دریافت می کند که «فقط ایمان داشته باشید و شما قبلاً در مسیح عیسی نجات یافته اید، مهم نیست از این به بعد چگونه رفتار کنید». او در آن آرام می گیرد و در مورد نیاز انسان به همکاری با خدا هشدار داده نمی شود و نجات او را با ترس و لرز انجام می دهد، در حالی که خدا در او «به اراده و انجام دادن» کار می کند (فیلیسیان، 2:12، 13). او به یاری قدرت خداوند، با عیب های شخصیتی خود سخت مبارزه نمی کند. پیش از این که سختی ها و آزارها پیش می آید، به سرعت رسوا می شوند و راه حق را رها می کنند. با این حال، او همچنان اعتماد دارد که، همانطور که ادعا می کند به عیسی ایمان دارد، از نجات او مطمئن است. روز قیامت به او آشکار می کند که اشتباه کرده است. او بسیار دیر خواهد دید که همانطور که نوشته شده است، در شهر مقدس «هیچ چیز ناپاک وارد نخواهد شد، حتی کسی که کار زشت و دروغ انجام می دهد، بلکه فقط کسانی که در کتاب زندگی بره نوشته شده اند.» (مکاشفه، 21:27) خانه روحانی او ستون های حقایق کتاب مقدس را نداشت. به همین دلیل فرو ریخت.

از این رو متوجه می‌شویم که نمی‌توانیم از جست‌وجو برای شناخت آموزه‌های واقعی کلام، با تکیه بر این فکر که «آنها نقطه نجات نیستند» دست بکشیم. یک انحراف کوچک در یکی از ریل های قطار به شکاف بزرگی در چند کیلومتری جلوتر منتهی می شود. و کتاب مقدس به ما توصیه می‌کند که از گوش دادن به سخنان واعظان آموزه‌های مردانه خودداری کنیم: «هر که از تعالیم مسیح فراتر رود و در آن بماند، خدا را ندارد. کسی که در آموزه باقی می ماند، هم پدر دارد و هم پسر. اگر کسی نزد شما آمد و این دکتیرین را نیاورد، او را در خانه نپذیرید و از او استقبال نکنید. زیرا هر که از او استقبال کند در اعمال بد او شریک می شود.» یوحنا دوم، 9-11

هفت حقیقتی که پیروزی یا شکست را تعیین می کند

اکنون به متن امثال بازگردیم: «حکمت خانه خود را ساخت و هفت ستون خود را نشان داد.» امثال 1: 9 تعداد حقایقی که توسط عیسی در ذهن ما نوشته شده هفت عدد است. نه هشت، نه پنج. هفت عدد پر بودن چیزی است

کامل در کتاب مقدس هفت روز هفته هست. تعداد مهرها در آخرالزمان هفت مهر است، همانطور که هفت شیپور و هفت طاعون وجود دارد. همیشه هفت نفر هستند. خدا از ما می خواهد که هفت حقیقت بزرگ کتاب مقدس - هفت ستون ایمان را بدانیم. داستان سامسون، در عهد عتیق، قدرتی را که هفت ستون به مسیحیان می بخشد، نشان می دهد. معروف است که راز قدرت ماوراء الطبیعه او در این بود که او بومی بود و از بدو تولد به درگاه خداوند تقدیم می کرد و به نشانه این تعهد، موهایش را کوتاه نمی کرد. موهای سامسون هفت بافته داشت. و چه اتفاقی افتاد که آنها را از دست داد؟ کتاب مقدس می گوید: «سپس دلیله شمسون را به زانو درآورد و مردی را صدا زد و هفت قیطان را از سر او تراشید. او شروع به تسلیم کردن او کرد. و قدرتش از او دور شد.» داوران. 16:20

در این کتاب کوچک اهمیت داشتن هفت رکن معرفت را در زندگی معنوی خود دیدیم. از شما دعوت می کنم تا کتابهای دیگر این مجموعه را بخوانید و یکی یکی با آنها آشنا شوید. باشد که ذهن شما با هفت حقیقت بزرگ کتاب مقدس تغذیه شود.

خدا تو را حفظ کند.

ژایرو کاروالیو

فصل - 2 اولین حقیقت بزرگ - عیسی اکنون کجاست؟

از آنجایی که عیسی حقیقت است، هفت حقیقت بزرگ در کتاب مقدس مسیح و کار او را آشکار می کند.

پطرس و یوحنا در جمع یحیی تعمید دهنده بودند، وقتی عیسی را در حال عبور دید، گفت: اینک بره خدا. و دو شاگرد این سخن را شنیدند و به دنبال عیسی رفتند. و عیسی برگشت و دید که آنها به دنبال او می آیند و به آنها گفت: چه می خواهید؟ و گفتند: ربی (یعنی استاد) کجا زندگی می کنی؟ و به آنها گفت: بیایید و ببینید. رفتند و محل زندگی او را دیدند و آن روز نزد او ماندند.»

(یوحنا. 1:35-39) آنها فقط با شنیدن در مورد عیسی راضی نمی شوند. آنها می خواستند او را بشناسند و بهترین راه این بود که در کنار او باشند. از همین رو،

آنها مستقیماً سر اصل مطلب رفتند و پرسیدند: "کجا زندگی می کنی؟" از آنجایی که ستون‌ها، ستون‌های ایمان، به مسیح و کار او مربوط می‌شوند، اولین ستون تنها می‌تواند به این سؤال پاسخ دهد: "کجا زندگی می‌کنی؟". هر شاگرد واقعی، که منجی را دوست دارد، می‌خواهد او را در صمیمیت خانه اش بشناسد. "کجا زندگی می‌کنی؟" اولین سوال شما خواهد بود و به همه کسانی که صادقانه این کار را انجام می‌دهند، عیسی همانطور که در گذشته به شاگردانش پاسخ داد: "بیا و ببین". این اولین حقایق بزرگ کتاب مقدس است که ما مطالعه خواهیم کرد.

قبل از صعود به آسمان، ناجی وعده داد: "اینک، من همیشه با شما هستم، حتی تا پایان جهان" (متی .28:20 در واقع، او همیشه با ما، در روح، به عنوان تسلی دهنده خواهد بود. او گفت: «از پدر خواهم خواست و او تسلی دهنده دیگری به شما خواهد داد تا همیشه با شما بماند، روح راستی... من شما را یتیم نمی‌گذارم، نزد شما خواهم آمد... دنیا. دیگر مرا نخواهی دید، اما تو مرا خواهی دید» (یوحنا .14:16-19 تا امروز ما او را می‌بینیم، زیرا تسلی دهنده خودش است که به قلب ما می‌آید. اما ما با چشم ایمان می‌بینیم، زیرا او شخصاً با ما نیست. در روح بودن با شخص بودن یکسان نیست. اما ما امروز او را شخصاً کجا می‌یابیم؟ تاریخ و انجیل شواهد بسیار زیادی به ما می‌دهند که به این سوال پاسخ می‌دهد. با این حال، آنها همچنین به ما می‌آموزند که در این جستجو، صادقان می‌توانند ناامید شوند زیرا آنها به اندازه کافی کلمات مسیح را درک نمی‌کنند.

انتظارات ناامید شده انسانی

هنگامی که او روی زمین بود، بارها تکرار کرد که لازم است پسر انسان در روز سوم رنج بکشد، بمیرد و دوباره برخیزد. اما شاگردان به این سخنان توجهی نکردند. آنها می‌خواستند در جایی که او بود باشند. اما پس از جلگه، او را از دست دادند. آنها چنان ناامید بودند که گویی هرگز در مورد صلیب به آنها آموزش داده نشده بود. با ایمان کالواری تا صبح قیامت از او پیروی نکردند. فکر کنید که چقدر شگفت‌انگیز می‌شد اگر با درک سخنان مسیح، در کنار مقبره وظیفه داشتند تا پیروزی باشکوه ناجی بر مرگ را ببینند! اما عدم درک آنها، آنها را از این تجربه مبارک محروم کرد.

«آنچه بود همان خواهد بود. زیر آفتاب هیچ چیز جدیدی نیست» (اکل .9: 1 بنا بر این، برای ما طبیعی است که درک کنیم، در روزهای آخر، کسانی که صادقانه به دنبال یافتن مسیح بودند و می‌دانستند که او شخصاً کجا خواهد بود، نیز با ناامیدی مواجه می‌شوند. با این حال، همانطور که آنها در جستجو استقامت کردند، او را پیدا کردند. در تاریخ مدرن، کجا چنین جنبشی را می‌یابیم؟ سوابق تنها به یکی در قرن هجدهم اشاره می‌کنند که مرکز آن در ایالات متحده آمریکا بود. مردی پس از مطالعه دقیق کتاب مقدس به این نتیجه رسید که می‌تواند به زودی با عیسی ملاقات کند. تحقیقات آنها با مطالعه چندین محقق دیگر از فرقه‌های مذهبی مختلف پشتیبانی می‌شود که نتیجه‌گیری مشابهی ارائه کردند: عیسی برای دومین بار در سال‌های آینده به زمین بازخواهد گشت.

جنبش برای اعلام خبر خوب و آماده شدن برای این رویداد به زودی گسترش یافت

آتش کاه کلمات تکرار شد: "از خدا بترسید و او را جلال دهید، زیرا ساعت داوری او فرا رسیده است" (Apoc. 14:7). پیشگویی که آنها را به یقین رساند می‌گوید: «تا دو هزار و سیصد شب و صبح. و قدس پاک خواهد شد» (دان. 8:14). درک رایج آن زمان این بود که حرم خدا سیاره زمین است.

بنابراین، آنها فهمیدند که کلمات "مقدس پاک خواهد شد" به این معنی است که عیسی به زودی خواهد آمد تا خود را بجوید و زمین را با آتش پاک کند. و برای ملاقات با او آماده می‌شدند و برای این منظور همه چیز را در زندگی خود راهنمایی می‌کردند تا در تاریخ واقعه آماده باشند.

دو هزار و سیصد بعد از ظهر و صبح

«سپس شنیدیم که یک قدیس صحبت می‌کرد. و یکی دیگر از مقدسین به او که سخن می‌گفت گفت: چشم انداز فداکاری مستمر و تجاوز ویرانگر تا کی باقی خواهد ماند تا اینکه حرم و ارتش را برای پیمان شدن تحویل دهند؟ و به من گفت: تا دو هزار و سیصد شب و صبح. و قدس پاک خواهد شد» (دان. 8: 13، 14).

فرشته به زمانی اشاره کرد که در آن تجاوز غالب خواهد شد، جایی که حرم و لشکر خدا، بندگان واقعی او، پیمان خواهند شد. کلمات بدون هیچ گونه تردیدی ما را به دوران قرون وسطی سوق می‌دهند. سپس، مردی خود را به جای خدا گذاشت و عنوان جانشین یا جانشین مسیح روی زمین را به خود گرفت. پناهگاه واقعی خدا با مکان مقدس کلیسای این مرد روی زمین جایگزین شده است. کتاب مقدس می‌گوید: "یک واسطه بین خدا و انسان ها وجود دارد، عیسی مسیح" (اول تیم. 2:5) اما این مرد همچنین در پی برقراری وساطت دیگران - مریم و مقدسین بود. او به جای برقراری شریعت خدا، تخطی از قانون را پایه گذاری کرد و به جای احکام خدا، اطاعت از عقاید کلیسا را بر مردم تحمیل کرد. این فرمان می‌گوید: «برای خودتصویر حکاکی نسازید» (خروج 20:4) در حالی که کلیسا پرستش تصاویر را مجاز می‌دانست. لوثر و دیگر پروتستان ها بسیاری از انحرافات از حقیقتی را که کلیسا ترویج می‌کرد، محکوم کردند. اما چشمگیرترین چیز رفتار او در زیر پا گذاشتن لشکر خدا، بندگانش، کشتن آنها در اتاق های شکنجه، آتش سوزی ها، گیوتین ها و سیاه چال ها بود:

«در زمانی که قدرت مذهبی با قدرت واقعی اشتباه گرفته شده بود، پاپ گریگوری نهم در 20 آوریل از 1233 دو جزوه را ویرایش کرد که نشانگر شروع مجدد تفتیش عقاید است. در قرن های بعد، او چندین نفر از دشمنان خود را که بدعت ها را تبلیغ می‌کردند محاکمه، تبرئه یا محکوم کرد و به دولت (که «مجازات اعدام» را که در آن زمان معمول بود اعمال می‌کرد) تحویل داد. منبع: - <http://pt.wikipedia.org/wiki/Inquisi%C3%A7%C3%A3o> در تاریخ 2007/09/27 (تاکید ما) قابل دسترسی است.

«بدعت ها» یا آموزه هایی که توسط کلیسا پذیرفته نشد چه بودند؟ تعالیم روشن کلام خدا: «عادل به ایمان زندگی خواهد کرد». و «به فیض نجات یافته اید»، بدون اعمال و راز (عبرانیان 10:38؛ افس. 8، 2؛ حقایق دیگر که در کتاب مقدس تعلیم داده شده است. پاپ قرون وسطی آشکارا قانون خدا را نقض کرد و آن را تغییر داد؛ او نور را نامید. تاریکی، و

تاریکی، روشنایی او مکان مقدس مسیح را با مکان کلیسای خود، شفاعت او را با خود، و قربانی عیسی را با قربانی کردن عوام جایگزین کرد، که در آن تأیید کرد که مسیح یک بار دیگر قربانی شده است. و دانشجویان کتاب مقدس، سربازان واقعی مسیح را به مرگ محکوم کرد. به این ترتیب، سخنان مربوط به "رؤیای فداکاری مداوم و تجاوز ویرانگر برآورده شد، تا عبادتگاه و لشکر تسلیم شوند تا پایمال شوند" (دان. 8:13). اما نبوت می‌گوید که پس از این دوران تاریکی اخلاقی و معنوی، حرم پاک می‌شود:

"چقدر بینایی دوام خواهد داشت...؟ و به من گفت: تا دو هزار و سیصد شب و صبح. و قدس پاک خواهد شد" (دان. 8:14).

قدرت پاپ در سال 1798 هنگامی که نیروهای ناپلئون بناپارت به رم حمله کردند، دچار یک زخم مرگبار شد. سپس پاپ پیوس ششم را به زندان انداختند و به تبعید بردند و به گفته برخی منابع، بعداً سر او را بریدند. برتری او به پایان رسیده است.

زمان پیشگویی شده در کتاب مقدس اکنون نزدیک شده بود، زمانی که قدس پاک می‌شد. در واقع، بسیاری در آن زمان با تأکید ویژه بر مطالعه انجام شده توسط ویلیام میلر، که زمان تحقق را با چنان دقت و با چنان مبنایی از شواهد تعیین کرد که نتیجه‌گیری‌های او را حتی نمی‌توان ابطال کرد، به مطالعه این متن تشویق شدند. توسط بزرگترین عقلای زمان. مطالعه او مبتنی بر روشی بود که به کتاب مقدس اجازه می‌داد خود را آشکار کند - از این رو سازگاری آن.

آیا دیدید که رؤیای دو هزار و سیصد شب و صبح در فصل 8 دانیال توضیح داده نشده است، زیرا می‌خواند: «و من، دانیال، ضعیف شدم و چند روز بیمار بودم. پس برخاستم و کار پادشاه را انجام دادم. و من از این رؤیا شگفت زده شدم و کسی نبود که آن را بفهمد.» (دان. 8:26، 27). در فصل نهم، پیامبر گزارش می‌دهد که چند سال بعد، «در سال اول داریوش پسر اخشورش... در حالی که هنوز در حال دعا بودم، جبرئیل که در ابتدا او را در رؤیای خود دیده بودم، به سرعت پرواز کرد و در ساعت قربانی بعد از ظهر مرا لمس کرد. و او به من دستور داد و با من سخن گفت و گفت: دانیال، اکنون بیرون آمدم تا معنی را بفهمی.

در آغاز دعای شما دستور آمد و آمدم تا آن را به شما اعلام کنم، زیرا شما بسیار محبوب هستید. پس کلمه را معنا کنید و رؤیا را درک کنید» (دان. 9: 1، 21-23).

زمان آن فرا رسیده بود که فرشته این رؤیا را روشن کند و مأموریت دریافت شده در فصل 8 را تکمیل کند: "جبرئیل، به این مرد این رؤیا را درک کن" (دان. 8:16). از آغاز کتاب دانیال، تا فصل 8، تنها رؤیایی که او گزارش می‌کند که آن را درک نکرده است، رؤیای دو هزار و سیصد شب و صبح بود. بنابراین، تنها رویایی که فرشته می‌توانست برای روشن شدن آن بیاید این است.

هفتاد هفته

فرشته با گفتن این جمله آغاز می‌کند: «هفتاد هفته بر قوم تو و شهر مقدس تو تعیین شده است تا گناه را تمام کنند و گناهان را پایان دهند و گناهان را کفاره کنند و عدالت جاودانی بیاورند و مهر کنند. رؤیا و نبوت، و قدس القدس را مسح کن. بدانید و بفهمید: از زمان صدور فرمان بازسازی و ساختن اورشلیم تا مسیح، شاهزاده، هفت هفته و شصت و دو هفته» (دان. 9: 24، 25). با توضیح بخشی از دوره 2300 بعد از ظهر و صبح یا 2300 روز شروع می‌کند. «هفتاد هفته بر قوم تو، اسرائیل، که دانیال به آن تعلق داشت، مقرر شده است. اصطلاح ترجمه شده به عنوان فرمان اصلی است

«چاتک» که در لغت به معنای بریدن است. هفتاد هفته دوره ای است که از مجموع 2300 روز جدا شده است. به عنوان یک نقطه در اواسط دوره نشان داده نشد
برای آغاز هفتاد هفته، آنها شروع فرض می شوند، هفتاد هفته اول زمان از 2300 روز شمارش می شوند.

70 هفته در 7 روز هفته = 490 روز

کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که در نبوت نمادین، یک روز نشان‌دهنده یک سال است: «به تعداد روزهایی که در این سرزمین جاسوسی کردید، چهل روز، هر روز که نماینده یک سال است، چهل سال گناهان خود را متحمل خواهید شد» (شماره 14:34) بنابراین زمان 490 سال است. در زیر درک در یک گرافیک برای آسانتر کردن آن آورده شده است:

2300 بعد از ظهر و صبح 2300 = سال

|-----|

70 هفته = 490 سال، برای یهودیان قطع شده است

|-----|

با در نظر گرفتن 70 هفته به عنوان اولین بخش از کل دوره زمانی، نقطه شروع برای شمارش شما نیز 2300 روز خواهد بود.

2300 بعد از ظهر و صبح کی شروع می شود؟

"می داند و می داند: از زمان دستور بازسازی و ساخت اورشلیم"
(دان. 9:25) این نقطه شروع شمارش است. سه فرمان برای ساختن اورشلیم وجود داشت. دو نفر اول یعنی کوروش و داریوش دستور بازسازی شهر را دادند. اما این پیشگویی به دستوری اشاره می‌کرد که هدفی دوگانه داشت: احیای حکومت مستقل و ساختن شهر. این را اردشیر کمی بعد، همانطور که عزرا گزارش می دهد، در فصل 7 آورده است:

«این رونوشت نامه‌ای است که اردشیر شاه به عزرا کاهن، کاتب کلام و اوامر خداوند و فرایض او بر اسرائیل داد: اردشیر، پادشاه پادشاهان، به عزرا، کاهن، کاتب شریعت، خدا در بهشت، صلح، کامل! از سوی من حکم شده است که در پادشاهی من، هر یک از قوم اسرائیل و کاهنان آنها که بخواهد با شما به اورشلیم برود، باید برود. زیرا پادشاه و هفت مشاور او به شما دستور داده‌اند تا طبق شریعت خدای خود که در دست شماست، در یهودا و اورشلیم تحقیق کنید. و نقره و طلا را که

پادشاه و مشاورانش داوطلبانه به خدای اسرائیل که مسکن او در اورشلیم است، دادند. و تمام نقره و طلائی را که پادشاه و مشاورانش داوطلبانه به خدای اسرائیل که مسکن او در اورشلیم است، دادند... و به دست خودم، اردشیر شاه، به همه خزانهدارانی که آن سوی رودخانه هستند مقرر شده است که هر چیزی کاهن عزرا، کاتب شریعت خدای بهشت، از شما می‌خواهد، به سرعت انجام شود... هر چه دستور داده شده است، طبق فرمان خدای بهشت، سریعاً برای خانه خدا انجام شود. خدای بهشت» (عزرا). (23، 21، 16-12:7)

در اینجا دستور ساخت بخشی از اورشلیم - در این مورد، معبد است. و قسمتی که دستور بازگرداندن حکومت را می دهد در ادامه یافت می شود: «و تو ای عزرا، برحسب حکمت خدایت که در دست توست، والیان و قضات را تعیین کن تا همه مردمی را که آن سوی نهر هستند، دآوری کنند. همه کسانی که قوانین خدای تو را می دانند، و به کسانی که آنها را نمی دانند، تو آنها را می شناسانی. و هر کس شریعت خدای تو و قانون پادشاه را رعایت نکند، فوراً در مورد او عدالت برقرار خواهد شد، خواه مرگ باشد، یا تبعید، یا جزای نقدی در اموالش، یا حبس.» (عزرا). (26، 25:17) این فرمان به عزرا اجازه داد تا حکومتی بر اساس شریعت خدا ایجاد کند. استقلال دولت اسرائیل را بازگرداند. این فرمان پیشگویی را برآورده کرد. طبق تاریخ، اگرچه در سال 458 قبل از میلاد صادر شده است، اما در سال 457 قبل از میلاد، به طور دقیق تر در پاییز سرزمین اسرائیل که در حدود ماه های سپتامبر و اکتبر اتفاق می افتد، تحقق یافته است. این تاریخ بسیار مورد تردید متکلمان قرار گرفت، اما پس از پیدا شدن پاپيروس های Elephantine در مصر، که تأیید می کرد که این سال حکم صادر شده است، این بحث ضربه مرگباری دریافت کرد. در آن زمان بود که شمارش هفتاد هفته و 2300 بعد از ظهر و صبح آغاز شد.

2300 بعد از ظهر و صبح 2300 = سال

|-----|

70 هفته 490 = سال، برای یهودیان قطع شده است

|-----|

457 ق.

شصت و دو هفته

فرشته در ادامه شرح نبوت فرمود:

«از زمان صدور فرمان بازسازی و ساختن اورشلیم تا مسیح شاهزاده، هفت هفته و شصت و دو هفته» (دان). (25:9)

شصت و دو هفته از 457 تا مسیح - مسیح طول می کشد.
در نسخه های دیگر کتاب مقدس به جای مسیح کلمه «مسح شده» آمده است:

«بدانید و درک کنید: از زمان صدور فرمان بازگرداندن و ساختن اورشلیم تا مسیح‌شدگان، شاهزاده، هفت هفته و شصت و دو هفته خواهد بود» (دان. - 9:25 نسخه Almeida اصلاح شده و به روز شده).

درک کلمه سخت نیست. عهد عتیق موارد متعددی را ارائه می دهد که در آن مردم با روغنی که نماد روح القدس بود، مسح می شدند. "خدا عیسی ناصری را به روح القدس و با قدرت مسح کرد" (اعمال رسولان، 10:38) «وقتی عیسی تعمید یافت، فوراً از آب بیرون آمد و اینک آسمان به روی او گشوده شد و روح خدا را دید که مانند کبوتری فرود آمد و بر او آمد.» (متی، 3:16) بنابراین، با کلمه "مسح شدگان"، هفته های نبوت به زمان تعمید عیسی اشاره کرد:

$$7 \text{ هفته} + 62 \text{ هفته} = 69 \text{ هفته}$$

$$69 \text{ هفته} \times 7 \text{ روز در هفته} = 483 \text{ روز}$$

در نبوت: 483 روز = سال.

از سال 457 قبل از میلاد، چهارصد و هشتاد و سه سال تا غسل تعمید عیسی ادامه دارد. با قرار دادن آن روی یک نمودار، داریم:

483 سال

|-----|

427 ق.

هنگام انجام محاسبات، ممکن است فکر کنید که در محاسبه اشتباه کرده اید، به عنوان $484 = 457 + 27$ سال. معلوم می شود که وقتی تاریخ ها را می شماریم، باید به یاد داشته باشیم که سال صفر (0) وجود ندارد. اینگونه به حساب می آید: دوم قبل از میلاد، یکم قبل از میلاد، یکم بعد از میلاد، دوم بعد از میلاد. (بدون صفر). اگر در جدول زمانی صفر بود، وقتی از 457 شروع کردیم و 483 سال زمان را اضافه کردیم، به آن می رسیدیم.

که در:

$$483 - 457 = 26.$$

اما از آنجایی که صفر وجود ندارد، شمارش یک سال به جلو می رود: $27 = 1 + 26$ قبل از میلاد. حالا بدون نگرانی زیاد در مورد ریاضیات، اگر فقط به کلام خدا ایمان داشته باشیم، خواهیم دید که چگونه این نبوت تا آخر عمر محقق شد. در سال 27 قبل از میلاد، طبق گفته فرشته، شاهزاده باید مسح شود. مسح با روغن زیتون انجام می شد و نمادی از ریزش روح القدس بود. و داستان می گوید که عیسی تعمید یافت، و

بنابراین در سال 27 قبل از میلاد مسح شد. این دقیقاً با زمان مشخص شده در پیشگویی هفتاد هفته مطابقت دارد. آنچه خدا در حدود 500 سال قبل از آن پیش بینی کرده بود، به شدت محقق شد. خدای ما فوق العاده است!

هفته گذشته

«بدانید و درک کنید: از زمان صدور فرمان بازگرداندن و ساختن اورشلیم تا مسح‌شدگان، شاهزاده، هفت هفته و شصت و دو هفته خواهد بود» (دان. 7. 9:25) (هفت) 62 + (شصت و دو) جمع می شود تا 69 هفته. برای هفتاد، یک تا دیگر. چرا آخری را جدا کرد؟ زیرا این یک نوع مهر تضمینی نبوت است.

فرشته در مورد هفته آخر می گوید: «و او با بسیاری برای یک هفته عهد محکم خواهد بست. و در وسط هفته قربانی و قربانی گوشت را متوقف خواهد کرد» (دان. 9:27) عیسی، شاهزاده، کنسرت را اجرا خواهد کرد. پولس به او به عنوان «میانجی عهد بهتر» اشاره می کند (عبرانیان 8:6) و او تنها میانجی بین خدا و انسانهاست: "یک واسطه بین خدا و انسانها وجود دارد، عیسی مسیح" (اول تیم. 2:5).

در نیمه های هفته، او باعث می شد که قربانی متوقف شود. این به قربانی هایی اشاره دارد که در مقدس عبری انجام می شود. هنگامی که عیسی می خواست خدمت خود را آغاز کند، یحیی تعمید دهنده به او اشاره کرد و گفت: "اینک بره خدا که گناه جهان را می برد."

(یوحنا 1:29) او قربانی واقعی بود. آن حیوانات فقط برای زنده نگه داشتن وعده خدا در اذهان مردم نهاده شده تا پسرش را به عنوان بره بمیرد و تاوان گناهان آنها را بپردازد. وقتی پسر در قربانگاه صلیب کشته شد، قربانی حیوانات دیگر دلیلی برای ادامه نداشت. دیگر نیازی به اجرای مراسمی که نماد وعده ای بود که قبلاً محقق شده بود وجود نداشت.

فرشته این را به دانیال چنین پیشگویی کرد: "و در وسط هفته قربانی را متوقف خواهد کرد."

هفته آخر دهه هفتاد در سال 27 بعد از میلاد شروع شد و یک هفته هفت روز است. و در نبوت همانطور که دیدیم یک روز برابر با یک سال است. بنابراین، نیمی از هفته گذشته معادل سه روز و نیم یا سه سال و نیم است. ما را به سال 31 می برد. تاریخ پس از میلاد تأیید می کند که عیسی دقیقاً در این سال بر روی صلیب کالواری درگذشت. پیشگویی فرشته در زمان مقرر محقق شد و صلیب صحت آن را تأیید می کند.

3.5 سال نیم هفته

|-----|

31 دی. 27 دی.

تعمید مسیح مسیح

هدایای غذا، که همچنین متوقف می‌شد (دان. 27: 9) نامی بود که به نان و آب انگور داده شد، که همچنین نشان دهنده مسیح بود. عیسی زمانی که می‌خواست شام آخر را بخورد، از آنها به عنوان نمادهای خود یاد کرد. در مورد نان، «او آن را شکست و گفت: این بدن من است که برای شماست» (اول قرنتیان 11:24) و وقتی نوبت به آب انگور رسید، «پیاله را گرفت و گفت: این جام عهد جدید در خون من است» (اول قرن.

11:25) آنها نماد نجات دهنده آینده بودند. اما اکنون او قبلاً آمده بود. از آن زمان به بعد، یاد قربانی از طریق مراسم شام مقدس که توسط عیسی قبل از مرگش برپا شده بود، برگزار می‌شود. دیگر نه با قربانی‌های مقدس عبری. به همین دلیل است که وقتی عیسی بر روی صلیب درگذشت، «پرده قدس از بالا به پایین دو نیم شد» (متی 27:51). کاهنان خون حیوانات را روی این پرده پاشیدند: «گاو نر باید در حضور خداوند ذبح شود. سپس کاهن مسح شده مقداری از خون گاو را به خیمه ملاقات خواهد آورد. و کاهن انگشت خود را در آن خون فرو کرده و آن را هفت بار در حضور خداوند در مقابل پرده بپاشد.» (لاویان 17-15: 4) پاره شدن حجاب توسط دستان نامرئی، نمایشی بود که توسط بهشت ارائه شد که خون قربانیان حیوانات دیگر پذیرفته نخواهد شد. "خون عیسی مسیح، پسر او، ما را از هر گناهی پاک می‌کند" (اول یوحنا 1: 9) پولس اظهار داشت که عیسی به پدر گفت: «قربانی و قربانی‌ها و قربانی‌های سوختنی و قربانی‌های گناه را نمی‌خواستید و از آنها لذت نمی‌بردید (که طبق شریعت تقدیم می‌شوند). اکنون گفت: اینجا هستم تا اراده تو را انجام دهم. اولی را برمی‌دارد تا دومی را استوار کند.» (عبرانیان 9، 10:8) مقدس عبرانیان و خدمات آن برداشته شد و خدمات مقدس بهشت برقرار شد، که در آن مسیح نه قربانی حیوانات، بلکه شایستگی‌های خون خود را که به نفع گناهکاران ریخته شده است به خدا تقدیم می‌کند. «راه حرم هنوز کشف نشده بود، در حالی که اولین خیمه هنوز پابرجا بود...

اما هنگامی که مسیح کاهن اعظم آمد... به وسیله خیمه‌ای بزرگتر و کاملتر، که با دست ساخته نشده بود، یعنی نه از این خلقت، و نه از خون بزها و گوساله‌ها، بلکه به واسطه خون خود، یک بار وارد مکان مقدس» (عبرانیان 12، 11، 8، 9:

پایان هفتاد هفته

همانطور که دیدیم، هفتاد هفته مربوط به 490 سال است. توجه داشته باشید که متن می‌گوید که آنها مصمم بودند ... "در مورد شهر شما". دانیال یهودی بود. شهر او اورشلیم بود. در پایان زمان مقرر، دوره‌ای که مخصوصاً به یهودیان اعطا شده بود به پایان می‌رسید و پیام انجیل از اورشلیم تبعید می‌شد.

هفته آخر دهه هفتاد با غسل تعمید عیسی آغاز می‌شد. او به مدت سه سال و نیم موعظه کرد و در وسط هفته در سال 31م. بعد از میلاد مسیح هنگامی که عیسی در حین خدمتش به شاگردان دستور داد تا انجیل را اعلام کنند، گفت: «بهرتر است به سراغ گوسفندان گمشده بروید. خاندان اسرائیل» (متی 10:6) این دستور با کلام نبوت همخوانی داشت. آنها در هفته آخر بودند، هفت سال گذشته اختلاف برای یهودیان. هنوز زمان آن بود که انجیل به شیوه‌ای خاص به آنها ارائه شود. آنها قوم برگزیده خدا بر روی زمین بودند. با این حال، عیسی پس از رستاخیز خود، به شاگردان خود اعلام کرد که به زودی موعظه پیام دیگر تنها به آنها محدود نخواهد شد: «بلکه وقتی روح القدس بر شما بیاید، قدرت خواهید یافت. و در اورشلیم و در تمامی یهودیه و سامره و تا اقصی نقاط جهان برای من شاهد خواهید بود.» (اعمال رسولان 1: 8) نقطه شروع برای موعظه انجیل به جهان، مرگ استفان بود. پس استفان را سنگسار کردند

در حال دعا گفت: خداوند عیسی روح مرا بپذیر. و به زانو افتاد و با صدای بلند فریاد زد: خداوندا، این گناه را بر آنها مگذار. با گفتن این حرف خوابش برد...
در آن روز آزار و اذیت شدیدی بر کلیسای اورشلیم برخاست. و همه به جز رسولان در نواحی یهودا و سامره پراکنده شدند...
پراکنده شدگان به همه جا رفتند و کلام را اعلام کردند.» (اعمال رسولان، 4:1، 8:59، 7:59)

استفان در سال 34 پس از میلاد درگذشت، دقیقاً زمانی که 490 سال یا هفتاد هفته پیش‌بینی شده در دانیال 9 به پایان رسید. سپس، واعظان انجیل توسط خود یهودیان از اورشلیم اخراج شدند. بدین ترتیب دوره ای که برای آنها به عنوان مردمی خاص جدا شده بود، به پایان رسید. نبوت محقق شد. لازم به ذکر است که زمان یهودیان نه با یک حکم خودسرانه از جانب خداوند، بلکه با انتخاب و عمل خود آنها به پایان رسید. آنگاه دعوتی که از آنان شد و رد شد، به تمام نقاط زمین کشیده شد. سالها بعد، پولس گزارش داد که انجیل «به همه موجودات زیر آسمان موعظه شده است» (کولسیان، 1:23)

هفتاد هفته (490 سال)

|-----|

حکم مرگ از

مسح عیسی

از اردشیر

در غسل تعمید کالواری استفان

|-----|-----|-----|

27 دی.

3487.

تا اینجای کار، این نبوت محقق شده است. این به ما اطمینان می دهد که تفسیر زمان درست است. بنابراین می توان به زمان تحقق نهایی 2300 عصر و صبح یقین داشت.

تا ساعت 2300 بعد از ظهر و صبح...

پس از گذشت هفتاد هفته، یا 490 سال از نبوت، 1810 باقی می ماند تا 2300 سال تمام شود:

$$2300 - 490 = 1810 \text{ سال.}$$

هفتاد هفته در سال 34 بعد از میلاد به پایان رسید، بنابراین، 2300 بعد از ظهر و صبح به پایان می رسد:

$$34d.C. + 1810 = 1844d.C.$$

پیشگویی اشاره می کند که در تحقق زمان چه اتفاقی می افتد: «تا دو هزار و سیصد شب و صبح و قدس پاک خواهد شد» (دان. 8:14).

فهرست از

اردشیر تا ساعت 2300 شب و صبح... تطهیر خواهد شد

|-----|

1844 و 57.

همانطور که قبلاً ذکر کردیم، دانش آموزان نبوت در زمان تحقق آن متوجه شدند که مکان مقدس سیاره زمین است. بنابراین، برای آنها، عیسی باید نزد او بازگردد تا او را در وقت مقرر با آتش پاک کند. آنها انتظار داشتند که او را در اینجا بر روی زمین شخصاً ملاقات کنند. به این سؤال که "کجا زندگی می کنید؟" که هزاران سال پیش توسط شاگردان پرسیده شد، آنها پاسخ دادند: "به زودی، در سال 1844، شما در اینجا روی زمین زندگی خواهید کرد". اما، مانند شاگردان، آنها به سمت ناامیدی پیش رفتند. ایمان او به شدت مورد آزمایش قرار خواهد گرفت. شاگردان او را با ایمان تا صلیب دنبال نکردند، زیرا امیدشان این بود که او را ببینند که بر تخت اسرائیل نشسته است، به عنوان پادشاهی موقت، یوغ رومیان را می شکند. به همین ترتیب، ایماندارانی که منتظر آمدن، یا ظهور مسیح بودند (از این رو «ادوتیست‌ها» نامیده می‌شوند)، با ایمان به قدس واقعی از او پیروی نکردند.

با توجه به آنچه تاکنون دیده ایم، آنها در مورد شمارش زمان حق داشتند. 2300 بعد از ظهر و صبح در واقع در سال 1844 به پایان رسید. با این حال، آنها نمی دانستند که استاد کجا خواهد بود، مکان مقدس واقعی کجاست.

در کتاب عبرانیان نازل شده است که عیسی «خدمت قدس و خیمه حقیقی است که خداوند آن را بنیان نهاد، نه انسان». «مسیح به قدسی که با دست ساخته شده بود وارد نشد... بلکه به خود آسمان وارد شد تا اکنون برای ما در حضور خدا ظاهر شود» (عبرانیان 8:2؛ 9:24). بنابراین عیسی در آن خدمت می کند به دست بشر ساخته نشده است، بنابراین از این زمین نیست. عیسی وارد بهشت شد. بنابراین می‌فهمیم که این مکان مقدس است. عبارت «حرم پاک می‌شود» به تطهیر این حرم در بهشت اشاره دارد. سؤال «کجا زندگی می‌کنی؟» که مؤمنان روزهای آخر، از سال 1844 به بعد، پرسیده‌اند، پاسخ خود عیسی را در کلام او دریافت می‌کند: «مسیح کاهن اعظم آمد... یک بار وارد محراب شد». (عبرانیان 12، 9:11، 12). پادشاهی را دریافت می کند تا بتواند برای بار دوم به زمین بیاید و آن را به فرزندانش بدهد. مکان مقدس جایی است که تخت خدا در آن قرار دارد (مکاشفه. 2، 1، 4).

پیامبر در رؤیا لحظه ای را دید که عیسی به تخت خدای ابدی می رود و در آنجا «قدیم الایام» نامیده می شود و پادشاهی را دریافت می کند: «من در رؤیاهای شبانه خود نگاه می کردم و اینک او در آنجا می آمد. ابرهای آسمان مانند پسر انسان آمدند و به قدیم الایام آمدند و او را به او نزدیک کردند و به او فرمانروایی و عزت و پادشاهی داده شد تا همه اقوام و ملل و زبانها او را خدمت کنند. فرمانروایی او فرمانروایی جاودانی است که از بین نمی رود و پادشاهی او تنها حکومتی است که نابود نمی شود.» (دان. 7:12، 13)

ما می دانیم که پس از دریافت پادشاهی، عیسی برای بار دوم به زمین خواهد آمد تا قدیسان خود را جستجو کند و میراث خود را با آنها تقسیم کند. از این رو می دانیم که عیسی تا زمانی که پادشاهی را از دست پدر دریافت نکند، در عبادتگاه خواهد ماند. او امروز در آنجا زندگی می کند. آنجاست که ما باید با ایمان به دعا برویم تا او را در نظر بگیریم و از حضور شخصی او شادی کنیم. ایمان واقعی با شنیدن کلام خدا به وجود می آید (روم).

(10:17) ما باید مکاشفه ای را که در کتاب مقدس در مورد قدس، و کار عیسی در آن آمده است، بدانیم، زیرا طرح رستگاری در حال پیشرفت است. بنابراین، ما ارتباط نزدیکتری با او خواهیم داشت تا هر کس دیگری روی زمین، زیرا با ایمان، همانطور که دوازده شاگرد در گذشته بودند، در جایی که او است، با او خواهیم بود.

دنیای مسیحیت می گوید او در بهشت است، مکانی به بزرگی یا بزرگتر از سیاره ما، اما بندگان خدا آدرس او را می دانند. کجا زندگی می کنید؟ آنها می شنوند "در حرم". در کتاب بعدی، در مورد مکانی که عیسی در آن زندگی می کند و کاری که او در آنجا از طرف ما انجام می دهد، آشنا خواهیم شد. خواهیم دید که حتی امروز چگونه کار می کند تا اطمینان حاصل کند که به زودی در بهشت با او خواهیم بود. ما این امتیاز را خواهیم داشت که خیلی نزدیک به استادمان راه برویم. بیا با هم برویم؟

فصل سوم - حقیقت بزرگ دوم: خانه از عیسی مسیح - پناهگاه آسمانی

عیسی پس از مرگ بر روی صلیب، 3 روز از بعد از ظهر جمعه تا صبح یکشنبه در قبر سپری کرد. سپس دوباره برخاست، به آسمان رفت، بازگشت، «به مدت چهار روز نزد ایشان دیده شد و از پادشاهی خدا سخن گفت...» سپس، «چون او را دیدند، او را بر فراز بلندی بردند و ابر او را پذیرفت و او را از چشمان آنها پنهان کرد. و چون به آسمان نگاه می کردند، چون او بالا می رفت، اینک دو مرد با لباس سفید در کنار ایشان ایستاده، به ایشان گفتند: ای مردان جلیلی، چرا ایستاده اید و به آسمان نگاه می کنید؟ این عیسی که از میان شما به آسمان برده شد، به همان صورتی که او را دیدید که به آسمان رفت، خواهد آمد.» اعمال رسولان 1-4، 9-11

عیسی با رسیدن به بهشت "پس به دست راست خدا تعالی یافت ... خداوند گفت: ... در دست راست من بنشین" اعمال رسولان 2:32-34 «پیروز شدم و با پدرم بر تخت او نشستم» (مکاشفه 3:21) پولس توضیح می دهد: «اکنون مجموع آنچه گفتیم این است که ما چنین کاهن اعظمی داریم که در بهشت در سمت راست تخت سلطنت نشسته است.

اعلیحضرت، وزیر عبادتگاه و خیمه حقیقی که خداوند آن را بنا کرد، نه انسان.» (عبرانیان 2، 8:1 عیسی پس از نشستن با پدر در بهشت، «وزیر قدس» شد. نه یک ساخته شده توسط انسان، بلکه خیمه واقعی که «خداوند بنیان نهاد، نه انسان.»

عیسی «در قدس آسمانی در دست راست پدر است.» قرن‌ها قبل از آمدن عیسی به زمین، خداوند به موسی دستور داد تا عبادتگاه اسرائیل را بسازد، نسخه‌ای از نسخه اصلی در بهشت، که به عنوان نمونه به او نشان داده شد: «به موسی هشدار داده شد و خیمه در شرف اتمام بود. زیرا گفته شد: بین، هر کاری را طبق الگوی که در کوه به تو نشان داده شده انجام بده. (عبرانیان 8:5) عبادتگاه روی زمین نوعی الگو بود، الگوی کوچکتر از آن واقعی در آسمانها، نسخه ای از الهی که به دست انسان ساخته شده بود تا او را در برنامه رستگاری آموزش دهد. مسیح پس از صعود به آسمان، وارد «بزرگترین و کاملترین خیمه، که با دست ساخته نشده است، یعنی از این خلقت نیست» (عبرانیان 9:11) بدین ترتیب با مطالعه حرم روی زمین، حرم در بهشت را می شناسیم.

کتاب مقدس عبادتگاه زمینی را چنین توصیف می کند: «در واقع، خیمه ای آماده شد که قسمت جلویی آن، که چراغدان و سفره و نمایش نان بود، مکان مقدس نامیده می شود. در پشت پرده دوم، خیمه ای بود به نام قدس القدس، که محراب طلایی برای بخور دادن به آن تعلق داشت و صندوق عهد کاملاً با طلا پوشانده شده بود، که در آن یک کوزه طلایی حاوی مانا، عصای هارون بود که شکوفا شده بود، و سفره های عهد؛ و بالای آن کروبیان جلال که با سایه خود کرسی رحمت را پوشانده بودند.

با این حال، در مورد این موارد، ما اکنون با جزئیات صحبت نمی کنیم.» عبرانیان 5-9: 1



شکل: خیمه موسی، با حرم در پس زمینه

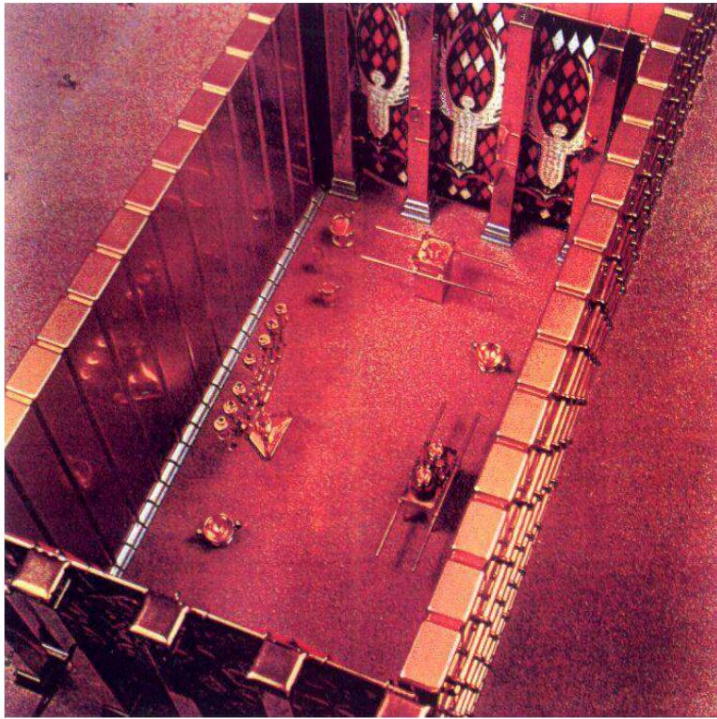
در محفظه اول حرم قرار داشت:

-چراغدان (آیه - 2) چراغدان هفت شاخه که در انتها چراغانی داشت که با روغن کار می کردند.

-سفره، و نان نمایش (آیه 2) که بر آن ایستاده بود.

-کتاب خروج می گوید که قربانگاه بخور هم وجود داشت: «و قربانگاهی برای بخور دادن بسازی... و آن را در برابر پرده ای که در مقابل تابوت شهادت است قرار خواهی داد». (Ex.30: 1، 6)

این محفظه "مقدس" پناهگاه زمینی بود. دومی "مقدس مقدس" یا مقدس ترین نامیده می شد. قسمت اول را از قسمت دوم جدا می کرد، پرده ای وجود داشت که به آن "پرده دوم" می گفتند. «آن سوی پرده دوم، خیمه ای بود که قدوس القدس نامیده می شود» (عبرانیان 9:3 شکل زیر مکان مقدس را با چیدمان مبلمان نشان می دهد:

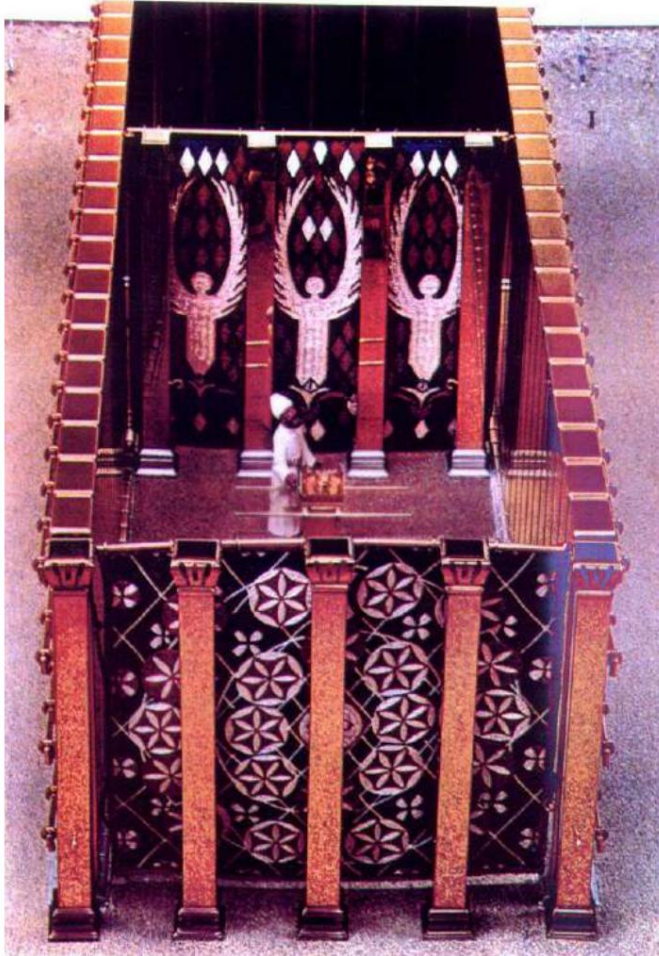


شکل - 1 عکس ماکت مکان «مقدس» حرم. در پس زمینه، پرده ای که مکان مقدس را از مقدس ترین مکان جدا می کند. در مقابل او، محراب عود. در سمت راست، میز با نان نمایشی. و در سمت چپ، لوستر با هفت لامپ آن.

توجه: شرح دقیق تری از اهمیت مبلمان حرم در پیوست 1 این کتاب ارائه شده است.

پشت پرده دوم مقدس ترین محفظه قرار داشت که «چشمه طلا و صندوق عهد دور تا دور آن را با طلا پوشانده بود.

ظرفی طلایی که حاوی مانا بود و عصای هارون که جوانه زده بود و میزهای عهد. و بر فراز تابوت کروبیان جلال بودند که بر کرسی رحمت سایه افکندند» عبرانیان 5، 4، 9:



شکل - 2 کشیش در کنار محراب بخور دادن، در مقابل حجاب دوم که مکان مقدس را از مقدس ترین مکان جدا می کند.

مسیح به آسمان رفت تا در قدس واقعی خدمت کند، که «بزرگتر» از قدس روی زمین «و کاملتر» است. دلیلش این است که «با دست ساخته نشده، یعنی از این خلقت نیست». او «خیمه حقیقی است که خداوند آن را بنیان نهاد و نه انسان» (عبرانیان 2: 8؛ 9: 11؛ آنجاست که او در دست راست پدر نشسته است، کار او چیست؟ معبد معمولی اسرائیل دارای «کاهنانی بود که هدایایی تقدیم می کردند»، «که نمونه و سایه چیزهای آسمانی هستند» (عبرانیان 5، 4: 8 خدمت کاهنان عبری روی زمین نمایانگر خدمت مسیح در آسمان بود. و به نفع گناهکاران خدمت می کردند، همانطور که در شریعت موسی دستور داده شده بود: «و اگر یکی دیگر از مردم زمین به اشتباه گناه کند و بر خلاف احکام خداوند عمل کند که نباید انجام شود، و بنابراین مقصر باشید یا اگر گناه او که در آن گناه کرده به او معلوم شود، برای قربانی خود یک بز ماده بی عیب بیاورد، برای گناهی که انجام داده است... اما اگر برای قربانی خود یک بز بی عیب بیاورد.

بره برای قربانی گناه، او آن را بدون عیب خواهد آورد. و دست خود را بر سر قربانی گناه خواهد گذاشت و آن را برای قربانی گناه در مکانی که قربانی سوختنی ذبح می شود، سر خواهد برد. سپس کاهن مقداری از خون قربانی گناه را با انگشت خود گرفته، آن را بر شاخهای مذبح قربانی سوختنی خواهد گذاشت. آنگاه تمام خون او بر پایه مذبح خواهد ریخت. و تمام چربی آن را خواهد برد، مانند چربی بره قربانی سلامتی. و کاهن آن را بر مذبح بر هدایای آتشین برای خداوند بسوزاند. پس کاهن به وسیله او کفاره گناهان او را که مرتکب شده است خواهد داد و گناه او آمرزیده خواهد شد.» (لاویان. 4:27، 28، 33-35)

گناهکار باید حیوانی را به عنوان قربانی گناه خود تقدیم کند. او «دستهای خود را بر سر قربانی گذاشت» (آیه 33) به گناه خود اعتراف کرد و آن را به او منتقل کرد. سپس "گلوی او را برید". بره ای که با گناه مرده بود نماینده مسیح بود که گناهان ما را بر عهده گرفت و در قربانگاه واقعی صلیب کالواری کشته شد. قیچیان، او دهان خود را باز نکرد... هنگامی که روحش کفاره گناه شود... بنده عادل، بسیاری را عادل خواهد کرد، زیرا گناهان آنها را به دوش خواهد کشید. (اشعیا 53: 6، 7، 10، 11).
(11، 10، 7، 6: 53 حیوان قربانی شده باید «بی عیب» باشد (آیه 28) همانطور که نشان دهنده مسیح است که گناه نکرد: «او کسی را که گناه نمی دانست برای ما گناه کرد» (دوم قرن تیان. 5:21) خود گناهکار "گلوی" قربانی را برید و تشخیص داد که از طریق گناه خود در مرگ پسر خدا مقصر بوده است. گناهان ما عیسی را کشتند، نه به خاطر میخ های دست و پای او، بلکه به خاطر رنج، به دلیل سنگینی گناهشان. مزمورنویس افکار مسیح را بر روی صلیب پیش بینی کرد: "من مانند آب ریختم ... قلب من مانند موم است و در درون من ذوب شده است." (مزمور 22:14) بنابراین، ما به اندازه یهودیان در قتل او مقصریم.



شکل - 3 نمای بیرونی خیمه زمینی، از جمله محراب قربانی، واقع در حیاط خارجی (در کتاب مقدس "دهلیز" نامیده می شود) که در آن حیوانات قربانی می شدند. "خیمه جماعت" با قسمت های مقدس و مقدس آن در پس زمینه ظاهر می شود.

هدف از این آیین نمادین این بود که ایمان عبادت کننده را به عشق عیسی نسبت به ما با مردن در جای خود و به عشق خدا برای پرداخت بهای گناه ما در قربانی شدن پسر یگانه خود هدایت کند: «عشق در اینجاست: نه این که ما خدا را دوست داشتیم، اما او ما را دوست داشت و پسرش را فرستاد تا کفاره گناهان ما باشد.» و ما عشقی را که خدا نسبت به ما دارد می دانیم و به آن ایمان داریم.» (اول یوحنا، 16، 10:4 تأمل با ایمان در این عشق که گناهکار را می بخشد، هدفش تغییر زندگی نمازگزار و هدایت او به زندگی هماهنگ با آن بود. این خودخواهی را از روح بیرون می کند و انسان را برمی انگیزد تا مانند مسیح زندگی کند: «زیرا محبت مسیح ما را محدود می کند و ما را این گونه قضاوت می کند که اگر یکی برای همه مرد، پس همه مردند. و او برای همه مرد، تا آنهایی که زنده اند دیگر برای خودشان زندگی نکنند، بلکه برای کسی که برای آنها مرد و دوباره زنده شد... پس اگر کسی در

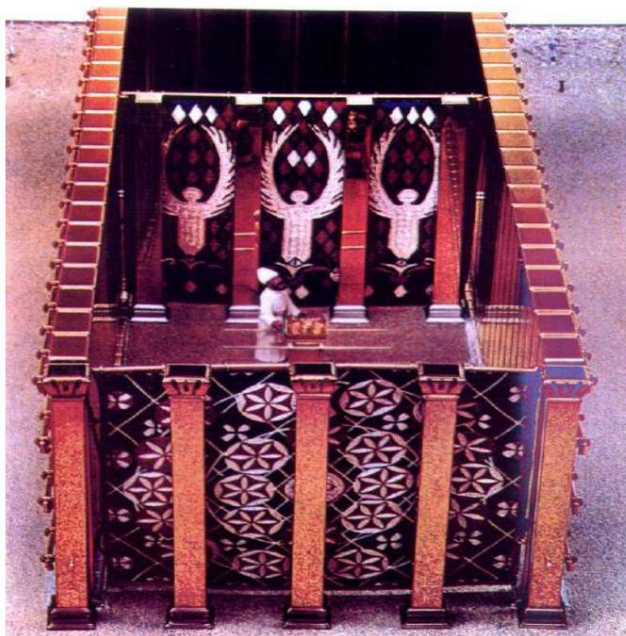
مسیح یک مخلوق جدید است: چیزهای قدیمی از دنیا رفته اند. بین همه چیز دوباره انجام می شود.»
«ای عزیزان، اگر خدا ما را چنین محبت کرد، ما نیز باید یکدیگر را دوست داشته باشیم» (اول یوحنا، 4:11 دوم فرنتیان، 17، 15، 14:5 در این تجربه جدید، با باقی ماندن در عشق خدا از طریق ایمان به مسیح، زندگی پرستنده با شریعت خدا هماهنگ خواهد شد: «زیرا محبت خدا این است که احکام او را نگاه داریم. و احکام او سنگین نیست.» (اول یوحنا، 3:4 گناهکار زندگی جدید را آغاز می کند تا بر روی این زمین زندگی کند، همانطور که مسیح زندگی می کرد، و تا زمانی که او باقی ماندن را انتخاب کند، با تمام آنچه از شریعت خدا می داند در هماهنگی کامل خواهد بود. انجام ده فرمان، راه رفتن در عشق خداست. و هر کس خدا را بالاتر از همه چیز و همسایه خود را مانند خود دوست داشته باشد، مطابق با اصلی است که اساس همه شریعت است. پولس نوشت: «در واقع: زنا مکن، نکش، دزدی نکن، شهادت دروغ بده، طمع نکن. و اگر فرمان دیگری باشد، همه در این کلمه خلاصه می شود: همسایه خود را مانند خود دوست بدار» (رومیان، 9:13)

اکنون به پناهگاه عبری برمی گردیم. هدف الهی این بود که به دنبال آیینی که در لایوان برقرار شد، گناهکار از تجربه واقعی با مسیح برخوردار شود -

برای اطاعت از احکام بنا براین، این آیین، موعظه انجیل در شکل بود. آنچه امروز در مورد قربانی صلیب و طرح رستگاری با خواندن عهد جدید و قدیم می آموزیم، در نمادهایی برای پرستندگان اسرائیلی مثال زده شد.

توالی مراسمی که در لایوان برای آمرزش گناه ایجاد شد، اسرائیلی ها را هدایت کرد و امروز ما را به این درک می رساند که کار عیسی از طرف ما بر روی صلیب ختم نشده است: «اگر کل جماعت اسرائیل خطا کنند... اگر بر خلاف دستورات خداوند، کاری را انجام می دهند که نباید انجام شود... گوساله در حضور خداوند ذبح خواهد شد. سپس کاهن مسح شده مقداری از خون گاو را به خیمه ملاقات خواهد آورد. و کاهن انگشت خود را در آن خون غوطه ور کند و آن را هفت بار در حضور خداوند در مقابل پرده بپاشد.» لایوان، 17-15، 13:4 کشیش خون قربانی را گرفت و روی پرده دوم محراب که قسمت های مقدس و مقدس را تقسیم می کرد، پاشید. بدین ترتیب گناهی که گناهکار بر قربانی قربانی اعتراف کرده بود به حرم منتقل شد. شکل زیر الف را نشان می دهد

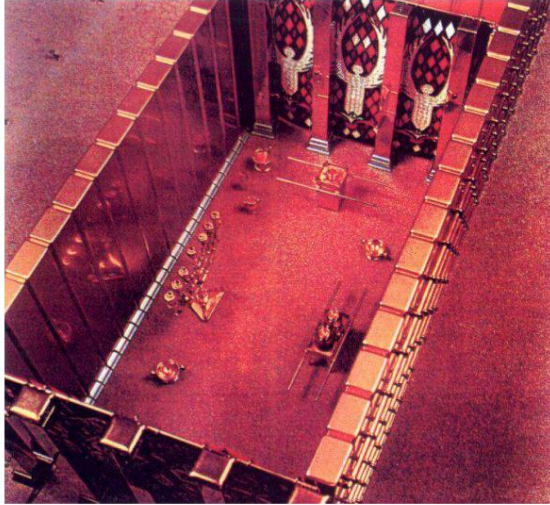
کشیشی که در داخل مکان مقدس، نزدیک پرده دومی که خون روی آن پاشیده شده بود، قرار داشت:



شکل - 4 کشیش در کنار محراب بخور دادن، در مقابل حجاب دوم قرار گرفته است

عیسی با به انجام رساندن آنچه در این مراسم از پیش ترسیم شده بود، کار خود را به عنوان یک کشیش به نفع گناهکاران در قدس آسمانی آغاز کرد و شروع به عمل به عنوان یک شفیع کرد. پولس در زمان خود نوشت: «میان خدا و انسانها میانجی وجود دارد، مرد عیسی مسیح» (اول تیم. 2:5) زیرا که هر کاهن اعظم، که از میان مردم گرفته شده است، برای مردم در امور خدا منصوب می‌شود تا هدایا و قربانی‌هایی برای گناهان تقدیم کند، و بر جاهلان و گمراهان دلسوزی کند، زیرا خود در اطراف ضعف احاطه شده است. ... همینطور مسیح... که توسط خدا کاهن اعظم خوانده شده است» (عبرانیان. 10، 5، 2، 1: 5)

کار حمل گناه به حجاب دوم در محفظه «مقدس» حرم انجام شد. کشیش به پرده نزدیک شد و خون را روی آن پاشید. در بهشت نیز این گونه است. پس از رستاخیز، مسیح شروع به خدمت در بخش «مقدس» معبد آسمانی کرد. یحیی او را در کنار هفت شمعدان طلائی دید که نمایانگر آن شمعدان معبد زمینی بود که در مکان «مقدس» بود: «من در روح بودم... و برگشتم تا بینم چه کسی با من صحبت می‌کند. و چون برگشتم، هفت شمعدان طلائی را دیدم. و در میان هفت شمعدان، یکی مانند پسر انسان» Apoc. 1:10.12.13.



شکل - 5 شمعدان ها (شمعدان ها) در مکان مقدس حرم قرار داشتند (سمت چپ در شکل)

درست همانطور که کاهن خون را با گناه اعتراف شده به محراب برد و آن را روی پرده دوم پاشید، عیسی با ورود به عبادتگاه آسمانی شروع به ارائه شایستگی های قربانی خود به خدا به نفع گناهکاران توبه کرد. گناهان با کار کشیش به محفظه "مقدس" محراب منتقل شد. همین امر در واقعیت طرح رستگاری نیز رخ خواهد داد. بخشش در کنار گناهانی که توسط مردان در قدس بهیستی اعتراف می شود، ثبت می شود. کتاب مقدس نشان می دهد که هر انسانی کتابی دارد که در آن آثار او ثبت شده است - خوب و بد: "قضاوت نشست و کتاب ها گشوده شد."

(دان. 7:10) «و مردگان بر اساس آنچه در کتاب نوشته شده بود داوری شدند کتابها با توجه به آثارشان.» (مکاشفه 20:12) خداوند می گوید: «اینک در حضور من نوشته شده است... گناهان شما و پدرانان با هم.» (اشعیا 65:5، 6) «خداوند ناظر است و می شنود. و یادگاری در پیشگاه او نوشته شده است برای آنانی که از خداوند می ترسند و نام او را به یاد می آورند» (مالزی 3:16) بخشش در این کتاب ها ثبت شده است. با این حال، گناهان بلافاصله پاک نمی شوند. در محراب روی زمین، بخشش قطعی گناه تنها پس از انجام کاری به نام «کفاره» از سوی کشیش به دست می آمد.

«و کاهن از خون قربانی گناه با انگشت خود گرفته، آن را بر شاخ های مذبح بگذارد... و کاهن برای گناه او کفاره خواهد کرد برای او آمرزیده خواهد شد.» (Lev. 4: 25, 26) (نسخه کینگ جیمز -

انگلیسی).

این نیز نمونه کار مسیح بود. آموزش قطعی گناهان زمانی حاصل می شود که عیسی کار کفاره را انجام دهد. تا آن زمان، گناهان همه در پرونده باقی می ماند. و چه زمانی او این کار مهم را انجام خواهد داد؟ جایی که؟ چگونه انجام می شود؟

در کتاب بعدی این مجموعه توضیح خواهیم داد.

کتاب - 4 حقیقت بزرگ سوم: عیسی اکنون از جانب من چه می کند؟

کفاره

«سپس خداوند به موسی گفت: «به برادرت هارون بگو که همیشه در داخل پرده، در مقابل صندل رحمتی که بر روی تابوت است، داخل محراب نرود... با این کار هارون به محراب وارد خواهد شد: با یک گاو برای کفاره... و کاهنی که مسح می شود و به جای پدرش تقدیس می شود کفاره را بجا آورد... و این برای شما حکمی برای همیشه خواهد بود تا برای بنی اسرائیل کفاره بدهید. از تمام گناهان آنها، سالی یک بار» (لاویان، 34، 32، 3، 2:16)

کاهن اعظم باید فقط در روز کفاره وارد قدس، در داخل حجاب شود. این اصطلاح مربوط به گناهان است، زیرا همانطور که می خوانیم کاهن اعظم باید برای تمام گناهان خود کفاره می داد. در همین باب، شرح آنچه این کار شامل آن بود، می یابیم: «پس به سبب پلیدی بنی اسرائیل و گناهانشان، برحسب تمام گناهانشان، برای حرم کفاره خواهد کرد... و پاک خواهد کرد. آن را از پلیدی بنی اسرائیل» (لاویان، 19، 16:16)

در هر روز از سال، گناهکاران برای گناهان خود قربانی می کردند و از طریق خون قربانیان به صورت نمادین به داخل محراب منتقل می شدند. او آلوده به گناهان دریافت شده بود. سپس، «یک بار در سال» (آیه، 34) کفاره یا «تطهیر» حرم انجام شد. همانطور که از نام آن پیداست، در این روز حرم از گناهان پاک شد.

این مراسم تعلیم می داد که کسانی که در آن روز روح خود را آزار نمی دهند و خود را برای بهره مندی از کار کفاره آماده می کنند، از بین مردم حذف می شوند: «این روز کفاره است تا برای شما در حضور خداوند کفاره بدهم. خدای تو زیرا هر کس که در آن روز غمگین نشود از قوم خود منقطع خواهد شد» (لاویان، 29، 23:28). این نشان می دهد که فرصت محو گناهان در این روز به پایان رسیده است. شانس دومی وجود نداشت. کفاره آخرین کار کاهن اعظم از طرف گناهکاران بود.

سال مذهبی عبری نشان دهنده کار مسیح در طرح رستگاری بود. همانطور که معبد روی زمین یک بار در سال تطهیر می شود، مکان مقدس در بهشت نیز تنها یک بار در طول طرح رستگاری پاک می شود. و به پیروی از آنچه بر روی زمین انجام شد، عیسی از محفظه «مقدس» قدس آسمانی خارج می شود و به «اقدس القدس» می رود تا این کار را آغاز کند. این آخرین چیزی است که مسیح به نفع مردم انجام داد. در زمان کفاره است که باب فضل و بخشش برای همیشه به روی مردان بسته می شود. قبل از طوفان، درب کشتی نوح بسته شد و سرنوشت درون و بیرون را رقم زد. مثل این

این نیز در کفاره خواهد بود: در زمانی که خداوند شناخته شده است، رحمت، که برای مدت طولانی تحقیر شده است، دیگر با مردان گناهکار دعا نخواهد کرد. دوره فیض اعطا شده به مردم پایان می یابد و دوره قضاوت های انتقام جویانه آغاز می شود. هفت بلای آخر آخرازمان سپس آغاز خواهد شد، بلاهایی که بشر هرگز تجربه نکرده است، آنقدر وحشتناک که هستند.

برای ما بسیار جالب است که بدانیم عیسی چه زمانی کار کفاره را آغاز خواهد کرد، زیرا در این صورت خواهیم دانست که او چه زمانی به قدس وارد خواهد شد. همچنین خواهیم دانست که آیا آخرین مرحله طرح رستگاری از قبل آغاز شده است یا خیر و آیا به پایان زمان فیض نزدیک می شود. پیشگویی که ما در کتاب 2 مطالعه کردیم می گوید: «تا دو هزار و سیصد شب و صبح، و قدس پاک خواهد شد» (دان. 8:14). همانطور که دیدیم، در 22 اکتبر 1844 انجام شد. در این تاریخ بود که عیسی کار تطهیر یا کفاره مقدس را آغاز کرد. همانطور که در مقدس ترین ها انجام می شود، می دانیم که عیسی در این تاریخ به آنجا وارد شد.

تطهیر خلق الله

در مراسم معمولی، بنی اسرائیل در روز کفاره از همه گناهان پاک شدند: «در آن روز برای شما کفاره داده می شود تا شما را پاک کند. و از تمام گناهان خود در حضور خداوند پاک خواهی شد.» (لاویان 16:30) گناهایی که در طول سال اعتراف کردند تا آن روز در محراب باقی ماندند. سپس، همانطور که مصمم شد، کاهن اعظم پس از «کفاره قدس و خیمه ملاقات و قربانگاه» گناهان را بر بز گذاشت: «بز را زنده خواهد آورد. و هارون هر دو دست خود را بر سر بز زنده بگذارد و به تمام گناهان بنی اسرائیل و همه گناهانشان برحسب تمام گناهانشان اعتراف کند. و آنها را بر سر بز می گذارد و به دست مردی که برای آن منصوب شده است به بیابان می فرستد. پس آن بز تمام گناهان آنها را به سرزمین تنهایی خواهد برد. و آن مرد بز را به بیابان خواهد فرستاد.»

(لاویان 16:20-22) گناهان را از حرم بیرون آوردند و روی بز گذاشتند.

به این ترتیب، عبادتگاه پاک بود و به پرستندگان اسرائیلی اطمینان داده شد که گناهانشان پاک شده است. این سرویس «تمثیلی برای زمان حال بود...»

اما هنگامی که مسیح، کاهن اعظم چیزهای خوب آینده، از خیمه بزرگتر و کاملتر آمد، که با دست ساخته نشده بود، یعنی نه از این خلقت، و نه از خون بزها و گوساله ها، بلکه به خون خود او، او یک بار به محراب وارد شد» (عبرانیان 12، 11، 9:9) او برای گناهان تمامی اسرائیلیان واقعی کفاره خواهد کرد. و بیایید در اینجا گیج نشویم: کتاب مقدس می آموزد که کسانی که به خود اجازه می دهند توسط روح مسیح هدایت شوند و تسلیم نفوذ او هستند، امروز اسرائیلی ها و یهودیان به حساب می آیند:

«همه کسانی که از اسرائیل هستند اسرائیلی نیستند. و نه چون آنها از نسل ابراهیم هستند، همگی فرزندان نیستند.» (زیرا او که ظاهراً یکی باشد یهودی نیست و کسی که ظاهراً در بدن یکی باشد ختنه نشده است. اما او یهودی است که در باطن است و ختنه آن چیزی است که در دل است، در روح، نه در نامه، که ستایش آن از جانب انسان نیست، بلکه از جانب خداست.» (روم. 29، 28:2، 7؛ 9:6 این آنها، کسانی هستند که توسط روح هدایت می شوند، که از مزایای روز کفاره بهره مند می شوند. آنها ممکن است هرگز وارد یک کلیسا نشده باشند. اما اگر صدای وجدان را که صدای مسیح است، به وسیله روح شنیده و اطاعت کرده باشند، به عنوان صدای مسیح به حساب می آیند. همانطور که پولس در رومیان می گوید: "زیرا وقتی غیریهودیان شریعت ندارند، طبیعتاً کارهایی را انجام می دهند که از شریعت است ... آنها کار شریعت را نشان می دهند.

شریعت مکتوب در قلب او و وجدان و افکار او شهادت می دهد، چه آنها را متهم کند و چه از آنها دفاع کند، در روزی که خدا بر اساس انجیل من به وسیله عیسی مسیح مردم را داوری خواهد کرد.» (رومیان. 16: 14-2)

در مراسم معمولی، مراسم روز کفاره فقط به نفع بنی اسرائیل و خارجیانی که به قوم اسرائیل پیوسته بودند انجام می شد. این بدان معناست که در طرح بزرگ رستگاری، تنها کسانی که یک بار تسلیم هدایت روح او شده اند، در روز بزرگ کفاره مورد بررسی قرار خواهند گرفت. قضایای اشرار در فرصتی دیگر جداگانه بررسی می شود. پس از آمدن دوم مسیح (به مکاشفه 15-11: 20 مراجعه کنید).

پرداخت متناسب برای آثار

با بازگشت به مراسم معمولی، بزی که گناهان بر روی آن گذاشته شده بود قربانی نشد: «آن بز تمام گناهان خود را به سرزمین تنها خواهد برد. و آن مرد بز را به بیابان خواهد فرستاد» (لاویان. 16: 22) بنابراین، او باید نماینده کسی باشد که برای ما نمرده، بلکه مجازات گناهان ما را متحمل خواهد شد. آخرالزمان راز را آشکار می کند. یوحنا گزارش می دهد که او اژدها را که نماد شیطان است (Apoc. 12: 9) به رنگ قرمز دید: "و علامت دیگری در آسمان دیده شد و اینک اژدهای قرمز بزرگی بود" (Apoc. 12: 3) در کتاب مقدس، قرمز نماد گناه است: "اگرچه گناهان شما ... قرمز مانند قرمز است" (اشعیا 1: 18) بنابراین، اژدهای قرمز نشان دهنده شیطان است که گناهان را بر عهده گرفته است. بنابراین او قربانی است. عیسی، در کار خود به عنوان کاهن اعظم، سرانجام به گناهان مقدسین در برابر او اعتراف خواهد کرد. او مردان را فریب داد و به دروغ شخصیت خدا را نشان داد و آنها را به همراهی او در تخطی از ده فرمان هدایت کرد.

با این حال، هنگامی که محبت خدا را در قربانی شدن پسرش برای نجات خود مشاهده کردند، شخصیت واقعی او را دیدند و از طغیان خود علیه شریعت او پشیمان شدند. آنها به گناهان خود اعتراف کردند و با اطاعت پیش رفتند. سپس نشان داده می شود که اگر از قبل شخصیت واقعی خدا را می دانستند، هرگز گناه نمی کردند. بنابراین مقصر واقعی گناهان شما شیطان است.

وقتی گناهان از حرم در بهشت برداشته شوند، عادلانه بر عهده شیطان قرار می گیرند، که باید به نسبت آنها مجازات دریاچه آتش را بپردازد. این بدان معنا نیست که ما با مرگ شیطان نجات خواهیم یافت. از آنجایی که «مزد گناه مرگ است»، عیسی جاننشین ما شد و به جای ما درگذشت (روم. 6: 23) اما عدالت خدا مستلزم آن است که هر فرد «بر اساس اعمال خود» پاداش بگیرد (مکاشفه. 22: 12) بنابراین، نرون باید مجازات شدیدتر از یک مرد معمولی را تحمل کند که اگرچه نجات ارائه شده توسط خدا را نپذیرفت، اما بسیاری از مردان را نکشت. در همین راستا، گناهان شائول، که مسیحیان را آزار می داد، می کشید و مجبور می کرد تا قبل از تبدیل شدن به دین اسلام به کفر گفتن بپردازند، از گناه پطرس، یعنی بریدن گوش ملخوس، یکی از اعضای گروهی که مسیح را دستگیر کردند، جدی تر بود.

هر دو گناه کردند، اما در حالی که یکی با دفاع از مسیح این کار را انجام داد، دیگری با آزار و اذیت و قصد نابودی مسیح این کار را انجام داد. معلوم شد که هم لطف خدا را پذیرفتند و هم نجات یافتند. اما باز هم باید متناسب با آثارشان پرداختی وجود داشته باشد. اگر از یک سو، هر دو باید بمیرند، از سوی دیگر، شائول بیشتر از پیترو در آتش می سوخت - به نسبت کارهای او. این مجازات متناسب، هر که باشد

با شیطان روبرو خواهد شد قربانی برای نجات، مرگ مسیح بود. به نسبت شدت اعمال شیطانی اولیای الهی، شیطان پرداخت می کند.

موارد فوق بر اساس مکاشفه ای از کتاب مقدس است که اعمال شیطانی هیزمی برای آتش محکومیت است: «اگر کسی... ساختمانی از چوب، یونجه، کاه بسازد، کار هر انسان آشکار خواهد شد. همانا روز آن را اعلام می کند، زیرا با آتش کشف می شود. و آتش ثابت می کند که کار هرکس چیست... اگر کار کسی بسوزد، زیان خواهد دید.» گناه بدکاران هیزمی خواهد بود که آنها را در آتش ننگه می دارد. وقتی سوخت تمام شود، می میرند و خاکستر می شوند. بنابراین، شیطان بیشتر می سوزد. اما سرانجام، همه «خاکستر» خواهند شد (اول قرن تیان؛ 12، 13؛ 3: 1-4).

آتش ابدی؟

کتاب مقدس بیان نمی کند که شیطان در حال حاضر، امروز، در مکانی پر از شعله ها به نام جهنم است. این به زمانی اشاره می کند که در آینده مجازات خود را دریافت خواهد کرد: "ای کروی محافظ، تو را در میان سنگ های آتشین هلاک خواهم کرد" (حزقی). (28:16 سپس او را می سوزانند. خداوند در آیه 18 از این روز صحبت می کند که شیطان نابود می شود: «مقدس خود را بی حرمت کردید. پس از میان شما آتشی بیرون آوردم و شما را در نوردید و شما را در نظر همه کسانی که شما را دیدند به خاکستر روی زمین تبدیل کردم» (حزق).

(28:18) با توجه به اینکه خود شیطان فقط در آینده می سوزد، می فهمیم که امروز هیچ انسانی نیست که در جهنم می سوزد. مجازات دریاچه آتش تنها پس از قضاوت نهایی اجرا می شود. عیسی گفت: «و هنگامی که پسر انسان در جلال خود و همه فرشتگان با او بیایند، آنگاه بر تخت جلال خود خواهد نشست. و همه امتها در حضور او جمع خواهند شد و او آنها را از یکدیگر جدا خواهد کرد، همانطور که شبان گوسفندها را از بزها جدا می کند. و گوسفندها را در دست راست و بزها را در سمت چپ خود قرار خواهد داد... سپس به کسانی که در سمت چپ او هستند نیز خواهد گفت: ای ملعون از من خارج شوید به آتش جاودانی که برای شیطان و فرشتگانش آماده شده است. " (متی). (25:31-33، 41) یوحنا که در آینده به همین منظره فکر می کرد، گفت: «و تخت بزرگ سفید و آن را دیدم که بر آن نشسته بود که زمین و آسمان از حضور او گریختند و جایی برای آنها یافت نشد. و مردگان بزرگ و کوچک را دیدم که در برابر تخت ایستاده بودند و کتابها گشوده شد. و کتاب دیگری گشوده شد که کتاب زندگی است. و مردگان بر حسب آثارشان بر اساس آنچه در کتابها نوشته شده بود داور می شدند. و دریا مردگانی را که در آن بودند تسلیم کرد. و مرگ و جهنم مردگانی را که در آنها بودند، بخشیدند. و هر کدام بر حسب اعمال خود داور می شدند... و هر که در کتاب حیات مکتوب یافت نشد به دریاچه آتش افکنده شد» (مکاشفه). (20:11-15) «سپس مرگ و جهنم در دریاچه آتش افکنده شد.

این مرگ دوم است، دریاچه آتش» - (Apoc. 20:14) نسخه آمریکایی تجدید نظر شده و به روز شده). توجه: دریاچه آتش مربوط به مرگ دوم است. بنابراین کسانی که در آن انداخته می شوند خواهند مرد. آنگاه شیرین «چنان خواهند بود که گویی هرگز نبوده اند» (هر دو). (1:16)

با بازگشت به کفار، همانطور که در مراسم معمولی رخ داد، جایی که کشیش به گناهان خود بر روی بز اعتراف کرد، مسیح، کاهن اعظم، قدس را ترک خواهد کرد.

گناهان خود را با او حمل کنید و آنها را نزد شیطان اعتراف کنید. سپس گناهان مقدسین برای همیشه از سوابق حرم آسمانی پاک می شود. اما خداوند می گوید که ما "مقدس خدا" در اول قرن 3:16 هستیم. آن گاه که گناهان از حرم پاک شوند، از حافظه ما نیز پاک می شوند: دیگر گناهان را به یاد نمی آوریم. و خداوند آنها را به یاد ما نخواهد آورد، زیرا وعده داده است: «و این عهد و پیمان من با آنان خواهد بود، هنگامی که گناهانشان را بردارم».

خداوند می گوید: «زیرا این عهدی است که پس از آن روزها با خاندان اسرائیل خواهم بست، قوانین خود را در فهم ایشان خواهم گذاشت و آنها را در دل ایشان خواهم نوشت. و من خدای آنها خواهم بود و آنها قوم من خواهند بود... من به گناهان و گناهان آنها و گناهان آنها رحم خواهم کرد و دیگر به یاد نخواهم آورد.

(روم. 11:27؛ عبرانیان 12:10، 8:10؛ آمرزش قطعی گناهان داده می شود.

بخشش قطعی

بسیاری تعلیم می دهند که آمرزش قطعی گناهان بر روی صلیب کالواری داده شد. بنابراین، آنها جمعیت را به این باور سوق می دهند که صرف نظر از اینکه رفتار آنها پس از پذیرش عیسی به عنوان نجات دهنده خود چقدر بد بوده است، بهشت خانه آنهاست. در نتیجه این فریب، ظلم و ریا در کلیساها مانند مخمر در خمیر عمل می کند و گناهان با اعتلای شریعت خدا در منبرها مورد سرزنش قرار نمی گیرند و وضعیت اخلاقی آنها را بیش از پیش بدتر می کند. با این حال، کتاب مقدس تعلیم می دهد که بخشش قطعی تنها در پایان کار کفاره داده می شود: "کاهن برای او کفاره گناه او را خواهد داد و او بخشیده خواهد شد." (لاویان 4:26) رسولان خود مسیح، که حقیقت را مستقیماً از او آموختند، تعلیم دادند که بخشش نهایی چیزی است که در آینده، در روز کفاره بدست می آید. پولس، عادل شمرده شدن از طریق ایمان را توضیح داد: «عادلان عادل شدن به واسطه فیض او، از طریق فدیة ای که در مسیح عیسی است، که خدا او را به واسطه ایمان به خون خود برای کفاره قرار داد» (رومیان 3: 24، 25)؛ پولس در اینجا به مراسم عبادتگاه اشاره کرد. این بیان می کند: "و کاهن برای آنها کفاره خواهد کرد و گناه آنها آمرزیده خواهد شد." (لاویان 4:20) سپس گناهان از دفاتر محو می شود و آمرزش نهایی می شود. مزمور سرای گفت: «بر اساس محبت تو. با توجه به کثرت رحمت خود، گناهان مرا محو کن.» (مصور 51:1) گناهان به طور قطعی پاک می شوند، نه با صلیب، بلکه با کار کفاره ای که توسط خدمت کاهنی مسیح انجام می شود. در روز کفاره کفاره شد. این نام را به این دلیل دارد که بر کرسی رحمت انجام می شود که در محراب عبرانیان فضای آزاد بالای صندوق عهد و زیر بال های فرشتگان پوشاننده بود. در واقع نشان دهنده عرش خداست. کتاب مقدس تعلیم می دهد: «به برادرت هارون بگو که همیشه در داخل پرده، جلوی کرسی رحمتی که روی تابوت است، وارد قدس نگردد» (لاویان 16:2)



شکل - 1 صندوق عهد و محتویات آن. صندل رحمت، فضایی است بین درب کشتی و بالهای فرشتگان پوشاننده، جایی که جلال خداوند شکینه در آنجا تجلی یافت. -نشانی ایجاد کنید که نشان دهد ملک متعلق به کجاست.

کفاره کار شفیع است که برای گناهان مردان استغفار می کند تا به طور قطعی محو شود. هنگامی که بنی اسرائیل در پرستش گوساله طلایی از موسی تعجب کردند، او به آنها گفت: «گناه بزرگی مرتکب شدید. اما اکنون نزد خداوند بالا خواهیم رفت. شاید کفاره گناهت را بکنم. پس موسی نزد خداوند بازگشت و گفت: اکنون این قوم مرتکب گناه بزرگی شده که برای خود خدایان طلا ساخته است. اکنون گناه آنها را ببخش. اگر نه، لطفاً مرا از کتابتان که نوشته‌اید پاک کنید.» (معادل. 32:30-32)

عیسی، کاهن اعظم ما، پس از ورود به مقدّسات، کفاره می‌کرد - برای قوم خود طلب آمرزش قطعی می‌کرد. پولس به این کار اشاره کرد زمانی که نوشت: «به فیض او عادل شمرده می‌شویم، از طریق فدیهای که در مسیح عیسی است، که خدا او را برای کفاره به واسطه ایمان به خون خود قرار داد» (رومیان. 3: 24، 25)

حتی در آن زمان، او موعظه می کرد که بخشش قطعی، محو گناه، در آینده نصیب مؤمنان خواهد شد. یوحنا رسول نیز از طریق کار کفاره بخشش آینده را موعظه کرد: "در اینجا عشق است، نه اینکه ما خدا را دوست داشتیم، بلکه او ما را دوست داشت و پسر خود را فرستاد تا کفاره گناهان ما باشد." (اول یوحنا. 4:10)

پولس توضیح داد که ایمانداران در زمان رسولان از لحظه ای که ایمان آوردند، برکت بخشش (توجیه) را دریافت کردند، اگرچه بخشش نهایی قرن ها بعد در کفاره حاصل می شد. او برای نشان دادن این حقیقت، مثال ابراهیم را که مدت ها قبل از باردار شدن سارا از اسحاق «پدر امت های بسیار» نامیده می شد، ذکر کرد: «بنابراین این به ایمان است... تا این وعده برای همه آیندگان استوار باشد. که از ایمان ابراهیم است که پدر همه ماست (چنانکه نوشته شده است: تو را پدر امتهای بسیار قرار دادم) قبل از او که به او ایمان آورد... خدایی که مردگان را زنده می کند و چیزها را می خواند. که انگار قبلا بوده اند نیست.» (روم. 4:17) برای خدایی که آینده را می‌خواند، ابراهیم از زمانی که به او وعده داده بود، پدر مؤمنان بود. به همین ترتیب، انسان می‌تواند با ایمان به وعده، نعمت بخشش قطعی را مدت‌ها قبل از اینکه واقعاً آن را دریافت کند، ببیند. از زمان پذیرش عیسی، او خود را از احساس گناه رها و در برابر قانون بی گناه می بیند. کسانی که قبل از 1844 سالگی که کار کفاره آغاز شد، ایمان آوردند، در این ایمان مردند.

آخرین نسل

کسانی که در زمانی زندگی می کنند که عیسی در شرف تکمیل کفاره است، برکت بخشش قطعی «در زندگی» را دریافت خواهند کرد. اگر عیسی گناهان آنها را که در بهشت ثبت شده بود پاک می کرد و آنها به ارتکاب گناهان در زمین ادامه می دادند، باید به پرونده آنها باز می گشت تا دوباره برای آنها شفاعت کند و آنها را پاک کند و این یک دور باطل خواهد بود -مرد کثیف می شود و عیسی پاک می شود. بنابراین، تا زمانی که این نسل از گناهکاران زنده بودند، عیسی باید در مقدس ترین مکان باقی می ماند تا دائماً گناهان آنها را محو کند.

اما عیسی وعده داد که مقدس ترین را ترک کند و به زمین بیاید تا کلیسای خود را جستجو کند. او گفت: «دوباره خواهیم آمد و شما را نزد خود خواهیم برد» (یوحنا 14: 3). پس باید گروهی باشند که به حدی برسند که دیگر مرتکب گناه نشوند. یوحنا نبی این گروه را در رؤیا دید: «و دیدم که بره ایستاده بر کوه صهیون و با او یکصد و چهل و چهار هزار نفر که نام او و نام پدرش بر پیشانی ایشان نوشته شده بود، دیدم. کسانی هستند که بره را هر کجا که می رود دنبال می کنند... هیچ فریکاری در دهان آنها یافت نشد. زیرا آنها بی عیب هستند» (مکاشفه 4، 14:1). آنها نام پدر را دارند، به این معنی که آنها شخصیت پدر آسمانی را دارند، همانطور که بچه ها وقتی به دنیا می آیند ویژگی های شخصیتی والدین خود را روی زمین دارند. آنها بره را هر کجا که می رود دنبال می کنند -

زیرا با ایمان بزه ای را که برای ایشان ذبح شده بود، به مقدس ترین مکان تعقیب کردند. در آنجا در کار او تأمل کردند که از طریق محاسن خون او بخشش قطعی گناهانشان را به آنها بخشید و آنها را از وجدانشان پاک کرد. آنها با همکاری با عیسی در حالی که کفاره می کردند، با ایمان، با احساسات گناه و جسمی که در آنها وجود داشت، مبارزه می کردند، کاملاً پاک شدند. بنابراین، اینها، مرکز و چهل و چهار هزار نفر، متعلق به نسلی هستند که بازگشت عیسی را خواهند دید، زیرا برای آن آماده خواهند شد. بدون گناه، آنها می توانند در حضور خدای مقدس بدون شفیع زندگی کنند.

هنگامی که مسیح قدس را ترک می کند و به زمین می آید، هنگامی که دیگر در حضور پدر نیست تا گناهکاران را شفاعت کند، آنها بی عیب خواهند بود و در انتظار او خواهند بود. آنها کلیسای خالص مقدسین زنده خواهند بود که آماده ترجمه به بهشت بدون دیدن مرگ هستند: «و من صدای جمعی عظیم و مانند صدای آبهای بسیار و مانند آن صدا را شنیدم. از رعدهای بزرگ که گفت: هاللوویا! در حال حاضر خداوند، خدای قادر مطلق، سلطنت می کند. بیایید شادی کنیم و خوشحال باشیم و او را جلال دهیم، زیرا ازدواج بره فرا رسیده است و همسرش خود را آماده کرده است. و به او داده شد تا لباس کتان نازک و تمیز و روشن بپوشد. زیرا کتان نازک عدالت مقدسین است» (مکاشفه 6-8: 19)

صد و چهل و چهار هزار نفر تنها کسانی نیستند که در زمان کفاره نجات می یابند. کتاب مقدس اعلام می کند که بسیاری در زمان آخر نجات یافته خواهند بود: «و صدایی از آسمان شنیدم که به من می گفت: بنویس: خوشا به حال مردگانی که از این پس در خداوند می میرند. آری، روح می گوید، تا از زحمات خود آسوده باشند و اعمالشان به دنبال آنها بیاید.» (مکاشفه 14:13) اما در میان همه نجات یافته ها، یکصد و چهل و چهار هزار نفر تجربه پدر را خواهند داشت - آنها هرگز نخواهند مرد - بنابراین نام پدر را بر پیشانی خود خواهند داشت.

خداوند گناهان را از حافظه ما پاک خواهد کرد

از طریق کار کفاره، مردم از گناهان پاک شدند. همچنین در طرح رستگاری. عیسی کفاره را انجام می دهد - به عنوان شفیع، از خداوند برای مؤمنان طلب آمرزش قطعی می کند، به واسطه شایستگی های خون خود. خداوند عطا می کند و گناهان مؤمنان چه از حرم بهشت و چه از وجدانشان پاک می شود. کتاب عبرانیان توضیح می دهد که این حقیقت روحانی بود که نمونه آن کار کاهن در پاشیدن خون بود: «زیرا اگر پاشیدن خون بزها و گاو نر و خاکستر تلیسه ناپاکان را تقدیس کند. تا چه اندازه خون مسیح که به وسیله روح ابدی خود را بدون عیب به خدا تقدیم کرد، وجدان شما را از کارهای مرده پاک می کند تا خدای زنده را خدمت کنید؟» (عبرانیان 9:13، 14) «زیرا از آنجایی که شریعت سایه‌ای از چیزهای خوب آینده است و نه تصویر دقیق چیزها، هرگز نمی‌تواند با همان قربانی‌هایی که پیوسته هر سال تقدیم می‌شود، کسانی را که به آنها می‌آیند کامل کند. وگرنه از تقدیم کردن خود دست میکشیدند، زیرا پس از پاکسازی قربانیان، دیگر هرگز از گناه آگاه نخواهند شد» (عبرانیان 10:1، 2)

کار محو گناهان و تطهیر حرم یکی است. و نه تنها اعلام آمرزش از جانب خداوند، بلکه برداشتن گناهان از ذهن و ضمیر انسان را شامل می شود. این بدان معناست که وقتی از طرف ما در بهشت کفاره شد، دیگر نمی‌توانیم گناهانی را که مرتکب شده‌ایم به خاطر بیاوریم. در واقع، کتاب مقدس اعلام می کند که خود خدا آنها را فراموش خواهد کرد: "این است عهدی که من خواهم بست... خداوند می گوید: قوانین خود را در دل آنها خواهم گذاشت و آنها را در ذهن آنها خواهم نوشت. و هرگز گناهان و گناهان ایشان را به یاد نخواهم آورد» (عبرانیان 10:16، 17)

تمایلی به انجام مجدد آن وجود ندارد

«اگر کسی در مسیح باشد، او مخلوق جدیدی است. اینک همه چیز جدید شده است... خدا... ما را به وسیله عیسی مسیح با خود آشتی داده است» (دوم قرنتیان 5: 17، 18) عیسی برای بی‌عیب‌کردن انسان‌ها، باید آنها را قادر سازد که دوباره همان گناهانی را که به خاطر آنها بخشیده شده‌اند، مرتکب نشوند. بنابراین بخشش خداوند منحصر به اعلام قانونی برای توجیه انسان خطاکار نیست، بلکه شامل اعطای قدرت به مرد نیز می شود تا از گناه دست بردارد. به همین دلیل است که پولس اعلام می کند که انجیل "قدرت خدا برای نجات هر که ایمان دارد" است (روم 1:16) یوحنا در همین راستا می‌گوید: «به کسانی که او را پذیرفتند، قدرت داد تا فرزندان خدا شوند، به کسانی که ایمان می‌آورند.» (یوحنا 1:12) زیرا بذر او در او باقی می ماند. و او نمی تواند گناه کند، زیرا او از خدا متولد شده است. فرزندان خدا در این امر آشکار می شوند» (اول یوحنا 3: 8، 9) حتی اگر غلبه بر یک گناه یا وسوسه به سختی راه رفتن روی آب باشد، یک مرد با ایمان به آسانی بر آن غلبه خواهد کرد همانطور که پطرس در دریا راه رفت و به عیسی نگاه کرد. انسان تا زمانی که نگاه ایمان را بر عیسی دوخته است، مرتکب گناه نمی شود. زیرا بذر او، روح القدس، در او باقی می ماند.

و از آنجایی که به مسیح تمام قدرت در آسمان و روی زمین داده شده است (متی 28:18) او قدرت نامحدود خود خدا را در اختیار دارد. و آن را به انسان گناهکار ابلاغ می کند تا پیروز شود. وقتی انسان این قدرت را دریافت کرد، گناه نکردن به همان اندازه آسان است که خدای نامتناهی بر شیطان یا خود انسان غلبه کند. خداوند می تواند با آنها غلبه کند

به راحتی وقتی که یک سنگ کوچک را به دریاچه پرتاب می کنید. به همین راحتی، گناه در زندگی کسانی که به عیسی نگاه می کنند غلبه می یابد.

آیا این بدان معناست که احتمال سقوط مجدد انسان وجود ندارد؟ وجود دارد، زیرا انسان می تواند انتخاب کند که از ایمان عیسی نگاه کند. پدر این کار را کرد و شروع به غرق شدن کرد. اگر به این وضعیت ادامه می داد غرق می شد. اما همانطور که در حال غرق شدن بود، دوباره به نجات دهنده نگاه کرد که نجات را طلب می کرد. درخواست او به سرعت پاسخ داده شد. عیسی به او گفت: ای کم ایمان چرا شک کردی؟ (مت).

(14:31) در زندگی معنوی هم همین اتفاق می افتد. انسان با انتخاب دور شدن از ایمان عیسی، اجازه دادن به ذهن خود را با چیزهایی غیر از منجی، شایستگی ها، احکام او، شخصیت الهی او و عشق او به خانواده انسانی مشغول کند، شروع به فرو رفتن می کند. سپس وقتی متوجه شد از عیسی التماس می کند که به او کمک کند. در این لحظه، کلمات خطاب به پیتر در مورد او نیز صدق می کند: "ای کم ایمان، چرا شک کردی؟" آنها نشان می دهند که ایمان نتیجه نگاه کردن به منجی، تفکر در او با خواندن کتاب مقدس است. عیسی مؤلف ایمان است (عبرانیان 12:2) انسان فقط با نگاه کردن به او این ایمان را دارد. انسان با برداشتن چشم از او، تلاش برای ماندن بدون او، به سادگی ایمان ندارد. عیسی گفت: "بدون من هیچ کاری نمی توانید انجام دهید" (یوحنا 15:5) پطرس نگاهش را از او گرفت و ایمانش متزلزل شد. و کسانی که همین کار را می کنند نیز شک خواهند کرد. از سوی دیگر، هر که به او نگاه کند، سرگردان نخواهد شد. «گوسفندان من صدای مرا می شنوند. من آنها را می شناسم و آنها از من پیروی می کنند... هیچ کس نمی تواند آنها را از دست من ربوده باشد.» (یوحنا 10:27، 28) هیچ کس، نه همه قدرت های زمین متحد، نمی تواند کسی را که با ایمان محکم به عیسی می نگرد تا یک گناه را مرتکب شود.

در کار کفاره، عیسی گناهان را محو می کند و کسانی را که با ایمان قدرت او را به دست می آورند، پاک می سازد.

مراسم لاویان مقرر می داشت که در پایان کار کفاره، کاهن اعظم برای برکت دادن مردم بیرون می رفت: «سپس هارون دستان خود را به سوی مردم بلند کرد و آنها را برکت داد. و او فرود آمد و قربانی گناه و قربانی سوختنی و قربانی سلامتی کرد. سپس موسی و هارون وارد خیمه ملاقات شدند. سپس بیرون رفتند و مردم را برکت دادند. و جلال خداوند بر تمامی قوم ظاهر شد.» (لاویان 9:22، 23) همچنین، هنگامی که عیسی کار کفاره را به پایان رساند، او بیرون خواهد رفت تا قوم خود را با جاودانگی برکت دهد. «زیرا پسر انسان در جلال پدرش با فرشتگانش خواهد آمد. و سپس به هر کس بر اساس اعمال خود خواهد داد.» (متی 16:27) «خداوند خود با فریاد، با صدای یک فرشته و با شیپور خدا از آسمان فرود خواهد آمد. و کسانی که در مسیح مردند، اول برخوانند خاست. سپس ما که زنده هستیم و باقی می مانیم، با آنها در ابرها گرفته می شویم تا خداوند را در هوا ملاقات کنیم، و بنابراین همیشه با خداوند خواهیم بود.» (اول تسالونیکی 4:16، 17) «مردگان فاسد برانگیخته خواهند شد و ما تغییر خواهیم کرد. زیرا شایسته است... این که فانی است جاودانگی بپوشد.» (اول قرنتیان 15:51-54)

قبل از پاک کردن گناهان مؤمنان، باید بررسی کرد که واقعاً چه کسی تا آخر ایمان باقی مانده است. زیرا پاک کردن گناهان کسانی که منجی را ترک کردند و فیض او را تحقیر کردند، پس از شناختن آن، معنی ندارد. «اگر مرد عادل از عدالت خود روی برگرداند و گناهی مرتکب شود و مطابق تمام زشتکاری‌هایی که انسان شریب انجام می‌دهد عمل کند، آیا زنده می‌ماند؟ تمام اعمال صالحی که انجام داده است به یاد نمی‌آیند. در گناهی که با آن تجاوز کرد و در گناهی که با آن معصیت کرد، در آنها خواهد مرد.» (حزقی. 18:24 بنابراین، کار تطهیر حرم با بررسی زندگی همه کسانی که زمانی مسلمان شده اند، همراه است. دادگاهی وجود دارد که عیسی در آن وکیل ماست: «اگر کسی گناه کند، ما یک وکیل نزد پدر داریم، عیسی مسیح عادل. و او کفاره گناهان ماست، نه تنها گناهان ما، بلکه برای تمام جهان.» (اول یوحنا. 2: 1، 2)

یوحنا توضیح داد که در حالی که عیسی کفاره است، او وکیل ماست. او در سال 1844 شروع به کفاره دادن بر کرسی رحمت حرم آسمانی کرد. سپس قضاوت آغاز شد.

برای اینکه بتوانیم آموزش قطعی گناهان را دریافت کنیم، باید در دادگاه تبرئه شویم. در مراسم معمولی، همه مزایای کار کفاره را دریافت نکردند: «روز کفاره است تا برای شما در حضور بیهوش خدایتان کفاره پردازم. زیرا هر نفسی که در همان روز مبتلا نشود از قومش منقطع می‌شود.» (لاویان. 23:29 همچنین، مسیح، در کار کفاره، کار جستجوی کتابهای همه کسانی را که به خدمت مسیح درآمده اند، انجام خواهد داد. کسانی که همکار او شده اند، «که نام آنها در کتاب زندگی است» (فیلسی. 3: 4) برای اینکه ببینیم کدام یک از آنها سزاوار بهره مندی از کفاره هستند و گناهان آنها به طور قطع آموخته می‌شود. همه کسانی که «در ترازوی» معبد «سنگین شده‌اند و فقیر شده‌اند» (دان. 5:27) حذف خواهند شد. دانیال در رویا دادگاه آسمان را دید که برای شروع کار دادگاه تحقیق نشسته است:

«به نگاه کردن ادامه دادم تا اینکه تخت‌ها برپا شد و باستانی نشست. جامه او مانند برف سفید بود و موهای سرش مانند پشم تمیز بود. تخت او، شعله های آتش، و چرخ هایش، آتش سوزان. نهری از آتش از پیش روی او جاری شد. هزاران هزار نفر او را خدمت کردند و میلیون ها میلیون نفر در برابر او ایستادند. قضاوت نشست و کتابها باز شد.» (دان. 10، 7:9، 10). صحنه هایی با اهمیت و جذابیت ابدی از مقابل چشمان پیامبر گذشت. کتاب مقدس می‌فرماید: «پایان هر آنچه شنیده شده این است: از خدا بترسید و احکام او را نگاه دارید. زیرا این وظیفه هر مردی است. زیرا خدا هر کاری را محاکمه خواهد کرد و هر چیز پنهانی را خواه خوب و خواه بد باشد.» (جامعه. 14، 12:13) از اینجا می‌فهمیم که هر اثر، از هر فردی، مورد قضاوت قرار خواهد گرفت. و ارزیابی سطحی نخواهد بود: "حتی هر چیزی که پنهان است" با معیار عدالت مقایسه خواهد شد.

«خدا از طریق عیسی مسیح اسرار مردم را داوری خواهد کرد» و سپس «همه کسانی که بدون شریعت گناه کرده اند نیز هلاک خواهند شد. و همه کسانی که تحت شریعت گناه کرده اند، توسط شریعت داوری خواهند شد. زیرا کسانی که شریعت را می‌شنوند در حضور خدا عادل نیستند، اما کسانی که شریعت را انجام می‌دهند عادل خواهند شد.» (روم. 2: 16، 12، 13)

معیار عدالت که اعمال هرکس با آن مقایسه می شود تا عادل (بخشیده) یا محکوم شود، قانون مقدس خدا، ده فرمان است.

افکار، نیات و انگیزه ها، گفتار و اعمال، همه چیز به طور کامل بررسی خواهد شد، زیرا «خداوند آنطور که انسان می بیند نمی بیند. زیرا انسان به آنچه در مقابل چشمانش است می نگرد، اما خداوند به دل می نگرد.» (اول سام. 16:7)

همه آثار ما، معلوم و پنهان، صادقانه در کتاب ها ثبت شده است. مزمور سرا گفت: «سرگردان مرا شمرده ای. اشک هایم را در بطری خود بگذار آیا آنها در کتاب شما نیستند؟» (مزمور ۵۶:۸) «چشمانت بدن بی شکل من را دید و در کتاب تو همه این چیزها نوشته شده بود که روز به روز شکل می گرفت» (مزمور 139:16) بنابراین هیچ چیز را قبل از زمان قضاوت نکنید، تا زمانی که خداوند بیاید، که پنهانی های تاریکی را نیز روشن خواهد کرد و افکار دل ها را آشکار خواهد کرد" (اول قرنتیان 4:5) کارهای خوب و بد به یک اندازه ثبت می شوند: «خداوند می بیند و می شنود. و یادگاری در حضور او نوشته شده است، برای آنانی که از خداوند می ترسند و برای آنانی که نام او را به یاد می آورند.» (بد.

؛(16:3 خداوند می گوید: «اینک در حضور من مکتوب است... گناهان شما و پدران شما با هم» (اشعیا 6. 65:5)

در داوری، عیسی مسیح خود را به عنوان حامی انسانها معرفی می کند: «اگر کسی گناه کند، وکیلی نزد پدر داریم، عیسی مسیح، عادل. و او کفاره گناهان ماست، نه تنها گناهان ما، بلکه برای تمام جهان.» (اول یوحنا 2. 2:1) شیطان در دادگاه حاضر می شود تا آنها را به گناهی که مرتکب شده اند متهم کند و محکومیت آنها را می خواهد: "اژدهای بزرگ، مار باستانی، شیطان و شیطان را نامید... متهم برادران ما... که در برابر خدای ما روز را متهم کرد، و شب." (مکاشفه 12:10) درست است که حتی کسانی که عیسی را به عنوان نجات دهنده شخصی خود پذیرفتند مرتکب گناه شدند. بنابراین، آنها را فقط می توان در دادگاه از طریق کار عیسی به عنوان شفیع و وکیل مدافع آنها تبرئه کرد: «زیرا مسیح به عبادتگاهی که با دست ساخته شده بود، که شکلی از آن واقعی است، وارد نشد، بلکه به خود بهشت وارد شد تا اکنون در حضور خود ظاهر شود. چهره ما از طرف ما. «بنابراین او همچنین می تواند کسانی را که به وسیله او نزد خدا می آیند و همیشه زندگی می کنند تا برایشان شفاعت کنند، نجات دهد.» (عبرانیان 7:25؛ 9:24)

برای بهره مندی از کار شفاعت مسیح، مؤمنان باید اعتراف کنند و گناهان خود را ترک کنند: «کسی که گناهان خود را بپوشاند هرگز رستگار نخواهد شد. اما کسی که اعتراف کند و آنها را ترک کند، رحمت خواهد شد.» (امثال 28:13)

اگر انسان در حکم «گناهان توبه نشده و نابخشوده داشته باشد که در دفاتر ثبت است، نام او از کتاب زندگی حذف می شود و کارنامه حسناتش از کتاب یادگار خدا پاک می شود. خداوند به موسی گفت: «هر که به من گناه کند از کتاب خود محو خواهد کرد» (خروج 32:33) (جدال بزرگ، صفحه 390 - Editora Advertência Final) کسی که روزی عیسی را به عنوان نجات دهنده شخصی خود پذیرفت و بعداً او را به کلی رها کرد، بدون توجه به اخطارها و توصیه های کلام خدا، آن گونه که می خواست زندگی کرد، بدون در نظر گرفتن اراده خداوند، تبرئه نخواهد شد. نوشته شده است: «اما اگر مرد عادل از عدالت خود برگردد و گناهی مرتکب شود و به تمام زشتی هایی که انسان شریک انجام می دهد عمل کند، آیا زنده خواهد ماند؟ از همه شما

عدالتی که او انجام داده به یاد نخواهد ماند. در گناهی که با آن تجاوز کرد و در گناهی که با آن معصیت کرد، در آنها خواهد مرد.» (حزقی. 18:24)

بسیاری در امنیت کاذب استراحت می کنند و درک می کنند که وقتی عیسی را پذیرفتند، مهم نیست زندگی آینده آنها چگونه باشد، بهشت خانه آنها خواهد بود. همانطور که دیدیم، کلام خدا این را نمی گوید. برای رستگاری، نه تنها ایمان به مسیح مهم است، بلکه تا پایان در ایمان باقی بمانید. پولس رسول نوشت: «زیرا شما به صبر نیاز دارید تا پس از انجام اراده خدا، وعده را دریافت کنید. زیرا هنوز زمان کمی باقی است و آنچه در پیش است خواهد آمد و تأخیر نخواهد داشت. اما عادلان با ایمان زندگی خواهند کرد. و اگر کناره گیری کند، روح من از او خشنود نیست. اما ما از کسانی نیستیم که به سوی هلاکت می روند، بلکه از کسانی هستیم که برای حفظ جان ایمان آورده اند.» (عبرانیان 10:36-39). عزمت قربانی که منجی بی گناه بر روی صلیب انجام داد، به هیچ وجه نمی توانیم شرایط رستگاری را که خداوند ارائه کرده است غیر معقول بدانیم: «شما می گوئید راه خداوند درست نیست. اکنون ای خاندان اسرائیل بشنو: آیا راه من درست نیست؟ آیا راه شما پیچیده نیست؟ اگر عادل از عدالت خود روی برگرداند و ظلم کند، برای آن می میرد. در گناهی که مرتکب شده، خواهد مرد. اما اگر مرد شریر از شرارت خود برگردد و عدالت و عدالت را پیشه کند، جان خود را زنده نگه می دارد. زیرا هر کس تجدید نظر کند و از همه گناهانی که مرتکب شده است روی گرداند، قطعاً زنده خواهد ماند، نه مرد. اما خاندان اسرائیل می گویند: راه خداوند درست نیست. ای خاندان اسرائیل آیا راههای من درست نیست؟ و آیا راههای شما پیچیده نیست؟ ای خاندان اسرائیل، خداوند یهوه می گوید. بیایید و از تمام گناهان خود برگردید و گناه مانع شما نخواهد شد. تمام گناهان خود را که به وسیله آنها تجاوز کرده اید، دور بریزید و در درون خود دلی تازه و روحی تازه بیافرینید. ای خاندان اسرائیل چرا باید بمیرید؟ یهوه خداوند می گوید، زیرا من از مرگ او که می میرد لذت نمی برم، پس تبدیل شوید و زندگی کنید.» (حزقی. 18:25-32)

همه کسانی که واقعاً از گناهان خود توبه کرده اند و با ایمان خون مسیح را به عنوان قربانی کفاره خود خوانده اند، در کنار نامشان در کتابهای آسمانی بخشش قرار داده شده است. از آنجایی که آنها در عدالت مسیح شریک شده اند، شخصیت‌هایشان با شریعت خدا هماهنگ است، گناهانشان پاک می شود و لایق زندگی ابدی تلقی می شوند. گناهان شما محو می شود: «من خودم هستم که گناهان شما را به خاطر خود محو می کنم و گناهان شما را به یاد نمی آورم.» (اشعیا. 43:25) عیسی گفت: «کسی که پیروز شود جامه سفید خواهد پوشید و من به هیچ وجه نام او را از کتاب زندگی پاک نمی کنم. برعکس، نام او را در حضور پدرم و فرشتگان او اعتراف خواهم کرد.» (مکاشفه. 3:5) پس هر که مرا در حضور مردم اعتراف کند، من نیز او را در حضور پدر خود که در آسمان است اعتراف خواهم کرد. اما هر که مرا در حضور مردم انکار کند، من نیز او را در حضور پدر خود که در آسمان است انکار خواهم کرد.» (متی. 33، 10:32)

تجربه کسانی که در دادگاه تبرئه می شوند چگونه خواهد بود؟

«اگر شریعت سلطنتی را طبق کتاب مقدس انجام دهید: همسایه خود را مانند خود دوست بدارید، نیکو خواهید کرد. اما اگر به اشخاص احترام می گذارید، مرتکب گناه می شوید و توسط قانون به عنوان متخلف محکوم می شوید. برای کسی که تمام قانون و

سر خوردن از یک نقطه تقصیر همه شد. زیرا کسی که گفت زنا مکن، گفت: قتل مکن. پس اگر زنا نکنی، بلکه بکشی، قانون شکن هستی. بنابراین صحبت کنید و بنابراین عمل کنید، همانطور که باید توسط قانون آزادی مورد قضاوت قرار بگیرید. زیرا داوری بر کسی که رحم نکرده است بی رحم خواهد بود. و رحمت بر داوری پیروز می شود.

برادران من، اگر کسی بگوید ایمان دارم و اعمال ندارم، چه سودی دارد؟ آیا ایمان می تواند شما را نجات دهد؟ و اگر برادر یا خواهری برهنه و فاقد غذای روزانه باشد، و یکی از شما به آنها بگوید: با آرامش بروید، گرم و سیر باشید. و چیزهای لازم برای بدن را به آنها نمی دهید، چه سودی از آن خواهد داشت؟

پس ایمان نیز اگر اعمال نداشته باشد فی نفسه مرده است. (یعقوب، 17-8: 2) ایمان واقعی به مسیح، او را در قلب مؤمن خواهد آورد و او را به انجام همان کارهای نیکی که مسیح در زمانی که روی زمین بود انجام داد، سوق خواهد داد. شما را به مقایسه افکار، انگیزه ها، اهداف، گفتار و اعمال خود با کلام خدا و تسلیم آنها به آموزه های آن سوق می دهد. از طریق روح القدس خدا، مؤمن متحول خواهد شد و هر روز تسلیم آموزه های کتاب مقدس می شود. پیشه ایمانی که به این تجربه منتهی نشود نمی تواند انسان را نجات دهد. بر اساس کتاب مقدس، ایمان واقعی «ایمانی است که از طریق محبت عمل می کند» (غلاطیان، 6: 5) یعنی انسان را به انجام اعمال نیک و هماهنگ با معیار شریعت هدایت می کند. «اینجا صبر اولیاء الله است. اینجا کسانی هستند که احکام خدا و ایمان عیسی را حفظ می کنند.» (Apoc.

14:12) «زیرا محبت خدا این است که احکام او را نگاه داریم. و احکام او سنگین نیست.» (اول یوحنا، 5:3) «او! من چقدر شریعت تو را دوست دارم! این مدیتیشن من در طول روز است!»؛ «ای خدای من از انجام اراده تو لذت می برم. بله، شریعت تو در قلب من است.» (مصور، 8: 4؛ 97: 119)

ایمان واقعی، مؤمن را به نبرد روزانه با دشمنان داخلی و خارجی می کشاند. هر دو در برابر میل خدا برای عمل به دستور او در کلام او ایستاده اند. اما «فرمان او حیات جاودانی است» (یوحنا، 12:50) در حالی که شریعت خدا ما را به مسیر زندگی ابدی و رفتار صحیح راهنمایی می کند، احساسات درونی مانند غرور، خودخواهی و غرور، و فرشتگان شیطانی و افرادی که تسلیم مسیح نیستند، ما را تحت فشار قرار می دهند تا راه اطاعت را رها کنیم و ادامه دهیم. تخلف با مبارزاتی شبیه به مبارزاتی که مسیح انجام داد و بارها به پدر دعا کرد، ما قادر خواهیم بود، از طریق قدرت ناجی، در راه راست بمانیم. اما با انجام این کار، ما شخصیتی خواهیم ساخت که در داوری مورد تایید قرار می گیرد و شایسته زندگی ابدی تلقی می شود: «او به ما وعده های بسیار بزرگ و گرانبهایی داده است که از طریق آنها در طبیعت الهی شریک شوید و از فساد در امان باشید. که به واسطه ی شهوت، در دنیا هست.» «زیرا هر چه در جهان است، شهوت جسم، شهوت چشم و غرور زندگی، از پدر نیست، بلکه از جهان است. و دنیا میگذرد و شهوتش. اما کسی که اراده خدا را انجام می دهد تا ابد باقی می ماند.» (دوم پطرس، 1:4؛ اول یوحنا، 17، 16:2) «هر که پیروز شود جامه های سفید خواهد پوشید و نام او را از کتاب حیات محو نخواهم کرد. و نام تو را در حضور پدرم و فرشتگان او اعتراف خواهیم کرد.» (مکاشفه، 3:5)

چه مواردی در دادگاه بررسی می شود؟

کتاب مقدس می گوید: «هر که به او ایمان بیاورد محکوم نمی شود. اما هر که ایمان نیاورد قبلاً محکوم شده است، زیرا به نام پسر یگانه خدا ایمان ندارد.» (یوحنا، 3:18)

بنابراین مواردی که در قضاوت تحقیقی در نظر گرفته شده فقط مربوط به کسانی است که به عیسی ایمان آورده اند. نام آنها در کتابی به نام "کتاب زندگی" نوشته شده است. اما این بدان معنا نیست که هرکسی که یک بار دست خود را بلند کرده و دهان خود را "باورم" گفته است در آنجا ذکر شده است. کتاب مقدس اعلام می‌دارد که «کسی که قلباً به عدالت ایمان دارد» (رومیان 10:10) فقط کسانی به حساب می‌آیند که به عیسی اجازه دادند تا قلبشان را توسط روح القدس خود تجدید کند. «اگر انسان از روح متولد نشود، نمی‌تواند به ملکوت خدا وارد شود» (یوحنا 3:5) اینها بیکار نمی‌مانند. روح آنها را هدایت می‌کند تا به نفع پادشاهی مسیح کار کنند. بنابراین، در این کتاب، نام همه کسانی که به بندگی خدا وارد شده اند، نوشته شده است: «و همچنین از تو می‌خواهم، ای همراه واقعی من، به این زنانی که با من در انجیل، و با کلمنت، و با من کار کردند، کمک کنی. بقیه همکاران که نامشان در کتاب زندگی آمده است.» (فیلیسیون 4:3)

دادگاه آسمان فقط مورد کسانی را ارزیابی می‌کند که نامشان در کتاب زندگی نوشته شده است و قضاوت با هدف بررسی این است که آیا نام در آن باقی می‌ماند یا خط زده می‌شود: «کسی که غلبه کند لباس خواهد پوشید. جامه‌های سفید، و نام او را از کتاب زندگی محو نخواهم کرد. و نام تو را در حضور پدرم و فرشتگان او اعتراف خواهم کرد.» (مکاشفه 3:5) کلام نشان می‌دهد که در شهر مقدس، اورشلیم جدید، «تنها کسانی که در کتاب زندگی بره نوشته شده اند» وارد خواهند شد (Apoc. 21:27) و اما در مورد کسانی که نامشان خط خورده است، کتاب مقدس بیان می‌کند که جمله آنها چگونه خواهد بود: "و هر که در کتاب حیات مکتوب یافت نشد، در دریاچه آتش افکنده شد."

(Apoc. 20:15).

آیا شانس دوم وجود خواهد داشت؟

کتاب مقدس به ما می‌آموزد که هیچ شانس دومی وجود نخواهد داشت. "برای مردم مقرر شده است که یک بار بمیرند و پس از آن داوری خواهد شد" (عبرانیان 9:27) در این زندگی است که ما سرنوشت ابدی خود را تعیین می‌کنیم. بعد از مرگ شانس دومی وجود نخواهد داشت.

با توجه به اهمیت این قضاوت در سرنوشت ابدی همه انسانها، معقول است که خداوند آنها را از زمان آنها آگاه کند و همچنین پیامی برای آنها بفرستد که بتواند هر کسی را که مایل است آماده کند. همانطور که ما کلام خدا را مطالعه می‌کنیم، می‌بینیم که او انجام داده است. ما دریافتیم که این پیام از طریق سه فرشته فرستاده شده است که در کتاب مکاشفه ذکر شده است:

و فرشته دیگری را دیدیم که در وسط آسمان پرواز می‌کرد و او انجیل جاودانی را داشت تا آن را به ساکنان روی زمین و به هر قوم و قوم و زبان و قوم اعلام کند و به آواز بلند بگوید. ، ... آمدن، ساعت داوری او است...» (مکاشفه 7، 14:6)

این انجیل از طریق پیام سه فرشته ای که در مکاشفه 14 ظاهر می‌شوند، در آیتی که پس از آن در بالا آمده است، به مردم ابلاغ می‌شود. این آخرین و مهمترین پیامی است که به مردان ارسال می‌شود، زیرا سرنوشت ابدی ما در گرو پذیرش یا رد آن است. عیسی، از قدس، با علاقه شدید دریافت پیام توسط مردانی را که با خون خود خریداری کرده بود، دنبال می‌کند. در کتاب بعدی این مجموعه: «آخرین پیام» با او آشنا می‌شویم و او را مطالعه می‌کنیم. امیدوارم شما هم فرصت خواندن آن را داشته باشید. خداوند همچنان شما را در خواندن و یادگیری راهنمایی کند

کشیش خایرو کاروالیو

کتاب پنجم: چهارمین حقیقت بزرگ: پیام سه فرشته

«و فرشته دیگری را دیدم که در وسط آسمان پرواز می کرد و انجیل جاودانی داشت تا به ساکنان روی زمین و هر قوم و زبان و قوم بشارت دهد و به آواز بلند گفت: بترسید. خدایا و به او عطا کن. زیرا ساعت داوری او فرا رسیده است. و او را بپرستید که آسمان و زمین و دریا و چشمه های آب را آفرید.

فرشته دومی به دنبال او رفت و گفت: بابل بزرگ سقوط کرد، سقوط کرد، که همه امت ها را شراب خشم زناى خود را نوشیدند. و فرشته سومى به دنبال آنها رفت و با صدای بلند گفت: "اگر کسی وحش و تصویر او را پرستش کند و نشان او را بر پیشانی یا بر دست خود بگیرد، از شراب خشم خدا که آماده شده است نیز خواهد نوشیدند. بدون مخلوط، در جام خشم او. و او با آتش و گوگرد در حضور فرشتگان مقدس و در حضور بره عذاب خواهد شد. دود عذاب او تا ابد ادامه دارد. و آنانی که وحش و تصویر او را می پرستند، نه روز و نه شب، استراحت ندارند، و نه کسی که علامت نام او را می گیرد. اینجا صبر اولیاء الله است؛ اینجا کسانی هستند که احکام خدا و ایمان عیسی را حفظ می کنند.» (مکاشفه. 14:6-12)

یوحنا دید که رویداد بعدی که پس از اعلام این سه پیام تحقق می یابد، آمدن دوم مسیح است، زمانی که او برای جمع آوری وفاداران خود خواهد آمد: «و دیدم ابری سفید و یکی بر ابر نشسته است. مانند پسر انسان که تاجی طلایی بر سر داشت و در دستش داس تیز بود. و فرشته دیگر از معبد بیرون آمد و با صدای بلند به او که بر ابر نشسته بود ندا داد: داس خود را بیاور و درو کن! و زمان درو فرا رسیده است، زیرا محصول زمین رسیده است!»

(مکاشفه. 14:14، 15) "درو پایان جهان است" (متی. 13:39) بنابراین، پیام سه فرشته آخرین پیامی است که قبل از آمدن دوم مسیح به مردم فرستاده شده است. به همین دلیل است که فرشته اول اعلام می کند: ساعت داوری او فرا رسیده است. چگونه برایش آماده شوید؟ «از خدا بترسید و او را جلال دهید. زیرا ساعت داوری او فرا رسیده است.» و این یعنی چه؟

از خدا بترسید

«ترس» به معنای «ترس» از خدا نیست. "ترس از خداوند آغاز حکمت است" (مزمور. 111:10) چیزی منفی نیست، بلکه خوب و عالی است. O

انسان هنگامی که محبت او را قدردانی می کند از خداوند می ترسد: "تو ای خداوند... تو برخیز و رحمت خواهی کرد... آنگاه قوم ها از نام خداوند خواهند ترسید، ... هنگامی که خداوند صهیون را و در جلال خود بسازد." ظهور کن و دعای ناتوان را مستجاب کن و دعای او را خوار مکن. این برای نسل آینده نوشته خواهد شد. و قوم خلقت خداوند را ستایش خواهند کرد.» (مصور 18-12:103 ترس از خدا ابراز قدردانی رسمی و بی احساس از عشق او نیست، مانند زمانی که مرد ثروتمند می گوید "متشکرم!" به مسئول پذیرش هتل که در را به روی شما باز می کند. همانطور که متن می گوید، مردمی که از او می ترسند "خداوند را ستایش خواهند کرد". قلب شما سرشار از شادی و سپاس از خداوند خواهد بود، زیرا او را خیرخواه خود خواهید دید. ترس از خداوند همچنین شامل «احترام و احترام عمیق» نسبت به او است، هنگام تفکر در قدرت و قدرت او، همانطور که در روایت عیسی نشان داده شده است، هنگامی که طوفان را آرام کرد: «او را بیدار کردند و به او گفتند: استاد، انجام بده. برایت مهم نیست که ما نابود می شویم؟ و او که بیدار شد، باد را ملامت کرد و به دریا گفت: آرام باش، آرام باش. و باد آرام شد و آرامش بزرگی برپا شد. و به او گفت: چرا اینقدر خجالتی هستی؟ هنوز ایمان ندارید؟ و ترس شدیدی به خود گرفتند و به یکدیگر گفتند: اما این کیست که حتی باد و دریا از او اطاعت می کنند؟ (مرقس 4:38-41)

ترس از خدا به معنای سپاسگزاری عمیق برای هر کاری است که او برای ما انجام داده است، از صمیم قلب به او احترام می گذاریم و به او احترام می گذاریم. و بیشتر: قدردانی از خوبی و عدالت او تا حدی است که از کارهایی که او ناپسند است بیزاریم. «ترس خداوند از نفرت از بدی است.» «از ترس خداوند، مردم از شر دور می شوند.» (مثل

8:13; 16:6) خداوند از گناه متنفر است. پس کسی که از خدا می ترسد از گناه متنفر است و شریعت او را دوست دارد. شریعت، احکام، بر اصل ابدی و کامل عشق به دیگران استوار است: «هر که دیگران را دوست دارد، شریعت را انجام داده است. در واقع: زنا مکن، نکش، دزدی نکن، شهادت دروغ بده، طمع نکن، و اگر

فرمان دیگری هست، همه چیز در این کلمه خلاصه می شود: همسایه خود را مانند خود دوست بدار... تا تحقق شریعت محبت باشد» (رومیان 13:8-10) بنابراین، مردی که از خدا می ترسد، همسایه خود را دوست دارد: «کسی که همسایه خود ستم نکند. اما از خدای خود خواهی ترسید» (لاویان 25:17)

با توجه به هر چیزی که ترس از خدا شامل می شود، این سؤال برای ما این است که چگونه می توانیم چنین ترسی از خدا داشته باشیم؟ بدهی است که قلب ما قادر به تولید آن نیست. اما ما باید آن را داشته باشیم تا برای قضاوت آماده شویم. در غیر این صورت از دست خواهیم رفت. آن وقت چه باید کرد؟ خدا ما را دعوت می کند تا به نمونه انسان نگاه کنیم، صاحب آن - عیسی، از نسل داوود، پسر یسی: "زیرا شاخه ای از تنه یسی جوانه خواهد زد و از ریشه او شاخه ای [عیسی] میوه خواهد داد. و از ترس خداوند لذت خواهد برد» (اشعیا 3، 1، 11 کتاب مقدس به ما می آموزد که با دیدن عیسی، مردم از ترس خدا پر شدند. آنچه را که همین الان دیدیم به خاطر بیاور: «وقتی از خواب بیدار شد، باد را سرزنش کرد و به دریا گفت: آرام باش و آرام باش. و باد آرام شد و آرامشی عظیم پدید آمد... و ترس شدیدی را احساس کردند.» «آنها ترسیدند و تعجب کردند و به یکدیگر گفتند: این کیست که به بادها و آب فرمان می دهد و از او اطاعت می کند؟» (لوقا 8:25) شاگردان پر از ترس بودند زیرا با عیسی زندگی می کردند. ما هم این امتیاز را داریم.

او گفت: «اینک من همیشه با شما هستم تا آخر الزمان»
(مت 28:20)

ما او را شخصاً نمی‌بینیم، اما او قول داده است که از نظر روحی با ما است، و ما می‌توانیم با ایمان جلال او را ببینیم، همانطور که یک آینه پرتوهای خورشید را دریافت می‌کند: «اکنون خداوند است. روح؛ و در جایی که روح خداوند است، آنجا آزادی است. اما همه ما با روی باز که جلال خداوند را در آینه می‌نگریم، از جلال به جلال به یک صورت تبدیل می‌شویم، حتی به وسیله روح خداوند» (دوم قرنتیان. 17، 18، 3: برای اینکه بفهمیم، تعمق او در روح به معنای خواندن کلام او، کتاب مقدس است، زیرا کلام او روح است: "روح است که حیات می‌بخشد... کلماتی که به شما می‌گویم روح و زندگی است" (یوحنا. 6: 63)

هر که از طریق مطالعه کلام او با مسیح ارتباط برقرار کند، از خدا خواهد ترسید. این تنها زمانی امکان پذیر است که ما نه تنها خواننده، بلکه تمرین کنندگان حقایق کتاب مقدس باشیم. کسانی که نمی‌خواهند از تعالیم عیسی اطاعت کنند، دور شدند. «بسیاری از شاگردانش برگشتند و دیگر با او راه نمی‌رفتند، سپس عیسی به دوازده نفر گفت: آیا شما نیز می‌روید؟ آنگاه شمعون پطرس به او گفت: «خداوند، نزد کی برویم؟ تو سخنان حیات جاودانی را داری و ما دانستیم و ایمان آوردیم که تو مسیح پسر خدا هستی.» (یوحنا. 6: 66-69)

خدا را جلال بده

آماده شدن برای قضاوت همچنین مستلزم جلال دادن به او است. خدا دارای «جلال باشکوه» است (دوم پطرس. 1: 17). بنابراین، جلال دادن به او، تسلیم آنچه به حق او است، است. «ای پسران قدرتمندان، به خداوند جلال و قوت بدهید. جلال نام او را به خداوند بدهید» (مزبور. 2، 1: 29). اما این به معنای چیزی بیش از گفتن است: "سبحان الله!" نه اینکه این اشتباه است. خود فرشتگان گفتند: "جلال خدا در اعلیٰ" و ما نیز باید همین کار را بکنیم (لوقا).

(14: 2). اما اگر چه این عبارت از دلی می‌آید که آنچه را که دهان می‌گوید احساس می‌کند، خدا را گرامی می‌دارد، اما تمام معنای اصطلاح را خلاصه نمی‌کند. می‌خوانیم: «پسرم، من دعا می‌کنم، یهوه خدای اسرائیل را جلال ده و در حضور او اعتراف کن. و اکنون به من بگو چه کردی، آن را از من پنهان مکن. و آنگاه به یوشع پاسخ داد و گفت: «به راستی که من به خداوند، خدای اسرائیل گناه کرده‌ام و چنین و چنان کرده‌ام» (یوشع. 7: 19). جلال دادن به خدا مستلزم اعتراف به اینکه ما بد عمل کرده ایم. تشخیص این است که او درست می‌گوید و ما اشتباه می‌کنیم. اینکه او اصلاً در تقصیر ما مقصر نبود و در جهت دادن شرایط به سمت گمراهی ما کوچکترین مشارکتی نداشت. «هیچ‌کس وقتی وسوسه می‌شود، نمی‌گوید: من توسط خدا وسوسه شده‌ام. زیرا خدا نمی‌تواند با شر وسوسه شود و هیچ کس را وسوسه نمی‌کند. اما هر کس با هوس خود وسوسه می‌شود» (یعقوش. 1: 14). جلال دادن مستلزم اعتراف به گناه است، یعنی تخلفات ما از قانون خدا. "هر که گناه می‌کند از شریعت نیز تجاوز می‌کند، زیرا گناه تخطی از شریعت است" (اول یوحنا. 4: 3)

اما جلال دادن به خدا صرفاً تشخیص رسمی و ظاهری گناه نیست. بسیاری از مردان برای رسیدن به اهداف خود کاری را انجام می‌دهند که به آن "mea culpa" می‌گویند. اعتراف ظاهری به خطا برای جلب رضایت دیگران و ایجاد این تصور که توبه و تغییر و مسیری از جانب آنها صورت گرفته است. این در تلاش برای جلب اعتماد عمومی انجام می‌شود. اما این غم و اندوه عمیق برای بی‌احترامی به خدا و آزرده‌گی دیگران و در نتیجه پشیمانی از خطای انجام شده نیست. معمول است که چنین اعترافاتی ناخواسته انجام شود. واضح است که اگر مجرم می‌توانست از راه دیگری به اهداف خود برسد،

در هر صورت من هیچ اعتزافی نمی‌کنم. این اعتراف آجان بود. او خدا را غارت کرد و آنچه را که او می‌نامید: «جلاى خوب بابلی»، حتی در حالی که اعتراف می‌کرد، پنهان کرد (یوش. 7:21) از شیئی که ثمره گناهش بود بیزار نبود. قبل از این، من هنوز هم آرزویش را داشتم. کسی که واقعاً توبه کند، از خرقة ای که به قیمت نافرمانی به دست می‌آید، بیزار است. در مورد آجان اینطور نبود. او در حضور مردم آنچه را که انجام داده بود گزارش داد، فقط به این دلیل که دیگر راهی برای پنهان کردن آن وجود نداشت. پس از بررسی های پر زحمت، خانواده به خانواده در میان میلیون ها اسرائیلی، او در اشتباه پیدا شده بود. اما با سخنان خود نشان داد که قلبش از میوه گناه متنفر نیست. پشیمان نشد. کتاب مقدس می‌گوید که شریران "توبه نکردند تا او را جلال دهند" (مکاشفه. 9:16)

اعترافی که خدا را جلال می‌بخشد از یک قلب واقعاً توبه کننده سرچشمه می‌گیرد. داوود از این نوع بود: «خدایا، بر حسب محبت خود بر من رحم کن. با توجه به کثرت رحمتت، گناهان مرا محو کن. مرا از گناه کاملاً بشوی و از گناه پاک کن. زیرا من گناهان خود را می‌دانم و گناه من همیشه در حضور من است. فقط در برابر تو گناه کردم و آنچه را که در نظر تو بد است انجام دادم تا هنگام سخن گفتن عادل شوی و هنگام قضاوت پاک باشی... اینک تو حقیقت را در باطن خود دوست داری... ای خدا، ای خدای نجات من، مرا از جنایات خون رهایی بخش، و زبان من عدالت تو را بسیار ستایش خواهد کرد. ای خداوند لبهای من را بگشا و دهانم ستایش تو را خواهد خواند. زیرا شما از قربانی ها لذت نمی‌برید، وگرنه آنها را تقدیم می‌کنم. شما از قربانی های سوختنی لذت نمی‌برید. قربانی برای خدا روح شکسته است. خدایا دل شکسته و پشیمان را تحقیر نخواهی کرد.» (مصور. 1-17: 51) با صداقت، نتیجه می‌گیریم که نمی‌توانیم چنین توبه و اعترافی ایجاد کنیم. اما اگر واقعاً بخواهیم آنها را خدا به ما داده است. «خدای پدران ما عیسی را که شما او را کشتید برانگیخت... خدا با دست راست خود او را به شاهزاده و نجات بخشید تا به اسرائیل توبه و آمرزش گناهان را عطا کند.»

(اعمال رسولان. 31، 30:5 و "اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او امین و عادل است تا گناهان ما را ببخشد و ما را از هر ناراستی پاک کند" (اول یوحنا. 9:1) پس از پاک شدن توسط او، مانند او خواهیم بود و بدین ترتیب برای قضاوت آماده خواهیم شد. «در روز قیامت اطمینان داشته باشیم. زیرا همانطور که او هست، ما نیز در این جهان هستیم.» (اول یوحنا. 4:17)

در اینجا به این نکته می‌رسیم که بفهمیم بزرگترین معنای جلال دادن به خدا چیست: شبیه بودن به او در زمانی که روی این زمین زندگی می‌کنیم. عیسی، مثال ما، به پدر گفت: «تو را در زمین با به پایان رساندن کاری که به من دادی جلال دادم.» (یوحنا. 4:17) «بنابراین، چه بخورید، چه بیاشامید یا هر کاری که انجام دهید، هر کاری را برای جلال خدا انجام دهید. به گونه ای رفتار کنید که نه یهودیان و نه یونانیان و نه کلیسای خدا را آزار ندهید. همانطور که من در همه چیز همه را خوشنود می‌کنم، نه به دنبال منفعت خود، بلکه سود بسیاری هستم تا نجات یابند.» (اول قرنتیان. 33-10:31) شما نور جهان هستید... بگذارید نور شما بر مردم بتابد تا اعمال نیک شما را ببینند و پدر شما را که در آسمان است جلال دهند." (متی. 16، 5:14)

پیام فرشته اول ادامه می دهد: «و او را بپرستید که آسمان و زمین و دریا و چشمه های آب را آفرید» (Apoc. 14:7). این یک درخواست مستقیم برای مردان برای ترک بت پرستی است. در اولین فرمان، خدا می گوید: "به جز من خدایان دیگری نخواهید داشت" (خروج. 20:3). مزموور سرا می گوید: «ای بیا عبادت کنیم و سجده کنیم! در برابر خداوندی که ما را آفرید زانو بزنیم. زیرا او خدای ما است» (مزموور. 7، 95:6). «اگرچه برخی نیز خدایان نامیده می شوند، چه در آسمان و چه در زمین (چون خدایان بسیار و اربابان بسیار هستند)، اما برای ما یک خدا وجود دارد، پدر» (اول قرنیتیان. 6: 8). تنها یک خدا وجود دارد، پدر، ساکنان آسمان درباره او می گویند: "تو همه چیز را آفریدی، و به خواست تو آنها هستند و آفریده شدند" (Apoc. 4:11).

پیام مکاشفه 14 جهان را به پرستش او فرا می خواند.

«یک خدا و پدر همه است که بر همه است» (افسیسیان. 6: 4). کتاب مقدس تعلیم می دهد که ما می توانیم عیسی را بدون گناه پرستش کنیم (متی. 28:9؛ 14:33). اما، همانطور که متن می گوید، پدر "بر همه است"; بنابراین، در حالی که عبادت برای عیسی است، پرستش عالی برای پدر است. در مکاشفه می خوانیم که بره باید "شکرگزاری و افتخار و جلال و قدرت تا ابدالابد" داده شود (مکاشفه. 5:14).

اما خود عیسی گفت: «پدر از من بزرگتر است» (یوحنا. 14:28). کتاب مقدس گزارش می دهد که عیسی سرودهای ستایش پدر را سرود، اما در هیچ زمانی پدر برای پسر سرود نخواند (متی. 26:30). مسلمان است که خداوند همان جلال و افتخاری را به پسر عطا کرد که از آن برخوردار است، زیرا عیسی گفت: "من با پدرم بر تخت او نشسته ام."

(مکاشفه. 3:21). خدا به پسر مقامی رفیع داد. «خدا او را بسیار بلند کرد و نامی را که بالاتر از هر نامی است به او داد. تا به نام عیسی هر زانو در آسمان و زمین و زیر زمین و هر زبانی اعتراف کند که عیسی مسیح خداوند است برای جلال خدای پدر» (فیلیپیان. 2: 9-11).

او این حق را داشت، زیرا او خداست، و او انتظار دارد "همه به پسر احترام بگذارند همانطور که پدر را گرامی می دارند. هر که پسر را گرامی نمی دارد پدری را که او را فرستاده احترام نمی کند" (یوحنا. 5:23). اما این موقعیت او را به عنوان پسر تغییر نمی دهد. پسری مطیع پدر است. «او باید سلطنت کند تا زمانی که همه دشمنان را زیر پایهای خود قرار دهد... زیرا می گوید: او همه چیز را زیر پای خود گذاشته است. اما وقتی می فرماید: همه چیز تابع اوست، معلوم است که آن که همه چیز را مسخر او کرد استثنا است. و هنگامی که همه چیز مطیع او باشد، آنگاه خود پسر نیز تابع کسی خواهد بود که همه چیز را تحت فرمان او قرار داده است تا خدا همه چیز در همه باشد» (اول قرنیتیان. 28-25:15).

مسیح تنها زمانی که به زمین آمد پسر خدا نشد. خیلی وقت پیش بود، از روزگار ابدیت. ما می دانیم که پسر مطیع پدر است و از او می آموزد. هنگامی که پسر، در گذشته های دور، در آفرینش جهان همراه با پدرش عمل کرد، گفت: "پس با او بودم و شاگرد او بودم" (مثل. 8:30). بنابراین، عیسی به معنای واقعی کلمه، پسر مولود خداست. «پسر خدا» در زمان تجسم یک عنوان نیست، بلکه بیان کننده چستی عیسی است. او در گذشته های دور، در ابدیت به دنیا آمد. وقتی او به زمین آمد، همچنان پسر بود، اما به روشی متفاوت.

این حقیقت در کتاب عبرانیان به ما آموزش داده شده است. پولس کلام خدا را ذکر می کند: «زیرا به کدام یک از فرشتگان گفتم که تو پسر من هستی، امروز تو را زاییده ام؟ و دوباره: آیا من پدر او خواهم بود و او پسر من خواهد بود؟ (عبرانیان 1:5). دو لحظه متمایز گزارش شده است:

1- هنگامی که مسیح متولد شد، در ابدیت: "تو پسر من هستی، امروز تو را به دنیا آوردم."

2- هنگامی که مسیح تجسم یافت و به زمین آمد: «من پدر او خواهم بود و او من خواهد بود
فرزند پسر»

عبرانیان نیز لحظه سوم را به ما می گویند، زمانی که عیسی زنده شده، دوباره از طریق درگاه های آسمانی، به عنوان نخست زاده
مردگان وارد می شود: «و دوباره، هنگامی که نخست زاده را به جهان آورد، می گوید: همه فرشتگان خدا را پرستش کنند. به او»

(عبرانیان 1:6) «نخست زاده» به معنای "اولین زاده" است، که نشان می دهد عیسی همچنان یک پسر است، حتی اگر به شکل
دیگری (به عنوان مردی که زنده شده است).

با بازگشت به موضوع، می بینیم که مسیح از ازل پسر خدا بود. او پسر است به همان معنا که ما فرزندان والدین خود هستیم.
همان اصطلاحی که در کتاب مقدس برای تعیین مسیح به عنوان پسر (مولود) به کار می رود، برای فرزندان انسان به کار می رود:
«ابراهیم اسحاق را آورد و اسحاق یعقوب را آورد» (متی 1: 2) و خداوند مسیح را آورد. چیزهای خدا به سادگی قابل درک است.

در اینجا ارزش مشخص کردن تفاوت بین سوژه «آفریده» و پسر ایجاد شده را دارد. تفاوت زیادی وجود دارد. انسانها بر اساس
تصویر اخلاقی او به شکل فیزیکی خدا ساخته شدند (پیدایش 1:26؛ کول. 3:10) اما پسر بر اساس شکل فیزیکی دقیق آفریده
شد و تصویر اخلاقی از خدای نامتناهی را بیان می کند (فیلسیان 6: 2؛ عبرانیان 3: 1) انسان، مانند تمام مخلوقات عاقل، برای
پرورش شخصیت کامل آفریده شده است. فرشتگان، اولین مرتبه مخلوقات در جهان، چنین بودند: «آیا انسان از خالقش پاکتر
است؟ اینک او بر بندگان خود اعتماد ندارد و به فرشتگان خود حماقت می یابد» (ایوب 17، 18) اما مسیح «بسیار عالی تر از
فرشتگان شد زیرا نامی عالی تر از آنها به ارث برد» (عبرانیان 1:4) او شخصیتی برابر با شخصیت پدرش به ارث برد. در کتاب
مقدس شخصیت با نام بیان شده است. یک مثال معمولی نام "Jaco" است که به معنای "فرینده" است.

نام او بیانگر نقص شخصیتی بود که به دلیل آن پدرش را فریب داد تا برکت حق اولاد را دریافت کند.

با توجه به شکل فیزیکی، شخصیت و اقتدار، موقعیت پسر در رابطه با پدر برابر بود (فیلسیان 6: 2؛ عبرانیان 3: 1) اما این باعث
نمی شود که او خدا باشد، همانطور که خودش گفت: «من پسر خدا هستم» (یوحنا 10:36) و او تأیید کرد که پدر او تنها خداست:
"پدر... این زندگی جاودانی است تا تو را به عنوان تنها خدای حقیقی بشناسند" (یوحنا 17:3) و این بیانیه نه تنها در زمانی که
عیسی به عنوان یک انسان بر روی زمین باقی مانده بود، صادق بود. سالها پس از صعود او به آسمان، او به پولس رسول الهام
کرد که بنویسد: "زیرا اگر چه برخی هستند که خدایان خوانده می شوند... اما برای ما یک خداست، پدر" (اول قرنتیان 8: 6) و
این یک بیانیه منفرد نبود. او آن را، به عبارت دیگر و چندین بار، نه تنها توسط پولس، بلکه توسط سایر حواریون تکرار کرد: «یک
خدا و پدر همه است که بر همه است» (افسیان 6: 4) «زیرا یک خداست و یک واسطه بین خدا و انسانها، یعنی انسان مسیح
عیسی» (اول تیم. 2:5) «فیض، رحمت، سیلانی از جانب خدای پدر و از عیسی مسیح پسر پدر» (دوم یوحنا 1: 3)

برخی از متون اضافه شده به ترجمه های کتاب مقدس قرن ها بعد، در تلاش برای اثبات عقیده خود مبنی بر وجود خدایی به نام «تثلیث» استفاده می کنند.

این اضافات را خود مترجمان «داخل یابی» می نامند. محققان کتاب مقدس می دانند که کلمه «تثلیث» حتی در کل کتاب ذکر نشده است. تصور اینکه خدایی که در کتاب مقدس مکشوف نشده باشد، دشوار است.

این نیست. تاریخ نشان می دهد که خدای تثلیث منشأ خود را نه در کتاب مقدس، بلکه در سازندگان برج بابل دارد: "کوش نمرود را آورد که اولین کسی بود که بر روی زمین قدرتمند شد... آغاز پادشاهی او بابل بود." در اینجا روایت بابل است: «اکنون تمام زمین یک زبان و یک زبان بود. و چون مردان به سمت مشرق حرکت کردند، دره ای را در زمین شینار یافتند. و در آنجا ساکن شدند. به یکدیگر گفتند بیایید آجر بسازیم و خوب بسوزانیم. آجرها به عنوان سنگ و قیر به عنوان ملات عمل می کردند. و گفتند: برای خود شهر و برجی بسازیم که بالای آن به آسمان برسد و نامی برای خود بسازیم که بر روی تمام زمین پراکنده نشویم. سپس خداوند نازل شد تا شهر و برجی را که بنی آدم می ساختند ببیند. و گفت: اینک مردم یکی هستند و همه یک زبان دارند. و این همان کاری است که آنها شروع به انجام می کنند. اکنون هیچ محدودیتی برای هر کاری که قصد انجام آن را دارند وجود نخواهد داشت. بیا بریم پایین و اونجا زبانشون رو قاطی کنیم که زبان همدیگر رو نفهمند. پس خداوند آنها را از آنجا بر روی تمام زمین پراکنده کرد. و ساختن شهر را متوقف کردند. از این رو نام آن را بابل نامیدند، زیرا خداوند در آنجا زبان تمام زمین را در هم ریخت و از آنجا خداوند ایشان را بر روی تمام زمین پراکنده کرد.» (پیدایش 10:9-12؛ 11:1-8)

نمرود رهبر و رئیس بابل بود. نام او از عبری "Marad" گرفته شده است و به معنای "شورش" یا "او شورش کرد". آفریدگار به نوح گفته بود: «بزرگ کن و زمین را پر کن» (پیدایش 1:9 در مخالفت با دستور الهی، نمرود این بود: «بیایید برای خود شهر و برجی بسازیم که بالای آن به آسمان برسد و نامی برای خود بسازیم، مبادا بر روی تمام زمین پراکنده شویم.» روایت های متعددی از داستان نمرود وجود دارد و همه آنها شبیه به موارد زیر است: او به قدری شرور و بی دین بود که با مادر خود سمیرامیس ازدواج کرد و از او صاحب پسری به نام تموز شد. پس از مرگ او، این افسانه ساخته شد که روح نمرود صعود کرد و خدای خورشید شد. دایره المعارف بریتانیکا، ویرایش 1946 که در ادامه بیان می کند که «نمرود به عنوان یک مسیح واقعی پرستش شد».

سمیرامیس بعدها به عنوان الهه ماه و پسرش به عنوان خدای نجات دهنده در نظر گرفته شد. از این رو فرقه ستارگان برقرار شد، زیرا ارواح بی اجسم نمرود، سمیرامیس، تموز به خدایان تبدیل شدند. در آیین بت پرستی، فرآیند تبدیل انسان به خدایان، بعدها «آپوتئوس» به معنای «الوهیت» نامیده شد. پیدایش گزارش می دهد که در حالی که تمام پرستندگان بت پرست در ساختن برج شرکت داشتند، خداوند زبان کل زمین را به هم ریخت و از آنجا خداوند آنها را بر روی تمام زمین پراکنده کرد. پرستندگان نمرود، سمیرامیس و تموز به گوشه و کنار کره زمین پراکنده شدند. و آنها سیستم پرستش سه نفر (از این رو "تثلیث") و دانش ساخت معابد (زیگورات و اهرام) را با خود بردند. به همین دلیل است که باستان شناسان اهرامی را در نقاط مختلف زمین یافتند که به وسیله افرادی ساخته شده بودند که ظاهراً هیچ ارتباطی با یکدیگر نداشتند. همچنین به همین دلیل است که سوابق باستان شناسی نشان می دهد که آیین تثلیث، ستارگان، عملاً در تمام تمدن های بت پرستان باستان انجام می شده است. چیزی که برای محققان غیر مسیحی یک راز به نظر می رسد برای ایمانداران کتاب مقدس آشکار می شود.

این به این دلیل بود که همه آنها اجداد مشترک داشتند - سازندگان پس از سیل بابل. و با بازگشت به اصل موضوع، به همین دلیل است که در بسیاری از زبان ها، روزها به نام ستاره ای که به آن تقدیس شده اند نامگذاری می شوند -

مذاهب آنها منشأ یکسانی دارند. بیایید به چند نمونه نگاه کنیم:

یکشنبه:

- در انگلیسی یکشنبه یکشنبه است: Sun = sun; روز = روز یکشنبه = روز خورشید;

- در آلمانی Sonntag است: Sun - Sol; برچسب = روز;

- و غیره.

دوشنبه:

- به انگلیسی: Monday: mon = moon; روز = روز دوشنبه = روز ماه;

- و غیره.

داستان از این قرار است که نمرود مرد و همسرش سمیرامیس یک فاحشه فرقه ای بود. در نتیجه «مشارکت‌های مذهبی» باردار شد و صاحب یک پسر شد. او سپس ادعا کرد که توسط خود نمرود، که خدای خورشید شده بود، بارور شده است. این پسر در 25 دسامبر متولد شد و تموز نام داشت و مشرکان آن زمان نیز مورد احترام بود. از آن زمان، این تاریخ به عنوان تولد تموز جشن گرفته می شود و بخشی از آیین نمرود (خدای خورشید) شده است. تمام روز اول به پرستش خورشید اختصاص داشت: اولین روز هفته و همچنین سال. کلمه "domingo" نام اولین روز هفته در زبان پرتغالی از لاتین گرفته شده و به معنای "روز خداوند خداوند، خورشید" است. خدای دروغین «بعل که بارها در کتاب مقدس ذکر شده است- فقط نام دیگری برای نمرود» «شکارچی قدرتمند» بود (پیدایش «10:9 منبع: The Silence of Educators ST. روز ولنتاین. اولین روز سال که امروز در اسپانیایی «octava de navidad» نامیده می شود، به مراسم مذهبی پرستش خدای خورشید نیز اختصاص داشت.

همچنین در مورد مادر و تموز، پسر، داستان می گوید:

وقتی تموز جوان بود و در جنگل مشغول شکار بود، توسط یک خوک وحشی کشته شد. سپس سمیرامیس با تمام زنانی که در دین او خدمت می کردند، 40 روز گریست و روزه گرفت و در پایان آن، طبق افسانه بابلی، تموز زنده شد. این نمایش قدرت مادر بود. او شروع به پرستش با عنوان "ملکه بهشت" یا "الهه مادر" کرد. نماد این دین، تصویر مادر با کودک در آغوش بود که به «راز مادر و فرزند» معروف است. منبع: - Nacoos-NimrodeSemiramisMariaBabelBabilonia- Trois.htm http://solascriptura-tt.org/Seitas/Romanismo/ 11/9/2009 دسترسی به تاریخ.

آیین تموز پس از آن برقرار شد. طبق داستان، جسد تموز را تکه تکه کردند و به همه جا فرستادند. مادرش، سمیرامیس، سپس دستور داده بود که همه جا را جستجو کنند تا جسد را دوباره جمع کنند و پسرش را زنده کند. جستجو چهل روز به طول انجامید. در انتهای آن ها قطعه ای گم شده بود که معتقد بودند به رودخانه انداخته شده است. همچنین دستور جستجو در آنجا صادر شد که از آن ماهی های زیادی گرفته شد. این سنت توسط کلیسای کاتولیک پذیرفته شد. چهل روز روزه شد و خوردن ماهی در جمعه موسوم به «شور» در همان تاریخی بود که چهل روز جستجوی جسد تموز به پایان رسید. در پایان دوره جستجو، افسانه ها می گویند که در نهایت امکان بازسازی جسد متوفی وجود داشت. سپس مادرش یک روز کامل روی او می خوابید تا جسد را دوباره گرم و زنده کند. در پایان این او را زنده می کرد. سپس جشن میبخت و باروری با آداب فحشا برگزار شد. خرگوش و تخم مرغ به عنوان نمادی از باروری پذیرفته شدند - از این رو سنت خوردن تخم مرغ های شکلاتی در عید پاک. همه اینها از فرقه بت پرستی تموز، از دین بت پرستی سرچشمه می گرفت.

«طبق افسانه بابلی، تموز زنده شد. این نمایش قدرت مادر بود. او شروع به پرستش با عنوان "ملکه بهشت" یا "الهه مادر" کرد. نماد این آیین، تصویر مادر با کودک در آغوش بود که به «راز مادر و فرزند» معروف بود.

این دین به سرعت در سراسر جهان گسترش یافت. نام ها با توجه به زبان های مختلف متفاوت بود، اما عبادت مادر و پسرش یکی بود.

بِهْمُوْتِيْقِيَهْ بَعْل

اِيوْتَلْطُويا اِيْناْنا

اِيْرَسْمِيْسْ و اوزنيريس

اَفْرُوْتِيْلْتْ و اروس

زهره و کوپید در رم.

زمانی که مادها-پارس ها بر بابل تسلط یافتند، کاهنان آنجا در پرگاموم، در آسیای صغیر، ساکن شدند. پرگامم مرکز فرقه مادر و پسر شد. سپس او را با نامهای زهره و کوپید به رم بردند.

منبع: <http://solascriptura-tt.org/Seitas/> قابل دسترسی در 11/9/2009. Romanismo/Nacoës- NimrodeSemiramisMariaBabelBabilonia-Trois.htm

این سه، نمرود، تموز و سمیرامیس با نامهای مختلف در هر قوم بت پرست شروع به پرستش کردند. اولی به عنوان خدای خورشید، دومی به عنوان مادر خدا، و سومی به عنوان خدای پسر - تموز که خدای نجات دهنده نیز نامیده می شود. در مصر بودند

Orus, Isis و Osiris این مفهوم تا زمان امپراتوری روم بت پرست باقی ماند، زمانی که بت پرستی و مسیحیت شروع به همزیستی در امپراتوری کردند. امپراتور کنستانتینوس، قبل از به دست گرفتن حکومت، زمانی که هنوز با ماکسیمیلیان رقابت می کرد، به مردم قول داد که در صورت به دست گرفتن قدرت، امپراتوری را به یک امپراتوری «مسیحی» تبدیل خواهد کرد. او به قول خودش عمل کرد. او به جای اینکه فقط مسیحیت کتاب مقدس را به عنوان دین رسمی اعلام کند، به دنبال خشونت ساختن هر دو جناح امپراتوری - مسیحیان و بت پرستان - از طریق ادغام هر دو بود. او ادعا کرد که رویایی از آسمان داشته است که در آن خورشید را می بیند که توسط ابری صلیب شکل پوشیده شده است و گفت که این پیام را درک کرده است: "با انجام این کار شما پیروز خواهید شد". از این رو او در صدد برآمد که مفاهیم و اشکال عبادت هر دو را یکی کند. تا آن زمان، مسیحیان بر اساس تعالیم کتاب مقدس و تعالیم عیسی، سبت را نگه می داشتند: «وقتی به ناصره رسید، جایی که در آنجا بزرگ شد. او طبق عادت خود در روز سبت وارد کنیسه شد.» (لوقا 4:16)

کنستانتین تغییری را ایجاد کرد. او روز یکشنبه در سال 321 بعد از میلاد را مقرر کرد: «هر کس روز بزرگوار خورشید را عبادت کند، روز عبادت مشرکان». از طریق تأثیر او، اختلاط مسیحیت کتاب مقدس با بت پرستی ادامه یافت. پرستش تصاویر بنا نهاده شد، که توسط فرمان دوم ممنوع شد، اما به طور گسترده توسط مشرکان انجام شد. این تصاویر نام های جدیدی دریافت کردند - کتاب مقدس.

به عنوان مثال، تصویر مشتری به پیتر رسول تغییر نام داد. امروزه در رم و در واتیکان واقع شده است. این همان تصویر بت پرستی است، با شاخ های مشتری، اما نام پیتر. فرقه مادر و پسر که در میان بت پرستان بسیار محبوب بود، بعدها با نام های دیگر تجدید شد. بخشنامه پاپ را ببینید:

«در بشارت فرشته، مریم باکره کلام خدا را در قلب و بدن خود دریافت کرد و زندگی را به جهان آورد. بنابراین، او به عنوان مادر خدا و نجات دهنده واقعی شناخته شده و مورد احترام قرار می گیرد.» Lumen Gentium، شماره 8 - Edições Paulinas -
53 تصویر مریم را در حالی که خورشید دور سرش در حال پیچیده شدن پسرش در آغوشش است قرار دهید

بازگشت به تغییرات ترویج شده توسط کنستانتین: همانطور که انتظار می رفت، یکتا پرستی مسیحی کنار گذاشته شد. مسیحیت مسیح و رسولان یک خدا، یک شخص، پدر را به رسمیت شناختند (اول قرن تیان، 6: 8) بت پرستی تثلیث را می پرستید. برای برآوردن هر دو نیاز، در نتیجه دو شورا، یک خدای «سه گانه» در اعتقادنامه کلیسا رسمیت یافت. او از این واقعیت استفاده کرد که، حتی در داخل کلیسا، روحانیون آلوده به فلسفه بت پرستی، به ویژه روحانیانی از اسکندریه، که مفهوم بت پرستی تثلیث را معرفی کرده بودند، به مردان دستور می دادند که به نام پدر، پسر و تعمیم تعمیم دهند، استفاده کرد. روح القدس و یک خدا را در سه نفر پرستش کنید. مؤمنان واقعی که در حدود سال 65 بعد از میلاد توسط پولس رسول در مورد آنها هشدار داده شده بود، پذیرفته نشدند: «از این رو می دانم که پس از رفتن من گرگ های وحشی در میان شما خواهند آمد، گله را خواهند بخشید. و از میان شما مردانی برمی خیزند که سخنان نادرست خواهند گفت تا شاگردان را به دنبال خود بکشانند.» (اعمال رسولان، 20:29، 30) اما با حمایت شاهنشاه، کفار پیروز شدند. تثلیث به عنوان یک اعتقاد کلیسا رسمی شد. و مانند تصاویر، خدایان بت پرست نام های کتاب مقدس به دست آوردند. در سال 325 پس از میلاد، تحت سرپرستی کنستانتین، شورای نیکیه تعریف کرد که عیسی به عنوان "خدا" در نظر گرفته می شود. پس دیگر یکی نبود، دو بود. سالها بعد، شورای دوم، در قسطنطنیه (381 پس از میلاد)، تعریف کرد که روح القدس سومین «خدا» خواهد بود. بنابراین از Orus, Isis و Osiris در مصر، اکنون امپراتوری

رومی مسیحی شده دارای «پدر، پسر و روح القدس» بود، تثلیث بت پرستی مسیحی شده، که توسط شوراها مردان ابداع شد. مسیحیت رسمی امپراتوری نامی را به دست آورد که منشأ آن را نشان می دهد:

کاتولیک، که به معنای جهانی است - کلیسای رسمی امپراتوری روم (در سراسر جهان).

حواری، زیرا علیرغم همه تغییرات در رابطه با مسیحیت اصلی، گفته می شود که منشأ آن در رسولان است.

رومی - همانطور که دین امپراتوری روم بود

بنابراین، کلیسا از تلاش های کنستانتین برای متحد کردن بت پرستی که در نمرود، شورش علیه خدا، سرچشمه گرفته بود، با مسیحیت واقعی پدید آمد. ثمره اتحاد باطل با حق در مسائل دینی، حواری کاتولیک رومی بود. و او خدای «تثلیثی» را که در شوراها نیکه و قسطنطنیه ایجاد شده بود، پرستش کرد. فقدان مبنای کتاب مقدس برای حمایت از پرستش خدای جدید، روز استراحت جدید و همه انواع پرستش بت پرستی مسیحی شده وجود داشت. تاریخ نشان می دهد که رهبران دینی جدید در «تولید شواهد» متخصص شده اند. از ارائه طومارهایی که گفته می شد «از بهشت در اورشلیم سقوط کرده اند» برای اثبات تغییر از شنبه به یکشنبه گرفته تا شایعه پراکنی مینی بر اینکه مردم به دلیل کار در این روز مورد نفرین ویژه قرار گرفته اند. و حتی از تغییر ترجمه های کتاب مقدس نیز هراسی نداشتند. به درخواست روحانیون، اراسموس، مترجم کتاب مقدس، معاصر لوتر، در اول یوحنا 7: 5 متن داخل پرانتز را به کار خود اضافه کرد:

«زیرا سه نفر هستند که [در آسمان] شهادت می دهند: پدر، کلام، و روح القدس، و این سه یکی هستند. و سه نفر در زمین شهادت می دهند: روح، آب و خون، و آن سه در یک هدف متفقند.»

اما تا به امروز هنوز افراد صادقی وجود دارند که این حادثه را محکوم می کنند. مترجمان نسخه اصلاح شده و به روز شده، نسخه 1999، اعتراف می کنند که متنی که در بین پرانتزهای «[]» در این آیات ظاهر می شود، به متن اصلی تعلق ندارد. در تفسیر این نسخه (صفحه - 363 عهد جدید) می خوانیم:

f 5.8 "متن داخل پرانتز در چندین نسخه خطی ظاهر نمی شود".

در هیچ نسخه خطی قبل از 1500 پس از میلاد دیده نمی شود و همچنین نمی تواند، زیرا به نسخه اصلی تعلق ندارد. توسط مردان تولید و به آن اضافه شد. و امروزه بدون هیچ توضیحی، گویی متعلق به متن اصلی است، در چندین نسخه به اصطلاح «مدرن» یا «کلی» کتاب مقدس گنجانده شده است. حتی متنی که به غسل تعمید اشاره می کند نیز در امان نبود. تا به امروز، نقد متنی چندین اثر از اوزیبوس قیصریه را زنده در جریان شورای نیقیه ثبت کرده است، که در آن او در مورد متن متنی 28:19 چنین توضیح می دهد: «بروید، شاگردان بسازید... آنها را به نام من تعمید دهید. "یوسیبو متن را در حالی که آن را در انجیل زمان خود می خواند، رونویسی کرد. داستان از این قرار است که او مسئول بزرگترین کتابخانه زمان خود بود. بزرگترین مجموعه نسخه های خطی کتاب های متنی را در اختیار داشت. خوب، جالب است،

نوشته‌های یوسیبوس پس از شورای نیکیه روایت دیگری را ارائه می‌دهد: «بروید، شاگردان بسازید... آنها را به نام پدر، پسر و روح‌القدس تعمید دهید». به یاد داشته باشید که شورای نیکیه اولین شورایی بود که از طریق آن اعتقاد بت پرستی به تئلیت وارد مسیحیت شد. مطابق با آنچه که مردان در شورا تصمیم گرفتند، یوسیبوس حتی رونویسی‌های خود را از نوشته‌های کتاب مقدس تغییر داد. در واقع، تلاشی تقریباً فوق بشری انجام شد تا کتاب مقدس این اشتباه را تأیید کند. به حدی که امروزه یافتن نسخه‌ای از کتاب مقدس که به نسخه‌های خطی قدیمی در متی 28:19 وفادار باشد، دشوار است. اما خداوند خود را بدون شهادت بر حقیقت رها نکرد. در خود کتاب مقدس، در کتاب اعمال رسولان، شواهد فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد پتر به نام چه کسی دستور تعمید داد، در سخنانی که خداوند چنان برکت داد که بیش از 3000 نفر را در یک روز به ایمان مسیحی واداشت:

"توبه کنید و هر یک از شما به نام عیسی مسیح برای آمرزش گناهان تعمید دهید و عطا‌ی روح القدس را خواهید یافت" (اعمال رسولان، 2:38)

آیات دیگر تأیید می‌کند که تعمید صحیح به نام عیسی است. یکی را نقل می‌کنیم: «و در زمانی که آپولوس در قرنتس بود، پولس پس از گذشتن از تمام نواحی بالا، به افسس آمد و در آنجا شاگردانی یافت و به آنها گفت: آیا روح القدس را دریافت کردید وقتی که معتقد؟ و آنها به او گفتند: ما هنوز نشنیده ایم که روح القدس وجود دارد. سپس از آنها پرسید: «شما چگونه در عیسی مسیح تعمید یافته اید؟ و کسانی که شنیدند به نام خداوند عیسی تعمید یافتند. و چون پولس دست خود را بر آنها نهاد، روح القدس بر آنها نازل شد. و به زبانها سخن می‌گفتند و نبوت می‌کردند» (اعمال، 5:1-19)

تلاش مردان برای حمایت از کتاب مقدس از نظریات خود محدود به متون یوحنا و متی اول نیست. شواهدی از ترجمه‌های مغرضانه در 5 متن دیگر کتاب مقدس وجود دارد. اینها در اصل با کل کتاب مقدس هماهنگی کامل داشتند. اما، ترجمه به گونه‌ای که از نظریه‌های مطرح در آن زمان پشتیبانی می‌کند، و نه آنطور که در اصل ظاهر می‌شوند، خواننده را به درک این موضوع سوق می‌دهد که عیسی مسیح «خدای پسر» یا «نفر دوم تئلیت» خواهد بود. همانطور که آنها می‌خواهند ما باور کنیم. این متون در کتاب «اما برای ما فقط یک خدا، پدر وجود دارد»، Editoria Advertencia Final به طور گسترده در مورد آن توضیح داده شده و با حقیقت مقایسه شده است. اگر می‌خواهید بیشتر به این موضوع بپردازید، خواندن آن را توصیه می‌کنیم.

با بازگشت به پیام فرشته اول، نتیجه می‌گیریم که دستوری که در آن وجود دارد: "خدای را پرستش کنید" (Apoc. 14:7)، دستوری است برای ما برای پرستش خدا، پدر. نه یک تئلیت، بلکه تنها حقیقت واقعی. خداوند. ما اعلامیه کلیسای حواری را تکرار می‌کنیم: "گرچه برخی نیز هستند که خدایان نامیده می‌شوند، چه در آسمان و چه در زمین (چون خدایان بسیار و اربابان بسیار هستند)، اما برای ما یک خدا وجود دارد، پدر" (1)قرنتیان، 8: 6)

اما این متن همچنین به خواسته خداوند خداوند اشاره دارد که ما روز استراحت او را گرامی بداریم. متن پیام تقریباً همان فرمان است:

مکاشفه 14:7 «و او را بپرستید که آسمان و زمین و دریا و چشمه‌های آب را آفرید.»

فرمان چهارم: «روز سبت را به خاطر داشته باشید تا آن را مقدس نگه دارید... زیرا خداوند در شش روز آسمانها و زمین و دریا و هر چه در آنهاست را آفرید و در روز هفتم آرام گرفت.» مث (11، 20:8).

پیام فرشته اول فراخوانی از سوی خداوند برای بازگشت جهان به حفظ سبت فرمان چهارم است. یک نگاه به اطراف ما نشان می‌دهد که چگونه پیام به موقع آمده است. امروز، یک روز دیگر تقریباً به طور جهانی تقدیس شده است: یکشنبه. خدا می‌خواهد مردم دوباره از او اطاعت کنند. «روز سبت را نگاه دارید چنانکه یهوه خدایت به شما امر کرده است» (تثنیه 5:12) برخلاف آنچه بسیاری معتقدند، عیسی روز استراحت را لغو یا تغییر نداد. همچنین عهد جدید تعهد احترام به او را استثنا نمی‌کند. خدا بیان کرد که سبت نشانه‌ای برای همیشه خواهد بود (خروج 17-15: 31 و او گفت که در عهد جدید، این را همراه با سایر احکام شریعت بر قلب ما خواهد نوشت (عبر).

(10:16 ما در کتاب 6 این مجموعه با جزئیات بیشتری در مورد شواهد کتاب مقدس که این را ثابت می‌کند صحبت خواهیم کرد.

پیام فرشته دوم

«و فرشته دیگری به دنبالش آمد و گفت: او سقوط کرده است! بابل سقوط کرد، آن شهر بزرگ که همه امتها را شراب خشم زناکاری خود را نوشیدند!» (مکاشفه 14:8).

تاریخ نشان می‌دهد که شهر باستانی بابل در سال 531 قبل از میلاد توسط مادها و ایرانیان فتح شد. حتی در دوران باستان کاملاً ویران شد و دیگر هرگز بازسازی نشد. خرابه‌های آن در قلمرو عراق کنونی قرار دارد. وقتی یحیی کلمات «بابل سقوط کرد» را شنید، شهری که نام او را داشت دیگر وجود نداشت. بنابراین، درک این موضوع که اخطار مربوط به او بود، معنی نداشت. باید فهمید که پیام معنای معنوی دارد. «بابل» باید به سیستمی اشاره می‌کند که سیستم شهر باستانی را تکرار می‌کرد.

بابل باستان یک حکومت سلطنتی بود که در آن پادشاه آن، رهبر مدنی، بالاترین مرجع مذهبی نیز بود. این چیزی است که داستان کتاب دانیال به ما نشان می‌دهد: «نبوکدنصر پادشاه مجسمه‌ای از طلا ساخت که ارتفاع آن شصت ذراع و عرض آن شش ذراع بود. آن را در مزرعه دورا در استان بابل پرورش داد. و پادشاه نبوکدنصر دستور داد ساتراپ‌ها را دور هم جمع کنند... و همه

فرمانداران استان ها، تا به مراسم تقدیس مجسمه ای که نبوکدنصر پادشاه برپا کرده بود، بیایند. آنگاه ساتراپ ها و همه والیان ولایات گرد آمدند تا تمثالی را که نبوکدنصر پادشاه برپا کرده بود تقدیس کنند و در مقابل تمثالی که نبوکدنصر برپا کرده بود، ایستادند. و منادی با صدای بلند ندا داد: ای قوم ها و قوم ها و مردم از هر زبانی به شما دستور داده شده است: وقتی صدای بوق و فی فی... و انواع موسیقی را بشنوید، زمین خواهید خورد و تصویر طلایی را که نبوکدنصر پادشاه برافراشته است پرستش کنید. و هر که زمین نخورد و او را پرستش نکند، فوراً در کوره آتش افکنده خواهد شد.» (دان. 3: 1-6)

پادشاه بابل مسئول تعریف دین و تعالیم بود که باید بدون چالش از آنها اطاعت می شد. او نماینده شناخته شده الوهیت روی زمین بود. همانطور که قبلاً مطالعه کردیم، بابلی ها که از بابل آمده بودند تثلیث را پرستش کردند و اولین روز هفته را به عبادت اختصاص دادند. این اساس دین آنها بود. پیام آخرالزمان «بابل سقوط کرد» در مورد هر نظامی که اشکال دینی خود را بازتولید می کند صدق می کند. آخرالزمان، به زبان نمادین، به کلیسا به عنوان قهرمان کار احیای آیین بابلی اشاره می کند. قبل از خواندن، به یاد داشته باشید که زن، در کتاب مقدس، به معنای کلیسا است، در حالی که مسیح با شوهر مقایسه شده است (افس. 25: 24، 5)

زنی را دیدم که بر وحشی نشسته بود... بر پیشانی او این نام نوشته شده بود: رمز و راز، بابل بزرگ، مادر فاحشه ها و مکروهات زمین. (مکاشفه 5: 17)

کلیسایی که خود را "مادر" می نامد و عبادت بابلی را بازتولید می کند. امروز می شنویم: "کلیسای مادر مقدس". مادری در اسپانیایی «مادر» است. همین کلیسا اولین روز هفته را برای عبادت مجزا اعلام می کند. همچنین دستور پرستش تثلیث را می دهد. و رهبر آن «دگمها» را اعلام می کند، که دستور می دهد مؤمنان بدون تردید از آنها اطاعت کنند. همچنین، مانند بابلی ها، آیین مجسمه سازی را تحریم می کند. اینجا کلیسای کاتولیک است. پیام فرشته دوم، بدون هیچ گونه تردیدی، در درجه اول در مورد او صدق می کند. او «بابل بزرگ» است. کلیسایی که مسئول معرفی الگوها و اشکال پرستش بابلی در سراسر جهان مسیحیت است. اما با بی طرف بودن، توجه می کنیم که او تنها نبود. بسیاری از فرقه های مسیحی، در واقع تقریباً همه فرقه های رسمی مسیحی، بخشی از آیین بابلی را پذیرفتند. اکثریت قریب به اتفاق کلیساها یکشنبه را به عنوان روز عبادت و یا پرستش تثلیث اعلام می کنند. خدای واقعی و سبت او فراموش شده است. بنابراین غیرقابل انکار است که آنها پیوند معنوی با بابل دارند. و به همان اندازه درست است که می گویند سقوط کردند.

نتیجه: پیام "بابل سقوط کرد، سقوط کرد" در مورد آنها نیز صدق می کند.

توجه داشته باشید که خدا در زبان او چقدر کامل است: کلمه "سقوط" دو بار در متن آمده است، دقیقاً برای اینکه محقق دقیق متوجه شود که به سقوط بیش از یک کلیسا اشاره دارد. زیرا منطقی نیست که بگوییم یک کلیسا سقوط کرد و با سقوط دوباره، دوباره سقوط کرد. بنابراین، پیام بابل سقوط کرده است نیز به کار می رود

کلیساهای پروتستان سقوط کرده - همه آنها دارای آموزه های مشترک با کلیساهای بابل باستان هستند.

در اینجا، مناسب است که یک پرائتز ایجاد کنیم: ممکن است برخی از خوانندگان، در این مرحله، فکر کنند که هدف این کتاب انتقاد از کلیساها - بد گفتن است. اما این نیست. هدف این است که ما را به درک حقایق سوق دهد که خدا برای روزهای آخر باقی گذاشته است. معلوم می شود که خدا در کلام خود، خطاهای کلیساها و در نتیجه سقوط آنها را محکوم می کند. تنها از این طریق است که می توانید مردم را از مسیر اشتباه خارج کنید و آنها را به راه راست هدایت کنید. اگر به جهنم می روید و آن را نمی دانید، خدا باید هر چه زودتر به شما هشدار دهد. بنابراین ما، ناشران، باید یکی را انتخاب کنیم:

1- عدم پرداختن به موضوع و نادیده گرفتن وحی خداوند و بهانه این موضوع که «مبثی بحث برانگیز است که می تواند جنجال آفرین باشد».

2- وحی خدا را به مردم عرضه کنید و اراده او را انجام دهید و عواقب آن را به او بسپارید.

من گزینه دوم را انتخاب می کنم. و شما؟

زمانی که فرشته دوم به آن اشاره کرد، زمانی است که بابل «به تمام امتها شراب خشم زنا را داد تا بنوشند». امروز نمی توانید این را بگویید. به نظر می رسد چین و دیگر کشورهای بت پرست هنوز آموزه های کاتولیک را نادیده می گیرند. اما، اگر مکاشفه کتاب مقدس درست باشد، شاهد تغییر این نظم خواهیم بود. همه ملت ها همچنان در برابر پاپ و عقاید او تسلیم خواهند شد. چگونه این را بدانیم؟ ساده. در کتاب مقدس، نوشیدنی ها نمایانگر آموزه ها بودند. پطرس رسول توصیه کرد: «مثل فرزندان که از نو متولد می شوند، شیر معقول را بخواهید، نه تقلبی، تا با آن رشد کنید» (اول پطرس 2:2). «هر که از آبی که به او خواهم داد بنوشد، هرگز تشنه نخواهد شد، زیرا آبی که به او خواهم داد، در او چشمه آبی خواهد شد که برای حیات جاودانی می جوشد» (یوحنا 4: 14). عیسی هنگامی که میخواست به مردانی تعلیم دهد که نیاز داشتند آموزه او را با قلب دانش آموزی دریافت کنند، گفت: «هیچکس شراب تازه را در مشکهای کهنه نمیگذارد. و در غیر این صورت شراب نو مشک ها را می شکند و شراب می ریزد و مشک ها تباه می شود» (لوقا 5:27). پس شراب

بابل به همه ملل داده شده است. این کلیسا «شراب زناکاری او» نامیده می شود، به این معنی که این کلیسا از طریق آموزه های مردمی که می پذیرد و تعلیم می دهد، به مسیح و حقیقت او که در کتاب مقدس تعلیم داده شده است، خیانت می کند.

شراب در عین حال شراب خشم است. داستان آتش سوزی های بی شمار، گیوتین ها و سایر ابزارهای شکنجه مورد استفاده، خشم کشیشان کاتولیک را در برابر همه مخالفان دکتترین خود نشان می دهد. رم تغییر نکرده است.

امروز در جایی که ناتوان است بردبار است. اما اگر او دوباره قدرت بگیرد، جنایاتی برابر و حتی بزرگتر از گذشته علیه "بدعت گذاران" مشاهده خواهد شد. گناه او: پیروی از اعتقادات وجدان خود. طبق پیشگویی، بابل خواهد داد

آینده، تا همه ملت ها شراب خشم زناکاری خود را بنوشند. به زبان ساده: کلیسای کاتولیک همه دولت‌های همه ملت‌های روی زمین را وادار می‌کند که دکتربین‌های خود را بپذیرند و بر مردم تحمیل کنند. آموزه‌هایی مانند رعایت تعطیلات یکشنبه و جاودانگی روح انسان گناهکار به طور گسترده منتشر می‌شود.

یک دین جهانی در مخالفت با مسیح وجود خواهد داشت. این زمانی است که توسط فرشته دوم آخرالزمان نشان داده شده است. از عقاید آدمیان پیروی کنید یا با مسیح علیه بقیه جهان طرف شوید، این تصمیمی است که هر انسانی باید بگیرد. اما هیچ کس برای رویارویی با تمام قدرت های زمین که در برابر حقیقت آراسته شده اند، تنها نخواهد ماند. در این زمان بحران، فرشته ای قدرتمند به کمک همه کسانی که می‌خواهند در کنار حقیقت بایستند فرستاده می‌شود. پیام شما به کل سیاره خواهد رسید و به کسانی که مایلند محکم در طرف حق بایستند قدرت می‌بخشد. از تکان دادن هر نیروی زمین یا جهنم جلوگیری می‌کند. این پیام فرشته سوم است.

پیام فرشته سوم

"و فرشته سومی به دنبال آنها رفت و با صدای بلند گفت: "اگر کسی وحش و تصویر او را پرستش کند و نشان خود را بر پیشانی یا بر دست خود بگیرد، از شراب خشم خدا نیز خواهد نوشیدند. در جام خشم او آماده شده بدون مخلوط یافت شد. و او با آتش و گوگرد در حضور فرشتگان مقدس و در حضور بره عذاب خواهد شد. دود عذاب او تا ابد ادامه دارد. و کسانی که وحش و شمایل او را می‌پرستند، نه روز و نه شب آرامش دارند و نه کسی که علامت نام او را می‌گیرد. اینجا استقامت مقدسین است، کسانی که احکام خدا و ایمان عیسی را نگه می‌دارند." مکاشفه 12:6-14

این هشدار وحشتناک ترین تهدیدی است که از بهشت برای انسان ها فرستاده می‌شود. جاذبه لحن حاکی از آن است که کنار آمدن با حق بسیار آسان است که هیچ بهانه ای برای انتخاب اشتباه وجود ندارد. اما چگونه ممکن است این اتفاق بیفتد، اگر بزرگترین قدرت های روی زمین در طرف اشتباه هستند؟ زیرا در اختیار کسانی است که طرف اطاعت خدا را انتخاب می‌کنند. این در متن ظاهر می‌شود، زیرا فرشته سوم آن را با "صدای بلند" می‌گوید. همانطور که قبلاً دیدیم، این به معنای سخن گفتن پر از قدرت روح القدس خداست (لوقا 1:41، 42). خدا روح القدس خود را به کسانی که پیام را دریافت می‌کنند، قدرتی عطا خواهد کرد. رسول یک بار گفت: "اگر توسط روح هدایت می‌شوید، تحت شریعت نیستید" (افسیسیان 5:18). در مورد معنای اینها بسیار کم درک شده است

کلمات

قانون خدا بر مردم، ستارگان، عناصر طبیعت، حیوانات، ماهی ها و پرندگان حکومت می‌کند. ما به عنوان سوژه های آن در معرض محدودیت های طبیعت هستیم. ما نمی‌توانیم به گذشته برگردیم، روی ابرها راه برویم، از نزدیکترین ستاره‌ها دیدن کنیم، یا دستمان را در آتش بگذاریم بدون اینکه آسیبی ببینیم. سرپیچی از قوانین طبیعت یعنی ملاقات با مرگ. در این، به همه عواقب مساوی نقض بزرگترین قانون، ده فرمان، آموزش داده می‌شود، همانطور که همه قوانین طبیعی از آن ناشی می‌شوند. اما کسانی که توسط روح هدایت می‌شوند، «بر» شریعت هستند. کارهایی که به طور معمول غیرممکن بودند توسط مردانی انجام می‌شد که با روح القدس پر شده بودند. پولس رسول توسط مار گزیده شد و هیچ آسیبی ندید. فیلیپ از نقطه ای از زمین به نقطه دیگر منتقل شد. اینجا ناپدید شد و آنجا ظاهر شد. یوشع به خورشید و ماه دستور داد که ثابت بمانند و این

روز خیلی بیشتر از 24 ساعت طول کشید. حواریون پطرس و پولس از مردگان زنده شدند. عیسی روی آب رفت و پطرس را دعوت کرد و او نیز همین کار را کرد. سه دوست دانیال وارد کوره آتشی شدند که آنقدر داغ بود که کسانی را که آنها را به داخل آتش انداختند، کشتند. و یک تار موی سرشان نسوخته بود. تمام ارتش سوریه که برای دستگیری الیشع نبی آمده بودند کور شدند و او آنها را نزد پادشاه اسرائیل برد. و الیشع اسیر نشد. با در نظر گرفتن قوانین طبیعی، همه این چیزها عملاً غیرممکن خواهد بود. اما مردانی که روح خدا را دریافت کردند این کارها را انجام دادند. و حالا فرقی نخواهد کرد. انسان‌ها مملو از روح خواهند بود که برای سیستم‌های ردیابی ماهواره‌ای، رادارها، اسکنرها نامرئی شوند. می‌توانند از خطوط ارتش مردان و انسان‌نماهایی که حریص خون خود هستند، بدون اینکه متوجه شوند، از میدان‌های مین بمب‌ها بدون آسیب دیدن عبور کنند، و حتی از یک قسمت به قسمت دیگر منتقل شود. همه اینها برای تحقق مقصود خدا، اعلام انجیل واقعی ملکوت، بدون تقلب در عقاید انسانها، به همه ملتها. وعده مزمور 91 در زندگی آنها محقق خواهد شد: "هزار نفر در کنار شما خواهند افتاد و ده هزار نفر در سمت راست شما، اما شما ضربه نخواهید خورد". روحی که انسان را قادر می‌سازد همه این کارها را انجام دهد، با ایمان دریافت می‌شود (غلاطیان 3:14). عیسی گفت: «اگر می‌توانید ایمان بیاورید. همه چیز برای کسی که ایمان می‌آورد ممکن است» (مرقس 9:27). بنابراین، با توجه به آنچه که خدا می‌تواند برای کسانی که ایمان آورده و روح او را دریافت می‌کنند انجام دهد، در واقع آنقدر آسان است که در سمت راست قرار بگیریم که هیچ بهانه‌ای برای باقی ماندن در باطل وجود ندارد. حتی اگر تمام قدرت‌های زمین علیه ما متحد شوند، ما می‌توانیم پیروز شویم. حقیقت این است که مؤمنان ممکن است مانند رسولان قرن اول رنج ببرند. ممکن است خیلی‌ها شهید شوند. یعنی اگر خدا بفهمد که باید به آنها نشان دهد که «چقدر مهم است که برای نام مسیح رنج ببریم» (اعمال رسولان 9:16). اما برای خدا، رهایی هر یک از ما از یک موقعیت خطرناک به همان راحتی است که سنگ بر زمین انداختن. و برای او به همان اندازه آسان است که ما را قادر سازد تا از هر یک از احکام او اطاعت کنیم و جلوی عمل همه کسانی را که می‌خواهند مانع ما شوند را بگیریم. "برای خدا هیچ چیز غیر ممکن نیست" (لوقا 1:37). و ما شاهد وقوع غیرممکن خواهیم بود. فقط باید ایمان داشته باشیم که او به وعده‌هایش عمل خواهد کرد.

اما هنوز کسی می‌تواند بگوید: "اما من ایمان ندارم". این که خبری نیست هیچ کس به خودش ایمان ندارد. «ایمان... از خودتان نمی‌آید. این هدیه خداست» (افسیسیان 2:8). تمام عطایای خدا توسط عیسی داده شده است (دوم قرن‌تیان 20، 1:19 و خود عیسی قبلاً به ما داده شده است (یوحنا 3:16). آنگاه هر که او را بپذیرد، ایمان و از طریق آن روح خواهد یافت. و به واسطه‌ی روح، او همه‌ی کارهایی را که ما در مورد آن صحبت می‌کنیم، انجام خواهد داد. بنابراین، از صاحبان زمین هیچ ترسی نخواهید داشت.

من مجدداً تأکید می‌کنم که این واقعیت که ما روح را دریافت می‌کنیم به این معنی نیست که دیگر هرگز از هیچ نوع دردی رنج نخواهیم برد. خدا در حکمت خود چنین طراحی کرد که ما باید از طریق رنج به کمال برسیم. عیسی، «اگرچه پسر بود، اطاعت را با رنجی که کشید آموخت» (عبرانیان 5:8). بنابراین، لازم است پیروان او نیز تجربیات مشابهی را پشت سر بگذارند. رسولان بارها شلاق خوردند، دستگیر شدند، سوگند خوردند و در زمین پرسه زدند، از جایی به جای دیگر مورد آزار و اذیت قرار گرفتند. در طول قرن‌ها، بسیاری جان خود را برای عیسی فدا کردند. در مشیت حکیمانه خود، خداوند آنها را رهایی نداد، بلکه آنها را قادر ساخت تا نمونه آنها به عنوان گواهی و تشویق برای بسیاری دیگر باشد. خون شهدا بذری بود که خرمن ارواح را برای بهشت سیراب کرد. اما کتاب مقدس نشان می‌دهد که ایمانداران از طریق ایمان حتی «قدرت آتش را خاموش کردند» (عبرانیان 11:34). این واقعیت را توضیح می‌دهد که

بمیر با آواز خواندن روح القدس به عنوان «بیهوشی» برای آنها عمل کرد و آنها توانستند در آخرین ساعت زندگی عیسی شهادت دهند. بنابراین نتیجه می‌گیریم که «در همه این چیزها ما به واسطه او که ما را دوست داشت بیش از پیروز هستیم. زیرا من متقاعد شده‌ام که نه مرگ، نه زندگی، نه فرشتگان، نه حکومت‌ها، نه قدرت‌ها، نه چیزهای حاضر، نه چیزهای آینده، نه ارتفاع، نه عمق، و نه هیچ موجود دیگری نمی‌تواند ما را از عشق جدا کند. خدایی که در خداوند ما عیسی مسیح است» (رومیان 8:37-39)

پیام سومین فرشته عاقبت وحشتناکی را که عادلانه نصیب کسانی می‌شود که چنین نجات بزرگی از جانب خدا را رد می‌کنند، اعلام می‌کند: «اگر کسی وحش و تصویر او را پرستش کند و نشان او را بر پیشانی یا بر دست خود بگیرد، او نیز خواهد بود. از شراب خشم خدا بنوشید که در جام خشم او بی‌آمیخته است. و او در حضور فرشتگان مقدس و در حضور بره با آتش و گوگرد عذاب خواهد شد. خشم خدا با ریختن هفت بلا به پایان خواهد رسید: "یک نشانه بزرگ و شگفت‌انگیز دیگر را در بهشت دیدم: هفت فرشته حامل هفت بلای آخر، زیرا در آنها خشم خدا تمام شده است." (Apoc.15:1) اینها وحشتناک‌ترین بلاهایی هستند که روی این سیاره دیده می‌شوند. گردبادها و سونامی‌های بزرگ در مقایسه با جام‌های خشم خداوند، جزافت نیستند. تأخیر در ادای اعمال بد، با شدت قضاوت‌ها جبران می‌شود. نشان داده خواهد شد که خداوند نسبت به همه بی‌عدالتی‌ها و شرارت‌های امروزی کور نیست. و شراب غضب به مناسبت آفت هفتم ریخته خواهد شد: «و فرشته هفتم جام خود را در هوا ریخت... و شهرهای امتهای سقوط کرد. و خدا بابل را به یاد آورد تا جام شراب خشم خود را به او بدهد... و تگرگ عظیمی از آسمان بر مردم فرود آمد، سنگهایی به وزن یک تالانت [حدود 34 کیلو وزن]. و مردم به خاطر طاعون تگرگ به خدا کفر گفتند، زیرا طاعون آنها بسیار بزرگ بود.» (مکاشفه 16:17-21)

مجازات پیروان وحش به تگرگ از سنگ ختم نمی‌شود. به نتیجه دوم اشاره می‌شود: او در برابر فرشتگان مقدس و در برابر بره با آتش و گوگرد عذاب خواهد شد. بسیاری از افراد شریر با سنگسار خواهند مرد و کسانی که باقی خواهند ماند در زمان آمدن دوم مسیح جان خود را از دست خواهند داد که اندکی پس از آن اتفاق خواهد افتاد (مکاشفه 19:21) این در زبان نمادین مکاشفه 19 تأیید شده است: «وحش و پادشاهان زمین و لشکرهايشان را دیدم که گرد هم آمده بودند تا با کسی که بر اسب و لشکر او می‌نشید، جنگ کنند. و وحش اسیر شد و با او نبی دروغین... و بقیه با شمشیری که از دهان سوار بر اسب بیرون آمد کشته شدند» (مکاشفه 19:19-21) کسی که شمشیر تیز از دهانش بیرون آمد، عیسی است (مکاشفه 16:13-16:11 آمدن او به زمین، سوار بر اسب، توصیف نمادین دومین آمدنش به زمین است. کسانی که با "شمشیر دهان او" می‌میرند، شریران هستند که در این زمان هلاک می‌شوند. آن وقت زمین خالی می‌شود. پیغمبر می‌فرماید: «به زمین نگرستم و اینک ویران و خالی بود. و آسمانها و نور نداشتند... نگاه کردم و دیدم که مردی نیست و همه پرندگان آسمان گریخته‌اند» (ارمیا 4:23-25) مردگان عادل زنده خواهند شد و همراه با زندگان با مسیح به آسمان برده خواهند شد. شریر زنده خواهد مرد. و مردگان شریر دیگر بر نمی‌خیزند. "رستاخیز دوم" برای آنها محفوظ است تا حکم محکومیت را دریافت کنند و مجازات دریاچه آتش را تحمل کنند. از این رو عیسی می‌گوید: «خوشا به حال کسی که در رستاخیز اول سهم دارد.»

مرگ دوم بر اینها قدرتی ندارد، بلکه آنها کاهنان خدا و مسیح خواهند بود و هزار سال با او سلطنت خواهند کرد.» (مکاشفه، 20:6)

کتاب مقدس تعلیم می دهد که هزار سال پس از آمدن عیسی برای بار دوم، شریران زنده خواهند شد و گرد هم خواهند آمد تا حکم نهایی را دریافت کنند. سپس در دریاچه آتش سوزانده می شوند: «تخت سفید بزرگ و او را که بر آن نشسته بود دیدم که زمین و آسمان از حضور او گریختند و جایی برای آنها یافت نشد. و مردگان بزرگ و کوچک را دیدم که در برابر تخت ایستاده بودند و کتابها گشوده شد. و کتاب دیگری گشوده شد که کتاب حیات است و مردگان برحسب آنچه در کتابها نوشته شده بود برحسب آثارشان داوری شدند. و دریا مردگانی را که در آن بودند تسلیم کرد. و مرگ و هادس مردگانی را که در آنها بودند تسلیم کردند. و هر کدام برحسب اعمالش داوری شدند. و مرگ و جهنم در دریاچه آتش افکنده شد. این مرگ دوم است. و هر که در کتاب حیات نوشته نشده یافت، در دریاچه آتش افکنده شد.» (مکاشفه، 20:11-21)

شریر برای همیشه نمی سوزد. آنها کاملاً مصرف می شوند و می میرند. «اینک، آن روز می آید که مانند آتش می سوزد. همه متکبران و هر که بدکار می کنند مانند گاه خواهند بود. یهوه صباپوت می گوید روزی که نزدیک است آنها را به آتش خواهد کشید تا نه ریشه و نه شاخه برای آنها باقی بگذارد... و شریران را زیر پا خواهید گذاشت زیرا خاکستر زیر کف پا خواهند شد. یهوه صباپوت می گوید، پاهای تو را در روزی که خواهیم ساخت.» (مال، 3، 1:4 و چنان خواهند بود که گویی هرگز نبوده اند"

(عبدیا، 1:16)

در این مرحله ممکن است از خود پرسید: "اما چگونه می توانیم متن پیام را توضیح دهیم؟" "دود عذاب تو همیشه تا ابد ادامه دارد؟" ساده. وقتی هیزم تمام می شود و آتش خاموش می شود، دود همچنان بالا می رود. این به ما یادآوری می کند که آتش وجود داشته است. تعبیر کتاب مقدس به این معنی است که مجازات شریران برای همیشه به یاد می ماند. عواقب کامل گناه در ذهن همه نقش می بندد، به طوری که هیچ کس نمی خواهد دوباره مرتکب آن شود. گناه دوباره بلند نمی شود. کتاب مقدس به ما می آموزد که به هیچ وجه فکر نکنیم که شریران برای همیشه خواهند سوخت. در یهودا می خوانیم که شهرهای شریر سدوم و گومورا «نمونه ای از رنج عذاب آتش ابدی شدند» (یهودا، 7: 1)

آنها در خاک کنونی عراق قرار داشتند. و تا به امروز نمی سوزند. اثری از گوگرد در محل وجود دارد، اما آتش سوزی وجود ندارد. و حتی نباید فکر کنید که دود به معنای واقعی کلمه برای همیشه بلند می شود. زیرا اگرچه پیدایش بیان می کند که «ابراهیم برخاست... و به سدوم و عموره و تمام زمین دشت نگریست. و دید، و اینک، دود زمین بالا می رود، مانند دود از کوره، امروز هیچ دودی از آتش آن زمان در آن مکان دیده نمی شود (پیدایش، 19:27، 28) معنای آخرالزمان نمادین است. باز می گویم: تعبیر دود عذاب او تا ابدالابد به این معناست که عاقبت گناه را تا ابد به یاد می آورد. و به همین دلیل دیگر هرگز برنخواهد خاست.

کسانی که وحش و شمایل او را می پرستند نه روز و نه شب آرامش دارند و نه کسی که نشان نام او را می گیرد. روز استراحت تعیین شده توسط

خداوند همانطور که در عهد جدید آمده است: «زیرا در جایی در مورد روز هفتم چنین گفت: و خدا از همه اعمال خود در روز هفتم استراحت کرد... بنابراین هنوز برای قوم خدا استراحتی باقی است. زیرا کسی که به آرامش او وارد شده است، خود از اعمال خود آرام گرفت، همانطور که خدا از او آرام گرفت. پس بیایید به دنبال ورود به آن استراحت باشیم تا هیچ کس به همان مثال نافرمانی نیفتد.»

(عبرانیان (9-11، 4:4) «روز هفتم سبت یهوه خدایت است. نه تو، نه پسر، نه دختر، نه غلامت، نه کنیزت، نه دامانت، و نه خارجیت که در دروازه هایت است، هیچ کاری انجام نده. زیرا خداوند در شش روز آسمانها و زمین و دریا و هر چه در آنهاست را ساخت و در روز هفتم آرام گرفت. بنابراین خداوند روز سبت را برکت داد و آن را تقدیس کرد» (خروج (11، 10:20 کسی که از روز استراحتی که او پیشنهاد کرده امتناع کند، آرامش نخواهد داشت.

از این رو نتیجه می شود که پرستندگان وحش روز سبت را رد خواهند کرد. همانطور که ما کشف می کنیم که جانور کیست، دلیل این امر مشخص خواهد شد.

پیام فرشته دوم سقوط بابل را تفسیر کرد که دیدیم کلیسای کاتولیک بود. در مکاشفه 17، او توسط یک زن نشان داده شده است: «زنی را دیدم که بر جانوری قرمز رنگ نشسته بود که پر از نامهای کفرآمیز بود و هفت سر و ده شاخ داشت. و آن زن لباس ارغوانی و قرمز بر تن داشت و بر پیشانی او نام اسرار، بابل بزرگ نوشته شده بود.» (مکاشفه (4، 3:17 وحشی که او بر آن نشسته نشان دهنده تشنگی اوست: «هفت سر هفت کوه است که زن بر آن می نشیند» (آیه (9) رم شهر هفت کوهی است که در پیشگویی نشان داده شده است: «روم در امتداد سواحل رودخانه تیبر گسترده شده و مرکز تاریخی آن را با هفت تپه تشکیل می دهد: پلاتین، آونتین، کامپیدوگلیو، کویریناله، ویمیناله، اسکیلینو و سلیو». (منبع: ویکی پدیا، تأکید شده است). در رم است که مقر پاپ، واتیکان، در آن قرار دارد.

این کشور توسط سایر کشورها به عنوان یک کشور مستقل شناخته شده است که پاپ پادشاه آن است. در نبوت، پاپ ها را با سر وحش مقایسه می کنند: "هفت سر هفت کوه هستند... آنها نیز هفت پادشاه هستند" (مکاشفه (10، 9:17 نماد جانور

نماینده پاپ و سران آن پاپ ها هستند. سایر خصوصیات وحش که در فصل 13 شرح داده شده است، این تفسیر را تأیید می کند:

1- وحش پرستش می شود - پس نشان دهنده قدرت دینی است: «و وحش را می پرستیدند که کیست مثل وحش؟ چه کسی می تواند با او مبارزه کند؟" (مکاشفه (4:13

2- وحش مقدسین را آزار می داد و می کشید و بر امتها اقتدار داشت: «به او اجازه داده شد که با مقدسین جنگ کند و بر آنها چیره شود. و بر هر قبیله و زبان و قوم به او قدرت داده شد» (مکاشفه (7:13

پاپ، که دادگاه تفتیش عقاید را تأسیس کرد، مسئول مرگ میلیون ها نفر بود که آنها را به عنوان "بدعت گذار" طبقه بندی کرد. گناه شما: خواندن و اطاعت از کتاب مقدس. پاپ یک قدرت مذهبی آزاردهنده بود که مشخصات پیشگویی را برآورده می کرد.

از این رو می توان فهمید که نماد "جانور" نشان دهنده پاپ است. بنابراین، «نشان» وحش، نشان قدرت پاپ است. تشخیص آن کار سختی نیست. ادبیات کاتولیک تأیید می کند:

«یکشنبه نشانه اقتدار ماست. کلیسا در بالای کتاب مقدس قرار دارد و انتقال روز سبت گواه این امر است.»

با این حال، به نظر می‌رسد پروتستان‌ها نمی‌دانند که... با برگزاری یکشنبه... اختیارات سخنگوی کلیسا، پاپ را می‌پذیرند.» منبع: ما یکشنبه ویزیتور، هفته نامه کاتولیک، 5 فوریه 1950 (تاکید شده است).

روز یکشنبه نشانه اقتدار پاپ است. بنابراین، آن علامت وحش است. در اینجا یک مشاهده لازم است. "جانور" در مکاشفه 13 به عنوان یک قدرت "آزارگر" نشان داده شده است. چیزی که امروز اتفاق نمی‌افتد. اگرچه در گذشته دقیقاً با این ویژگی مطابقت داشت، امروز پاپ آشکارا دستور کشتن مؤمنان را نمی‌دهد. اما در مکاشفه 17، عیسی توضیح می‌دهد که هشتمین و آخرین پاپ در تاریخ، دوباره این حق را به عهده می‌گیرد: «جانور... هشتمین است... و به سوی نابودی می‌رود» (Apoc. 17:11)*. امروز، پاپ جفا نمی‌کند.

بنابراین نمی‌توان گفت که پاپ فعلی نقش یک جانور را ایفا می‌کند. و در نتیجه، یکشنبه اعلام شده توسط او هنوز نمی‌تواند "نشان وحش" در نظر گرفته شود. اما زمانی که آخرین پاپ قدرت را به دست گیرد، طبق پیشگویی او به یک جفاگر تبدیل خواهد شد. از این رو عیسی می‌گوید که "هشتم جانور است". بنابراین، یکشنبه "نشان جانور" خواهد بود. این به یک تعهد تحمیلی تبدیل خواهد شد، و کسانی که از حفظ آن امتناع می‌ورزند، مانند مؤمنان در قرون وسطی مورد آزار و اذیت وحش قرار خواهند گرفت. موضوع روز استراحت «شنبه» یکشنبه» به دلیل بحرانی که پیرامون آن ایجاد خواهد شد، موضوع این لحظه خواهد بود و همه مردان روی زمین این فرصت را خواهند داشت که آگاهانه و آگاهانه تصمیم بگیرند. آنها انتخاب خواهند کرد که با حفظ روز سبت از خدا اطاعت کنند یا با برگزاری یکشنبه به پاپ ادای احترام کنند.

* این موضوع در کتاب «هشتم» به طور عمیق به آن پرداخته شده است. خواندن آن را برای درک خوب این فصل از مکاشفه توصیه می‌کنم.

بازگشت به پیام فرشته سوم: او می‌گوید که پرستندگان وحش استراحتی ندارند. این به این دلیل است که آنها روز استراحتی را که جانور برپا کرده است به جای روزی که خدا داده است، می‌پذیرند. آنها انتخاب قطعی خود را برای پاپ و یکشنبه انجام می‌دهند و شنبه را برای همیشه رد می‌کنند، همانطور که می‌گویند: "کسانی که جانور و تصویر او را می‌پرستند نه روز و نه شب استراحت دارند و نه کسی که علامت نام او را دریافت می‌کند". درک این موضوع آسان است، با توجه به اینکه نگهبانان سبت به مرگ تهدید خواهند شد. در چنین وضعیتی، همه کسانی که ایمان واقعی به مسیح ندارند، برای حفظ منافع خود در این زندگی، راه اطاعت را ترک خواهند کرد. اما به یاد داشته باشیم که عیسی گفت که هر که جان خود را به خاطر او روی این زمین از دست بدهد، دوباره آن را خواهد یافت. هر کسی که منافع خود را در این زمین در اولویت قرار دهد و مسیح را رها کند تا در اینجا امرار معاش کند، آن را از دست خواهد داد.

"تصویر هیولا"

تصویر کپی از اصل است. از آنجایی که جانور نماینده یک قدرت مذهبی آزردهنده بود، تصویر نیز چنین است. ما در پیام فرشته دوم دیدیم که کلیساهای دیگر یکشنبه را به عنوان روز استراحت آموزش می دهند. این امر به ویژه در مورد پروتستان ها و انجیلی ها صادق است. آنها با این کار از پاپ کپی می کنند. فرشته سوم نشان می دهد که آنها فراتر خواهند رفت و همچنین از روش پاپ در برخورد با مخالفان تقلید خواهند کرد. آنها بر دولت ها تأثیر خواهند گذاشت تا عقاید مذهبی خود را مانند گذشته تحمیل کنند. دادگاه های قدیمی تفتیش عقاید، که در آن پاپ حکم صادر کرد و دولت آن را اجرا کرد، در نسخه ای مدرن به رهبری کلیساهای پروتستان بازسازی می شود. شاید باور همه اینها اکنون بسیار دشوار به نظر برسد، اما می توانیم مطمئن باشیم که وقتی مردم حقیقت خدا و تأثیر روح او را رد می کنند، بسیار ظالم می شوند.

فرشته سوم نشان می دهد که پرستندگان وحش نیز تصویر او را می پرستند. زیرا از آنجایی که کاتولیک ها و پروتستان ها هر دو یک چیز را موعظه می کنند، علامت اقتدار آنها یکسان خواهد بود. موضوع روز استراحت - یکشنبه که به وسیله اختیارات بشری تعیین شده است، در مقابل شنبه تعیین شده توسط خداوند، موضوع اصلی اختلاف خواهد بود. از طریق او جهان به دو طبقه تقسیم می شود. مقامات کلیسا و دولت برای رشوه دادن، براندازی و وادار کردن همه طبقات مردم به تسلیم شدن در برابر روز تعیین شده توسط انسان متحد خواهند شد. اما اخطار فرشته سوم در سراسر زمین شنیده خواهد شد و به وضوح عواقب وحشتناک زیر پا گذاشتن فرمان الهی را اعلام می کند. در میانه این نبرد روحانی، هر فرد تصمیم نهایی خود را خواهد گرفت و هر دو، عادل و شریر، آماده خواهند بود تا شاهد مورد انتظارترین رویداد تاریخ باشند: آمدن دوم عیسی. در آن روز بزرگ طرف چه کسی خواهید بود؟ انتخاب های شما هر روز موقعیت شما را در پایان درگیری تعیین می کند.

باشد که آنها در کنار عیسی و اطاعت از او امر او خردمند باشند.

پیام فرشته سوم با نشان دادن اینکه کلیسای منتخب خدا در روزهای آخر چه خواهد بود و ویژگی های اعضای آن به پایان می رسد. آیا می خواهید او را ملاقات کنید؟ کتاب بعدی این مجموعه را بخوانید: «کلیسای حقیقی خدا در روزهای آخر چیست؟»

کتاب 6: پنجمین حقیقت بزرگ: کلیسای واقعی خدا در روزهای آخر چیست؟

«اینجا صبر اولیاء الله است. در اینجا کسانی هستند که احکام خدا و ایمان عیسی را نگاه می دارند.» مکاشفه 14:12

احکام خدا همان احکامی است که در کوه سینا بر روی لوح های سنگی با انگشت خود به موسی نوشته است. اجازه دهید آن را با خلاصه شریعت ارائه شده در عهد جدید (به خدا و همسایه محبت کنید) و نه با «فرمان جدید» ذکر شده توسط مسیح (که یکدیگر را دوست بدارید) اشتباه نگیریم. از پیدایش تا

مکاشفه، کتاب مقدس تعلیم می دهد که تنها احکامی که خدا داده است ده خروج 17:3-20 است.

اگرچه این احکام در حدود 1450 قبل از میلاد در سینا داده شد، اما مدتها قبل شناخته شده بود. فرمان چهارم، سبت، در هفته آفرینش، حتی قبل از وقوع گناه در زمین ظاهر می شود: «و خدا در روز هفتم کاری را که انجام داده بود به پایان رساند، و در روز هفتم از تمام کارهای خود استراحت کرد. او انجام داده بود.

و خدا روز هفتم را برکت داد و آن را تقدیس کرد. زیرا در او از تمام کارهایی که خدا آفریده و ساخته بود آرام گرفت.» (پیدایش 3، 2:2 در سینا، خداوند به انسان دستور می دهد که این فرمان را به خاطر بسپارد: «روز سبت را به خاطر داشته باشید تا آن را مقدس نگه دارید» (خروج 20:8) حدود پانصد سال قبل از سینا، ابراهیم قوانین خود را حفظ کرد: "زیرا ابراهیم صدای من را اطاعت کرد و فرمان و احکام من و فرایض و شریعت من را نگاه داشت." (پیدایش 25:6) مزمور نویس اعلام کرد که احکام تا ابد باقی خواهند ماند: «اعمال دست او راستی و داوری است، همه احکام او مطمئن است. آنها تا ابدالابد استوار می مانند» (مزمور 8، 11:7 عیسی گفت که او برای لغو شریعت نیامده است. بلکه تا زمانی که بهشت میماند، باقی میماند: «فکر نکنید که آمدهام تا شریعت یا انبیا را از بین ببرم. زیرا به راستی به شما میگویم تا آسمان و زمین از بین بروند، یک ذره یا یک ذره از شریعت نمیگذرد تا همه چیز محقق شود.» (متی 5:17، 18) پولس اظهار داشت که عیسی شریعت را به انجام رساند تا ما نیز، با پیروی از او، آن را به انجام برسانیم: «خدا که پسر خود را به صورت جسم گناهکار فرستاد، برای گناه، گناه را در بدن محکوم کرد. تا عدالت شریعت در ما که نه بر اساس جسم، بلکه بر اساس روح رفتار می کنیم، تحقق یابد.» (رومیان 8:3، 4) او همچنین بیان کرد که، در عهد جدید، احکام مانند قدیم معتبر است: «برای سرزنش آنها، به آنها میگوید: خداوند میگوید: اینک روزهایی میآیند، زمانی که با خاندان اسرائیل استوار خواهیم شد. و با خاندان یهودا عهد جدیدی نه بر اساس عهدی که با پدران ایشان بستیم در روزی که دست ایشان را گرفتیم تا ایشان را از زمین مصر بیورم. خداوند میگوید چون آنها در عهد من باقی نماندند، من به آنها توجه نکردم.

خداوند میگوید که این عهدی است که پس از آن روزها با خاندان اسرائیل خواهیم بست. قوانین خود را در فهم آنها قرار خواهیم داد و آنها را در دل آنها خواهیم نوشت.» (عبرانیان 8:8-10)

عهد قدیمی ده فرمان بود (تثنیه 4:13) چون رهبران و مردم تصمیم گرفتند از دستورات سرپیچی کنند، به عهد او عمل نکردند. بنابراین، خداوند آنها را دوباره به انسان عرضه کرد و آنها را "عهد جدید" نامید. مثل شوهر خیانت شده ای که زنش را بخشیده و حالا بعد از تجدید عهد وفاداری، همان حلقه ازدواج را دوباره به انگشتش می زند. عهد یکسان است - به همان تعهد بین انسان و خدا می پردازد که اکنون با ایمانداران به عیسی دوباره برقرار شده است.

پولس همچنین اعلام کرد: «گناه بر شما مسلط نخواهد شد، زیرا شما تحت شریعت نیستید، بلکه تحت فیض هستید. پس چی؟ آیا ما گناه خواهیم کرد زیرا تحت شریعت نیستیم، بلکه تحت فیض هستیم؟ اصلاً.» و «گناه تخطی از شریعت است.» هر که واقعاً تحت ملکوت فیض باشد، از طریق واجد شرایط است

روح، از قانون تخطی نکنید. موضوع فیض از دستورات خدا اطاعت می کند (رومیان: 15، 14: 6؛ اول یوحنا. 4: 3)

یعقوب نیز مانند پولس و سایر نویسندگان کتاب مقدس، بیان می کند که ما «توسط قانون داوری خواهیم شد». و توضیح داد: «کسی که کل شریعت را نگه دارد و در یک نقطه لغزش کند، گناهکار همه شده است. زیرا کسی که گفت زنا مکن، گفت: قتل مکن. اگر زنا نکنی، بلکه بکشی، قانون شکن هستی.» (یعقوب. 11، 10، 2:12؛ و سرانجام، یوحنا در مکاشفه، کسانی را که فرشته از آسمان به آنها اشاره می کند، به عنوان کلیسای خدا در روزهای آخر توصیف می کند: "کسانی که احکام خدا را نگاه می دارند" (مکاشفه. 14:12)

قدیسان روزهای آخر، مانند کسانی که از زمان آدم در هر عصری بودند، احکام را حفظ خواهند کرد. آنها همچنین ایمانی را خواهند داشت که عیسی در زمان اینجا روی زمین داشت -

ایمان عیسی - بنابراین، ده فرمان و ایمان عیسی، به اصطلاح، «پرچم» است که اولیای خدا در دست دارند. تجربه اطاعت از طریق ایمان. چالش بزرگ در چگونگی دستیابی به این تجربه نهفته است. درک این امر معادل یافتن دری به سوی بهشت، به سوی حیات جاودانی است. برای یافتن مسیر پیروزی در برابر وحش و تصویر او. بیایید آن را با هم بفهمیم، بعد.

احکام را حفظ کنید

در مکاشفه، وحشی دیده می شود که روی شن‌های دریا ایستاده است، که نمادی از انبوه مردم شریر فریب خورده توسط آن است: «شیطان... بیرون خواهد رفت تا ملت‌هایی را که در چهار گوشه زمین هستند، فریب دهد... که تعداد آنها مانند ریگ دریا است» (مکاشفه. 8، 20:7)

به یاد داشته باشید که شیطان «قدرت و اقتدار خود» را به وحش داد (مکاشفه. 13:2) جانور ابزار فریب است که توسط او استفاده می شود. کسانی که فریب آنها را نخورند بر وحش و بنابراین شیطان غلبه خواهند کرد. کسانی که در حقیقت راه می روند. مزمورنویس می گوید: «شریعت تو راست است» (مزمور. 119:142) فقط کسانی که از قانون ده فرمان پیروی می کنند از فریب عاری هستند. به همین دلیل است که سومین فرشته مکاشفه پس از هشدار در مورد پرستش وحش و تصویر او، به کسانی اشاره می کند که احکام خدا را نگه می دارند به عنوان قوم واقعی خدا - تنها کسانی که تحت قدرت فریبنده شیطان نیستند. از آنجایی که وحش به روشنایی ها و کل ساختار قدرت هرمی فرمان می دهد، هرم با چشم شیطان، «ماتریکسی» که در آن زندگی می کنیم، رهایی از قدرت آن و بنابراین در اطاعت از احکام، به معنای خارج از سیستم بودن است. هرم و نمادهای مرتبط را در لوگوهای بانک‌ها، سازندگان وسایل نقلیه، فراماسونری، نماهنگ‌ها و نمایش‌های خواننده، رویدادهای ورزشی، کانال‌های تلویزیونی و اینترنتی معروف مانند یوتیوب و حتی در کلیساها می‌بینیم. بی دلیل نیست که کتاب مقدس می گوید: «دنیا و آنچه در جهان است را دوست نداشته باشید. اگر کسی دنیا را دوست دارد، محبت پدر در او نیست.» اول یوحنا. 2:15 «و این است محبت خدا که احکام او را نگاه داریم» اول یوحنا. 2:5 از اینجا می فهمیم که کسانی که همه پیوندهای خود را با دنیا و باطل های آن قطع می کنند، احکام را حفظ می کنند.

هر چیزی در زندگی ما که با ده فرمان خدا مطابقت ندارد، اگر بهشت می خواهیم، باید ترک شود. اولین قدم برای حفظ احکام این است که از دنیا و اشتباهات شخصی متنفر باشید و مایل به ترک آنها باشید.

خداوند هیچ کس را برخلاف میل او تغییر نخواهد داد. همانطور که یوشع با الهام از او گفت: "امروز چه کسی را خدمت خواهی کرد... اما من و خانه من خداوند را خدمت خواهیم کرد." یوشع 24:15 و می توانیم بدانیم که اگر دنیا را ناراحت می کنیم، به این دلیل است که خدا در قلبهای ما به واسطه روحش کار می کند. زیرا کار روح القدس این است که جهان را به گناه محکوم کند (یوحنا 8: 16) به عبارت دیگر، کار نجات به ابتکار خداوند آغاز می شود. او روح القدس را به عیسی عطا می کند که آن را از طریق فرشتگان می فرستد تا وجدان ما را لمس کند. با این حال، این به ما بستگی دارد که به خود اجازه دهیم اشتباهات خود را متقاعد کنیم، با او موافق باشیم و دعوت او را برای تغییر زندگی خود بپذیریم.

نوید کنسرت جدید

خدا وعده داد: "قوانین خود را در دل آنها خواهم گذاشت و آنها را در ذهن آنها خواهم نوشت" (عبرانیان 10:16) نوشتن در فهم به این معناست که خودمان را متقاعد کنیم که فرمان عادلانه است، که اطاعت بهترین راه برای ماست.

نوشتن روی قلب ما را به اطاعت از او دوست می دارد. خدا هر دو کار را توسط روح القدس انجام می دهد. به محض اینکه روح او وجدان ما را در مورد گناه متقاعد کرد، او آنها را به عدالت متقاعد می کند (یوحنا 8:16) وقتی به اشتباه فکر می کنیم، ما را «عذاب وجدان» کرده است، اکنون به ما انگیزه و نیرو می دهد تا در مسیر اطاعت قدم برداریم. ما خدمت به خدا را انتخاب می کنیم و او به ما کمک می کند. اینگونه است که شما احکام را حفظ می کنید. بنابراین، اگر در نظر بگیریم که خداوند متعال و قادر مطلق را یاور خود داریم، اطاعت سخت نیست. یوحنا بیان می کند که احکام خدا سنگین نیستند (اول یوحنا 3: 5) و این تجربه را داشت. او می دانست که به خدا اجازه دهد زندگی او را هدایت کند و به او کمک کند چه معنایی دارد. عیسی گفت: من همیشه تا آخر الزمان با شما هستم.

(متی 28:20) همانطور که پدری قبل از عبور از خیابان دست پسرش را برای فشردن دست دراز می کند، عیسی نیز به سمت ما است. او نماینده خدا، پدر ماست که همیشه با ما راه می رود، دستش به سوی ما دراز است و از او می خواهد که به ما دست بدهد تا در میان مشکلات، ما را راهنمایی کند تا از خیابان سختی ها عبور کنیم. که مانند اتومبیل های خشمگین با سرعت زیاد در امتداد مسیر حرکت می کنند. "ترافیک" می تواند سنگین باشد. ممکن است ساعت شلوغی باشد. اما با چسبیدن به دستان نامرئی پدر، مطمئناً به سلامت به آن سوی خواهیم رسید.

ممکن است مانند یک کودک کوچک، ما نتوانیم بالای اتومبیل ها را ببینیم تا بدانیم آیا بعد از مسیر بعدی، مسیر برای عبور آزاد خواهد بود یا خیر. اما او می بیند و می داند. اگر به او اعتماد کنیم و صبر کنیم تا او به ما بگوید: "بیا!"، همه چیز خوب خواهد شد.

با تثبیت اطاعت خود به یک نقطه، به طوری که دیگر تکان نخوریم، می توان گفت که فرمان را حفظ کرده ایم. این معنی کلمه نگه داشتن است. این است که آن را نزد خود نگه دارید، در امان باشید، از آن مراقبت کنید، تا گم نشود. در معنای کتاب مقدس، این به معنای چسبیدن به خدا برای جلوگیری از سقوط است. که هیچ کس -شخص یا شیاطین - نمی تواند ما را حرکت دهد. عیسی، با اشاره به اطاعت ثابت خود، و دلبستگی خود به خدا، اعلام کرد: "من احکام پدر خود را نگاه داشته ام و در محبت او می مانم" (یوحنا 15:10)

وقتی خدا مطمئن می شود که ما قبلاً یک نکته از شریعت او را جذب کرده ایم و از آن پیروی کرده ایم، دیگری را که قبلاً ناشناخته بود به ما آشکار می کند. این به روند متقاعد کردن ما و دادن قدرت اطاعت به ما ادامه می دهد. این فرآیند "تقدیس" نامیده می شود. به همان نسبت که روح القدس را دریافت می کنیم، تقدیس می شویم. و همینطور ادامه دارد. زندگی ما در میان این روند دائمی پاکسازی و سفید شدن شخصیت ما اتفاق می افتد. خدا عمل می کند و ما همکاری می کنیم، خود را تسلیم فرآیند می کنیم. دستورات و اراده او را برای زندگی خود می پذیریم. استفاده از قدرتی که او برای اطاعت داده است. اگرچه به ما قدرت اطاعت در همه زمان ها داده شده است، اما گاهی اوقات با نگاه کردن از عیسی زمین می خوریم - دست پدر را رها می کنیم و می خواهیم به تنهایی به عبور ادامه دهیم. بعد زمین خوردیم و روی پیست افتادیم. صدمه می بینیم هنگامی که این اتفاق می افتد، خدا با روح خود در ما به فعالیت خود ادامه می دهد.

عیسی برای ما در بهشت شفاعت می کند، و خدا در قلب های ما، «با ناله هایی که بیان نمی شود» شفاعت می کند (رومیان 8:26) و میل به دعا را در قلب ما قرار می دهد تا از او بخواهیم که ما را از دشواری معنوی خارج کند. و تا زمانی که ما دوباره دعوت را نپذیریم، عیسی برای ما شفاعت می کند، اگر در قلب ما اخلاص وجود داشته باشد. همه کسانی که کار روح را در قلب خود کاملاً رد نکرده اند از شفاعت مسیح بهره مند می شوند. "اگر کسی گناه کند، ما یک وکیل نزد پدر داریم، عیسی مسیح عادل" (اول یوحنا 2:1). پس، هنگامی که در نهایت تسلیم تأثیر روح می شویم، روند تقدیس دوباره آغاز می شود.

برای اکثر مردم، این روند زمانی به پایان می رسد که مرد آخرین نفس خود را می کشد و برای استراحت در قبر می رود. پولس در پایان عمر خود اظهار داشت: «من مبارزه خوبی انجام دادم، مسیر خود را به پایان رساندم... از این پس تاج عدالت برای من در نظر گرفته شده است که خداوند، قاضی عادل، آن را خواهد داد. من در آن روز؛ و نه تنها برای من، بلکه به همه کسانی که ظهور او را دوست دارند.» (دوم تیموتائوس 4:7-9) با این حال، کتاب مقدس می آموزد که برای گروهی از افراد هستند که به ویژه از سوی خداوند دارای امتیاز هستند. آنها فقط اجازه می دهند تا زمانی که هنوز زنده هستند کار خدا در زندگی آنها عمیق تر شود تا آخرین گناه را از بین ببرند. لحظاتی پیش، در مورد اینکه چه اتفاقی می افتد وقتی یک مسیحی برای لحظه ای از انتخاب اطاعت از خدا دست می کشد، توضیح دادیم: او تا زمانی که به راه بازگردد، به شفاعت مسیح وابسته است. هنگامی که مسیحی در راه پیش می رود، بیشتر و بیشتر در خدا استوار می شود و سقوط او کمتر می شود. حال در نظر بگیرید که چه اتفاقی برای کسانی خواهد افتاد که با تسلیم شدن دائمی تر به خدا و مسیح، به نقطه ای خواهند رسید که هیچ چیز آنها را به انتخاب نادرست بر حق ترغیب نخواهد کرد. در این صورت، حتی اگر مسیح نتواند در حرم شفاعت کند، برای آنها مشکلی نخواهد بود. زیرا شفاعت مسیح برای کسانی است که خطا می کنند. او گفت: "کسانی که خوب هستند نیازی به پزشک ندارند" (لوقا 5:31) آنها می توانند بدون شفاعت بر روی زمین زندگی کنند. هنگامی که مسیح کار خود را متوقف کند، هفت بلای آخر بر روی زمین خواهد افتاد (مکاشفه 16:1؛ 15:1 در این هنگام غضب خدا بر سرور سرازیر خواهد شد.

و این گروه از مردم در این مدت بر روی زمین زنده خواهند ماند. در آخرالزمان به آنها اشاره شده است که سرزنش ناپذیرند. آنها یکصد و چهل و چهار هزار نفر هستند (مکاشفه 14:5-14:14 کسانی که ده فرمان را اطاعت می کنند و کاملاً تسلیم هدایت روح الله هستند. آنها به عنوان شاهدان آنچه فیض خدا قادر به انجام دادن آنها در تسلیم مسیح هستند باقی خواهند ماند.

پس از سپری شدن بلاها، پاداش بزرگ را دریافت خواهند کرد. کسانی که یک بار برای همیشه در زندگی از انتخاب گناه دست بر می دارند، آماده اند تا چهره خدا را دوباره ببینند. درست مانند کاری که آدم قبل از گناه انجام داد. انسان فقط به دلیل نافرمانی ارتباط شخصی و مشهود با خالق را از دست داد. سپس اینها در موقعیتی قرار می گیرند که بدون دیدن مرگ به جایی که خداست برده شوند. همانطور که در مورد خنوخ و ایلیا اتفاق افتاد. به همین دلیل است که 144000 نفر بدون دیدن مرگ به آسمان برده می شوند. من و تو اگر به این شرط برسیم، در آن روز بزرگ زنده خواهیم بود و در پیروزی بر مرگ شریک خواهیم بود. اینک، من یک راز را به شما می گویم: همه ما نخواهیم خوابید، اما همه ما در یک لحظه، در یک چشم به هم زدن، در آخرین شیپور تغییر خواهیم کرد. چون شیپور به صدا در خواهد آمد... و ما متحول خواهیم شد. زیرا این فاسد باید فساد ناپذیری بیوشد و این فانی باید جاودانگی بیوشد. و چون این فاسد، فساد ناپذیری بیوشد و این فانی جاودانگی بیوشد، آن گاه سخنی که نوشته شده محقق می شود: مرگ در پیروزی فرو برده می شود. (اول قرنتیان، (54-51:15) آمین! سپاس خداوند را!

عهد خدا: ایمان - قسمت انسان

پولس نوشت که ما از طریق ایمان نجات یافته ایم و اضافه می کند: «این از شما نیست، هدیه خداست» (افسسیان، (2:8) ایمان «مایه چیزهایی است که به آنها امید می رود، و ایمان به چیزهایی که دیده نمی شوند» (عبرانیان، (1:1) این خداوند است که ایمان و اعتماد به او را در ما قرار می دهد. هر دو ثمره ارتباط، دوستی با اوست، ما به قول دوستانمان ایمان داریم و این ثمره همزیستی است. و ما می توانیم با عیسی و خدا زندگی کنیم. اگر دقت کنیم، می توانیم عیسی را در نزدیکی خود مشاهده کنیم.

چند بار تحت تأثیر ایده های «ناگهانی» قرار گرفته ایم که ما را از خطر نجات می دهند، ما را از آسیب رساندن باز می دارند، یا باعث می شوند در مورد یک مشکل بهتر فکر کنیم و تصمیم درستی بگیریم؟ صدای وجدان هر روز با ما صحبت می کند و نشان می دهد که عیسی همیشه آماده است، توصیه های خدا، پدرمان را به ذهن ما منتقل می کند. با اطاعت از آن و موفقیت، خود را تشویق می کنیم که از جهت روح خدا در زندگی خود پیروی کنیم. دفعات بعدی کتاب مقدس این تجربه را به شرح زیر نشان می دهد: "با اعمال ایمان کامل شد" (یعقوب، (2:22) ناگفته نماند لحظاتی که بسیاری از ما تشخیص می دهیم به طور معجزه آسایی از تصادفات مرگبار، سرقت و سایر خطرات نجات یافته ایم! از چه بسیار لب هایی که شکرگزار فیض دریافت شده اند، کلمات سپاسگزاری از خدا بیرون می آیند و او را به عنوان محافظ خود می شناسند! و ما نمی توانستیم موارد بسیاری را فراموش کنیم که در آنها، پس از تأمل در بخشی از کتاب مقدس، ذهن تحت تأثیر قدرت حقایق خوانده شده قرار می گیرد.

که مشکلات روز تا حد ناچیز پایین می آیند و ما در جستجوی کمک به خدا متوسل می شویم، همانطور که آفتابگردان به دنبال خورشید می آید! همانطور که کتاب مقدس در رومیان 10:17 می گوید، ایمان با شنیدن کلام خدا به وجود آمد. همه این تجربیات گواه واقعی این است که ارتباط با خدا باعث ایجاد و افزایش ایمان می شود. و او یک کانال مستقیم دارد - روح القدس - که از طریق آن به قلب هر یک از ما می رسد. بنابراین، هیچ کس نمی تواند بگوید که هرگز توسط او لمس شده است.

و اینکه از طریق این لمس، هدیه ایمان به او ارائه نشد. با ایمان و اعتماد به قدرت خداوند، قادریم همیشه از او اطاعت کنیم. پولس گفت: "من می توانم همه چیز را به وسیله او که مرا تقویت می کند انجام دهم" (فیلیپیان، (4:13)

ایمان عیسی

هدیه خدا ایمان خدا نیست. او پسر خود را در بدن انسان فرستاد که از طریق ایمان انسانی پیروز شد. و خدا ما را از این ایمان -ایمان عیسی -شریک می کند.

پولس گفت: «دیگر من نیستم که زنده می‌مانم، بلکه مسیح در من زندگی می‌کند. و زندگی ای که اکنون دارم... با ایمان به پسر خدا زندگی می‌کنم» (غلاطیان 2:20) «اینجا استقامت قدیسان است که... به عیسی ایمان دارند» (مکاشفه 14:12) هیچ شکستی در ایمان عیسی وجود ندارد. ایمان او "ضعیف" نبود. او کامل و همیشه قوی بود. همیشه برای خدا کافی است که از طریق آن هر معجزه ای انجام دهد و او را در اطاعت از احکام در هر شرایطی تقویت کند. این ایمان هدیه ای است که به مردان ارائه می شود تا بتوانند نجات یابند.

از آنجایی که ایمان کامل عیسی به ما ارائه شده است، هر زمان که آن را دریافت کنیم، کاملاً از خدا اطاعت خواهیم کرد. هر کس از طریق تعمید دوباره متولد شود، به عنوان یک مؤمن "اطاعت" متولد می شود. چیزی به نام "مومن نافرمان" نزد خدا وجود ندارد. همچنین مؤمنی با «ایمان ضعیف» وجود ندارد. نسبت دادن نقص به ایمان به این معنی است که گناه خود را با نسبت دادن نقص به هدیه کامل ایمان عیسی، که از جانب خدا داده شده، توجیه کنید. اما ما ایمان ناقص دریافت نمی کنیم. خدا پدری نیست که به بچه یک اسباب بازی آسیب دیده هدیه بدهد. نه، اول تست می کند، می بیند کار می کند یا نه و چیز جدیدی می دهد. این همان کاری است که او با عطای ایمان انجام داد: او ابتدا آن را در شخص پسرش، مسیح عیسی مرد، آزمایش کرد. او پسرش را در معرض سخت ترین آزمایش ها قرار داد، چنان سخت که هیچ مرد دیگری هرگز با آن روبرو نخواهد شد. زیرا او سنگینی گناهان تمام جهان را بر او گذاشت (اشعیا 6: 53) هرگز قوای جهنم تا این حد متحد نشده اند و با چنین نیرویی به انسان دیگری حمله نکرده اند. زیرا شیطان می دانست که در این نبرد با مسیح همه چیز برای او در خطر است. اگر او در آنجا پیروز می شد، کنترل قطعی بر کل نژاد بشر را به دست می آورد. اما ایمانی که خدا به مسیح عیسی مرد داد، در برابر آزمایش مقاومت کرد. عیسی پیروز شد، با شکوه. او می‌توانست بگوید: «شاهزاده این جهان نزدیک می‌شود و چیزی در من ندارد» (یوحنا 14:30) هیچ چیز در او وجود نداشت که شیطان بتواند به او تکیه کند تا او را به تخطی کوچکترین از احکام خدا وادار کند. هدیه ایمانی که به عیسی داده شد مورد آزمایش و تایید قرار گرفت.

ثابت شد که ایمان عیسی هدیه ای کامل است. هدیه ای با «مهر کیفیت از سوی مؤسسه اندازه شناسی در بهشت». بنابراین، از آنجایی که ما هرگز به اندازه عیسی آزمایش های سختی نخواهیم داشت، هرگز زمانی وجود نخواهد داشت که ایمان عیسی دیگر برای بازدارندگی ما از گناه کافی نباشد. هیچ موقعیتی وجود نخواهد داشت که بتوانیم با عدالت، موهبت ایمانی را که دریافت کرده ایم، ناقص بدانیم و آن را «ضعیف ایمان» بنامیم. و هنگامی که این بهانه ممنوع شد، که حتی توهین به خداست، ما باید به عنوان یک واقعیت بپذیریم که نافرمانی فقط به دلیل عدم ایمان یا «کفر» ممکن است رخ دهد. این کتاب مقدس است. خداوند نافرمانی را مساوی با کفر می داند: «و به چه کسی سوگند یاد کرد که در آرامش خود وارد نشوند، مگر برای کسانی که نافرمان بودند؟»

و می بینیم که به خاطر کفرشان نتوانستند وارد شوند». "هر چه از ایمان نباشد گناه است" (عبرانیان 19، 18، 3: رومیان 14:23).

ایمان با شنیدن کلام به وجود می آید

از آنجایی که در موهبت ایمانی که به ما داده می شود شکستی وجود ندارد، چرا اینقدر اتفاق می افتد که مؤمن هنگام آزمایش دچار نافرمانی می شود؟ این به دو دلیل رخ می دهد. اول اینکه: به دلیل جهل به اراده خداوند نسبت به او در آن شرایط. در این مورد، او از شفاعت مسیح بهره می برد که دقیقاً برای خطاهای این ماهیت فراهم شده است: "اگر در نور راه برویم ... خون عیسی مسیح، پسر او، ما را از هر گناهی پاک می کند" (اول یوحنا). (7: 1 فهمیده می شود: اگر در نور روحانی که به آگاهی ما رسیده است راه برویم؛ مطابق آنچه خداوند تاکنون در مورد احکام خود به ما آموخته است. اگر وجدان ما را به چیزی متهم نکند، خون عیسی ما را از تمام گناهایی که ناآگاهانه مرتکب شده ایم پاک می کند. دلیل دیگر، دوم، این است که وعده های خدا را به یاد نمی آورد و برای ماندن در اراده الهی چیزی برای تکیه ندارد. بنابراین، او در نهایت می خواهد وضعیت را به روش خود حل کند - مطابق با نفس. اگرچه او می دانست که خدا در آن موقعیت از او چه انتظاری دارد، فقدان مطالعه کتاب مقدس و دعا به این معنا بود که خدا به او وعده داد که در چنین موقعیت‌هایی راه خروج را به او بدهد.

یکی از دلایلی که کتاب مقدس بیش از هزار صفحه دارد، دقیقاً به این دلیل است که می تواند تمام موقعیت‌هایی را که انسان در طول زندگی با آن مواجه می شود، پوشش دهد. بنابراین، برای هر لحظه راهنمایی صحیح را به ارمغان می آورد. برای شناخت آنها، انسان باید کلام را مطالعه کند. این قسمت به او بستگی دارد. خداوند سعی کرد کتاب مقدس را تا امروز حفظ کند. مطالعه آنها بر عهده انسان است. حتی اگر متن دیگری در نسخه‌های مختلف ترجمه ضعیفی وجود داشته باشد، کل کتاب مقدس همچنان منسجم است. با مطالعه هر موضوعی، از پیدایش تا مکاشفه، حتی یک مرد ساده با تحصیلات رسمی کمی می تواند به حقیقت برسد. بنابراین، هیچ کس نمی تواند برای توجیه اشتباهات خود ادعا کند که شرایط لازم برای درک حقیقت تعلیم داده شده در کتاب مقدس را ندارد. هر که واقعاً بخواهد راه مطمئن بهشت را بیابد، آن را با مطالعه مجدانه خواهد یافت. عیسی گفت: "شما کتاب مقدس را جستجو می کنید، زیرا فکر می کنید در آنها زندگی جاودانی دارید" (یوحنا. 5:39)

مطالعه کلام کاملاً با دریافت هدیه ایمان مرتبط است. «ایمان از شنیدن می آید و شنیدن از کلام خدا». (رومیان. 10:17) ما از طریق کلام خدا، اراده و وعده های او را می شناسیم. بنابراین، از طریق آن، رابطه دوستی با او و اصول حکومت او ایجاد می کنیم. با مطالعه آن، خداوند ایمان عیسی را به ما می دهد. کسی که روزانه کلام خدا را با پشتکار مطالعه می کند به وسیله او تقویت می شود. وقتی با مشکلاتی مواجه می شود، خدا به وسیله روح به او یادآوری می کند و او را وادار می کند که آنچه خوانده است به درستی تفسیر کند. پس او می داند که برای رضای خدا چه باید بکند. من در این مورد نظر می‌دهم زیرا دانستن اراده او همیشه چندان ساده به نظر نمی‌رسد. هر چیزی که در زندگی با آن روبرو می شویم به سرعت تشخیص داده نمی شود که بین دزدی، کشتن، ارتکاب زنا یا عدم انجام آن و غیره انتخاب شود. ما با موقعیت‌هایی روبرو می شویم که برایمان بسیار پیچیده به نظر می رسد. در روابط زناشویی، بین والدین و فرزندان، روابط کاری و غیره، اغلب به موقعیت‌هایی برمی خوریم که در آن دچار سردرگمی می شویم. دانش‌آموزان بی‌توجه یا سطحی‌نگر کتاب مقدس اغلب در چنین موقعیت‌هایی اراده خدا را اشتباه تفسیر می‌کنند و در دام شیطان می‌افتند. اما دانش‌آموز کوشا، که اراده خدا را از پیدایش تا مکاشفه می‌داند، می‌تواند به درستی تشخیص دهد و همانطور که انتظار می‌رود در مسیر اطاعت ادامه دهد. انواع موقعیت‌هایی که با آن مواجه می شویم

مسیر زندگی برای ما بی نهایت به نظر می رسد. اما خداوند در حکمت خود همه آنها را در صفحات مقدس پوشانده است.

میزان ایمان

کتاب مقدس می گوید که خداوند به هر فرد «میزان ایمان» داده است. اما هنگام پرداختن به این موضوع، او به ایمان برای تقدیس اشاره نمی کند، بلکه ایمان به نبوت را ذکر می کند: «بیشتر از آنچه باید بدانید، ندانید، بلکه... بر اساس میزان ایمانی که خداوند بین هر یک تقسیم کرده است... با داشتن عطایای مختلف، بر حسب فیضی که به ما داده شده است، اگر نبوت باشد، یا بر اساس میزان ایمان» (رومیان 6، 3، 12: نبوت یکی از هدایایی است که عیسی از طریق ریزش روح خدا برای بنای کلیسا اعطا کرد. به هرکسی داده نمی شود، زیرا عیسی هدایایی را به هر فردی، مطابق آنچه که او راحت می داند، به نفع شخص و کسانی که در شعاع نفوذشان هستند، می دهد (اول قرنتیان 12:11). همه پیامبر نخواهند شد. "شاید... آیا همه آنها پیامبر هستند؟" (اول قرنتیان 12:28-30). اما، اگرچه دارای مواهب مختلف روح است، اما همه تقدیس خواهند شد. «و خود برخی را به عنوان رسول و برخی را به عنوان پیامبر و برخی را به عنوان مبشر و برخی را به عنوان شبان و معلمان داد، زیرا خواهان کامل شدن مقدسین، برای کار خدمت، برای ساختن بدن مسیح بود. تا زمانی که همه به وحدت ایمان و شناخت پسر خدا به یک انسان کامل و به اندازه قد کامل مسیح برسیم» (افسسیان 4: 11-13).

افرادی هستند که بیش از دیگران در باور به پیشگویی های مربوط به آینده مشکل دارند، اما این بدان معنا نیست که کمتر تقدیس شده اند. بسیاری از آنها به عنوان مسیحی بهتر از بسیاری از مؤمنان به پیشگویی ها شهادت می دهند.

بنابراین، آنها ثابت می کنند که ایمانی که برای تقدیس دریافت کرده اند، کمتر از ایمانی که دیگران دریافت کرده اند، یا به میزانی کمتر نبوده است. ایمان عیسی، موهبتی که خدا برای تقدیس به ما می دهد، برای ایجاد اطاعت در ما کامل و کافی است، درست همانطور که در عیسی بود. و به همه اعطا می شود، بدون تمایز. این با عطای نبوت متفاوت است، که «به اندازه ایمان» اعمال می شود که خدا بین کسانی که آن را دریافت کردند، تقسیم کرد. به عبارت دیگر، از نظر نبوت، هر که ایمان آورد، به اندازه آنچه ایمان آورده، موعظه می کند.

سپس، در میان فرزندان خدا اتفاق می افتد که برخی پیشگویی ها را موعظه می کنند و برخی دیگر نمی کنند. حتی در میان مبلغان پیشگویی، این اتفاق خواهد افتاد که برخی جزئیات بیشتری را نسبت به دیگران، «در حد ایمان» ارائه کنند. با این حال، خدا با هدف تقدیس، به همه به اندازه «هدیه مسیح» ایمان می آورد. یعنی ایمان عیسی با تمام کمالتش که به ما اعطا شده است تا بتوانیم همه احکام او را نگه داریم (افسسیان 4: 7).

بنابراین، از آنجایی که موهبت ایمان همیشه موجب اطاعت کامل می شود، مؤمن واقعی هر چه معرفت او به وعده های خداوند بیشتر باشد، مطیع تر خواهد بود. هرکس وارد بهشت می شود، چون شرط را انجام داده است

اطاعت کامل از نوری که از احکام خدا دریافت کردند. همه یک ایمان را دریافت کردند. اما میزان اطاعت شما متفاوت خواهد بود؛ متناسب با دانش به دست آمده و به کار گرفته شده، از اراده الهی، در حالی که اینجا روی زمین است.

نمایش ایمان

بین مسلک ایمان و ایمان واقعی فرق است. حتی شیاطین نیز اظهار ایمان می کنند. «حتی شیاطین هم ایمان می آورند و می لرزند» (یعقوب، 2:19) اما آنها موهبت ایمانی را که از جانب خداوند عطا شده است ندارند. چگونه ثابت می شود که کسی هدیه «ایمان عیسی» را برای نجات دریافت کرده است؟ بررسی اینکه آیا او از خدا اطاعت می کند یا خیر. زیرا همانطور که دیدیم این ایمان همیشه مؤمن را قادر به اطاعت می کند. پس اگر ایمان بود، اطاعت هم بود. اگر اطاعت نبود، ایمان غایب بود؛ بی ایمانی جایش را گرفت جیمز می گوید که از طریق کارهای اطاعت ابراهیم، «او کامل شد» (یعقوب - 2:22 نسخه). (de Valera, 1865) Cipriano معنی این است: «کامل نشان داده شد» یا «ایمان درست دیده شد». این با نتیجه ای که او ارائه می کند ثابت می شود: «ایمان بدون اعمال مرده است» (یعقوب، 2:24) بگو کسی که ایمان دارد؛ فریاد زدن "من ایمان دارم" و اطاعت نکردن از خدا به معنای اظهار نادرست است.

به گفته پولس رسول، اگرچه انسان با ایمان، بدون اعمال شریعت عادل می شود، بخشیده می شود، اما همین ایمان، شریعت را در قلب انسان می آورد. آن را در قلب، به عنوان ساکن جدید خانه معنوی انسان - ذهن او - در جایی که قبلاً نبود، تثبیت می کند. به همین دلیل است که می نویسد: «پس آیا ما شریعت را با ایمان باطل می کنیم؟ به هیچ وجه! بلکه ما شریعت را وضع کردیم» (رومیان، 3:31) ابراهیم و هیچ انسان گناهکار دیگری با کارهایی که انجام داد در برابر خدا عادل شمرده نشد. اما هر انسانی که عطای «ایمان عیسی» را دریافت کرده است، که با این ایمان عادل شمرده شده است، آثار اطاعت به بار می آورد. و از آنجایی که هیچ ایمان دیگری جز ایمان کامل عیسی برای نجات وجود ندارد، این درست است که بگوییم اگر کسی در آنچه از قبل می داند از خدا اطاعت نکند، امید او به بهشت بیهوده است. شما فقط با ایمان می توانید وارد بهشت شوید. نافرمانی تأیید عدم ایمان است. بنابراین هیچ نافرمانی آگاهانه از ده فرمان خداوند وارد بهشت نخواهد شد. هر کس بر اساس آنچه می داند مورد قضاوت قرار خواهد گرفت. هیچ کس ملزم به اطاعت از دستور الهی نخواهد بود که از آن چیزی نمی دانست و در طول زندگی خود نمی توانست چیزی بداند. اما هر که عطای ایمان را دریافت کرده باشد، مطیع تمام نوری است که به وجدانش رسیده است. مؤمنان «در روزی که خدا اسرار مردم را به وسیله عیسی مسیح داوری خواهد کرد، عمل شریعت را که در دلهای خود نوشته شده نشان می دهند و با وجدان و افکارشان شهادت می دهند، خواه آنها را متهم کنند یا از آنها دفاع کنند.» (رومیان، 16)، (2:15) بنابراین، باشد که همه ما مؤمنان «با حفظ ایمان و وجدان پاک، که برخی ایمان را کشتی غرق کرده اند، رد کنیم» (اول تیموتائوس 2:19) به جلو حرکت کنیم.

یقین ایمان

کتاب مقدس «یقین» را نشان می دهد که در ایمان مسیح عیسی مسیح القا شده است. او آنقدر محکم، آنقدر کامل بود که حتی یک لحظه احتمال شکست را در نظر نمی گرفت. عیسی حتی در مواجهه با بزرگترین تضادهای زندگی خود، اطمینان کامل داشت که خدا او را حفظ خواهد کرد. و همچنین وعده های کتاب مقدس در مورد پیروزی او بر شیطان و گناه محقق خواهد شد. چند مورد از بیانات او این را نشان می دهد. وقتی سختی های جسمانی، قضاوت ناعادلانه و جلگه ای را پیش رو داشت، مطمئن بود که پیروز خواهد شد و

او به آسمان صعود می کرد و می گفت: «من دیگر در دنیا نیستم، اما آنها در جهان هستند و من نزد تو می آیم» (یوحنا 17:11). اندکی پیش از آن، پیروزی خود را از قبل اعلام کرد و گفت: «در دنیا مصیبت خواهید داشت، اما شجاع باشید. من بر جهان غلبه کردم» (یوحنا 16:33). او یقین خود را مبنی بر اینکه خدا در زندگی ایلعازر عمل خواهد کرد، حتی زمانی که او قبلاً مرده بود، اعلام کرد و به شاگردان گفت: «ایلعازر، دوست ما، می‌خواهد، اما من او را از خواب بیدار می‌کنم». و برای مارتا: "برادرت دوباره برخیزد" (یوحنا 11:11، 23). چند روز قبل از دستگیری، او پیروزی خود و پایان کار خود را به عنوان میانجی پیش بینی کرد و آمدن خود را در جلال پیش بینی کرد: «و هنگامی که پسر انسان در جلال خود و همه فرشتگان مقدس با او بیاید، آنگاه خواهد آمد. بر تخت جلال او بنشین. و همه امتها در حضور او جمع خواهند شد.» (متی 25:31، 32). در میان طوفانی که به نظر می‌رسید زندگی او را تهدید می‌کرد، او خود را بی‌پاک نشان داد، با اطمینان کامل که خدا او را تا زمانی که خدمتش را بر روی زمین انجام دهد، زنده نگه می‌دارد. «امواج از روی قایق بلند شد، به طوری که قبلاً پر از آب شده بود. و او در دم پشت روی بالشتک خوابیده بود. و او را بیدار کردند و به او گفتند: استاد، آیا برایت مهم نیست که ما هلاک شویم؟ و او که بیدار شد، باد را ملامت کرد و به دریا گفت: آرام باش، آرام باش. و باد آرام شد و آرامش بزرگی برپا شد. و او به آنها گفت: چرا اینقدر ترسو هستید؟ آیا هنوز ایمان ندارید؟» (مرقس 4:37-40).

گاهی عیسی می‌گوید: «الان به شما گفتم، قبل از وقوع، تا وقتی اتفاق افتاد، ایمان بیاورید» (یوحنا 14:29). ایمان عیسی که ما مؤمنان دریافت کردیم، امروز ما را به وعده‌های پیروزی قوم خدا بر وحش و تصویر او باور می‌کند. با اعتقاد به اینکه پیروز خواهیم شد و بدون توجه به شرایط، از گرفتار شدن در دام شیطان نترسیدیم. با ایمان عیسی، امروز می‌دانیم که بخشی از قوم خدا در روزهای آخر خواهیم بود که توسط فرشته مکاشفه منصوب شده اند. مردمی که "احکام خدا را نگاه می‌دارند و به عیسی ایمان دارند"

(مکاشفه 14:12) و با اطمینان کامل از ایمان، مردم را از هر «ملت، قبیله، زبان و قوم» دعوت خواهیم کرد تا همان هدیه ایمان را از مسیح عیسی دریافت کنند، تا آنها نیز فاتحان جهان، یعنی جسم باشند. و شیطان به این ترتیب، هر کس که بخواهد نیز به گروه کسانی خواهد پیوست که این انجیل، این بشارت را می‌پذیرند و پیروز می‌شوند. «و این انجیل ملکوت در تمام جهان موعظه خواهد شد تا شاهی برای همه امتها باشد و آنگاه پایان خواهد آمد» (متی 24:14). اکنون خداوند عیسی بیا!

ششمین حقیقت بزرگ: روز استراحت واقعی خدا - که در آن عیسی کسانی را که نمی دانند چگونه بپرسند شفا می دهد - شنبه

امروزه، تقریباً تمام مسیحیان، اولین روز هفته را برای اهداف مذهبی برگزار می کنند. اما همیشه چنین نیست. زمانی بود که کسی یکشنبه را نگه نمی داشت. یک روز پس از خلقت آدم و حوا، «خداوند در روز هفتم کاری را که انجام داده بود به پایان رساند و در روز هفتم از تمام کارهایی که انجام داده بود استراحت کرد. و خدا روز هفتم را برکت داد و آن را تقدیس کرد. زیرا در او از تمام کارهایی که خدا آفریده و ساخته بود آرام گرفت.» (پیدایش 3، 2:2 و اولین زوج، که تنها ساکنان زمین در آن زمان بودند، در کنار خدا روز سبت را آرام کردند و تقدیس کردند.

بعدها آدم و حوا به گناه افتادند. بعد بچه دار شدند. همه آنها تصمیم به اطاعت از خدا نداشتند. پسر اولش قابیل برادرش هابیل را کشت و علیه خدا قیام کرد. او اولین یاغی شد و اولاد خود را در راه نافرمانی رهبری کرد. سپس آدم پسر دیگری به نام شیث داشت. «و برای شیث نیز پسری به دنیا آمد. و او را انوس نامید. سپس مردم شروع به خواندن نام خداوند کردند.» (پیدایش 4:26) سپس جهان به دو گروه تقسیم شد: کسانی که خالق را می پرستیدند و به آنها خدمت می کردند به نام «فرزندان خدا» و یاغیانی که اقتدار او را نپذیرفتند و می خواستند خود را اداره کنند. و کتاب مقدس تعلیم می دهد که در تمام اعصار همینطور بوده است و تا آخر زمان ادامه خواهد داشت. از آنجایی که آنها خود را فرزند و تابع خدا نمی دانستند، به آنها «بسران انسان» می گفتند.

«و این واقع شد، هنگامی که انسانها شروع به زیاد شدن بر روی زمین کردند و دخترانی برای آنها به دنیا آمدند، پسران خدا دیدند که دختران انسان زیبا هستند. و از هر کس که برگزیدند برای خود همسر گرفتند...» و سپس در اثر ازدواج فرزندان خدا و شورشیان، شرارت چنان زیاد شد که تقریباً هیچ نماینده ای از دین واقعی بر روی زمین وجود نداشت. «و خداوند دید که شرارت انسان بر روی زمین زیاد است، و هر تصویری که در دل او وجود دارد، پیوسته بد نیست.» "اما نوح در نظر خداوند فیض یافت" (پیدایش 8، 1-5: 6) خداوند از طریق نوح پیام رحمت را به جهان عرضه کرد و هشت نفر زنده که زمان طوفان فرا رسید - خانواده او - از نابودی نجات یافتند. خداوند به وسیله او علم اراده خود را حفظ کرد. و پس از طوفان، او آغاز جدیدی را برای بشریت فراهم کرد، جایی که آنها می توانستند، مانند آدم و حوا، از اراده او که توسط نوح نازل شده بود اطاعت کنند.

اما به محض اینکه اولین صفحات داستان پس از سیل آغاز شد، مردان بار دیگر به دو دسته تقسیم شدند - مطیع و نافرمان.

نوادگان کوچکترین پسر نوح، هام، تصمیم گرفتند راه قابیل را دنبال کنند. نوه او، نمرود، که نامش به معنای "عصیانگر" است، خود را وقف ساختن برجی کرد که به آسمان ها می رسید، با هدف جنگ با خدا و انتقام مرگ والدینش (پیدایش 10:6-10) فرزندان سام، اولین پسر نوح، به خدا وفادار ماندند. از میان آنها، خدا ابراهیم را برگزید تا عهد خود را که با انسان بسته بود، یعنی «ده فرمان» را منتشر کند (تثنیه).

(4:13 خدا گفت: «ابراهیم صدای من را اطاعت کرد و احکام و احکام و احکام و احکام من را نگاه داشت.» (پیدایش 26:5 او و فرزندانش به خدا وفادار ماندند. آنها "نخ طلایی" روی زمین بودند و احکام او و در میان آنها، سبت را حفظ می کردند. خدا وقایع آینده را برای ابراهیم پیش بینی کرد و آشکار کرد که فرزندان او به مصر خواهند رفت و در آنجا به مدت "چهارصد سال" مصیبت خواهند داشت (پیدایش 15:13 پس از پایان مهلت، بنی اسرائیل «از بندگی خود آه کشیدند و فریاد زدند و فریادشان نزد خدا بالا رفت... و خدا ناله آنها را شنید و خدا عهد خود را با ابراهیم به یاد آورد» (خروج 2:23، 24). سپس خداوند آنها را آزاد کرد، به صحرا برد و آنها را به عنوان «نخ طلایی» خود تأیید کرد، مردمی که برای انتقال دانش اراده او از آن نسل به بعد انتخاب شدند. بنابراین، او "عهد خود را ... ده فرمان" را به آنها اعلام کرد (تثنیه 4:13) و او فرمان روز استراحت را که قبل از گناه به آدم و حوا داده شده بود تکرار کرد: "روز سبت را به خاطر داشته باشید تا آن را مقدس نگه دارید..." (خروج 20:8) از زمان آدم، هر نسل از فرزندان خدا بر روی زمین، دانش روز سبت را به عنوان روز استراحت حفظ کرده اند.

به موازات داستان نگهبانان سبت، داستان دیگری نیز رخ داد. نمرود، نوه سرکش حام، نوه نوح، رهبر نسلی از شورشیان شد.

بر خلاف دستور الهی: «الْأَرْضَ مِنْ كَثْرَتِهَا... و کثیروا فی الارض» تا پراکنده شوند، آنان را به سوی دیگری هدایت کرد، به طوری که گفتند: «هی شهر و برجی بسازیم که در آسمانها بالا می آید... مبدا بر روی تمام زمین پراکنده شویم» (پیدایش 11:4).

نمرود چنان از ترس خدا بی بهره بود که با مادر خود همخواب شد و از او صاحب فرزندی به نام تموز شد. با این حال، او بسیار مورد احترام مردان زمان خود بود. او در زمین شروع به قدرتمند شدن کرد. و او در حضور خداوند شکارچی نیرومند بود (پیدایش 9). 10:8 اصطلاح «در پیشگاه خداوند» به معنای مخالفت با خداوند است. یعنی فعالانه برای ایجاد حکومت در مخالفت با خدا تلاش می کرد.

داستان از این قرار است که پس از مرگ نمرود، همسر و مادرش، سمیرامیس، که یک فاحشه فرقه ای بود، خود را باردار یافت. سپس این دروغ را پراکنده کرد که روح نمرود که پس از مرگش از بدنش جدا شده بود، آغشته شده و خدای خورشید شده است و پسرش خدای پسر یا خدای پسر رستگار می شود. از این رو کیش خورشید (نمرود) و همچنین الهه مادر با پسر پایه گذاری شد. سپس، نظام عبادت به کیش سه نفر تبدیل شد: نمرود، سمیرامیس و پسر آنها - تموز. فرقه تثلیث تأسیس شد.

اولین روز هفته، ماه قمری و سال به پرستش تثلیث اختصاص داشت. از این رو، روز اول به عنوان "روز خداوند خدا، خورشید" شناخته شد.

خدا نقشه های نمرود را تا حدی خنثی کرد و زبان سازندگان برج بابل را گیج کرد که منجر به وقفه در ساخت و ساز شد: «سپس خداوند نازل شد تا شهر و برجی را که پسران انسان می ساختند ببیند. و خداوند گفت: اینک قوم یکی هستند و همگی یک زبان دارند. و این همان کاری است که آنها شروع به انجام می کنند. و اکنون هیچ محدودیتی برای هر کاری که قصد انجام آن را دارند وجود نخواهد داشت. هی بریم پایین و اونجا زبانشون رو قاطی کنیم که زبان همدیگه رو نفهمند. پس خداوند ایشان را از آنجا بر روی تمام زمین پراکنده کرد. و ساخت و ساز را متوقف کردند

شهر از این رو نام او را بابل نامیدند، زیرا خداوند در آنجا زبان تمام زمین را در هم ریخت و از آنجا خداوند ایشان را بر روی تمام زمین پراکنده کرد.»
(پیدایش 9:11-11:5)

مردان به گروه‌هایی از خانواده‌هایی که به یک زبان صحبت می‌کردند تقسیم شدند، آداب و رسوم و مذهب خود را به مکان‌هایی که استعمار می‌کردند، بردند. به همین دلیل است که پرستش تثلیث و خورشید عملاً در تمام تمدن‌های باستانی یافت می‌شود. و همچنین به همین دلیل است که عناصری از مذهب - اهرام، نمایش تثلیث و مجسمه‌های سمیرامیس با پسرش تموز روی دامان او - در بقایای این تمدن‌ها، در نقاط مختلف جهان دیده می‌شود.

ترینیتی: اولوتی‌شودومی		
تموز	Semiramis	نمروذ
هندوستان		
شیوا	ویشنو	برهما
بابل		
ایشتار	سیاره زهره	مردوک
مصر		
داعش	هوروس	اوزیریس
یونان		
آتن	آپولو	زئوس
رم		
سیاره زهره	مارته	سیاره مشتری

روزی که به کیش خورشید اختصاص داده شده بود، در خانواده‌هایی که در سراسر بابل پخش شده بودند، "روز خورشید" یا "خداوند، خورشید" نیز نامیده می‌شد.
مردم در زبان انگلیسی، اولین روز هفته "یکشنبه" نامیده می‌شود. خورشید "خورشید" است. روز "روز" است. یکشنبه "روز خورشید" است. در آلمانی، روز به همان معنی "sunday" است. در اسپانیایی و پرتغالی "domingo" است که از لاتین "dominus" آمده است

به معنای "روز خدای پروردگار، خورشید" است. نام اولین روز هفته در فرانسوی و ایتالیایی (به ترتیب dimanche و domenica) از کلمه لاتین dominvs گرفته شده و به همین معنی است.

سپس، جهان به دو دسته از مردم تقسیم شد: مردم اکثر ملل، که یکشنبه را برگزار می کردند. و فرزندان سام از دودمان ابراهیم، اسحاق و یعقوب - بنی اسرائیل، نگهبانان سبت. مشاهده می شود که اگرچه سبت قدیمی ترین مؤسسه خدا بود، اما یکشنبه ای که در آیین نمرود ایجاد شده بود، به طور گسترده ترین و محبوب ترین آن بود.

بر اساس تاریخ، قوم بنی اسرائیل بین سالهای 1450 تا 1400 قبل از میلاد در صحرا سرگردان بوده اند. اعتقاد بر این است که زمان حضرت آدم به 4000 سال قبل از میلاد می رسد. بنابراین، پس از گذشت حدود 2600 سال از تاریخ بشر، روز سبت همیشه توسط مؤمنان رعایت شده است. یکشنبه توسط انسان بعداً تأسیس شد. ریسمان طلایی خدا روز سبت را رعایت کرد. در حالی که پیروان دین سرکش نمرود یکشنبه را برای اهداف مذهبی کنار گذاشتند.

از موسی تا مسیح

هنگامی که در صحرا بود، خداوند به موسی دستور داد که، همانطور که تا آن زمان اتفاق افتاده بود، برگزاری سبت برای همیشه نشانه ای خواهد بود که قوم او را از دیگران متمایز می کند. «بنابراین بنی اسرائیل سبت را نگاه خواهند داشت و سبت را در نسل های خود به عنوان یک عهد همیشگی جشن خواهند گرفت. بین من و بنی اسرائیل نشانه ای برای همیشه خواهد بود. زیرا خداوند آسمانها و زمین را در شش روز آفرید و در روز هفتم آرام گرفت و شاداب شد.» (خروج. 17، 31:16، علت رعایت وصیت سبت)

بسیار فراتر از نیازهای مردم اسرائیل. تمام بشریت را در بر می گیرد. آنها باید آن را حفظ کنند تا خدا را به عنوان خالق خود یاد کنند تا یاد بگیرند که او را دوست داشته باشند و به او احترام بگذارند. توجه داشته باشید که خداوند به خلقت به عنوان دلیلی برای رعایت سبت اشاره می کند: «زیرا در شش روز خداوند آسمانها و زمین را آفرید»، نه تنها برای بنی اسرائیل، بلکه برای تمام بشریت. «و در روز هفتم استراحت کرد و بهبود یافت.» سبت مربوط به همه فرزندان آدم است.

1400 سال دیگر گذشت. در تمام این مدت، خداوند بارها اهمیت روز سبت را به عنوان نشانه اطاعت و تسلیم در برابر حکومت خود به مردم خود یادآوری کرد. حدود چهل سال پس از سینا، در پایان زیارت در بیابان، او فرمان سبت را در تثنیه 5:12 تکرار کرد: "روز سبت را نگه دارید... همانطور که یهوه خدایت به شما دستور داده است". اشعیا نبی، در قرن هشتم قبل از میلاد مسیح، این فرمان را به یاد آورد (اشعیا 17:21). (2-4:56 حدود دویست سال بعد، قبل از آخرین حمله بابلی ها، ارمیا فرمان سبت و برکات اجرای آن را به مردم یادآوری کرد (ارمیا. 17:21). حزقیال نیز همین کار را کرد و به سبت به عنوان نشانه ای از عهد بین خدا و انسان اشاره کرد (حزق).

(20، 12:20 و ملاکی، آخرین پیامبر عهد عتیق، کسانی را که اطاعت از شریعت ده فرمان را که به ننگ داشتن روز سبت فرمان می دهد، رها کردند: «اگر من پدر هستم، عزت من کجاست؟ و اگر من پروردگارم، ترس من کجاست؟ - ای کاهنان که نام من را تحقیر می کنید، خداوند صباپوت به شما می گوید... زیرا که لب های کاهن معرفت را حفظ خواهند کرد و از دهان او شریعت را خواهند طلبید، زیرا او فرشته یهوه صباپوت است. اما تو از راه منحرف شدی و بسیاری را از شریعت لغزش کردی» (مالزی، 8، 7، 2: 6: 1)

در این میان، ملل بت پرست بر خلاف سبت فرمان چهارم، روز خورشید را ننگ داشتند. بابلی‌ها، یونانی‌ها و رومی‌ها نیز که در زمان آمدن مسیح به زمین، ارباب امپراتوری جهانی بودند، همین کار را کردند.

در خدمت عیسی مسیح

عیسی، پسر خدا، کلام متجسد، همانطور که پیشگویی شده بود، در بیت لحم به دنیا آمد (میکاه، 2: 5 این توسط یوسف و مریم، هر دو یهودی، نگهبانان سبت ایجاد شد).

او از آنها آموزش دریافت کرد. کتاب مقدس می گوید که او «در حکمت و قامت و در نزد خدا و انسان افزایش یافت» (لوقا 2:52) او خدا را در همه چیز خشنود می کرد و با این کار، در عبادت خدا در روزهای شنبه شرکت می کرد: «چون به ناصره رسید و در آنجا بزرگ شد، طبق عادت خود در روز سبت به کنیسه وارد شد و ایستاد. تا خواندن " (لوقا 4:16) از اینجا نتیجه می گیریم که خدا از اینکه کلیسا در این روز او را پرستش می کند خشنود است.

عیسی در اولین موعظه بزرگ خود پس از آغاز خدمتش، تأکید کرد که او نیامده است تا قانون سبت را لغو یا لغو کند - بلکه او اظهار داشت که تا زمانی که آسمان و زمین پابرجاست این قانون به قوت خود ادامه خواهد داد: « فکر نکن. که آمده ام تا شریعت یا انبیا را از بین ببرم. من برای نسخ نیامده ام، بلکه برای تحقق بخشیدن. زیرا به راستی به شما می گویم تا آسمان و زمین از بین برود، یک ذره یا یک ذره از شریعت نمی گذرد تا همه چیز محقق شود.»

(متی، 18، 17:5)

چندی بعد، عیسی عمداً با فریسیان وارد مشاجره شد تا تعلیم سبت را از احکام مردانی که آنها آن را با آنها مرتبط کرده بودند، رها کند. فریسیان مجموعه ای از احکام را به روز سبت اضافه کرده بودند که همگی بر خلاف کتاب مقدس بود و آن را به معنای واقعی کلمه برای ناظران آن بار سنگینی می کرد. دو رساله کامل از کتاب یهودی به نام «مشنا» به بیان مقررات مختلف مربوط به سبت اختصاص دارد.

چند مورد را نقل می کنیم:

-برای اجتناب از انجام «کار» نمی‌توانستید دستمال در دست بگیرید.
یکی از انتهای آن باید به لباس دوخته می‌شد. بنابراین، آن را بخشی از آن می‌دانستند، و حمل آن تخطی از سبت نیست.

-نمی‌توانید یک گره را باز کنید، بیش از دو حرف بنویسید یا فضایی معادل بیش از دو حرف را پاک کنید.

-شما می‌توانید تخم مرغی را که مرغ در روز شنبه گذاشته بود، بفروشید، اما یهودیان از خوردن آن منع شدند.

-روز شنبه نگاه کردن در آینه ممنوع بود؛

-در روز شنبه آتش و شمع روشن نمی‌شد. اما شما می‌توانید یک غیر یهودی را برای انجام این کار استخدام کنید.

-برای جلوگیری از آبیاری گیاه در روز شنبه، تف کردن بر زمین ممنوع بود.

-شنبه حدودا هزار متر بیشتر نتونستی راه بری. بنابراین، هنگام برنامه ریزی برای رفتن به کجا، شخص ابتدا باید ارزیابی کند که آیا مسافت از «راه سبت» بیشتر است یا خیر (اعمال رسولان، 1:12 تا چهار تخلف نشود).

هدف عیسی ارائه آموزه واقعی در روز سبت بود. او تعلیم داد که ساعات این روز را می‌توان به تسکین آلام مردم و حیوانات اختصاص داد: «کدام مرد از شماست که گوسفندی اگر در روز سبت به گودال بیفتد، آن را نمی‌گیرد. و بلندش کنم؟ ارزش یک انسان چقدر بیشتر از یک گوسفند است؟ پس احسان در روز شنبه حلال است.»

(لوقا 12، 11:12 و کتاب مقدس چندین معجزه شفا بخش را گزارش می‌دهد که عیسی در روز سبت انجام داد (مرقس 1:5-3؛ لوقا 4:1-4؛ 10-17؛ 13:38، 39؛ 4:14). (1:9؛ 15-1؛ 5:در همین راستا، وی همچنین گفت که طلب غذا برای کسانی که به دلیل فورس ماژور نتوانسته اند غذای خود را برای این روز تهیه کنند، تخلف نیست: «در آن هنگام عیسی در روز شنبه از مزارع عبور کرد. و شاگردانش که گرسنه بودند شروع به جمع آوری غلات و خوردن کردند. و چون فریسیان آن را دیدند به او گفتند: اینک شاگردان تو کاری را انجام می‌دهند که انجام آن در روز سبت مجاز نیست. اما او به آنها گفت: آیا نخوانده اید که داوود، او و کسانی که با او گرسنه بودند، چه کردند؟ چگونه او وارد خانه خدا شد و از نان های نمایی که نه برای او و نه برای کسانی که با او بودند، بلکه فقط برای کاهنان حلال بود، خورد؟ یا در قانون نخوانده اید که در روز شنبه، کاهنان در معبد، روز سبت را زیر پا می‌گذارند و بی گناه هستند؟... اما اگر می‌دانستید یعنی چه: من رحمت می‌خواهم نه قربانی، بی گناه را محکوم نمی‌کردید؟" (متی. 12:1-7)

عیسی با قرار دادن خود در موقعیت خالق همه چیز، ادعا کرد که این حق را دارد که تعیین کند چه چیزی تخلف از سبت است و چه چیزی نیست. او سبت را ساخت. «بدون او هیچ چیز ساخته نشد» (یوحنا 3:1؛ بنابراین، او به فریسیان گفت: "به شما می‌گویم که بزرگتر از معبد اینجاست... زیرا پسر انسان خداوند سبت است" (متی. 8:12؛ عیسی با ادعای اینکه «خداوند» سبت است، خود را مالک آن نامید. به همان اندازه غیرمنطقی خواهد بود که فکر کنیم عیسی آمده تا آنچه را که خودش بنا نهاده بود لغو کند، همانقدر غیرمنطقی خواهد بود که باور کنیم مردی همان خانه ای را که ساخته و محل زندگی اش را ویران خواهد کرد. او با دستور و مثال تعلیم داد که سبت باید به عبادت اختصاص داده شود

به خدا و به اعمال نیکو - کاهش رنج انسانها و حیوانات و موعظه انجیل. و برای اینکه در این شکی وجود نداشته باشد، گفت که او نیامده است تا شریعت را که حاوی فرمان سبت است لغو کند. به یاد می آوریم: «فکر نکنید که آمده ام تا شریعت یا انبیا را از بین ببرم. من برای نسخ نیامده ام، بلکه برای تحقق بخشیدن. زیرا به راستی به شما می گویم تا آسمان و زمین از بین برود، یک ذره و یک ذره از شریعت نمی گذرد تا همه چیز محقق شود» (متی. 17، 18).

اما او الگو قرار نداد و یاد نداد که چگونه در این روز به نفع خود کار کرد - برای پرداخت قبوض خانه. او خود پیش از این به اشعیا الهام کرده بود که بنویسد: «اگر پای خود را از سبت برگردانی، از انجام اراده خود در روز مقدس من، و اگر سبت را شادی و روز مقدس خداوند گرامی بدانی، و اگر احترام کنی. با پیروی نکردن از راه تو، نه قصد انجام اراده خود و نه به قول خودت، آنگاه از خداوند مسرور خواهی شد، و من تو را سوار بر بلندی های زمین خواهم کرد و از ارثی که تو را سیر می کنم. پدرت یعقوب، زیرا دهان خداوند این را گفته است.» (اشعیا. 14، 58:13. شنبه روزی نیست که به نفع خود کار کنید.

بعد از صلیب

شاگردان عیسی یاد گرفتند که سبت را نگه دارند و حتی پس از مرگ او نیز این تعلیم را حفظ کردند. سپس یوسف اهل آریماتیا جسد عیسی را خواست تا آخرین افتخارات را به استاد فقید ادا کند. لوقا به ما می گوید که «روز آماده شدن بود و سبت طلوع کرد. و زنانی که از جلیل با او آمده بودند نیز به دنبال آن قبر و چگونگی دفن جسد او را دیدند. و چون برگشتند، ادویه ها و مرهم ها تهیه کردند و در روز سبت برحسب فرمان استراحت کردند.» (لوقا. 23: 54-56) آنها «در اولین روز هفته، صبح بسیار زود»، زمانی که «به مقبره رفتند و ادویه هایی را که آماده کرده بودند، بردند» به کار بازگشتند (لوقا. 24:1).

خود عیسی، درست قبل از صعود به آسمان، به شاگردانش دستور داد که به مردم پیاموند که «هر آنچه را که به شما امر کرده ام نگاه دارید» (متی. 28:20). تا آن زمان، او در مورد نحوه نگه داشتن روز سبت مثال و آموزش داده بود. شاگردان باید به تدریس شنبه به عنوان روز استراحت ادامه دهند. پولس رسول در هماهنگی با دستور عیسی، در کتاب عبرانیان، نیاز ایمانداران به مسیح را به نگه داشتن روز سبت تعلیم می دهد: «زیرا ما که ایمان آورده ایم به آرامش وارد می شویم... زیرا در جایی چنین گفت: روز هفتم: و خداوند از تمام اعمال خود در روز هفتم آرام گرفت... پس هنوز استراحتی برای قوم خدا باقی است. زیرا کسی که به آرامش او وارد شد، خودش از کارهایش آرام گرفت، همانطور که خدا از او. پس بیایید بکوشیم که وارد آن آرامش شویم تا هیچ کس به همان مثال نافرمانی نیفتد» (عبرانیان. 9-11، 4، 3، 4).

تعلیم رسولان در روز سبت

کدام قانون لغو شد - ده فرمان یا قانون تشریفات؟

در سینا، خداوند به موسی دو قانون داد: اخلاقی و تشریفاتی. اولی با انگشت خود او بر روی لوح‌های سنگی نوشته شده بود: «و به موسی (هنگامی که در کوه سینا صحبت با او را تمام کرد) دو لوح شهادت، لوح‌های سنگی را که با انگشت خدا نوشته شده بود، داد. (خروج 31:18) هنگامی که آنها را تحویل داد، به فرمان سبت اشاره ویژه ای کرد: «و خداوند به موسی خطاب کرده، گفت: «پس به بنی اسرائیل بگو، حتماً سبت های من را نگاه دارید، زیرا این نشانه ای است بین من. و شما در نسل های خود. تا بدانید که من خداوند هستم که شما را تقدیس می‌کنم. بنابراین، سبت را نگه دارید، زیرا برای شما مقدس است. کسی که آن را بی‌احترمت کند، قطعاً خواهد مرد. زیرا هر که در آن کاری انجام دهد، آن روح از میان قوم خود منقطع خواهد شد. شش روز کار انجام خواهد شد، اما روز هفتم، سبت استراحت است که برای خداوند مقدس است. هر که در روز سبت کار کند، قطعاً خواهد مرد... و او به موسی (پس از اتمام صحبت با او در سینا) دو لوح شهادت، لوح های سنگی که با انگشت خدا نوشته شده بود، داد.» (خروج 31: 12- 15، 18) قانون دوم شامل احکامی بود که قربانی حیوانات، تقدیم غذاها و نوشیدنی‌ها و یک سری ممنوعیت‌ها در مورد دست نخوردن یا چشیدن چیزهای نجس و غیره را تجویز می‌کرد. در طول تقویم مذهبی آنها عبارتند از: 1 «و - 2 روزهای اول و آخر عید فطیر. - 3 روز عید پنطیکاست. - 4 روز اول ماه هفتم که به جشن شیپور نیز معروف است. - 5 روز کفاره، روز دهم ماه هفتم; 6 و - 7 روزهای اول و آخر عید خیمه ها. آنها در لاویان 23 ارائه شده اند. پس از ذکر سبت هفتگی فرمان چهارم (لاو).

(23:3 موسی مراسمی را که برای هر یک از هفت سبت تشریفاتی مقرر شده است، شرح می دهد. تمام احکام قانون تشریفات از معبد عبری انجام می شد. کاهنان از نسل هارون، از قبیله لاوی، فعالانه در آنها شرکت کردند.

هنگامی که عیسی جان خود را بر روی صلیب داد، خدا نشانه ای داد که دیگر خدمات مقدس عبری را نمی پذیرد. و از این رو، آن و مراسم مربوط به آن که در قانون تشریفات مقرر شده بود، لغو شد. کتاب مقدس می گوید: «و عیسی دوباره با صدای بلند گریه کرد و روح خود را تسلیم کرد. و اینک پرده معبد از بالا تا پایین به دو قسمت پاره شد» (متی 27:50، 51). حجاب یا پرده حرم دارای سقف بلندی بود که بیش از بیست متر ارتفاع داشت. فقط یک دست ماوراء الطبیعه می تواند آن را "از بالا" به پایین پاره کند. خون حیوانات قربانی روی آن پاشیده شد (لاویان 17-15: 4) پاره کردن آن، خدا نشان داد که دیگر خون حیوانات و خدمت کشیشان عبری را نمی پذیرد. خون بره واقعی خدا، که گناه جهان را می برد، بر روی صلیب ریخته شده بود. و عیسی وارد محراب واقعی بهشت می شود تا به عنوان کاهن بشریت انجام وظیفه کند (یوحنا 1:29، 2، 8:1).

از آنجایی که خدمات حرم از سوی خداوند منسوخ شده بود، درست است که گفته می شد قانون تشریفاتی که خدمات حرم را پیش بینی کرده بود نیز لغو شده است. پولس این را زمانی گفت که ایمانداران را از یهودیان برحذر داشت. اینها یهودیانی بودند که ظاهراً به مسیحیت گرویده بودند و می خواستند احکام قانون تشریفات را بر مؤمنان تحمیل کنند. پولس اظهار داشت که شریعت تشریفاتی با احکامش ملغی شد و به صلیب میخکوب شد: «پس از آن که در احکام خود، لایحه‌ای را که به نحوی بر خلاف ما بود خط زدید و آن را از میان خود بیرون آوردیم. میخکوب کردن آن بر صلیب... پس هیچ کس شما را در خوردن یا آشامیدن یا به خاطر روزهای عید یا ماه نو یا سبت ها که سایه ای از چیزهای آینده هستند قضاوت نکند. بدن مسیح است.» (کولسیان 2:14-16) توجه داشته باشید که او اشاره خاصی به آن دارد

احکام این قانون تشریفاتی نه به قانون اخلاقی «سبت‌ها» همراه با اعیاد یهودی با او ذکر شده است، که به وضوح نشان می‌دهد که آنها هفت سبت تشریفاتی هستند که در قانون احکام پیش‌بینی شده است. توجه داشته باشید که او می‌نویسد: "شنبه‌ها"

- در جمع - به بیش از یک اشاره دارد. قانون اخلاقی دستور می‌دهد که فقط یک شنبه (مفرد) یعنی روز هفتم هفته رعایت شود. بنابراین، می‌دانیم که سبت‌های لغو شده هفت قانون تشریفاتی بودند، نه چهارمین فرمان قانون اخلاقی. متن کولسیان می‌گوید که قانون تشریفات با احکام آن لغو شد. این با آنچه مسیح در مورد شریعت تعلیم داد هماهنگ است (متی. 17، 18، 5:

پرسش نامه به غلاطیان

پولس در نامه به غلاطیان، در تلاش برای دفاع از ایمان به عنوان تنها وسیله جلب رضایت خداوند به ضرر اعمال، به خطای یهودیان در تلاش برای حفظ رعایت قانون تشریفات در بین ایمانداران اشاره می‌کند. غلاطیان تحت تأثیر این تعلیم نادرست قرار گرفته بودند. او نوشت: «اکنون با شناختن خدا یا به عبارت بهتر، شناخته شدن از سوی خدا، چگونه به آن پایه‌های ضعیف و فقیرانه باز می‌گردی که دوباره می‌خواهی به آنها خدمت کنی؟ روزها و ماه‌ها و زمان‌ها و سال‌ها را نگر می‌دارید. من برای شما می‌ترسم که برای شما بیهوده کار کرده‌ام.» (غلاطیان. 9-11: 4) این قانون تشریفاتی بود که رعایت «روزها و ماه‌ها و زمان‌ها و سال‌ها» را تعیین کرد: شنبه‌های تشریفاتی، ماه‌های اعیاد، زمان برداشت محصول و قربانی و به اصطلاح «سال‌های سبت» - از هر هفت سال یکبار بود. به ویژه به دین اختصاص داده شده است (تثنیه. 15) از متن بالا نمی‌توان گفت که پولس اعلام کرد که سبت لغو می‌شود.

از سوی دیگر، غلاطیان به طور مثبت تعلیم می‌دهند که هر که سبت را برای نجات یا لایق شدن در پیشگاه خدا نگر دارد، از فیض افتاده است: «شما از مسیح جدا شده‌اید، ای کسانی که به وسیله شریعت عادل می‌شوید. از فیض افتاده‌ای.»

(غلاطیان. 4: 5) برکات از طریق فیض و از طریق ایمان می‌آید. دو هدف نامه خطاب به غلاطیان این بود که نشان دهد هیچ کار اطاعتی نمی‌تواند: - 1 انسان را برای چیزی در برابر خدا لایق کند (مثلاً دریافت روح القدس - غلاطیان. 2 - 14، 9، 2، 1: 3) ضمانت بخشش (توجیه) خداوند و مکانی در بهشت برای او (غلاطیان. 22، 18، 11، 3: 16: 2) اما، در همان نامه، پولس به طور مثبت تعلیم می‌دهد که هر کسی که ایمان واقعی دارد مطیع قانون خدا می‌شود: «زیرا اگر ما که در پی عادل شدن در مسیح هستیم، گناهکار هستیم، آیا ممکن است مسیح وزیر گناه باشد؟ به هیچ وجه. زیرا اگر آنچه را که ویران کردم (پیرمرد نافرمان) را دوباره بسازم، خود را تجاوزکار می‌سازم» (غلاطیان. 18، 17، 2: 2) مؤمن واقعی در نتیجه ایمانش روز سبت را نگر می‌دارد. زیرا با ایمان روح خدا را دریافت می‌کند، که او را قادر می‌سازد تا آن را نگاه دارد و تقدیس کند، طبق این فرمان: «به روح ایمان منتظر امید عدالت هستیم» و «همه احکام تو عدالت است».

(غلاطیان. 5: 5) مزمور. (172: 119) "اگر شما توسط روح هدایت می‌شوید، تحت شریعت نیستید" یعنی از آن اطاعت می‌کنید (غلاطیان. 18: 5) «ثمره روح عشق، شادی، صلح، صبر، مهربانی، نیکی، ایمان، نرمی، اعتدال است. در برابر چنین چیزی قانونی وجود ندارد.» به عبارت دیگر، روح ما را به انجام کاری که با شریعت هماهنگ است راهنمایی می‌کند؛ که او آن را محکوم نمی‌کند. ما را به اطاعت از شریعت راهنمایی می‌کند (غلاطیان. 23، 22: 5) بنابراین، درک می‌شود که غلاطیان به هیچ وجه لغو قانون اخلاقی را ارائه نمی‌دهند. در عوض، تعلیم آموزه عادل‌شمردگی از طریق ایمان را که قبلاً در رومیان ارائه شده بود، تقویت می‌کند و آن را از خطاهایی که فریسیان تبدیل‌شده با آن مرتبط بودند، پاک می‌کند.

به مسیحیت -یهودیان. در ادامه به انجیل در رومیان و ارتباط آن با سبت خواهیم پرداخت.

تقسیم فیض در رومیان

هدف نامه که توسط خود نویسنده در فصل اول اعلام شد، «اعلان انجیل» است (رومیان 1:15). نامه به رومیان این آموزه را گام به گام ارائه می کند.

وقتی نامه را می خوانیم، متوجه می شویم که این آموزه رایج که یهودیان به وسیله شریعت نجات می یابند، در حالی که غیریهودیان با فیض نجات می یابند، بسیار دور از واقعیت است. شریعت برای همه است تا به همه انسانها، یهودیان و غیریهودیان نشان دهد که وضعیت واقعی آنها در پیشگاه خدا چگونه است: «یهودیان و یونانیان همگی تحت گناه هستند، همانطور که نوشته شده است: هیچ عادل نیست... هر چه شریعت بگوید، به کسانی که تحت شریعت هستند می گوید تا هر دهانی بسته شود و همه در حضور خدا محکوم شوند. بنابراین هیچ جسمی در حضور او با اعمال شریعت عادل شمرده نخواهد شد» (رومیان 20، 19: 3)

هدف شریعت این است که «معرفت گناه» را برای همه مردم به ارمغان بیاورد (رومیان 4:20). به همه نشان دهید که واقعا چه کسانی هستند. یهودی ذاتاً بهتر از غیریهودی نیست: "هیچ عادل نیست... احدی نیست که نیکی کند، یکی نیست" (رومیان 9: 3). بنابراین، هر دو نیاز به بخشش و نجات یکسان دارند.

پولس نوشت: «خدا یکی است که ختنه (یهودیان) را با ایمان و ختنه نشدن (امتها) را به ایمان عادل می سازد» (رومیان 3:30). هر دو با ایمان توجیه می شوند، زیرا همانطور که او همچنین نوشت: "ما قبلاً نشان داده ایم که یهودیان و یونانیان همگی تحت گناه هستند". «عدالت خدا» با ایمان عیسی مسیح به همه و بر همه ایمانداران است. چون فرقی نداره زیرا همه گناه کرده اند و از جلال خدا کوتاهی کرده اند و به لطف او عادل شمرده شده اند. فیض خدا هم یهودیان و هم غیریهودیان را به طور یکسان در بر می گیرد. «بنابراین نتیجه می گیریم که مرد (یهودی یا غیریهودی) با ایمان جدا از اعمال شریعت عادل شمرده می شود» (رومیان 28، 24-22، 9: 3). پولس با دفاع از برابری شرایط بین یهودیان و غیریهودیان در مورد نیاز به فیض و عطای ایمان برای نجات، یادآور شد که حتی ابراهیم، پدر جسمانی یهودیان، زمانی که هنوز یک یهودی محسوب می شد، توسط خدا از طریق ایمان بخشیده شد. ختنه نشده): «ایمان برای ابراهیم عدالت شمرده شد. پس چگونه به او نسبت داده شد؟ ختنه نشده بودن

(رومیان 10، 9: 4) و همانطور که ابراهیم «پدر ایمان» شد، ایمان او نمونه ای از ایمان همه کسانی شد که برای نجات ایمان می آورند، خواه یهودیان ختنه شده یا غیریهودیان ختنه نشده: «تا او پدر همه ایمانداران باشد (هر چند آنها ختنه نشده بودند...) [از غیریهودیان مؤمن]، و پدر... از کسانی بود که نه تنها اهل ختنه هستند، بلکه در گام های ایمان ابراهیم [یهودیان مؤمن] نیز قدم برمی دارند. رومیان 12، 11: 4" زیرا اگر کسانی که از شریعت هستند وارث باشند، ایمان بیهوده است و وعده نابود می شود" (رومیان 14: 4). فقط یهودیان و غیر یهودیانی که به عیسی مسیح ایمان دارند، زمین جدید را به ارث خواهند برد.

به یاد داشته باشید که ایمان به عیسی مسیح در تسلیم شدن در برابر کلام خدا که به وجدان فرستاده شده است نیز آشکار می شود. زیرا عیسی کلمه است (یوحنا 14، 1: 1). به این ترتیب، حتی هندی که هرگز کتاب مقدس را در دست نداشت، اما خود را به حقیقت کتاب مقدس که توسط روح خدا به وجدان خود آموخته بود، تسلیم کرد، از نظر او مؤمن به حساب می آید. و اگر تا آخر عمر در این ایمان بمانید نجات خواهید یافت.

پولس همچنین تعلیم می دهد که مردی که تحت فیض است قادر است از شریعت خدا و در نتیجه، سبت فرمان چهارم اطاعت کند: «زیرا گناه بر شما مسلط نخواهد شد، زیرا شما تحت شریعت نیستید، بلکه تحت شریعت هستید. رحمت. پس چی؟ آیا ما گناه خواهیم کرد زیرا تحت شریعت نیستیم، بلکه تحت فیض هستیم؟ اصلاً!» (رومیان 6:14) "گناه تخطی از شریعت است" (اول یوحنا 4: 3؛ نسخه آمریکایی پادشاه جیمز). «آیا در گناه بمانیم تا فیض بیشتر شود؟ اصلاً! ما که برای گناه مرده ایم، چگونه باید در آن زندگی کنیم؟» (رومیان 2، 6:1) «پس اکنون برای کسانی که در مسیح عیسی هستند، که نه بر اساس جسم، بلکه بر اساس روح رفتار می کنند، محکومیتی وجود ندارد. زیرا قانون روح زندگی در مسیح عیسی مرا از شریعت گناه آزاد کرده است... خدا با فرستادن پسر خود... گناه را در جسم محکوم کرد تا عدالت شریعت در ما تحقق یابد. که نه بر اساس جسم، بلکه بر اساس روح رفتار می کنند.» و "همه احکام او عدالت است." بنابراین، کسی که تحت فیض است روح خدا را دریافت می کند، و به وسیله آن قادر می شود بدون گناه - بدون تخطی از قانون خدا - زندگی کند. او این اختیار را دارد که در اطاعت از قانون زندگی کند. هر که تحت فیض است از فرمان چهارم نیز اطاعت می کند و سبت را نگاه می دارد (رومیان 4: 1-8؛ مزمور 119: 172). شما سبت را نگه نمی دارید تا نجات پیدا کنید یا در پیشگاه خدا لایق چیزی شوید. کسی که این کار را برای این منظور انجام می دهد، همانطور که در غلطیان تعلیم داده شده است، واقعاً از فیض افتاده است (غلاطیان 4: 5؛ برکات از طریق فیض و از طریق ایمان می آید. مؤمن واقعی در نتیجه ایمانش روز سبت را نگه می دارد. او با ایمان روح را دریافت کرد و بوسیله آن قادر شد تا او را مطابق فرمان حفظ و تقدیس کند.

عهد جدید

اولین عهد یا عهد «قدیمی» ده فرمان است: «سپس عهد خود را که برای شما مقرر کرد ده فرمان را به شما اعلام کرد و آنها را بر دو میز سنگی نوشت.» (تثنیه 4:13) معلوم می شود که بنی اسرائیل در عهد و عهد خدا گام برنداشتند. از احکام تجاوز کردند و به بت پرستی روی آوردند. از این رو گفت که با آنها عهد جدیدی خواهد بست. نه اینکه خداوند آنچه را که قبلاً برقرار کرده بود تغییر داد. عهد جدید تکرار عهد اول بود، با افزودن این وعده که او مسئولیت نوشتن ده فرمان را در ذهن و قلب مردم به عهده خواهد گرفت: «خداوند می گوید: «اینک روزهایی می آیند که من خواهم خواست. با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهد جدیدی ببینید نه بر اساس عهدی که با پدران ایشان در روزی که دست ایشان را گرفتم تا ایشان را از زمین مصر بیرون بیاورم، نیست. خداوند

خداوند می گوید: اما این عهدی است که پس از آن روزها با خاندان اسرائیل خواهم بست. و من خدای آنها خواهم بود و آنها قوم من خواهند بود. و ... همه مرا خواهند شناخت ... زیرا من شرارت آنها را خواهم بخشید و دیگر گناهان آنها را به خاطر نمی آورم. (ارمیا 31:31)

این عهد نه منحصر به یهودیان بود و نه به زمان عهد عتیق. پولس بیان می کند که خدا یک یهودی را، نه از نسل خون، بلکه هر کسی را که قلب خود را بگشاید و روح القدس را دریافت کند، در نظر می گیرد: «زیرا او یهودی نیست که ظاهراً یکی باشد، و نه ختنه کسی است که ظاهراً در بدن باشد. اما او یهودی است که باطن است، و ختنه کسی است که از دل است، از نظر روح، نه در نامه، که ستایش او نه از جانب انسان، بلکه از جانب خداست.» (رومیان 2:28، 29) هنگامی که به خدمت کاهنی مسیح و نقش او به عنوان شفیع ما در بخشش فیض می پردازد، سخنان ارمیا را در مورد عهد جدید تکرار می کند: "اما اکنون او به آن رسیده است.

خدمت بسیار عالی تر، زیرا میانجی عهد بهتری است که در وعده های بهتر تأیید می شود. زیرا اگر اولی غیر قابل ملامت بود، هرگز جایی برای دومی نبود. خداوند می گوید: «برای توبیخ ایشان، به ایشان می گوید: خداوند می گوید: «اینک روزهایی می آیند که عهد جدیدی با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا خواهد بست، نه بر اساس عهدی که با پدران ایشان بستم. روزی که دست آنها را گرفتم تا از سرزمین مصر بیرون بیاورم. خداوند می گوید چون در عهد من باقی نماندند، من به آنها توجه نکردم. خداوند می گوید: زیرا این عهدی است که با خاندان اسرائیل خواهد بست، قوانین خود را در عقل ایشان خواهد گذاشت و در دل ایشان خواهد نوشت... زیرا به گناهان ایشان و گناهان ایشان رحم خواهد کرد. و به گناهانشان بیشتر به یاد خواهد آورد. گفتن جدید سن اول. اکنون آنچه کهنه شده و پیر شده است به پایان نزدیک شده است.» (عبرانیان 13: 6-8 و حتی در عهد جدید، در کتاب عبرانیان، نوشته شده است که خدا از فرزندانش انتظار دارد که سبت را رعایت کنند: «زیرا در جایی در مورد روز هفتم چنین گفت: و خدا از همه اعمال خود در روز هفتم آرام گرفت. روز هفتم... زیرا اگر یوشع به آنها استراحت می داد، پس از آن سخن دیگری نمی گفت. بنابراین، هنوز استراحتی برای خلق خدا باقی است. زیرا کسی که به آرامش او وارد شده است، خود از اعمال خود آرام گرفت، همانطور که خدا از او آرام گرفت. پس بیایید به دنبال ورود به آن استراحت باشیم تا هیچ کس به همان مثال نافرمانی نیفتد.» (عبرانیان 4:4، 7-11).

به طور خلاصه: عهد جدید شامل این است که خداوند همان احکامی را که در عهد قدیم اعلام شده، در ذهن و قلب ما بنویسد. این به یهودی محدود نمی شود، بلکه به هر کسی که به وسیله روح او تسلیم مسیح می شود. در واقع، در ذات خود، تکرار قدیمی است. تنها به دلیل تغییر در سیستمی که آن را ارائه می دهد، "جدید" نامیده می شود. در عهد عتیق، این عهد توسط خدمات مقدس عبری اعلام شد، جایی که کاهنان گناهکار نماینده کاهن واقعی (مسیح) بودند، و خون حیوانات نشان دهنده خون بره خدا بود که گناه جهان را می برد.

کاهنان به خون حیوانات اشاره کردند که مظهر مسیحایی است که برای ما آمرزش گناهان و زندگی ابدی خواهد آمد. سپس، آنها شریعت را به پرستنده تعلیم دادند تا او برود و دیگر گناه نکند: "لبهای کاهن دانش را حفظ خواهد کرد و از دهان او شریعت را خواهند طلبید" (مالکی 7: 2). در عهد جدید، عیسی مسیح به عنوان یک کاهن واقعی، شایستگی های خون خود را به خدا تقدیم می کند تا بخشش گناهان عبادت کننده را تضمین کند. او با شفاعت خود روح القدس را از خدای پدر دریافت می کند و آن را برای عبادت کننده می فرستد. این شما را در یادگیری قوانین خدا از طریق مطالعه کتاب مقدس راهنمایی می کند و به شما قدرت می دهد که از آن اطاعت کنید. بنابراین، عهد جدید با موعظه مژده مرگ صلیب و خدمت کاهنی مسیح از طرف ما اعلام می شود. در عهد جدید، مسیح نه به عنوان نجات دهنده ای که می آید، بلکه قبلاً آمده است، معرفی می شود. نه به عنوان کسی که در آینده بر گناه و شایستگی غلبه خواهد کرد تا برای ما شفاعت کند، بلکه او قبلاً غلبه کرده و «تمام قدرت در آسمان و روی زمین» را دریافت کرده است (متی 28:18). عهد جدید وعده مسیحی را ارائه می کرد که خواهد آمد. جدید این اطمینان را ارائه می دهد که عیسی مسیح قبلاً پیروز شده است و امروز برای ما در بهشت شفاعت می کند. یقین به اینکه او با حق و اختیاری که دارد، «هر روز تا آخر الزمان» در کنار ما است (متی 28:20). مسیح همانقدر نزدیک و حاضر است که با شاگردانش روی زمین بود. و به این معنا، حتی بیشتر: زیرا اکنون، علاوه بر اینکه در کنار ما است، می تواند از طریق روح خود در ما باشد. «اینک، من بر در» قلب ایستاده ام، «و می گویم. اگر کسی صدای مرا بشنود و در را باز کند، داخل خواهد شد.»

(مکاشفه 3:20). همین دلیل است که کتاب مقدس می گوید که عهد جدید بر «وعده های بهتر» بنا شده است (عبرانیان 8:6).

عهد قدیمی بر اساس خدمت کاهنان عبری، لاویان بود. جدید، در خدمت مسیح، پسر خدا. بر اساس جسم، از قبیله یهودا متولد شد. هنگامی که مسیح درگذشت، خدا پرده معبد را پاره کرد و نشان داد که او دیگر خدمت مقدس عبری را نمی پذیرد (متی .). (27:50، 51 بنابرین، نشان داده شد که عهد جدید، مبتنی بر مسیح و خدمت او در مقدس آسمان، در «خیمه واقعی که خداوند آن را بنیان نهاد، نه انسان» (عبرانیان ، 2: 8 جایگزین عهد اول می شود. در ذات خود جایگزین اولی نمی شود ، زیرا همچنان پیش بینی می کند که انسان ده فرمان (و بنابرین، سبت) را حفظ خواهد کرد. اما در قالب ارائه جایگزین آن می شود . این نشان می دهد که مسیح چه کرد و امروز انجام می دهد، نه فقط کاری که او انجام خواهد داد. امروز ما به خون گاوها و بزها نگاه نمی کنیم، بلکه به خون خود پسر خدا که با ایمان برای آمرزش گناهانمان ریخته شده است نگاه می کنیم.

ما به مردی آنقدر گناهکار نزدیک نمی شویم که برای ما نزد خدا شفاعت کند. اما برای کامل، انسان مسیح عیسی، پسر انسان و پسر خدا، که در سمت راست تخت پدر است (اول تیموتائوس . (5: 2) او تنها اعتراف کننده ماست و دیگری وجود ندارد. ما اسرار خود را در دعا به او اعتماد می کنیم و امیدواریم که به اجابت و رهایی واقعی از نگرانی هایمان برسد.

و او، از طریق خدمت مقدس در بهشت، عهد جدید، قطعاً گناهان ما را خواهد برد. با توجه به اینکه "گناه تخطی از شریعت است" (اول یوحنا ، 4: 3) این بدان معنی است که مسیح ما را قادر خواهد ساخت تا از شریعت پیروی کنیم و سبت چهارم فرمان را نگه داریم. این نقطه ای است که بیشترین تفاوت بین خدمات مقدس عبری و مسیح وجود دارد. پولس با اشاره به مراسم عبادتگاه عبری، عهد قدیم، و کاهنانی که در آنجا خدمت می کردند، گفت که «هرگز با همان قربانی هایی که پیوسته هر سال تقدیم می شود، کسانی که نزد آنها می آیند، هرگز کامل نمی شوند. در غیر این صورت... تا پایان فصل 10. بنابرین، سبت چهارمین فرمان را با ایمان به مسیح و خدمت او، با اعتماد به کمک او، نگه داریم، و تا آخر چنین باشیم و این وعده را به خاطر بسپاریم: «خوشا به حال کسانی که احکام او را نگاه می دارند، تا داشته باشند. قدرت در درخت حیات و ممکن است از دروازه ها به شهر وارد شود» (مکاشفه ، 22:14 اصل).

نمونه رسولان

عیسی قبل از صعود به آسمان، به شاگردان خود دستور داد که به مردم بیاموزند که «هر آنچه را که به شما امر کرده ام رعایت کنید» (متی .). (28:19) ما قبلاً مطالعه کرده ایم که او چگونه روز سبت را نگه داشته است. و غیر از این نمی توانست باشد، زیرا به صراحت بیان می کرد که ده فرمان تا زمانی که آسمانها پابرجاست، بر روی زمین جاری بوده و خواهند بود. او گفت که نیامده است تا آنها را تغییر دهد: «فکر نکنید که من آمده ام تا شریعت یا انبیا را از بین ببرم. من برای نسخ نیامده ام، بلکه برای تحقق بخشیدن. زیرا به راستی به شما می گویم تا آسمان و زمین از بین بروند، یک ذره یا یک ذره از شریعت نمی گذرد تا همه چیز محقق شود.» (متی .). (17، 18 بنابرین، شاگردان به جهان نشان می دهند که از الگوی استاد پیروی می کنند و قانون و سبت خود را رعایت می کنند. و در واقع آنها این کار را حتی پس از مرگ عیسی انجام دادند. اندکی پس از بیرون آوردن جسد او از صلیب، در روز جمعه، «روز آماده سازی بود و شنبه طلوع کرد. و زنانی که با او در جلیل آمده بودند نیز به دنبال او رفتند و قبر و چگونگی دفن جسد او را دیدند. و چون برگشتند، ادویه ها و مرهم ها تهیه کردند و در روز سبت بنا به فرمان، استراحت کردند.» روز شنبه توسط پیروان عیسی به قدری مقدس شمرده می شد که در ساعات آن حتی به جنازه استاد احترامی داده نمی شد. فقط «در اول

روز هفته»، یکشنبه، «صبح بسیار زود، به مقبره رفتند و ادویه هایی را که آماده کرده بودند، برداشتند» (لوقا، 24:1) -
23:54

پس از عروج مسیح، شاگردان به پیروی از استاد ادامه دادند. عیسی در روزهای شنبه در کنیسه تعلیم داد: «و چون به ناصره، جایی که در آنجا بزرگ شده بود، آمد، طبق عادت خود در روز سبت به کنیسه وارد شد و برخاست تا بخواند» (متی، 4:16). کتاب اعمال رسولان در چهار مورد مختلف گزارش می‌دهد که پولس و سایر شاگردان مسیح همین کار را کردند: «در روز سبت وارد کنیسه شدند و نشستند. و بعد از درس شریعت و انبیا، سران کنیسه آنها را فرستادند تا بگویند: ای برادران، اگر برای مردم سخنی برای تسلیت دارید، بگویید. و پولس برخاست و با دست خود درخواست سکوت کرد و گفت: مردان اسرائیل و کسانی که از خدا می ترسند، گوش فرا دهید... و هنگامی که کنیسه برکنار شد، بسیاری از یهودیان و مسیحیان دینی به دنبال پولس و برنابا رفتند... در سبت بعد، تقریباً تمام شهر دور هم جمع شدند تا کلام خدا را بشنوند» (اعمال رسولان، 13:14، 16، 43، 44).

«و از آمفیپولیس و آپولونیا گذشتند، به تسالونیک آمدند، جایی که کنیسه یهودیان در آنجا بود. و پولس طبق عادت خود نزد آنها رفت و در سه سبت با آنها در مورد کتاب مقدس بحث کرد و توضیح داد و نشان داد که شایسته است مسیح رنج بکشد و از مردگان برخیزد. و او گفت که این عیسی که به شما اعلام می کنم، مسیح است.» (اعمال رسولان، 3-17:1)

پولس از آن خارج شد و به قرنتس رسید... و هر سبت در کنیسه با هم بحث می کرد و یهودیان و یونانیان را متقاعد می کرد. (اعمال رسولان، 4، 18:1)

این آخرین روایت نشان می‌دهد که شاگردان سبت را به دعا و موعظه انجیل، حتی بیرون از کلیسا اختصاص دادند: «در روز سبت، از دروازه‌ها بیرون رفتیم، به ساحل رودخانه، جایی که فکر می‌کردیم جایی برای دعا وجود دارد. و نشستیم، با زنانی که آنجا جمع شده بودند صحبت کردیم. و زنی به نام لیدیا، فروشنده ارغوان، از شهر تیاتیرا، و خدا را خدمت می‌کرد، به سخنان ما گوش داد و خداوند قلب او را برای توجه به سخنان پولس باز کرد.

پس از غسل تعمید، او و خانه اش به ما التماس کردند و گفتند: اگر قضاوت کردید که من به خداوند وفادارم، به خانه من بیاوید و در آنجا بمانید. و او ما را مجبور به این کار کرد.» (اعمال رسولان، 15-16:13)

بنابراین، چنین است که رسولان با تعلیم و مثال، روز سبت چهارم را به عنوان یک روز استراحت واقعی اعلام کردند و نشان دادند که حتی پس از مرگ عیسی نیز معتبر است. آنها مجالی برای اعضای کلیسا ندادند که به این نتیجه برسند که تغییری در آن روز رخ داده است.

یکشنبه در دوره مسیحیت و نقش آن در بت پرستی مسیحیت

اگرچه آنها حقیقت را به روشنی تعلیم دادند، اما توسط روح الهام نبوی به رسولان هشدار داده شد که پس از مرگ آنها ارتداد در کلیسا به وجود خواهد آمد. و بیش از یک بار به مؤمنان هشدار دادند. پولس گفت: «می‌دانم که همه شما که برای موعظه پادشاهی خدا از آنها گذشتم، دیگر چهره من را نخواهید دید.

بنابراین، امروز به شما اعتراض می کنم که از خون همه پاک هستم. زیرا من هرگز از اعلام کل نصیحت خدا به شما دست نکشیده ام. پس مواظب خود و تمام گله باشید... زیرا من این را می دانم که بعد از رفتن من گرگهای درنده در میان شما وارد خواهند شد و گله را نخواهند بخشید. و این که در میان خودتان، اگر

آنها مردانی را برمی‌انگیزند که سخنان نادرست خواهند گفت تا شاگردانی را به دنبال خود بکشانند. پس هوشیار باشید و به خاطر داشته باشید که سه سال شب و روز از پند دادن هر یک از شما با اشک باز نگذاشتم» (اعمال رسولان (31-25:20) پطرس همچنین هشدار داد: "در میان شما معلمان دروغین وجود خواهند داشت که در خفا بدعت‌های ویرانگر را معرفی می‌کنند و خداوندی را که آنها را خریده است انکار می‌کنند و نابودی ناگهانی را بر خود وارد می‌کنند. و بسیاری از انحلال‌هایشان پیروی خواهند کرد که راه حق را به آنان کفر می‌کنند. و با طمع با شما سخنان وانمودی معامله خواهند کرد» (دوم پطرس (3-1: 2)

پیشگویی‌های پولس و پطرس به زودی محقق شد. پولس در حدود سال 66 بعد از میلاد و پطرس بین سالهای 67 تا 68 بعد از میلاد در رم به شهادت رسیدند. قبلاً در این زمان، جاستین شهید، که اگرچه امروزه بسیاری او را به عنوان یکی از پدران قانونی کلیسا می‌شناسند، یکی از گرگ‌های پیش‌بینی شده بود، مطالبی را کاملاً برخلاف تعالیم رسولان بیان کرد - بدعت‌هایی که از بت پرستی سرچشمه می‌گیرد:

ما همه در روز خورشید دور هم جمع شدیم [اولین روز هفته در امپراتوری روم تا قرن چهارم روز خورشید نامیده می‌شد]، نه تنها به این دلیل که اولین روزی بود که در آن خداوند، تاریکی و تاریکی را تغییر داد و ماده، جهان را آفرید، بلکه به این دلیل که در همین روز عیسی مسیح، نجات دهنده ما، از مردگان برخاست. آنها او را در آستانه روز زحل مصلوب کردند. و در روز بعد از آن، یعنی در روز خورشید که بر حواریون و شاگردان خود ظاهر شد، همه آنچه را که ما نیز به شما پیشنهاد دادیم، به آنها آموخت تا مورد توجه قرار گیرد. . 31-427، 6 pp.

تاریخ متأسفانه نشان می‌دهد که به طور کلی وقتی ارتداد وجود دارد، اکثریت راه اشتباه را طی می‌کنند. زمانی که ایزابل و پادشاه آخاب مردم را در پرستش بعل رهبری می‌کردند، چنین بود: فقط الیاس و هفت هزار زانو در برابر خدای دروغین خم نشدند. بقیه ملت، اکثریت، در طرف اشتباه بودند. این امر در زمان الیشع، اشعیا، ارمیا و حتی در زمان عیسی نیز تکرار شد. پسر خدا اکثریت را بعد از خود نگرفت، این در کنار فریسیان بود که فریاد می‌زد: «او را مصلوب کن» در روز جلگه. و در دوره مسیحیت تفاوتی نداشت. جاستین شهید به زودی در میان اکثریت ایمانداران کلیسای زمان خود قرار گرفت که خطا را نیز آموزش می‌داد. به عبارت دیگر، گرگ‌ها شبانان واقعی محسوب می‌شدند. در حالی که مؤمنان مخلص که با تغییرات موافق نبودند، به عنوان مخالفان، شورشیان و عناصری که برای ایجاد تفرقه و تضعیف کلیسا تلاش می‌کردند، دیده می‌شدند. افرادی که «مردان خدا» را متهم می‌کردند. اینها که از خدا نبودند، بلکه دروغ می‌گفتند. بنابراین، هنگامی که اکثریت به نفع روز استراحت بت پرستی روی آوردند، به تدریج به عنوان معیار پذیرفته شد. روز یکشنبه به یک آموزه پذیرفته شده توسط سنت تبدیل شده است، نه توسط مکاشفه کتاب مقدس. و در پی آن، تمام آموزه‌های بت پرستی دیگر وارد کلیسا شد: تثلیث، پرستش تصاویر حکاکی شده، غسل تعمید با پاشیدن و غیره.

با وجود بت پرستی تدریجی مسیحیت، هنوز پذیرفته نشد و پیروان آن به شدت مورد آزار و اذیت قرار گرفتند و کشته شدند. به نظر نمی‌رسد مشرکان مایل به پذیرش «عیسی یهودی ناصری» به عنوان پسر خدا، نجات دهنده بشریت باشند.

آنها می خواستند مسیحیان با "سلام سزار" به امپراتور سلام کنند و او را به عنوان نماینده قانونی خدا بشناسند. از آنجایی که آنها این کار را نکردند، کولوسئوم های رومی با نمایش هایی از قتل مسیحیان توسط جانوران وحشی، مشرکان را سرگرم کردند. مسیحی بودن مساوی با بی وفایی به امپراتوری بود. آزار و شکنجه در ده سال پس از دستور دیوکلتیان، در سال 303 بعد از میلاد، شدیدتر شد.

عیسی با اشاره به این زمان وحشتناک آزمایش، به زبان نبوی گفت: «مصیبت ده روزه خواهید داشت. تا حد مرگ وفادار باش و من تاج حیات را به تو خواهم داد.» (مکاشفه، 2:10)

سپس چیزی که به نظر می رسید آرامش خدا بود، آمد. اما ثابت شد که این بدترین سلاح دشمن است: یک امپراتور روم برای اولین بار خود را به نفع مسیحیت نشان داد. کنستانتین فرمانی را امضا کرد که آزار و شکنجه را متوقف کرد - فرمان تسامح در میلان. از آن زمان به بعد، مسیحیان از حقوقی مشابه با بت پرستان برخوردار بودند. اندکی بعد، مسیحیت به عنوان دین رسمی امپراتوری به رسمیت شناخته شد. معلوم می شود که پیشینه سیاسی این صحنه «تساهل» یک دام واقعی را برای صادقان آشکار کرد. کنستانتین عیسی را نپذیرفته بود و او را به عنوان پروردگار زندگی خود نمی شناخت. پیش از این، که مسیحیان تقریباً پنجاه درصد جمعیت امپراتوری را تشکیل می دهند، از آنها در مبارزاتش علیه ماکسیمیلیان درخواست حمایت کرد. به آنها قول داد که در صورت پیروزی، به آزار و شکنجه پایان دهد و مسیحیت را به دین رسمی امپراتوری تبدیل کند. حرکت سیاسی که جواب داد. کنستانتین پیروز شد و امپراتور شد. او به وعده خود عمل کرد، اما تا حدی. به عنوان یک سیاستمدار، او همچنین سعی کرد بخش دیگری از مردم، مشرکان را خشنود کند. او این کار را با همکاری اسقف های کلیسا انجام داد تا ترکیبی از مسیحیت و بت پرستی را تشکیل دهد که از آن زمان به نام کلیسای روم تبدیل شده است. کنستانتین در این راستا دستور داد که روز استراحت مسیحی مانند روز بت پرستی باشد: "هر کس روز ارجمند خورشید را پرستش کند."

(کنستانتین 321م). و اکثر اسقفان که پیش از این دو قرن در مسیر ارتداد بودند و همین روز را گرامی داشتند و در ازای قدرت و پول مایل بودند امپراتور را خشنود سازند، به آسانی در این کار به امپراتور پیوستند. بنابراین، اسقفانی که به فرمان امپراتور احترام گذاشتند - اکثریت - مورد لطف قرار گرفتند. در حالی که بقیه به تدریج تبعید شدند. امپراتور شوراهایی را فراخواند، که در آن اکثر اسقف ها - مرتدان، که در این مرحله، قبلاً بر کلیسا تسلط داشتند - در مورد آنچه که باید باور کرد و چه چیزی نباید رای داد. و کلیساها این احکام را دریافت کردند که همراه با تحقیر و تهدید کسانی بود که تسلیم آنها نشدند. کتاب مقدس دیگر راهنمای کلیسای رسمی رومی نبود. سنت اسقف ها، آموزه ی سلطنت کلیسا، بالاتر از آن در نظر گرفته می شد.

از آنجایی که هنوز افرادی بودند که این فرض اقتدار توسط مردان بر کلام خدا را زیر سوال بردند، تصمیم گرفته شد که کتاب مقدس باید ممنوع شود - از دست مردم خارج شود. بنابراین، اسقف های کلیسا می توانستند مطابق میل خود مؤمنان را هدایت کنند، زیرا احکام جدیدی می نوشتند و آنها را بر کلیساها تحمیل می کردند. و به این ترتیب بود که سبت چهارمین فرمان که توسط آدم و همه پدران عهد عتیق حفظ شده بود، فراموش شد. روز استراحتی که عیسی به عنوان پروردگار آن بنا نهاد. که او آموزش داد که چگونه در خدمت خود بر روی زمین با الگوی خود حفظ شود، توسط رهبران کلیسای امپراتوری - کلیسای حواری کاتولیک روم - محکوم به فراموشی شد.

و جهان در تاریکی عصری غوطه ور شد که در تاریخ به «عصر تاریک» معروف است. در غیاب نور کلام خدا، به نظر می‌رسید تاریکی رشد می‌کند.

اما، مانند همه زمان‌هایی که به نظر می‌رسید ارتداد کاملاً مسلط بود، خدا نیز بدون شهادت نماند. برخی از کلیساها، مانند کلیساهای شمال آفریقا، هنوز سبت کتاب مقدس را رعایت می‌کردند. و پس از قرن‌ها ارتداد، کتاب مقدس بار دیگر در دسترس مردم قرار گرفت. انجمن‌های کتاب مقدس در دهه 1800 شکل گرفتند که هزاران نفر از طریق کار آنها توانستند کلام خدا را مطالعه کنند. سپس کلیساها شکوفا شدند که روز استراحت را که در کلام خدا مشخص شده است - سبت چهارم فرمان را رعایت می‌کردند. از تاریخ برمی‌آید که علی‌رغم تلاش مردان مرتد برای تغییر روز استراحت، خداوند هیچ تغییری را مجاز و دستور نداده است. او گفته بود: "روز هفتم، سبت استراحت است، مقدس برای خداوند... آنها سبت را نگه خواهند داشت... در تمام نسل‌های خود برای عهد جاودانی... این نشانه‌ای برای همیشه خواهد بود. زیرا خداوند آسمانها و زمین را در شش روز آفرید و در روز هفتم آرام گرفت و شاداب شد." (خروج، 17-15:31 و تا ابد باقی خواهد ماند، حتی بر روی زمین تازه بازسازی شده. زمانی که خداوند هر لکه گناه را از آن بزدايد: "زیرا خداوند می‌گوید، همانطور که آسمان‌های جدید و زمین جدیدی که من خواهم ساخت، در برابر من خواهد بود. آیندگان و نام شما خواهد بود. خداوند می‌گوید: از یک سبت تا سبت دیگر، همه انسانها برای پرستش در حضور من خواهند آمد." (اشعیا، 23، 22:66)

نحوه رعایت سبت

از آغاز تاریخ، حتی قبل از گناه، خداوند تعلیم داد که شنبه باید روزی متفاوت از روزهای دیگر در نظر گرفته شود. «و خدا در روز هفتم تمام کارهای خود را که انجام داده بود به پایان رساند و در روز هفتم از تمام کارهایی که انجام داده بود استراحت کرد. و خداوند روز هفتم را برکت داد و آن را تقدیس کرد، زیرا در آن روز از تمام کارهای خود که خدا آفریده و ساخته بود، استراحت کرد.» (پیدایش، 3، 2:2 در آن باید از کاری که از یکشنبه تا جمعه انجام می‌شود استراحت کرد: «زیرا در جایی در مورد روز هفتم چنین گفت: و خداوند در روز هفتم از همه اعمال خود آرام گرفت... کسی که به استراحت خود وارد شد. خود او از کارهایش آرام گرفت، همان گونه که خدا از کارهای او آرام گرفت.» بنابراین نباید برای به دست آوردن نان روزانه خود کار کرد. «چون خداوند سبت را به شما داده است، پس در روز ششم به شما نان می‌دهد تا دو روز. هرکس در جای خود بماند تا در روز هفتم کسی جای خود را ترک نکند» (خروج، 16:29)

سایر فعالیت‌های کاری که در شش روز اول انجام می‌شود، مانند تمیز کردن خانه، آشپزی، تهیه لباس، خرید نیز باید متوقف شود. برای اینکه بدانید چه کاری باید انجام دهید و چه کاری انجام ندهید، به سادگی این اصل کتاب مقدس را به کار ببرید: "اگر پای خود را از سبت برگردانی، از انجام اراده خود در روز مقدس من... و اگر به آن احترام بگذاری، نه از راه خود پیروی کنی، نه پیروی کنی. وانمود کن که اراده خود را انجام می‌دهی و سخنان خود را بر زبان نمی‌آوری، آنگاه از خداوند لذت خواهی برد" (اشعیا، 14، 58:13 از این رو واضح است که روز شنبه تماشای سریال‌های تلویزیونی، فیلم‌هایی که راه‌های پروردگار را آموزش نمی‌دهند، تماشای بازی‌های ورزشی، برنامه‌های سالن، شرکت در مهمانی‌ها و شرکت در فعالیت‌هایی که فقط به نفع ماست، مناسب نیست. اسباب‌بازی‌ها و بازی‌های کودکان باید به گونه‌ای نگهداری شوند که همه خانواده در اختیار داشته باشند

فرصتی است که در این روز فقط خود را با نزدیک شدن به خدا مشغول کنید. از این رو می توان فهمید که آمادگی برای شنبه خیلی زودتر آغاز می شود، زمانی که دستور کار خانواده برنامه ریزی شده است.

کتاب مقدس به ما می آموزد که برای حفظ آن طبق این فرمان لازم است کوشش کنیم، ابتکاراتی به خرج دهیم: «پس کوشش کنیم تا به آن استراحت وارد شویم تا هیچ کس به همان مثال نافرمانی نیفتد». (عبرانیان 11، 10:4 با شروع هفته، ما باید فعالیت های خود را به گونه ای برنامه ریزی کنیم که وقتی شنبه فرا می رسد، نیازی به تخطی از روز خداوند نداشته باشیم. این شامل برنامه ریزی انبار پوشک، دارو، غذا، پر کردن ماشین و غیره است. ممکن است در ابتدا دشوار به نظر برسد - "خیلی زیاد" - انجام دادن. اما اگر مؤمن هر یکشنبه زمانی را به برنامه ریزی هفته اختصاص دهد، می بیند که ظرف چند هفته، آماده شدن برای شنبه تبدیل به یک روال عادی می شود. و هفته، زمانی که برنامه ریزی شده است، بازده بیشتری دارد.

از بین همه روزهای کاری، جمعه روز آماده سازی است. «خداوند به موسی گفت: «اینک من از آسمان برای تو نان خواهم بارید و قوم بیرون خواهند رفت و سهم روزانه خود را جمع خواهند کرد تا ببینم آیا در شریعت من رفتار می کنند یا نه. و در روز ششم خواهد آمد که آنچه را جمع می کنند آماده می کنند. و دو برابر هر روز درو می کنند... پس هر صبح آن را درو کردند. هر کدام برحسب آنچه می توانست بخورد... و این شد که در روز ششم، نان دو برابر، برای هر کدام دو عمر جمع کردند... ببینید، چون خداوند سبت را به شما داد، پس در روز ششم به شما عطا کرد. روز، دو روز به شما نان می دهد. هرکس در جای خود بماند تا در روز هفتم کسی جای خود را ترک نکند» (خروج 29، 22، 21، 6، 5:16 تا زمان عیسی، اعضای کلیسای واقعی روز ششم را به عنوان روز آماده سازی حساب می کردند: «یوسف... اهل آریما... بدن عیسی را خواست. و چون او را بیرون آورد، او را در پارچه کتانی پیچید و در قبر گذاشت... و روز مهیا بود و سبت طلوع کرد. و زنانی که از جلیل با او آمده بودند نیز به دنبال آن قبر و چگونگی دفن جسد او را دیدند. و چون برگشتند، ادویه ها و مرهم ها تهیه کردند و در روز سبت برحسب فرمان استراحت کردند.» (لوقا 54-56:24 با توجه به اینکه هفته به درستی برنامه ریزی شده بود، شنبه روز تنظیمات نهایی است. تهیه غذای شنبه، انجام کارهای پایانی برای مرتب کردن خانه، اتو کردن لباس ها و جلا دادن کفش ها.

غروب جمعه

کتاب مقدس تعلیم می دهد که در آغاز سبت، «در صحن داخلی» قدس خدا «باز خواهد شد». «و مردم زمین در روز سبت در ورودی همان دروازه تعظیم خواهند کرد» (حزقیال 3، 1، 46:4 بنابر این در غروب روز جمعه، زمانی که شنبه آغاز می شود، مؤمنان باید با هم متحد باشند و خدا را عبادت و عبادت کنند. مراسمی که با سرودهای ستایش آغاز می شود و سپس دعای مختصر، تأمل در گزیده ای کوتاه از کتاب مقدس و با دعای دیگری به پایان می رسد. در صورت وجود کودکان، داستان کتاب مقدس باید به زبان آنها گفته شود و خدمات طولانی و خسته کننده نباشد تا علاقه خود را به مراسم مذهبی از دست ندهند. از آنجا که

گناه وجود داشت، بر عهده پدران خانواده بود که خدمات قربانی را به خدا ارائه دهند (پیدایش 18: 7، 8؛ 12: به عنوان مثال، پدر، هنگامی که مؤمن است، باید خدمت را رهبری کند. زن و فرزندان را در نماز به خدا تقدیم و تقدیم کند. اما اجازه دهید برخی از سرودها را انتخاب کنند و همچنین در سؤالات و نظرات مربوط به قسمت کتاب مقدس که برای مراقبه انتخاب شده است شرکت کنند.

سرویس شنبه

عیسی در روزهای شنبه ظاهر شد، «طبق عادت خود در کنیسه، برخاست تا بخواند. و کتاب به او داده شد» (لوقا 4:16). به پیروی از او، ایمانداران در روزهای شنبه، در کلیسای معبد یا در کلیسایی که در خانه گرد هم می آیند جمع می شوند (کولسیان 4:15). در آنجا آنها خدا را ستایش می کنند و کلام او را مطالعه می کنند و به دنبال یادگیری راه زندگی ابدی هستند. در طول مراسم مذهبی، ما نمی توانیم بچه های کوچک را فراموش کنیم. عیسی چندان مشغول رسیدگی به برادرانش نبود تا جایی که نمی توانست به آنها توجه کند. «سپس چند کودک را نزد او آوردند تا آنها را بر دستانشان بگذارد و نماز بخواند. اما شاگردان آنها را سرزنش کردند. اما عیسی گفت: به کوچکان صبر کنید و آنها را از آمدن نزد من ممانعت کنید زیرا ملکوت آسمان از آن اینان است.» و آنها را در آغوش گرفت و دست بر آنها نهاد و برکت داد».

(متی 14، 13:19 مرقس 10:16) باید زمانی باشد که کودکان از کتاب مقدس آموزش ببینند و خدا را به زبان ساده آن ستایش کنند. ما بخش اول مراسم عبادت را به مدرسه کتاب مقدس برای بزرگسالان و کودکان اختصاص می دهیم. سپس با والدین خود ملاقات می کنند تا با هم خطبه را بشنوند. این نیز نباید زیاد طولانی شود تا مراسم مذهبی خسته کننده و خسته کننده نشود.

چهل دقیقه تا یک ساعت برای انتقال پیام کافی است.

استاد تعلیم داد که شرکت در فعالیت هایی که به موعظه کلام خدا مربوط می شود، تخلف از سبت نیست. او گفت: «آیا در شریعت نخوانده ای که در روز شنبه، کاهنان در معبد، سبت را می شکنند و بی گناه هستند؟»

(متی 12:5) دفتر کاهنان انجام آیین قربانی و تعلیم کلام خدا به مردم بود. «در روز سبت، کاهنان «دو بره یک ساله بدون عیب، و دو دهم آرد مرغوب مخلوط با روغن را به عنوان قربانی گوشت، همراه با هدایای نوشیدنی خود تقدیم کردند. قربانی سوختنی از سبت هر شنبه است، علاوه بر قربانی سوختنی پیوسته.» و همچنین شریعت را تعلیم دادند: «زیرا لیهای کاهن دانش را حفظ خواهند کرد و از دهان او شریعت را خواهند طلبید، زیرا او فرشته یهوه صباوت است» (اعداد 10، 9:28 مالاکی 2:7). (2:7) خدمت کلام در کلیسا، تلاش برای پخش زنده موعظه در اینترنت، رادیو یا تلویزیون، هیچ یک از اینها تخطی از سبت نیست. در این خصوص، همه چیزهایی که برای شنبه لازم نیست، باید در روزهای دیگر انجام شود. با این حال، روشن کردن تجهیزات از پیش تنظیم شده، انجام آخرین آزمایش های صوتی و تصویری، تنظیمات دوربین و سایر فعالیت هایی که باید در زمان عبادت انجام شود، از نظر مسیح تخلف نیست.

بعد از عبادت - ساعات دیگر شنبه

پس از خدمت، عیسی نیازمندان را ملاقات کرد و بیماران را شفا داد، «از کنیسه بیرون آمدند و با یعقوب و یوحنا به خانه شمعون و اندریاس رفتند و مادر شوهر پطرس با تب دراز کشیده بود. و سپس درباره او به او گفتند. سپس نزد او آمد و دست او را گرفت و او را بلند کرد. و تب او را رها کرد و آنها را خدمت کرد» (مرقس 1:29-31) ما باید از او الگو بگیریم.

اگرچه این روز اختصاص به خدمات مذهبی است، اما نباید در تشریفات سرد ننگه داشت. مؤمنان واقعی همیشه مایل به خدمت به نیازمندان و تخفیف رنج هستند، حتی در روز سبت، هر زمان که فرصتی باشد.

عیسی، در طول خدمت، مردم را شفا داد - در داخل کلیسا: "و دوباره وارد کنیسه شد و مردی در آنجا بود که یکی از دستانش خشک شده بود. و او را تماشا می کردند که آیا او در روز سبت شفا خواهد یافت... و به مردی که دستش خشک شده بود گفت: برخیز و بیا وسط. و از آنان پرسید: آیا در روز سبت، نیکوکاری حلال است یا بدکردن؟ نجات جان یا کشتن؟ و سکوت کردند. و با خشم به اطرافشان نگاه کرد و از سختی قلبشان دلسوزی کرد و به آن مرد گفت: دستت را دراز کن. و آن را دراز کرد و مانند دیگری به او بازگرداند» (مرقس 3: 1-5)

در همین راستا، عیسی تعلیم داد که اگر نیازی پیش بینی نشده پیش آید و برای تسکین گرسنگی یا درد دیگران یا حیوانات، خرید لباس یا دارو ضروری باشد، مؤمن واقعی باید این کار را انجام دهد. شنبه مانند هر روز دیگری برای انجام کارهای خوب است. «و واقع شد، چون در روز سبت از مزارع می گذشت و شاگردانش به راه خود رفتند و شروع به چیدن خوشه کردند. و فریسیان به او گفتند: دیدی؟ چرا در روز سبت کاری را انجام می دهند که حلال نیست؟ اما او به آنها گفت: آیا هرگز نخوانده‌اید که داوود، او و کسانی که با او بودند، در هنگام گرسنگی چه کرد؟

چگونه در زمان ابیاتار، کاهن اعظم، وارد خانه خدا شد و از نان نمایشی که خوردن آن برای کاهنان حلال نبود، خورد و به کسانی که با او بودند نیز داد؟ و او به آنها گفت: سبت برای انسان آفریده شد و نه انسان برای سبت. (مرقس 2:23-27)

کودکان در بی حرکت ماندن برای مدت طولانی مشکل دارند. آنها در فضای باز احساس راحتی بیشتری می کنند. وقف یک بعد از ظهر، بعد از عبادت، بردن آنها به تماشای مناظر طبیعت و نشان دادن آثار محبت خداوند بر گلها و درختان، حیوانات، رودخانه ها و دریاچه ها، کاری است که خداوند را گرمی می دارد. اجازه دهید آنها کشف کنند که "چیزهای نامرئی" خدا، "هم قدرت ابدی او و هم الوهیت او توسط چیزهایی که آفریده شده است درک می شوند و به وضوح دیده می شوند."

(رومیان 1:20) این کار را می توان با بازدید از پارک، دریاچه، رودخانه، کوه یا مزرعه مجاور انجام داد. این یکی از راه هایی است که کودکان بیشترین آموزش را دریافت می کنند. بنابراین، قلب کوچک آنها با پیوندهای لطیف به قلب مسیح و خدای بزرگ عشق پیوند خورده است، که گسسته نخواهد شد، زیرا نوشته شده است: «کودک را در راهی که باید بروی تربیت کنید و وقتی پیر شد، او از آن دور نخواهد شد.» (امثال 22:6)

در دوره یهودیت، مراسم قربانی «شب»، مشابه «هدیه صبح» ارائه می‌شد (خروج). (41، 29:39 به تبعیت از آن، مؤمنان باید هر صبح و هر بعدازظهر، از جمله شنبه، خدا را عبادت کنند. مراسمی که با سرودهای ستایش آغاز می‌شود و سپس دعای مختصر، تأمل در گزیده ای کوتاه از کتاب مقدس و با دعای دیگری به پایان می‌رسد. در صورت وجود کودکان، داستان کتاب مقدس باید به زبان آنها گفته شود و خدمات طولانی و خسته کننده نباشد تا علاقه خود را به مراسم مذهبی از دست ندهند. از آنجایی که گناه وجود داشت، بر عهده پدران خانواده بود که خدمات قربانی را به خدا ارائه دهند (پیدایش). (12:7، 8؛ 13:18) به عنوان مثال، پدر، هنگامی که مؤمن است، باید خدمت را رهبری کند. زن و فرزندان را در نماز به خدا تقدیم و تقدیم کند. اما اجازه دهید برخی از سرودها را انتخاب کنند و همچنین در سؤالات و نظرات مربوط به قسمت کتاب مقدس که برای مراقبه انتخاب شده است شرکت کنند. در دعای پایانی، برکت خداوند را بخواهید که همه را در طول هفته با توکل بر این وعده، با توکل به قدوسیت، اطاعت از احکام خدا، گام بردارند: «و سبت های مرا تقدیس کن، و آنها نشانه ای بین من و تو خواهند بود. تا بدانید که من یهوه خدای شما هستم» (حزقیال 20:20).

تقدیس از طریق رعایت کامل روز سبت: روزی برای شفای کسانی که نمی دانند چگونه بپرستند.

خداوند برای کسانی که سبت را مقدس نگه می دارند، برکت روحانی محفوظ است. در این آیه بیان شده است: "به آنها سبتهای خود را دادم تا نشانه ای بین من و آنها باشند تا بدانند که من خداوند هستم که آنها را تقدیس می کنم" (حزقیال 20:12). معنی این است: وقتی روز سبت را مقدس نگه می داریم، خدا را بهتر می شناسیم، زیرا او کار خاص و متفاوتی را در ما انجام می دهد. او ما را تقدیس می کند. و این به چه معناست؟ سببی را با چند نقطه سیاه روی پوست در نظر بگیرید. وقتی کسی آن را برای خوردن آماده می کند، قسمتی از پوست معیوب را جدا می کند. معلوم می شود که نقاط آسیب دیده دیگری در داخل پالپ وجود دارد که روی سطح قابل مشاهده نیست. در این مورد، آشپز باید میوه ها را بیشتر باز کند تا زمانی که آنها را پیدا کند و آنها را خارج کند. این مثال کوچک کار خدا را از طریق مسیح در زندگی ما نشان می دهد. وقتی مسیح را می پذیریم، عادل می شویم، قدرت راه رفتن در زندگی جدید را دریافت می کنیم. از آن زمان به بعد، ما در پی این هستیم که «وجدانی بدون گناه، هم نسبت به خدا و هم نسبت به مردم» داشته باشیم (اعمال رسولان). (24:16 و با قدرتی که از مسیح دریافت کرده ایم، «ایمان و وجدان پاک» را حفظ می کنیم و از کشتی غرق شدن در ایمان اجتناب می کنیم (اول تیموتائوس). (1:17) به عبارت دیگر، آنچه را که از اراده خدا می دانیم اطاعت می کنیم یا حتی مطابق نوری که داریم راه می رویم. ما مثل سببی هستیم با پوست تمیز. با این حال، کار خدا در ما باید ادامه یابد «تا زمانی که همه ما به اندازه قد کامل مسیح، انسان کامل شویم» (افسیسیان). (4:13) زیرا هنگامی که مسیح برای گرفتن آن می آید، کلیسا باید «بدون لک، چین و چروک یا هر چیز دیگری، اما مقدس و بی عیب باشد» (افسیسیان). (5:27) پالپ درونی زندگی ما باید پاک شود. عیب هایی که امروز بر ما پوشیده است، اشتباهاتی که از روی ناآگاهی مرتکب می شویم نیز باید اصلاح شود.

این فرآیند تقدیس است. این کار تدریجی عمیق کردن پاکسازی است. تا زمانی که «همه لکه‌ها» از پالپ قلب ما پاک شود. این روند در زندگی مؤمن مستمر است. هر کس با انتخاب خود مانع او شود، خود را از مسیر نجات منصرف خواهد کرد: "به دنبال صلح و قدوسیت با همه باشید که بدون آن هیچ کس خداوند را نخواهد دید" (عبرانیان 12:14).

اینجاست که تقدیس سبت نقشی تعیین کننده در زندگی مؤمن دارد. به عنوان میوه آن، خداوند آن را تقدیس می کند. این به طور کامل در خدمت عیسی در زمانی که روی زمین بود نشان داده شده است. از آنجایی که انجیل های چهارگانه مملو از گزارش های شفاهای انجام شده توسط عیسی هستند، تفاوت قابل توجهی در شفاهای انجام شده در روز شنبه نشان می دهند.

توضیح می دهیم: در بسیاری از موارد، مؤمنان نزد مسیح می رفتند و از او می خواستند که آنها را شفا دهد. جذامی به او گفت: اگر بخواهی می توانی مرا پاک کنی. فلج دیگری از او خواست که سقف را باز کند و تخت خود را نزد عیسی فرود آورد. زن مبتلا به خون به سوی او خزید تا جامه او را لمس کند. و مردان نابینا فریاد زدند: «ای پسر داود، بر ما رحم کن!» (مرقس 1:40؛ مرقس 2:3،4؛ متی 9:27؛ لوقا 9:20-22)، روز شنبه، عیسی برای شفای کسانی که نخواستند، کسانی که نزد او نیامده اند، معرفی می شود. بلکه در راه او بود، در جایی که در آن روز از آنجا گذشت. بیایید به چند نمونه نگاه کنیم - توجه داشته باشید که در همه موارد، بیمار درخواست شفا نکرده است:

فلج در استخر بتسدا:

«اکنون در اورشلیم، نزدیک دروازه گوسفندان، حوضی است که به عبری بتسدا نامیده می شود و دارای پنج ایوان است... و مردی در آنجا بود که سی و هشت سال بیمار بود. و عیسی چون او را دراز کشیده دید و دانست که مدت زیادی است در این حالت به سر می برد، به او گفت: آیا می خواهی شفا پیدا کنی؟ مرد مریض به او پاسخ داد: آقا، من مردی ندارم که وقتی آب به هم می خورد، بتواند مرا داخل حوض بگذارد. اما وقتی می روم، دیگری جلوتر از من پایین می آید. عیسی به او گفت: برخیز، بسترت را بردار و راه برو. به زودی آن مرد خوب شد و تخت خود را برداشت و رفت.

و آن روز سبت بود» (یوحنا، 5: 2-9)

مردی که نابینا به دنیا آمد

«و چون عیسی می گذشت، مردی را دید که از بدو تولد نابینا بود. و شاگردانش از او پرسیدند و گفتند: ربّی، چه کسی گناه کرد، این مرد یا پدر و مادرش که کور به دنیا آمد؟ عیسی پاسخ داد: نه او گناه کرد و نه پدر و مادرش. ولی برای این بود که کارهای خدا در او ظاهر شود... چون این را گفت تف بر زمین انداخت و با آب دهان گل ساخت و چشمان نابینا را به گل آغشته کرد. و به او گفت: برو و در حوض سیلوام بشو... پس رفت و شست و شو داد و دید... و روز سبت بود که عیسی گل را ساخت و چشمان خود را باز کرد» (یوحنا 9: 1-14).

زن قوز کرده

«و روز شنبه در یکی از کنیسه ها تدریس کرد. و اینک، زنی در آنجا بود که هجده سال روحیه ناتوانی داشت. و او خم شده بود و اصلاً نمی توانست راست شود. و چون عیسی او را دید، او را نزد خود خواند و به او گفت: ای زن!

شما از بیماری خود رها هستید و دستهای خود را بر او گذاشت و بی درنگ راست شد و خدا را تمجید کرد.» (لوقا. 9:10-13)

شیاطین کپرناحوم

«آنها وارد کپرناحوم شدند و در روز سبت به کنیسه رفت و در آنجا تعلیم داد... و در کنیسه آنها مردی با روح ناپاک بود که فریاد زد و گفت: آه! عیسی ناصری با تو چه داریم؟ اومدی نابودمون کنی؟ من می دانم که تو کیستی: قدوس خدا. و عیسی او را سرزنش کرد و گفت: ساکت باش و از او بیرون آی. آنگاه روح ناپاک او را تکان داد و با صدای بلند گریه کرد و از او بیرون آمد.» (مرقس - 1:21)

26).

عروس پدرو

«و بلافاصله پس از خروج از کنیسه، با یعقوب و یوحنا به خانه شمعون و اندریاس رفتند و مادر شوهر شمعون با تب دراز کشیده بود. و سپس درباره او به او گفتند. سپس نزد او آمد، دست او را گرفت و بلندش کرد. و تب او را رها کرد و به آنها خدمت کرد.» (مرقس. 1:29-31)

مرد با یک دست پژمرده شد

«و در یک سبت دیگر واقع شد که به کنیسه وارد شد و تعلیم می داد. و مردی در آنجا بود که دست راستش خشک شده بود. و کاتبان و فریسیان به او می نگریستند که آیا او را در روز سبت شفا خواهد داد... اما او چون از افکار آنها آگاه بود به مردی که دستش خشک شده بود گفت: برخیز و در میان بایست. و او برخاست و برخاست. سپس عیسی به آنها گفت: من از شما یک چیز می پرسم: آیا در روز سبت، نیکی کردن حلال است یا بد کردن؟ نجات جان یا کشتن؟ و به اطراف نگاه کرد، به مرد گفت: دستت را دراز کن. و او چنین کرد و دستش مانند دست دیگر به او بازگردانده شد.» (لوقا 6:6-10)

مرد قطره چکان

«یک روز سبت، چون برای خوردن نان وارد خانه یکی از سران فریسیان شد، او را زیر نظر داشتند. و اینک مردی در برابر او ایستاده بود که دچار آبریزش شده بود. و عیسی در حالی که سخن می گفت، به معلمان شریعت و فریسیان گفت: آیا شفا دادن در روز سبت مجاز است؟ آنها اما سکوت کردند. و او را گرفت و شفا داد و روانه کرد.» (لوقا. 4:1-14)

عیسی شفای بیماری های جسمانی را با شفای روح بیمار گناه پیوند می دهد. به همین دلیل، او به کسانی که سلامتی را به آنها بازگرداند هشدار داد: "دیگر گناه نکنید" (یوحنا 5:14). درمان بیماری ها با نقایص شخصیت ما قابل مقایسه بود. و کار از طرف کسانی که نپرسیدند نشان دهنده کار تقدیس کسانی است که نمی دانند چگونه بپرسند. وقتی به درگاه خدا دعا می کنیم، آنچه را که فکر می کنیم باید دریافت کنیم، طلب می کنیم. و همیشه این چیزی نیست که او می داند برای ما بهترین است. نوشته شده است که «نمی دانیم آنچه را که باید برای چه چیزی دعا کنیم» (رومیان 8:26). به همین دلیل، به ما دستور داده شده است که کلمات عیسی را در دعاهای خود تکرار کنیم: "اما نه آنطور که من می خواهم، بلکه همانطور که تو می خواهی" (متی 26:39). دانستن اینکه نیاز واقعی ما چیست، خداوند راهی برای رفع نقص هایی که «در مغز» قلب ما نهفته است - عیوب ما که از ما پنهان است - اشتباهاتی که از روی نادانی مرتکب می شویم، فراهم کرده است. این کار او برای تقدیس ماست. البته، او نمی تواند بدون اجازه ما این کار را انجام دهد، زیرا این امر باعث سلب اراده آزاد ما می شود که برخلاف پیشنهاد دولت او خواهد بود. بنابراین، او با کلام خود به ما می آموزد که می توانیم به او اجازه انجام چنین کاری را بدهیم. زمانی که سبت را مقدس نگه می داریم، آن را می دهیم. و این چنین می شود: با تقدیس سبت، با ایمان، عیسی را در طول روز همراهی خواهیم کرد. ما هر جا که او برود خواهیم بود: در کلیسای «کنیسه» و سپس مطالعه کلام با دیگران، انجام کارهای او به نفع نیازمندان و بردن کودکان به تفکر در طبیعت. و همانطور که کسانی که در راه او بودند، در روز شنبه حتی بدون درخواست شفا یافتند، ما نیز از نقص های شخصیتی خود شفا خواهیم یافت. به عبارت دیگر: ما به طور نامحسوس «مطابق با تصویر او» دگرگون خواهیم شد. بنابراین، در پایان هر شنبه، ما عملاً در نظر خدا تقدیس آتر می شویم. بیشتر شبیه مسیح و اوست.

این همچنین با کسی قابل مقایسه است که برای دریافت دستورالعمل های معاینات معمول به پزشک مراجعه می کند و پس از معاینه، به بیماری مبتلا می شود که به آن مشکوک نبوده است. پزشک نسخه مناسب را ارائه می دهد و در صورت درمان به موقع، بیماری از بین می رود. عیسی دکتر بزرگ روح است. ما هر شنبه با او قرار ملاقات داریم، امتحانات معمولی. در آنها ما را بررسی می کند و عیب هایی را که از ما پوشیده است می شناسد. و داروی لازم را اعمال خواهد کرد.

این کار تا روز شنبه ادامه خواهد داشت، تا زمانی که در زندگی یکصد و چهل و چهار هزار نفر از اعضای کلیسا تکمیل شود. آنها تنها نجات یافتگان نخواهند بود، بلکه کسانی خواهند بود که از مصیبت بزرگ عبور خواهند کرد و در میان همه نجات یافتگان در نسل آخر، پاداش ویژه ای دریافت خواهند کرد. نام پدر بر پیشانی آنها گذاشته خواهد شد (مکاشفه 1). این نام نشان می دهد که آنها بدون دیدن مرگ، خدا را تجربه خواهند کرد. و آنها شخصیتی شبیه شخصیت مسیح خواهند داشت: «اینها کسانی هستند که بره را به هر کجا که می رود دنبال می کنند... هیچ فریبکاری در دهان آنها یافت نشد. زیرا آنها در برابر تخت خدا بی عیب هستند.» (مکاشفه 5، 14:4 و هنگامی که آنها آماده شدند، خداوند اجازه خواهد داد تا آخرین درگیری بین نیروهای خیر و شر قبل از بازگشت عیسی وجود داشته باشد. در فصل بعد در مورد او صحبت خواهیم کرد.

کتاب مقدس تعلیم می دهد که وقتی شخصیت عیسی در قلب اعضای کلیسا متولد شود، مصیبت نهایی فرا خواهد رسید: «و علامت بزرگی در آسمان دیده شد: زنی که خورشید را پوشیده بود و ماه زیر او بود. پاها و تاجی از دوازده ستاره بالای سر. و او حامله و در درد زایمان بود و از آرزوی زایمان فریاد زد... و پسری به دنیا آورد، مردی که با عصای آهنین بر قوم ها حکومت خواهد کرد. و پسرش نزد خدا و تخت او گرفتار شد. و آن زن به بیابان گریخت، جایی که خدا برای او مکانی آماده کرده بود تا بتواند هزار و دویست و شصت روز در آنجا سیر کند.» (مکاشفه. 6، 5، 2، 1: 12 ترجمه نمادها:

زن = کلیسا:

«بنابراین، مرد پدر و مادر خود را ترک خواهد کرد و به همسر خود ملحق خواهد شد. و آنها دو نفر در یک جسم خواهند بود. این راز بزرگ است. اما من این را در مورد مسیح و کلیسا می گویم. (افسیان. 32، 31: 5)

پسری که زن خواهد آورد = تولد مسیح در شخصیت اعضای کلیسا:

«فرزندان من، که دوباره برای آنها تلاش می کنم تا مسیح در شما شکل گیرد» (کولسیان. 19: 4)

پسر ربوده شده نزد خدا و تخت او = پاداشی که برای اعضای این کلیسای پیروز در نظر گرفته شده است:

«به هر که پیروز می شود، به او می دهیم که با من بر تخت من بنشیند، همانطور که غلبه کردم و با پدرم بر تخت او نشستم» (مکاشفه. 3: 21)

اکنون، با کنار هم قرار دادن قطعات، پیام مکاشفه 12 نازل شده است:

علامت بزرگی در آسمان دیده شد (ساکنان بهشت متوجه شدند): زنی... حامله درد زایمان (اعضای کلیسای واقعی در حال مبارزه در دعا و اطاعت از خدا هستند تا مسیح بتواند در آنها شکل بگیرد). و او پسری به دنیا آورد (شخصیت آنها کاملاً منعکس کننده شخصیت عیسی بود). و پسرش نزد خدا گرفتار شد (در داوری آسمان پاداش آنها مشخص شد - آنها بر تخت خواهند نشست -

با مسیح سلطنت خواهد کرد). و زن به صحرا گریخت، جایی که خدا مکانی برایش آماده کرده بود تا بتواند هزار و دویست و شصت روز به او غذا دهد (اعضای کلیسا از مصیبت بزرگ خواهند گذشت). هنگامی که یوحنا، نویسنده مکاشفه، «صحرا» را شنید، مطمئناً آن را با زیارت قوم اسرائیل پس از آنها مرتبط کرد.

خروج از مصر زمان «بیابان» به آماده سازی نهایی مردم برای تصرف سرزمین کنعان اختصاص داشت. به همین ترتیب، عبور کلیسا از مصیبت، مرحله نهایی آماده سازی آن برای رستاخیز و ورود به میراث ابدی وعده داده شده توسط خدا خواهد بود. توجه داشته باشید که زمان صحرا مصادف با سلطنت وحش است:

"تمام زمین پس از وحش تعجب کردند... و وحش را پرستش کردند... و قدرت به او داده شد تا چهل و دو ماه ادامه دهد" (مکاشفه 3-5: 13: 3-5) چهل و دو ماه بر اساس شمارش کتاب مقدس (که ارزش یک ماه سی روز است) معادل هزار و دویست و شصت روز است:

$$42 \times 30 = 1260 \text{ روز}$$

*

برای تأیید طول ماه کتاب مقدس، پیدایش 7:24 را با 7:11 مقایسه کنید. (150) 8:4 روز در 5 ماه: 150 تقسیم بر 30 = 5 روز).

و کتاب مقدس می آموزد که هر دو یک دوره هستند. وقتی چهل و دو ماه سلطنت وحش تمام شود، هزار و دویست و شصت روز بیابان به پایان خواهد رسید و کلیسا با مسیح پیروز خواهد شد.

«و ده شاخ که دیدی، ده پادشاه است که هنوز پادشاهی را نگرفته اند، اما برای یک ساعت پادشاهی خواهند داشت، همراه با وحش. اینها هم همین قصد را دارند و قدرت و اختیار خود را به جانور خواهند سپرد. آنها با بره خواهند جنگید و بره بر آنها غلبه خواهد کرد، زیرا او خداوند اربابان و پادشاه پادشاهان است. کسانی که با او هستند، خوانده شده، برگزیده و وفادار، پیروز خواهند شد» (مکاشفه 17:12-14)

ما موارد فوق را در یک نمودار قرار می دهیم تا درک بهتری داشته باشیم:

1260 روز صحرا (مصیبت بزرگ)

|-----|

42 ماه مصلحت
ده پادشاه تحویل می دهند

قدرت بر جانور

در مورد جانور

عیسی در موعظه نبوی خود گفت که مصیبت زمانی آغاز می شود که « نفوذ ویرانی که دانیال نبی از آن سخن می گوید، در مکان مقدس باشد... آنگاه... ناراحتی بزرگی خواهد بود که هرگز نبوده است. " (متی 21، 16، 24:15) او به نبوت دانیال 12 اشاره کرد: «و از زمانی که تاج برداشته شود و مکروهی که ویران می کند در جای خود قرار گیرد، هزار و دویست و نود روز خواهد بود. مبارکه چی

تا هزار و سیصد و سی و پنج روز صبر کن» (دانیال 12، 11:12 این مدت زمان کمی طولانی تر از مدتی است که در مکاشفه ذکر شده است. هر دو دوره با هم به پایان می رسند، زیرا در پایان آنها است که به گفته دانیال، مردم اراده برکت (=شادی) و بر اساس آخرالزمان بر وحش پیروز می شوند:

"خوشا به حال کسی که صبر می کند و به 1335 روز می رسد" (دانیال 12:12)

«کسانی که با او هستند، خوانده شده، برگزیده و وفادار، پیروز خواهند شد» (مکاشفه 17:14)

بنابراین نمودار با دو خط زمانی به شرح زیر است. توجه داشته باشید که 1260 روز 75 روز پس از شروع شمارش دانیال شروع می شود:

1260 روز صحرا (مصیبت بزرگ)

|-----|

24 ماهه مطاوعت
ده روز به نحوی می دهند

قدردان به جانور

در مورد جانور

75 روز

|-----|-----|

1296 روز زنده است

قرار داده شده در

عمل شنيع

متروک

کتاب مقدس تعلیم می دهد که زشتی ای که ویران می کند، یا «که ویران می کند»، وضع قوانین مربوط به پرستش خورشید است. هنگامی که رهبران اسرائیل توسط خدا دیده شدند «در حالی که پشت به معبد خداوند داشتند. .. مثلاً... خورشید را می پرستیدند، خداوند به پیامبر فرمود: ای پسر انسان، دیدی؟ آیا برای خاندان یهودا چیزی بیهوده تر از این زشتکاری هایی که در اینجا انجام می دهند وجود دارد؟ چشم من رحم نمی کند و رحم نمی کند. هر چند در گوش من با صدای بلند فریاد بزنند، آنها را نخواهم شنید» (حزقیال 18-16:8 به اشعیا نبی فرمود: «اینک خداوند زمین را خالی می کند و ویران می کند و سطح آن را واژگون می کند و ساکنانش را پراکنده می کند... زمین ماتم می گیرد و پژمرده می شود، جهان ضعیف و پژمرده می شود... در واقع، زمین به دلیل ساکنانش آلوده است، زیرا آنها قوانین را نقض می کنند، قوانین را تغییر می دهند و عهد ابدی را می شکنند. پس لعنت زمین را می بلعد و ساکنان آن ویران خواهند شد.» (اشعیا)

(6-1:24) هنگامی که دولت های سراسر زمین در تلاش برای "تغییر قوانین" با تحمیل پرستش خورشید متحد شوند، آنگاه خداوند قضاوت هایی را بر زمین خواهد فرستاد و زمین ویران خواهد شد. چگونه این کار را انجام خواهند داد؟ ما در حال حاضر آن را می بینیم. از سال دوهزار سال که ژان پل دوم دایره نامه «مرگ دومینی» را راه اندازی کرد، در نقاط مختلف جهان تلاش شده است تا یکشنبه، طبق قانون، به عنوان روز استراحت و اختصاص به اهداف مذهبی تعیین شود. حتی در برزیل، چندین شهر وجود دارد که "قوانین یکشنبه" خود را دارند، که در آن مشاغل در روزهای یکشنبه منع می شوند. این جنبش طرفدار یکشنبه در نقاط مختلف جهان در حال قوت گرفتن است. به یاد داشته باشیم که یکشنبه در اصل روز پرستش خورشید است و نام آن روز به ما یادآوری می کند. در چندین زبان، نام اولین روز هفته نشان دهنده این عبادت بت پرست است. نام آن در انگلیسی "Sunday" - به معنای "روز خورشید" است:

خورشید = خورشید; روز = دیا; یکشنبه = روز خورشید

نام آن در آلمانی "sonntag" به همین معنی است. نام ها به زبان های پرتغالی، اسپانیایی، فرانسوی و ایتالیایی dimanche (domingo) و (dominica) از کلمه لاتین "dominus" گرفته شده است که به معنای "روز خداوند خداوند، خورشید" است. بنابراین، تحمیل روز یکشنبه برابر است با اقامه عبادت خورشید و با این کار، طرفداران آن «تغییر قوانین» دارند. زیرا چنین قانونی با چهارمین فرمان خدا در تضاد است: «روز سبت را به خاطر بسپارید. مقدس است شش روز کار خواهید کرد و تمام کارهای خود را انجام خواهید داد. اما روز هفتم سبت یهوه خدای شماست.» (خروج 20:8-10) تحمیل قانون یکشنبه در سراسر جهان (یا قانون یکشنبه در سراسر جهان) زمین را ویران خواهد کرد. قانون یکشنبه آغاز شمارش معکوس برای نابودی نهایی سیاره، و براندازی حکومت های زمینی توسط خدا، برای برقراری پادشاهی مسیح را باز خواهد کرد. بنابراین، نمودار رویدادهای پایانی به شرح زیر است:

1260 روز صحرا (مصیبت بزرگ)

-----|

1240 روز مابین
ده پادشاه خونین می دهند

قدم قدم به جانور

در مورد جانور

75 روز

-----|-----|

1305 روز یکشنبه

جهان

(عمل شنیع

متروک)

ظاهراً تا اینجا فهمیدیم که بحران نهایی 1335 روز طول خواهد کشید. در پایان آنها، مسیح قوم وفادار خود را بر وحش و متحدانش پیروز خواهد کرد. قبلاً در کتاب‌های قبلی این مجموعه، مطالعه‌ای در مورد اینکه جانور کیست و نشانش چیست ارائه کرده‌ایم.

ما می‌دانیم که علامت وحش روز یکشنبه است. و این مطابق با آنچه در اینجا در این فصل مطالعه کردیم و جنبش سیاسی-مذهبی که در اطراف خود مشاهده می‌کنیم است. در طول سال 1335 تقابل بین فرزندان خدا و شیطان با رعایت یا عدم رعایت سبب امر چهارم آشکار می‌شود. یک طبقه، که با نیروهای زمین متحد می‌شود، به رهبری وحش، یکشنبه را در آغوش می‌کشد و علامت، یا نشان قدرت انسانی، زمینی، «نشان وحش» را دریافت می‌کند. در همین حال، بندگان خدا نشانه او را خواهند داشت: «سبت را نگه می‌دارند... سبت را در نسل‌های خود به عنوان یک عهد همیشگی جشن می‌گیرند. بین من و بنی اسرائیل نشانه‌ای برای همیشه خواهد بود. زیرا خداوند آسمانها و زمین را در شش روز آفرید و در روز هفتم بازگردانده شد» (خروج، 17، 31:16).

در طول دوره‌ای که در دانیال 12 نشان داده شده است، خدا به شیران اجازه می‌دهد تا قدرت را در دستان خود داشته باشند. شیطان این فرصت را خواهد داشت تا بر جهان حکومت کند و به طور کامل نشان دهد که ثمرات واقعی حکومت او چیست. در این زمان، به این دلیل، بندگان خدا به سختی مورد آزمایش قرار می‌گیرند - مظلوم، تبعید از جامعه، تهمت، قضاوت، مصادره و حتی اعدام. اما در نهایت، خداوند بخت و اقبال قوم خود را برای همیشه تغییر خواهد داد. در رؤیایی نبوی، یحیی «کسانی را دید که بر وحش، و بر تصویر او، و بر نشان او و بر شمار نام او پیروز شدند، که در کنار دریای شیشه‌ای ایستاده بودند و چنگ‌های خدا را داشتند. "

(مکاشفه، 15:2) «نگاه کردم، و اینک، جماعتی را که هیچ کس نمی‌توانست شمارش کند، از تمام قوم‌ها، و قبیله‌ها، و قوم‌ها و زبان‌ها، در برابر تخت و در حضور بزرگ ایستاده‌اند، جامه‌های سفید پوشیده‌اند و شاخه‌های خرما در دست دارند. و با صدای بلند فریاد زدند و گفتند: نجات خدای ما که بر تخت می‌نشیند و بره... و یکی از بزرگان به من گفت: اینها که جامه سفید می‌پوشند، آنها، و از کجا آمده‌اند؟ و من به او گفتم: خداوند، تو می‌دانی. و به من گفت: «اینها کسانی هستند که از مصیبت بزرگ بیرون آمده‌اند و لباس‌های خود را شسته‌اند و در خون بره سفید کرده‌اند. به همین دلیل است که در برابر تخت خدا می‌ایستند و شبانه روز در معبد او به او خدمت می‌کنند. و هر که بر تخت بنشیند بر آنها سایه افکنده است. آنها دیگر هرگز گرسنه نخواهند شد. هرگز تشنه نخواهند شد. نه خورشید و نه آرامش بر آنها نخواهد بارید، زیرا بره‌ای که در میان تخت است، آنها را شبانی کرده و به چشمه‌های آب حیات راهنمایی خواهد کرد. و خدا هر اشکی را از چشمان ایشان پاک خواهد کرد» (مکاشفه، 17-9: 7).

روزی یوشع، رهبر اسرائیل که روز مرگش نزدیک است، مردم را با این سخنان صدا کرد: «پس اکنون از خداوند بترسید و او را با اخلاص و راستی عبادت کنید و دراز بکشید. خدایان را که پدران شما در آن سوی رودخانه و مصر خدمت می‌کردند و خداوند را عبادت می‌کنند. اما اگر خدمت خداوند در نظر شما بد است، امروز انتخاب کنید که چه کسی را خدمت کنید: خدایان پدرانتان که آن سوی رودخانه بودند یا خدایان اموریان که در سرزمین آنها زندگی می‌کنید. اما من و خاندانم خداوند را خدمت خواهیم کرد» (یوشع، 15، 24:14).

ما سخنان شما را برای شما خواننده قرار می‌دهیم. با آشکار شدن آینده در برابر چشمان شما، آیا می‌خواهید در میان بندگان با ایمان، مبارک و پیروز خدا باشید، سبت را نگه دارید، آن را تقدیس کنید، تا علامت حمایت و نجات او را دریافت کنید؟ یا دوست داری نصرت خود را در میان کسانی که با حکومت او می‌جنگند و

قانون، ایجاد روز بت پرستی، روز کاذب استراحت؟ انتخاب باشماست. «هنوز استراحتی برای قوم خدا باقی مانده است. زیرا کسی که به آرامش او وارد شده، خود از اعمال خود آرام گرفت، همانطور که خدا از او آرام گرفت» (عبرانیان 10، 9: 4) «من امروز آسمان و زمین را گواه می خوانم... که زندگی و مرگ و برکت و نفرین را پیش روی شما قرار داده ام. پس زندگی را انتخاب کنید تا زندگی کنید... یهوه خدای خود را دوست بدارید و به صدای او گوش فرا دهید و به او نزدیک شوید. زیرا او جان شماست» (تثنیه 30:20). خدا تو را حفظ کند.

هفتمین حقیقت بزرگ: واکسن عیسی علیه مهلک ترین سم شیطان

دروغ اول

به زودی پس از خلقت زن و مرد، خداوند به آنها توضیح داد که او دشمنی به نام شیطان دارد که می خواهد روح آنها را نابود کند. درخت معرفت خیر و شر به عنوان آزمونی قرار گرفت که از طریق آن می توانستند نشان دهند که کدام سمت را انتخاب می کنند: طرف خدا یا طغیان. و افزود: «از هر درخت باغ آزادانه بخورید، اما از درخت معرفت خیر و شر نخورید. زیرا در روزی که از آن بخورید قطعاً خواهید مرد» (پیدایش 17، 16: 2).

در اولین برخورد بشریت با شیطان، تضاد بین حکومت او و امر الهی مشخص شد. از دروغ استفاده کرد. او با استفاده از مار به عنوان واسطه خود، به حوا گفت: «آیا این چیزی است که خدا گفته است که از هر درختی در باغ نخواهی خورد؟ و زن به مار گفت: از میوه درختان باغ خواهیم خورد، اما از میوه درختی که در وسط باغ است، خدا گفت: از آن نخوری و به آن دست نزنی. ، مبادا بمیری سپس مار به زن گفت: «تو قطعاً نخواهی مرد.»

(پیدایش 4-3: 1 حوا میوه را خورد و به آدم داد و او هم خورد. و هر دو مردند. جفت اول از طریق تجربه تلخ متوجه شدند که خدا حقیقت را گفته است. اما آنها به دروغ اعتبار دادند.

اتفاقی که هنگام مرگ می افتد

آدم بعد از گناه فانی شد. «بنابراین، چنانکه از طریق یک انسان، گناه به جهان وارد شد، و به وسیله گناه مرگ، و مرگ به همه مردم سرایت کرد، زیرا همه گناه کرده‌اند» (رومیان 5:12). بنابراین انسان جاودانه ای وجود ندارد.

روح انسان فانی است، زیرا همه گناه کرده اند و «نفسی که گناه می کند خواهد مرد» (حزقی 18:20).

کتاب مقدس منشأ زندگی و آنچه در هنگام مرگ اتفاق می افتد را توضیح می دهد. درباره زندگی: «و پیهوه خدا انسان را از خاک زمین آفرید و در بینی او نفس حیات دمید. و انسان جان زنده شد» (پیدایش 2:7). یعنی:

غبار زمین + نفس حیات (قدرت خدا) = روح زنده (انسان زنده)

و هنگامی که شخص می میرد: "غبار به زمین باز می گردد، همانطور که بود، و روح به سوی خدایی که آن را داده است، باز می گردد" (Ecc. 12:7) بازگردید از قبرستان، هنگام کنندن قبرها، در به ما اجازه خواهد داد تا این حقیقت را تأیید کنیم. جسد می پوسد و تبدیل به "کود" می شود - بخشی از زمین. روح پیوند نفس حیات و غبار زمین بود. وقتی نفس «به خدا باز می گردد» و از خاک جدا می شود، روح از هم می پاشد. دیگر وجود ندارد. بار دیگر نتیجه می گیریم که روح انسان گناهکار فانی است.

«نفس» چیست و بعد از مرگ چگونه است؟

خدا توضیح می دهد که روح زندگی جسمانی خود شخص است: «و هر که از خاندان اسرائیل یا از بیگانگان ساکن در میان شما خونی بخورد، صورت خود را برخواهم گرداند و او را از قومش جدا خواهم کرد. زیرا روح جسم در خون است.»

(لاویان 17:10، 11) و از آنجایی که کسانی که به واسطه عیسی شخصیت نیکو تشکیل می دهند، وارث زندگی جاودانی خواهند شد، پولس از کلمه «روح» (زندگی) برای اشاره به شخصیت استفاده می کند: «خدای صلح خود شما را در همه تقدیس کند. و تمام روح و جان و بدن شما در آمدن خداوند ما عیسی مسیح بی عیب و نقص باقی بماند» (اول تسالونیکیان 5:23). منظور از روح، روح و بدن: ذهن، منش و بدن. *در کتاب مقدس، روح هرگز به عنوان موجودی جدا از بدن انسان شناخته نمی شود. چنین تعالیمی صرفاً از سنت بت پرستی کهن سرچشمه می گیرد.

عیسی زمانی از تمثیلی استفاده کرد تا این واقعیت را نشان دهد که پس از مرگ، سرنوشت ما مهر و موم شده است و نمی توان آن را تغییر داد. تمثیل یک داستان تخیلی است نه واقعی. چیزی که رخ نداده؛ با این حال، به منظور آموزش یک حقیقت اخلاقی گفته می شود. مَثَل به این صورت بود: «حالا مردی ثروتمند بود که لباس ارغوانی و کتان نازک پوشیده بود و هر روز با عظمت و شکوه زندگی می کرد. همچنین گدای معینی به نام لازاروس بود که پر از زخم در مقابل دروازه او خوابیده بود. و او می خواست خود را از خرده های سفره مرد ثروتمند سیر کند. و خود سگ ها آمدند تا زخم های او را بلیسند. و چنین شد که گدا مرد و رفت

به آغوش ابراهیم برده شد. و آن مرد ثروتمند نیز مرد و دفن شد. و در هادس چشمان خود را که در عذاب بود بلند کرد و ابراهیم را از دور دید و ایلعازر را در آغوش او دید.

و فریاد زد و گفت: ای پدرم ابراهیم، بر من رحم کن و ایلعازر را بفرست تا نوک انگشتش را در آب فرو کند و زبانم را خنک کند که من در این شعله عذابم. اما ابراهیم گفت: پسر، به خاطر بیاور که چیزهای خوب خود را در زندگی خود دریافت کردی، و ایلعازر فقط چیزهای بد. و اکنون او تسلی یافته است و شما در عذاب هستید. علاوه بر این، بین ما و شما شکاف بزرگی وجود دارد، به طوری که آنهایی که می خواستند از اینجا به شما بگذرند، نتوانستند و نه آنهایی که از آنجا به اینجا می روند. و گفت: ای پدر، از تو می خواهم که او را به خانه پدرم بفرستی، زیرا من پنج برادر دارم تا به آنها شهادت دهم تا به این مکان عذاب نیایند. ابراهیم به او گفت: موسی و پیامبران را دارند؛ به ما گوش کن و گفت: نه، پدرم ابراهیم. اما ابراهیم به او گفت: اگر موسی و پیامبران را نشنوند ایمان نمی آورند، حتی اگر از مردگان برخیزد. (لوقا 16:19-31) شواهدی که نشان می دهد این داستان واقعی نبوده و نخواهد بود، از چندین جزئیات ناشی می شود. یک شخص نمی تواند، به معنای واقعی کلمه، «در آغوش» دیگری باشد. و کتاب مقدس تعلیم می دهد که ابراهیم هنوز این وعده را به ارث نبرده است. پولس در عبرانیان می گوید: «ابراهیم... با ایمان در سرزمین موعود مانند سرزمین بیگانه ساکن شد... زیرا منتظر شهری بود که پایه دارد و معمار و سازنده آن خداست» یعنی شهر جدید. اورشلیم. علاوه بر این، پولس می گوید که در زمان او، ابراهیم و فرزندان «همه اینها... وعده را دریافت نکردند، خدا چیز بهتری برای ما قرار داده است تا بدون ما کامل نشوند» (عبرانیان 10، 39، 40). (8: 11 به عبارت دیگر، ابراهیم و فرزندان از پولس و سایر ایمانداران به عیسی (از جمله ما) انتظار داشتند تا همه با هم شهر مقدس را به ارث ببریم. آنها هنوز "به قول خود عمل نکرده اند".

نه ابراهیم و نه ایلعازر مبتذل، یک شخصیت اختراعی در مثل، امروز در برکت نیستند.

در مورد وضعیت مردگان و در نتیجه روح پس از مرگ، آموزه کتاب مقدس روشن است: "مردگان هیچ چیز نمی دانند و هرگز پاداشی ندارند، اما یاد آنها به فراموشی سپرده شده است. حتی محبت، نفرت و حسد ایشان از بین رفته است و در این عصر، در هر کاری که زیر خورشید انجام می شود، نقشی ندارند» (Ecc. 9:5، 6) «همانطور که ابری حل می شود و می گذرد، کسی که به قبر فرود می آید دیگر بالا نمی آید. او هرگز به خانه خود باز نخواهد گشت و جای خود را نخواهد شناخت» (ایوب 7: 9، 10) «زیرا قبر نمی تواند تو را ستایش کند، و مرگ نمی تواند تو را ستایش کند. و آنانی که در گودال فرود می آیند به حقیقت تو امید ندارند. زندگان، زندگان، مانند من امروز تو را ستایش خواهند کرد» (اشعیا 38:18، 19)

داوود زنا کرده بود و زنی که با او بود حامله شد.

به عنوان مجازات خطای خود، خداوند از طریق ناتان نبی اعلام کرد که کودک خواهد مرد. پس روزه گرفت و در برابر خدا خاشع شد، به این امید که حکم برگردانده شود. اما چون شنید که کودک مرده است، «داوود از روی زمین برخاسته، شست و شو داده، خود را مسح کرده، لباس خود را عوض کرده، به خانه خداوند وارد شده، عبادت کرده است. سپس به خانه اش آمد و نان خواست. و به او نان دادند و او خورد. و بندگانش به او گفتند: این چه کاری است که کردی؟ برای فرزند زنده روزه گرفتی و گریست. اما پس از مرگ کودک، برخاستی و نان خوردی. و گفت: در حالی که کودک زنده بود، روزه گرفتم و گریستم، زیرا گفتم: چه کسی می داند که آیا خداوند به من رحم خواهد کرد و کودک زنده می ماند؟ اما حالا که او مرده است، چرا من الان روزه بگیرم؟ من قادر خواهم بود

مجبورش کنم دوباره برگردد؟ من نزد او خواهم رفت، اما او نزد من باز نخواهد گشت.» (دوم سم. 12:20-23).

عیسی بدون مخالفت با تعالیم کل کتاب مقدس در مورد وضعیت مردگان، بار دیگر در کتاب مکاشفه از این مثل به عنوان منبع آموزشی استفاده می‌کند. اما در آنجا، به جای بیان داستان، مانند زمانی که در زمین بود، آن را در رؤیا به حضرت یوحنا عرضه می‌کند. آینده، شرح زیر است: «پس از گشودن مهر پنجم، جان کسانی را که برای کلام خدا و شهادتی که داده بودند کشته شده بودند، در زیر قربانگاه دیدم. و با صدای بلند فریاد زدند و گفتند: ای حاکم راستین و مقدس تا کی قضاوت نمی‌کنی و انتقام خون ما را از ساکنان روی زمین نمی‌گیری؟ و به هر یک جامه‌ای سفید داده شد و به آنها گفته شد که اندکی استراحت کنند تا تعداد هم خدمتکاران و برادرانشان که باید کشته شوند تکمیل شود.»

(اپوک. 9-11: 6)

هیچ کس به این نتیجه نمی‌رسد که خدای قدوس، عادل و مهربان، شهدای مطهر را که در زمان حیاتشان برای او بسیار متحمل شده‌اند، پس از مرگ زیر محراب دستگیر کند. آنچه این رؤیا آشکار می‌کند این است که خداوند زمانی را تعیین کرده است تا بدکاران را به خاطر اعمال بدشان مجازات کند. و در حالی که این نمی‌رسد، کار تحقیق و قضاوت در بهشت صورت می‌گیرد و مشخص می‌شود که اجر اولیا در هنگام زنده شدن چه خواهد بود. در این مورد، مشاهده می‌شود که او تشخیص داده است که آنها "لباس سفید دریافت می‌کنند". مکاشفه با عبارات دیگری که از قضاوت تحقیقی صحبت می‌کنند همسو است: «کسی که پیروز شود جامه‌های سفید خواهد پوشید و من به هیچ وجه نام او را از کتاب زندگی محو نمی‌کنم. و نام تو را در حضور پدرم و فرشتگان او اعتراف خواهم کرد.» «پس هر که مرا در حضور مردم اعتراف کند، او را در حضور پدرم که در آسمان است اعتراف خواهم کرد. اما هر که مرا در حضور مردم انکار کند، من نیز در حضور پدر خود که در آسمان است او را انکار خواهم کرد.» «و من به شما می‌گویم، هر که مرا در حضور مردم اعتراف کند، پسر انسان نیز در حضور فرشتگان خدا اعتراف خواهد کرد. اما هر که در حضور مردم مرا انکار کند، در حضور فرشتگان خدا انکار خواهد شد» (مکاشفه 3: 5، 32، 31؛ لوقا 9، 8، 12؛ بنابراین، بدیهی است که «ارواح قدیسان که زیر قربانگاه فریاد می‌زنند، تنها نشانی از این است که خداوند قتل قدیسان خود را بدون مجازات نخواهد گذاشت. آموزه مکاشفه نیز مطابق با کتاب پیدایش است که در کلام خدا به قاییل داده شده است: «قاییل بر برادر خود هابیل قیام کرد و او را کشت. و خداوند به قاییل گفت: برادرت هابیل کجاست؟ و او گفت: نمی‌دانم. آیا من نگهبان برادرم هستم؟ و خداوند فرمود: چه کردی؟ صدای خون برادرت از زمین مرا ندا می‌دهد. و اکنون تو از زمینی که دهان خود را برای دریافت خون برادرت از دست تو گشود، ملعون شده‌ای» (پیدایش 4: 8-11). «صدای خون» هابیل نیز یک عبارت تحت اللفظی نیست. مانند آخرالزمان، فقط نشان می‌دهد که این عمل از دید خدا غافل‌نمانده است و او شریر را مجازات خواهد کرد.

خواب"

عیسی حالت مرگ را به خواب تشبیه کرد. وی با اشاره به مرگ ایلعازر گفت: ایلعازر دوست ما شکل می گیرد اما من او را از خواب بیدار می کنم. پس شاگردانش گفتند: خداوند، اگر بخوابد، نجات خواهد یافت. اما عیسی در مورد مرگ خود چنین گفت. اما آنها فکر می کردند که او در مورد بقیه خواب صحبت می کند. سپس عیسی به روشنی به آنها گفت: ایلعازر مرده است و من خوشحالم.» (یوحنا 11:11-14) برای خدا همه مرده ها خوابند. و آنها تا زمانی که عیسی برای بار دوم به زمین بازگردد، باقی خواهند ماند. پولس در پی تسلّی دادن به کسانی که عزیزان خود را از دست داده اند، نوشت: «اما برادران، نمیخواهم شما نسبت به خواب زده ها بیخبر باشید تا مانند دیگرانی که امیدی ندارند غمگین نشوید. زیرا اگر ایمان داشته باشیم که عیسی مرد و دوباره زنده شد، خدا نیز کسانی را که در عیسی می خوابند با او باز خواهد آورد. پروردگارا ما بر خوابندگان سبقت نخواهیم گرفت. زیرا خداوند خود با فریاد، با صدای فرشته و با شیپور خدا از آسمان فرود خواهد آمد. و کسانی که در مسیح مردند، اول برخوانند خاست. سپس ما که زنده هستیم و باقی میمانیم، با آنها در ابرها گرفته می شویم تا خداوند را در هوا ملاقات کنیم. و بنابراین همیشه با خداوند خواهیم بود.» (اول تسالونیکي. 4: 13-17)

رستاخیزها

کتاب مقدس تعلیم می دهد که "برای مردم مقرر شده است که یک بار بمیرند و پس از آن داوری می شود" (عبرانیان 9:27). همه کسانی که در خواب هستند، منتظر قیامت هستند. با این حال، رستاخیز صالحان و بدکاران در زمانهای مختلف اتفاق می افتد. عیسی گفت: «ساعتی فرا می رسد که همه کسانی که در قبرها هستند صدای او را خواهند شنید. و کسانی که نیکی کرده اند به قیامت بیرون می آیند. و کسانی که بد کرده اند به رستاخیز محکومیت» (یوحنا 5:28، 29). در مکاشفه 19:11-21 کتاب مقدس به زبانی نمادین، دومین آمدن عیسی را ارائه می کند. سپس با تأمل در پاداشی که به مقدسین خواهد داد، می گوید: «جان کسانی را دیدم که برای شهادت عیسی و برای کلام خدا سر بریده شده بودند و وحش و تصویر او را نپرستیده بودند. و نشان او را بر پیشانی آنها نگرفته بود. و هزار سال با مسیح زندگی کردند و سلطنت کردند. اما بقیه مردگان تا هزار سال تمام نشد زنده نشدند.» (مکاشفه 20:4، 5). همانطور که در نمودار زیر توضیح داده شده است، بین دو قیامت هزار سال فاصله خواهد بود:

دومین قیامت

از مسیح عادل در آسمان که با مسیح سلطنت می کند

|-----|

رستاخیز صالحان

رستاخیز بدکاران

رستاخیز اول

رستاخیز دوم

کتاب مقدس همچنان به همین موضوع می‌پردازد، و می‌افزاید: «خوشا به حال کسی که در رستاخیز اول سهم دارد. مرگ دوم بر اینها قدرتی ندارد» (مکاشفه 20:6) از اینجا چند درس یاد می‌گیریم:

-اگر شریران دچار «مرگ دوم» شده اند، به این دلیل است که «اول» را قبلاً تجربه کرده اند. به عبارت دیگر، دو بار خواهند مرد؛

-پس شوروانی که قبلاً مرده اند پس از 1000 سال دوباره زنده می‌شوند تا بمیرند.

پس از قیامت، بدکاران حکم خود را خواهند گرفت. یوحنا نبی می‌گوید: «و تخت بزرگ سفید و آن کسی که بر آن نشسته بود دیدم که زمین و آسمان از حضور او گریختند و جایی برای آنها یافت نشد. و مردگان بزرگ و کوچک را دیدم که در برابر تخت ایستاده بودند و کتابها گشوده شد. و کتاب دیگری گشوده شد که کتاب زندگی است. و مردگان بر حسب آثارشان بر اساس آنچه در کتابها نوشته شده بود داوری می‌شدند. و دریا مردگانی را که در آن بودند تسلیم کرد. و مرگ و هادس مردگانی را که در آنها بودند تسلیم کردند. و هر کدام برحسب اعمالش داوری شدند. و مرگ و جهنم در دریاچه آتش افکنده شد. این مرگ دوم است. و هر که در کتاب حیات مکتوب یافت نشد در دریاچه آتش افکنده شد» (مکاشفه 20:11)

(20)درباره مرگ دوم، دریاچه آتش، نوشته شده است: «اینک، آن روز می‌آید که مانند تنور می‌سوزد. همه متکبران و هر که بدکار می‌کنند مانند کاه خواهند بود. خداوند صباپوت می‌گوید روزی که خواهد آمد آنها را به آتش خواهد کشید تا نه ریشه و نه شاخه برای آنها باقی بگذارد... و شریران را زیر پا خواهید گذاشت زیرا خاکستر زیر کف پای شما خواهند بود. یَهُوه صباپوت می‌گوید، در روزی که خواهم ساخت، پاها را در آن روز خواهم ساخت» (مالزی 3-1: 4: شریبر برای همیشه نمی‌سوزد. "آنها چنان خواهند بود که گویی هرگز نبوده اند" (اوبا *1:16) در زیر، به صورت تصویری، خلاصه ای از مطالبی است که در مورد معاد و سرنوشت صالحان و بدکاران مطالعه کردیم تا درک بهتری داشته باشیم:

1000 سال

قضاوت نهایی

آفتاب در بهشت

محکوم کردن

از مسیح که با مسیح سلطنت می‌کند

شریر تا مرگ دوم ابدیت...

-----|-----

دریناچه آتش

تویش را بر

تویش خواهد بود

هرگز به حال

رستاخیز

رستاخیز

وجود داشته است

*توضیحات مفصل درباره آتش جاودان در کتاب پنجم این مجموعه با عنوان: پیام سه فرشته آمده است.

خدا خدای زندگان است - توضیح

ما توضیح کتاب مقدس را دیدیم که مردگان در خداوند توسط او "خوابیده" تلقی می شوند (یوحنا 11:11-14؛ 17:13-14؛ 4:13-17) از طریق زبان، خدا نشان می دهد که، اگرچه آنها در حالت بیهوشی کامل هستند و "در هیچ کاری که در زیر آفتاب انجام می شود" نقشی ندارند، او آنها را وارثان زندگی ابدی می داند. پاسخ عیسی به صدوقیان همین مطلب را نشان می دهد: «درباره مردگانی که باید زنده شوند، آیا در کتاب موسی نخوانده اید که چگونه خدا در بوته با او صحبت کرد و گفت: من خدای ابراهیم هستم و خدای اسحاق و خدای یعقوب؟ اکنون خدا از مردگان نیست، بلکه خدای زندگان است» (مرقس 12: 25-27؛ عیسی می‌دانست که «ابراهیم منقضی شد و مرد» (پیدایش 25:8 و اسحاق و یعقوب نیز چنین بودند. اما، خدا در نظر داشت که اگر چه آنها در خواب مرگ می‌خوابیدند، اما در زندگی دوم او برخیزند تا از ابدیت لذت ببرند. . در مقایسه با او، زمانی که آنها در مقبره بودند فقط یک خواب کوتاه بود. زیرا خدا، هر که عیسی را بپذیرد، بدون توجه به عبور از قبر، حیات جاودانی دارد (یوحنا. 3:16)

زمان مرگ، تا ابد، تنها به عنوان یک استراحت کوتاه در نظر گرفته می شود. روح گناهکار فانی است. با این حال، «خدا آنچه جهان را دوست داشت که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نشود، بلکه حیات جاودانی داشته باشد» (یوحنا 3:16) نفسی که گناه می کند می میرد، زیرا مزد گناه مرگ است. "اما هدیه رایگان خدا زندگی جاودانی در مسیح عیسی است" (رومیان 6:23) از این جهت است که عیسی گفت: «هر که زنده است و به من ایمان دارد هرگز نخواهد مرد» (یوحنا 5:26) معنایش این نیست که مؤمن هرگز به قبر نمی رود؛ اما قبل از آن، حتی اگر به قبر برود، زندگی ابدی تضمین شده است، و او در روز آمدن دوم مسیح زنده خواهد شد. با ایمان، اگر تا انتها استقامت کنیم، دوباره جاودانگی خواهیم یافت. زیرا خداوند، ابراهیم، اسحاق و یعقوب که در ایمان مردند، وعده حیات جاودانی را تضمین کردند. پس برای او هر دو زنده بودند. بیداری شما فقط موضوع زمان است. هنگامی که "آخرین شیپور" آخرالزمان به صدا در می آید، "مردگان فاسد ناپذیر برمی خیزند"، یعنی با داشتن جاودانگی برمی خیزند (اول قرنتیان 15:52)

پولس در مورد دگرگونی بدن مؤمنان که در طول زندگی دوم مسیح رخ خواهد داد، می گوید: «ما متحول خواهیم شد. زیرا این فاسد باید فساد ناپذیری بپوشد و این فانی باید بپوشد

جاودانگی و هنگامی که این فاسد جاودانگی بیوشد و این فانی جاودانگی بیوشد، آنگاه کلام مکتوب تحقق خواهد یافت:
مرگ در پیروزی بلعیده شد.» (اول قرنتیان. 15:52-54)

تقابل بین حقیقت و خطا

اگرچه، همانطور که تا اینجا دیدیم، کتاب مقدس به وضوح توضیح می دهد که روح فانی است، «مار باستانی که شیطان و شیطان نامیده می شود، که تمام جهان را فریب می دهد» (مکاشفه، 12:9 بر این دروغ پافشاری کرده است که در تمام اعصار تاریخ، تضاد بین خیر و شر در سیاره زمین بر این ادعا پافشاری کرده است: "شما نخواهید مرد". با دیدن اجساد گناهکاران که به گور می‌روند، مردان نمی‌توانند به این باور برسند که «جسم انسان» نمی‌میرد. سپس دشمن فریب خود را اصلاح کرد و آن را وارد نظام دینی بت پرستان کرد. گفته شد که اگرچه جسد مرده است، زندگی همچنان ادامه دارد، اما به شکل دیگری - در حالت "روح". از این رو این ایده که تا به امروز منتقل شده است که روح جاودانه است. ملل بت پرست معتقد بودند که مردگان در حالت دیگری زندگی می کنند و می توانند با آنها ارتباط برقرار کنند. از این رو توسعه جادوگری یا نکرمانسی - هنر تظاهر به برقراری ارتباط با مردگان است. جادوگران ادعا می کردند که می توانند از مردگان "حکمت" یعنی نصیحت استخراج کنند.

از آنجایی که خداوند ابراهیم را فرا خواند و با او عهد بست، هیچ سابقه ای وجود ندارد که مرد یا زنی از فرزندان او تا زمان ورود اسرائیل به مصر در این عمل مشترکانه شرکت داشته باشد. اما وقتی مردم با این قوم بت پرست ارتباط نزدیکتر پیدا کردند، به تدریج بسیاری از آداب و رسوم آن را جذب کردند. به همین دلیل، هنگامی که آنها را از مصر بیرون آورد و اراده خود را آموزش داد، خداوند صریحاً آنها را از این عمل برحذر داشت: "شما اجازه ندهید که جادوگر زنده بماند."

«هنگامی که نفسی به فالگیران و افسونگران روی آورد تا بعد از آنها فحشا شود، من روی خود را به آن نفس می گیرم و او را از میان قوم خود جدا می کنم». بنابراین، هرگاه مرد یا زنی روح الهی در خود داشته باشد یا مسحور باشد، قطعاً خواهند مرد؛ آنها خود را با سنگ سنگسار خواهند کرد. خونشان بر آنهاست.» (معجزه 21:18 لایوان. 27، 20:6 و قبل از مرگ موسی، او را وادار کرد که فرمان خود را اجرا کند: «وقتی وارد زمینی شدی که یهوه خدایت به تو می‌دهد، یاد نخواهی گرفت که مطابق زشتکاری‌های آن قومها عمل کنی. در میان شما کسی یافت نمی‌شود که پسر یا دخترش را از آتش بگذراند، نه پیشگو، نه پیشگو، نه جادوگر، و نه افسونگر، و نه کسی که با روح الهی مشورت کند و نه جادوگر و کسی که با مردگان مشورت کند، زیرا هر که چنین کند نزد خداوند مکروه است. و یهوه خدایت به خاطر این زشتیها آنها را از حضور تو بیرون می کند. شما مانند یهوه خدای خود کامل خواهید بود. زیرا این اُمتهایی که شما باید صاحب آنها شوید، به سخنان پیشگویان و پیشگویان گوش فرا دهید. اما یهوه، خدایت، این امر را به تو اجازه نداده است» (تثنیه. 18: 9-14)

علیرغم هشدار خداوند، در طول قرن ها، بنی اسرائیل بارها و بارها به این عمل بت پرستانه کشیده شدند. ملکه ایزابل از طرفداران جادوگری بود (اول پادشاهان. (9:22: منسی پادشاه «فال بود و فالگیران و جادوگرانی را گماشت و در نظر خداوند بدی می کرد تا خشم او را برانگیزد» (دوم پادشاهان. (21:6)

خداوند در برافراشتن برج های دیده بانی کوتاهی نکرد که به مرور زمان مردم را از این جنون برحذر داشت. از طریق اشعیا نبی می فرماید: «وقتی به تو می گویند: با کسانی که ارواح آشنا دارند و غیب گویی که بین دندان هایشان جیک می کنند و زمزمه می کنند، مشورت کن. - آیا مردمی به خدای خود روی نمی آورند؟ آیا مردگان از خود به نفع زنده ها خواهند پرسید؟ به قانون و شهادت! اگر مطابق این کلام صحبت نکنند، هرگز طلوع را نخواهند دید» (اشعیا. (20، 19، 8:

مورد شائول قابل ذکر است. تاریخ مقدس به ما می فهماند که چه کسی وانمود می کند که بستگان و دوستان درگذشته هستند و به کسانی که "با مردگان مشورت می کنند" پاسخ می دهد. نبی «ساموئیل مرده بود و تمامی اسرائیل برای او سوگواری کرده و او را دفن کرده بودند... و فلسطینیان جمع شده، آمدند و در شونم اردو زدند. و شائول تمام اسرائیل را جمع کرد و در گیلبوع اردو زدند. و چون شائول لشکر فلسطینیان را دید، ترسید و دلش سخت لرزید. و شائول از خداوند سؤال کرد، اما خداوند او را نه به رویا، نه به اوریم و نه به انبیا پاسخ داد. آنگاه شائول به خادمان خود گفت: برای من زنی پیدا کنید که روح جادوگری داشته باشد تا نزد او بروم و با او مشورت کنم. و خادمانش به او گفتند: «اینک زنی در آندور است که روح پیشگویی دارد. و شائول خود را مبدل کرد و لباسهای دیگر پوشید و با دو مرد همراه خود رفت و شبانه نزد آن زن آمدند. و او گفت: «از تو می خواهم، مرا با روح جادوگر خدایی کن و مرا به کسی که به تو بگویم بیاور» (اول سم. (8-3: 28: در اینجا روشن است که او نه از خدا و نه از کسی که در طرف او باشد استناد خواهد کرد، زیرا او به هیچ وجه به شائول پاسخ نداد. شاه به دنبال منبع اطلاعات دیگری غیر از اطلاعات الهی بود. داستان از این قرار است: «آن زن به او گفت: تو را نزد چه کسی بیاورم؟ و گفت: مرا نزد سموئیل بیاور... آنگاه زن به شائول گفت: خدایان را می بینم که از زمین بالا می روند» (اول سموئیل. (13، 11، 28: توجه: خدای واقعی در بهشت است. آنهایی که دید دیگران بودند - از شیطان. در ادامه می آید: «و به او گفت: «شکل تو چگونه است؟ و او گفت: پیرمردی می آید و او را پیچیده اند

روی یک جلد شائول متوجه شد که این سموئیل است و با صورت به زمین سجده کرد. سموئیل به شائول گفت: «چرا مرا با بزرگ کردن من ناراحت کردی؟» (من سم.

(15، 14: 28: از اینجا فهمیدیم که سموئیل نبود. این شیطان بود که وانمود می کرد سموئیل است. از اینجا می بینیم که تمرین ارتباط با مردگان، انسان را در تماس مستقیم با شیاطین قرار می دهد. اینها بر خلاف تصور عموم، باهوش تر از مردان هستند. از این رو با قرار گرفتن رو در رو با مردان، می توانند طبق میل خود آنها را فریب دهند.

دیدار شائول با دیدارهایی که امروزه بسیاری از مردم در جلسات روحی انجام می دهند قابل مقایسه است. در آنها رسانه قصد دارد با مردگان ارتباط برقرار کند و از آنها حکمت بگیرد. نتیجه نهایی چنین برخوردهایی را می توان در دنباله داستان شائول مشاهده کرد: «سپس شائول گفت: من بسیار مضطرب هستم، زیرا فلسطینیان با من می جنگند و خدا از من روی گردان شده و دیگر جواب من را نمی دهد حتی از طریق. خدمت انبیا و نه با رویا. از این رو با شما تماس گرفتم تا به من اطلاع دهید که باید چه کار کنم. آنگاه سموئیل گفت: پس چرا از من می پرسی، زیرا خداوند تو را ترک کرده و دشمن تو شده است؟ زیرا خداوند چنان با تو کرد که به زبان من به تو گفته بود و خداوند پادشاهی را از دست تو درآورده

به همراهت داوود داده شد. چون به صدای خداوند گوش ندادی و خشم شدید او را بر عمالیک اجرا نکردی، پس امروز خداوند با تو چنین کرد. و خداوند اسرائیل را با تو به دست فلسطینیان خواهد سپرد و فردا تو و فرزندانت با من خواهید بود. و خداوند اردوگاه اسرائیل را به دست فلسطینیان خواهد سپرد. و شائول فوراً به زمین افتاد و از سخنان سموئیل بسیار ترسید» (اول سموئیل. 28: 15-20)

خداوند در دستورات خود به بنی اسرائیل مبنی بر اینکه جادوگری را در محدوده قلمرو خود تحمل نکنند، بسیار تأکید داشت، زیرا می دانست که تأثیرات فاجعه بار آن بر کسانی که درگیر آن می شوند، خواهد بود. شائول در همان روز در جنگ کشته شد. او این زندگی و فرصت یک زندگی لطیف را از دست داد. او بر سرنوشت گمشده خود مهر زد، برای همیشه از دست رفته. اما این کاملاً غیر ضروری بود. اگر او از خداوند اطاعت می کرد، به او ایمان می آورد و به او اعتماد می کرد، می توانست امروز جزو نجات یافتگان باشد.

زمان در بسیاری از جنبه ها تغییر کرده است، اما نه در اصل تضاد بین خیر و شر. در این عصر مدرن، شیطان بر همین فریب پافشاری می کند. او در باورهای کلیساهای مسیحی موفق بود که روح فناپذیر است. قدم بعدی این است که مردم را به این باور برسایم که "اگر مردگان هنوز زنده هستند، چرا ما نمی توانیم با آنها ارتباط برقرار کنیم؟" شیطان و فرشتگانش می توانند به راحتی خود را به شباهت کسانی که مرده اند تبدیل کنند، صداها و رفتارهای آنها را کاملاً تقلید کنند، و همچنین جزئیات بسیار خصوصی زندگی خود را ارائه دهند، که تقریباً هیچ کس از آن خبر نداشت. به این ترتیب آنها با موفقیت هزاران نفر را فریب داده و آنها را به صفوف خود می کشانند. پولس با الهام الهی نوشت: «و جای تعجب نیست، زیرا شیطان خود به فرشته نور تبدیل شده است» (دوم قرنتیان. 15، 14: 2: حتی با شکوه سرافیم درخشنده بهشت می تواند برای مردم ظاهر شود. از این رو نباید به ظواهر فرشتگان به عنوان نشانه ی یقینی که پیام آنها از جانب خداوند است اعتماد کرد. «به قانون و به شهادت! اگر مطابق این کلام صحبت نکنند، طلوع را هرگز نخواهند دید» (اشعیا 8:20).

جوهر معنویت مدرن ارتباط با مردگان است. و تنها دفاع در برابر آن حقیقتی است که بدی را در جوانه می زند: «مردگان چیزی نمی دانند... و در این عصر، در هر کاری که زیر آفتاب انجام می شود، نقشی ندارند» (جامعه 5: 9 و 6: ینابراین تلاش برای برقراری ارتباط با آنها فایده ای ندارد. اعتقاد کتاب مقدس به فانی بودن روح به اساس معنویت گرایی آسیب می زند و آن را واژگون می کند. و آموزه جاودانگی روح، که توسط بسیاری از کلیساهای مسیحی پشتیبانی می شود، چیزی است که در را به روی خطای معنویت می گشاید، که چیزی جز جادوگری باستانی نیست، پوشیده از لایه ای از مدرنیته. چه کسی در مورد "ظهور مقدسین" نشنیده است؟ آیا دقت کرده اید که چقدر به آنها اعتبار داده می شود؟ اما آموزه کتاب مقدس که "مردگان هیچ چیز نمی دانند" ادعای الهی چنین ظهوراتی را تضعیف می کند. این نشان می دهد که آنها از جانب خدا نیستند. هیچ مرد یا زنی، هر چقدر هم که زندگی آنها در گذشته درست بوده باشد، برای نجات این نسل از مردم به کار بازخواهند گشت.

عیسی این را از طریق مَثَل مرد ثروتمند و ایلعازر تعلیم داد که قبلاً در این کتاب به آن پرداختیم. در پایان درخواست مرد ثروتمند از ابراهیم را می خوانیم تا ایلعازر از مردگان بازگردد و به بستگان خود هشدار دهد: «پس پدر، از شما خواهش می کنم که او را به خانه پدرم بفرستید، زیرا من پنج برادر دارم. تا به آنها شهادت بدهند تا آنها نیز به این مکان عذاب نیایند. ابراهیم به او گفت: موسی و موسی را دارند

پیامبران؛ به ما گوش کن و گفت: نه، پدرم ابراهیم. اما اگر مردگانی نزد آنها می آمد توبه می کردند. اما ابراهیم به او گفت: اگر موسی و پیامبران را نشنوند ایمان نمی آورند، حتی اگر از مردگان برخیزد.

(لوقاس. 16:27-31)

ما نمی توانیم تعیین کنیم که خدا با چه وسیله ای باید با ما یا عزیزانمان همکاری کند تا آنها را به توبه وادار کند. اوست که انتخاب می کند. عیسی گفت: "شما کتب مقدس را جستجو می کنید، زیرا فکر می کنید در آنها زندگی جاودانی دارید و آنها هستند که درباره من شهادت می دهند" (یوحنا. 5:39) آنها "نامه های مقدس هستند که می توانند شما را برای نجات از طریق ایمان به مسیح عیسی حکیم کنند" (دوم تیم. 3:15). اگر می خواهیم نجات پیدا کنیم، باید کتاب مقدس را عمیقاً برای خود مطالعه کنیم. تلاش ما باید متناسب با ارزش جایزه ارائه شده باشد: زندگی ابدی. هنگام مطالعه باید با دعا از خدا بخواهیم که روح خود را به ما عطا کند و به ما کمک کند تا آن را درست درک کنیم. بنابراین، همانطور که بسیاری می گویند، این اتفاق نخواهد افتاد که "ما تفسیر خود را از آن بگیریم، همانطور که هرکسی می تواند تفسیر خود را بگیرد" از کتاب مقدس.

برعکس، ما در آن حقیقتی را خواهیم یافت که توسط خدا در کلامش منتقل شده است. این حقیقتی است که هرکس با طلب هدایت الهی مطالعه کند آن را نیز خواهد یافت. بنابراین، همه در یک مسیر توسط خداوند هدایت خواهند شد. زیرا «خدا، خدای آشفتگی نیست» (اول قرنتیان. 14:33) کلیساهای مختلف همه درست نیستند و نمی توانند درست باشند، زیرا عقاید آنها بسیار ناسازگار است. هر شخصی فقط تا حدی می تواند درست باشد که آنچه موعظه می کند مطابق با آنچه کتاب مقدس می گوید باشد.

با بازگشت به موضوع مردگان و نتیجه گیری، برخلاف آموزه رایج دیگر معنویت گزایی، کتاب مقدس می گوید که پس از قبر، آنها در بدن دیگری تناسخ نخواهند یافت. خدا می فرماید که "برای مردم مقرر شده است که یک بار بمیرند و پس از آن داوری خواهد شد" (عبرانیان. 9:27) در این زندگی است که هرکس بر سرنوشت خود مهر می زند. هیچ کس شانس دومی نخواهد داشت.

در روزهای آخر

خداوند تعلیم می دهد که تضاد بین حقیقت مردگان و خطای جاودانگی روح، معنویت گزایی و جادوگری ادامه خواهد داشت. شیپورهای آخرالزمان مکاشفه هایی درباره آخرین وقایع قبل از پایان فیض خداوند نسبت به انسانها هستند. وحی می گوید: «و من هفت فرشته را دیدم که در برابر خدا ایستاده اند، و هفت شیپور به آنها داده شد... و هفت فرشته که هفت شیپور را داشتند، آماده شدند تا آنها را دمیدن». کتاب مقدس تعلیم می دهد که پس از دمیدن شیپور هفتم و آخر، عیسی باز خواهد گشت: «همه ما در یک لحظه، در یک چشم به هم زدن، در آخرین شیپور متحول خواهیم شد. زیرا شیپور به صدا در خواهد آمد و مردگان فاسد ناپذیر زنده خواهند شد و ما دگرگون خواهیم شد» (اول قرن.

(52، 15:51) در آن صورت دیگر هیچ لطفی برای مردان وجود نخواهد داشت. آخرین فرصت در زمان نواختن شیپور ششم خواهد بود. و بر ما آشکار می شود که کدام طبقه از مردم از آن بهره نخواهند برد و آخرین فرصت خود را برای وارث بهشت از دست می دهند: «و ششمین فرشتگان شیپور را به صدا درآوردند و من صدایی را شنیدم که از چهار شاخ مذبح دیگری می آمد. در حضور خدا بود که به فرشته ششم که شیپور داشت گفت: آن چهار نفر را رها کن

فرشتگان ... و چهار فرشته آزاد شدند که برای ساعت و روز و ماه و سال آماده شده بودند تا قسمت سوم مردم را بکشند ... و مردان دیگر که توسط این بلاها کشته نشدند. از اعمال دست خود توبه نکردند تا شیاطین را نپرستند... و از قتل خود و از جادوهای خود توبه نکردند» (Apoc. 13-15, 20).

یوحنا به دستور عیسی هنگام توصیف آسمان جدید و زمین جدیدی که خدا برای ساکنان قدیسان در آن خواهد ساخت، می نویسد:
«جادوگران و بت پرستان... سهم آنها در دریاچه ای خواهد بود که می سوزد. با آتش و گوگرد که مرگ دوم است.»

(مکاشفه - 21:8) و می افزاید: «خوشا به حال کسانی که احکام او را نگاه می دارند تا در درخت حیات قدرت داشته باشند و از دروازه ها به شهر وارد شوند. آنها کنار گذاشته خواهند شد... جادوگران» (Apoc. 22:14, 15).

خداوند با آشکار ساختن آینده از قبل، به دنبال جلوگیری از تباهی ما است و نجات ما را تضمین می کند. انتخاب متعلق به ماست. دوست داریم کدام طرف باشیم؟ زندگی امروز را برای زندگی انتخاب کن. اگر تا به حال به خطا اعتقاد داشتید، برای نجات روح خود فرصت دارید آن را رها کنید و حقیقت را انتخاب کنید. عیسی به شما کمک خواهد کرد. او برای همه از جمله شما مرد. مهم نیست که در نهایت چقدر در مسیر دشمن پیش رفته اید. مهم نیست با او پیمان بستید. در عیسی، همه اینها شکسته شده است. خون او زنجیرهایی را که همه انسانها را به شیطان بسته بود، گسست. و حتی در مورد کسانی که گوسفند او نبودند، اما امروز او را انتخاب می کنند، می گوید: «من هنوز گوسفندان دیگری دارم که از این گله نیستند. برای من هم راحت است که اینها را جمع کنم و صدای من را بشنوند و گله و شبانی باشد... هرگز هلاک نخواهند شد و کسی آنها را از دست من نخواهد گرفت. پدر من که آن را به من داد، از همه بزرگتر است. و هیچ کس نمی تواند آنها را از دست پدر من ربود.» (یوحنا 10:16، 28، 29) بنابراین، باشد که همه ما عیسی را، امروز و هر روز از زندگی خود، با چشم پوشی از خطا، برای نجات کامل و کامل روح خود انتخاب کنیم.

آمین!

خدا تو را حفظ کند.

پیوست 1

مکان «مقدس»، جایی که عیسی هنگام عروج به آسمان در آنجا شروع به خدمت کرد، دارای سه اناثیه بود: چراغدان طلائی، میز نان نمایش و مذبح بخور (عبرانیان 9:2؛ خروج 30:1-3). اکنون به بررسی معنای این اناثیه می پردازیم تا درک بهتری از حرم بهشتی و نقشه نجات داشته باشیم.



شکل - 1 نمای بالای محفظه مقدس، حاوی لوستر (سمت چپ)، با هفت لامپ. محراب عود (قسمت بالای شکل)، با دو تیرک حمل و میز نان (در سمت راست)، همچنین با دو تیرک حمل.



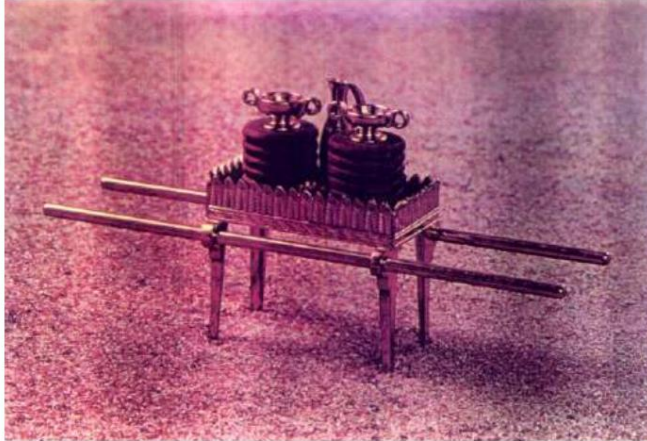
شکل - 2 چراغ طلایی

شرح مفصلی از چراغدان طلایی در خروج 25:31-39 آمده است. این مربوط به هفت شمعدان مقدس واقعی در بهشت است. عیسی گفت که اینها نمایانگر هفت کلیسا هستند که در مکاشفه ارائه شده است: "هفت شمعدان که دیدید، هفت کلیسا هستند." آپوک 1:20 عدد هفت نمایانگر کلیت در کتاب مقدس است. هفته کامل 7 روز است.

به همین ترتیب، هفت شمعدان نمایانگر کلیت اعضای کلیسای واقعی خدا بر روی زمین است.

هفت چراغ چراغ دائماً در حال سوختن بودند و از روغن تغذیه می‌شدند، روغنی که از لوله‌های چراغ جاری می‌شد: «خداوند به موسی گفت: «به بنی اسرائیل امر کن که برای روغن زیتون بیاورند. ، خالص، کوبیده، برای چراغ، تا چراغها را پیوسته روشن کند.» (لاویان 2، 24:1 همانطور که چراغ همیشه باید با روغن تغذیه شود تا چراغ های آن روشن بماند، کلیسا نیز باید همیشه با روح القدس مسیح تغذیه شود تا در اعمال نیک بدرخشد. عیسی با استفاده از نمادهای موجود در چراغ گفت: «نور شما بر مردم بتابد تا کارهای نیک شما را ببینند و پدر شما را که در آسمان است جلال دهند.» متی 5:16

در عبادتگاه زمین، مسؤولیت تغذیه چراغ با روغن و نگهداری فتیله‌ها به گونه‌ای که چراغها همیشه می‌سوختند، بر عهده کاهن اعظم بود: «هارون آنها را پیوسته در حضور خداوند مرتب خواهد کرد. شب تا صبح، بیرون از حجاب شهادت، در خیمه اجتماع. این یک قانون جاودانی در تمام نسل های شماست.» (لاویان 24:3) همچنین، عیسی، کاهن اعظم واقعی ما، پیوسته روح خود را برای ما می فرستد و در قلب ما شفاعت می کند تا هدایت او را رد نکنیم. و اجازه دهید با او همکاری کنیم تا روح او ما را به انجام کارهای نیک سوق دهد: «اگر روح شما را هدایت می کند، تحت شریعت نیستید... میوه روح این است: عشق، شادی، صلح، صبر، مهربانی، نیکی، ایمان، فروتنی، اعتدال. در برابر چنین چیز هایی قانونی وجود ندارد.» (غلاطیان 23، 22، 5:18)



شکل - 3 جدول نان نمایشی

جدول نان نمایشی. شرح مفصلی از این جدول را در خروج 30-23:25 می یابیم. از چوب ساتن با روکش طلای خالص ساخته شده بود و لبه آن تاجی حکاکی شده بود. کتاب مقدس مردم را با درختان مقایسه می کند. خداوند در مورد اینکه با هر طبقه از مردان چه خواهد کرد، گفت: «بنابراین همه درختان صحرا خواهند دانست که من، خداوند، درخت بلند را قطع کردم، درخت پست را بلند کردم، درخت سبز را خشک کردم. و درخت خشک را دوباره رشد داد.» (حزکا، 17:24) چوب ساتن خشک پوشیده شده با طلا، که جدول را تشکیل می دهد، نشان دهنده مردان محروم از روح القدس خدا است که با ایمانی گرانبها مانند طلا، آن را دریافت می کنند و سپس در تقدس حرکت می کنند: «تا دلیل ایمان شما، بسیار باشد. گرانبهاتر از طلائی که از بین می رود و با آتش آزموده می شود، در ستایش و افتخار و جلال در مکاشفه عیسی مسیح یافت می شود» (اول پطرس، 7: 1) تاجی که در لبه های میز نشان داده می شود، نماد پیروزی است، همانطور که عیسی می گوید: «تا مرگ وفادار باشید و من تاج حیات را به شما خواهم داد» (Apoc. 2:10). بنابراین، می بینیم که میز همچنین کلیسای مسیح را نشان می دهد که از افرادی تشکیل شده است که از طریق ایمان مانند طلا پیروز و وارثان زندگی ابدی بر اساس وعده انجیل هستند.

از شکل توجه کنید که صفحه میز مستطیلی شکل است. طبق متن خروج 25، عرض یک ذراع و طول آن دو ذراع بود: «میزی از چوب ساتن نیز بسازید. طول آن دو ذراع و عرضش یک ذراع باشد» (خروج، 25:23) رویه چوبی که نشان دهنده مردان است با این ابعاد نیز معنی دارد. «ذرع» واحدی بود که برای اندازه گیری طول استفاده می شد و معادل اندازه گیری ساعد بود که از آرنج تا نوک انگشت میانی دست گرفته می شد. بر اساس اندازه هر انسان بود، به همین دلیل است که کتاب مقدس ذراع را اندازه یک انسان می نامد: "و دیوار خود را به اندازه یک انسان یکصد و چهل و چهار ذراع اندازه گرفت" (آخر، 21:17). صفحه میز توسط یک تشکیل شده است

مجموعه ای از تخته های ساتن، و بنابراین تعداد معینی از افراد را نشان می دهد. در عرض، یک ذراع بود، اندازه یک مرد، و بنابراین نشان دهنده گروهی از مردان است. با این حال، از نظر طول، جدول دو ذراع بود که نشان دهنده دو گروه است. این دو گروه از مؤمنان هستند که در نتیجه قربانی عیسی گرد هم آمدند -

یهودیان و غیریهودیان. هر دو بخشی از یک لوح، از همان بدن مسیح هستند که یک کل واحد را تشکیل می دهند: "زیرا او صلح ماست که یکی از هر دو قوم را آفرید... تا در خود یک انسان جدید از آن دو بیافریند و صلح را ایجاد کند. و از طریق صلیب، هر دو را در یک بدن با خدا آشتی دهند و دشمنی های خود را با آن بکشند." (افس. 2:14-16). یهودیان و هم غیریهودیان از طریق تنها وسیله، یعنی ایمان به بره خدا، که برای همه مرد، نزد خدا می آیند.

روی میز دوازده قرص نان بود. آنها را نان های حضور یا نان های مستمر می نامیدند: "روی سفره شوو نیز پارچه آبی پهن خواهند کرد... همچنین نان دائمی روی آن باشد." (در یک.

(7:4 در کتاب مقدس، نان نشان دهنده گروه ایمانداران در کلیسای واقعی است -

بدن مسیح: "زیرا ما که بسیار هستیم یک نان و یک بدن هستیم." (اول قرنتیان 10:17). دوازده نان نماینده دوازده قبیله اسرائیل، قوم خدا بودند، و این واقعیت که آنها «نان حضور» هستند به این معنی است که کلیسای واقعی خدا به طور مستمر در حضور الهی، با ایمان زندگی می کند. دوازده قبیله اسرائیل، مانند دوازده رسول، دوازده مجموعه خلق و خوی متفاوتی را نشان می دهند که انسان ها می توانند داشته باشند. مطالعه خلق و خوی هر یک از پسران یعقوب که دوازده قبیله از آن سرچشمه گرفته اند و نیز دوازده شاگرد عیسی این را برای ما آشکار می کند. علم امروزه وجود دوازده ترکیب از خلق و خوی متمایز را در بشریت پذیرفته است. دوازده نان همیشه در حضور مسیح، در محراب، نشان می دهد که مردمی با هر خلقیاتی وجود دارند که به کلیسای واقعی تعلق دارند و اگرچه از نظر جسمی روی این زمین هستند، اما با ایمان در حضور مسیح زندگی می کنند. این مدرکی است که بهشت ارائه کرده است که مهم نیست که چه خلق و خوی دارید یا موقعیت شما نسبت به دیگران چقدر نامطلوب به نظر می رسد، می توانید مانند آنها در حضور مسیح راه بروید و همانطور که او راه می رفت -

فقط از قدرت او استفاده کن همچنین از شکل، توجه داشته باشید که دوازده نان در دو ستون شش نان چیده شده بودند: «همچنین آرد خوب را بردارید و از آن دوازده نان بپزید. هر یک دو دهم خواهد بود. و آنها را در دو ردیف، شش تا در هر ردیف، بر میز خالص در حضور خداوند قرار ده.» لاویان 6، 24:5، تقسیم نانها به دو بخش، حقیقتی را که قبلاً با مطالعه ابعاد جدول دیده شده است تأیید می کند: دو طبقه به عنوان متعلق به کلیسا نشان داده می شوند: یهودیان و غیریهودیان. از طریق این نمادگرایی، ما می بینیم که خداوند به یهودیان و غیریهودیان با تمایز نگاه نمی کند، همانطور که بسیاری امروز موعظه می کنند: هر دو به یک طریق - از طریق ایمان - به او دسترسی دارند. و مؤمنان، یهودیان و غیریهودیان، امروز مورد توجه یکسان او هستند: «زیرا تفاوتی وجود ندارد. چون همه گناه کرده اند و از جلال خدا کوتاه آمده اند... آیا خدا فقط یهودیان است؟ و آیا برای غیریهودیان نیز چنین نیست؟ همچنین از غیریهودیان، قطعاً. اگر خدا یکی است که از راه ایمان، ختنه و از راه ایمان [یعنی به همان نسبت ایمان] ختنه نشدن را عادل می سازد.» «این راز بوسیله مکاشفه آشکار شد... یعنی اینکه غیریهودیان وارثان مشترک و یک بدن و شریک وعده در مسیح به وسیله انجیل هستند» (روم. 3:22، 23، 29، 30؛ افس. 3:3، 6).

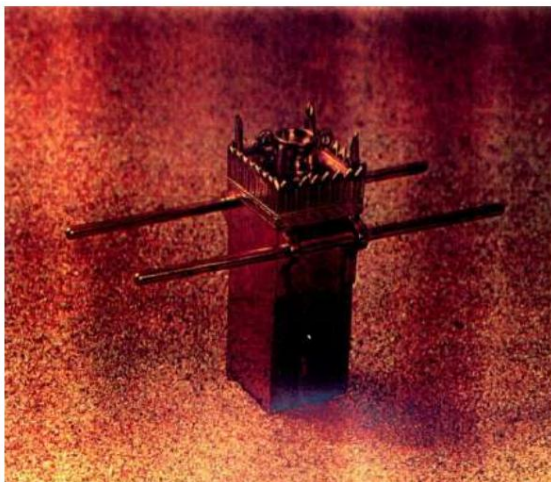
توجه داشته باشید که متونی که در آنها معنای معنوی قدس آسمانی را می یابیم از نوشته های پولس است، در این مورد رومیان و افسسیان. عیسی پولس را قادر ساخت تا بفهمد که وضعیت برای غیریهودیان که انجیل را در حضور خدا پذیرفته بودند چگونه خواهد بود، و همچنین اینکه او چگونه به آنها نگاه می کند. پولس چگونه این چیزها را درک کرد؟

ما متوجه شدیم که آنچه او موعظه می کند چیزی بیش از حقیقت معنوی ناشی از درک صحیح نمادگرایی حرم نیست. پولس یهودی بود. از این رو حرم روی زمین را که نسخه ای از آسمان است، شناخت و آن را مطالعه کرد.

از آنچه تاکنون دیده ایم، به این نتیجه می رسیم که عیسی به پولس مکاشفه ای درباره حقایق آشکار شده با نماد قدس، در مورد موقعیت و امتیازات غیریهودیان که ایمان خواهند آورد، داد.

در مورد نان ها نیز نوشته شده است: «و از هارون و پسرانش خواهد بود که آن را در مکان مقدس بخورند، زیرا این چیز بسیار مقدس است.»

(لاویان 24:9) این کلمات نشان می دهد که چگونه خدا کلیسای خود را بر روی زمین - "مقدس ترین چیز" می داند. تأمل مداوم در مورد آنها باعث می شود که ایمانداران امروزی حتی در امور روزمره با احتیاط بیشتری رفتار کنند و همیشه تلاش کنند تا مطمئن شوند که اراده مسیح را انجام می دهند.



شکل - 3 محراب بخور دادن

محراب بخور دادن شرح مفصلی از قربانگاه بخور دادن در خروج 8-1: 30 یافت می شود. از چوب ساتن ساخته شده بود که با طلای خالص پوشانده شده بود و تاجی در اطراف آن حک شده بود. چوب نمایانگر انسان است، طلایی که آن را می پوشاند ایمانی است که از طریق آن پیروز می شود و تاجی را به دست می آورد که بر لبه های آن حک شده است. مربع بود و عرض آن یک ذراع و طول آن یک ذراع بود. ذراع پیمانانه یک مرد بود.

بنابراین، مذبح نمایانگر مردی بود، عیسی مسیح، مردی مانند ما، که با ایمان کامل، مانند طلا، در پدر آسمانی خود، شیطان را شکست داد و تاج پیروزی را به دست آورد، و امروز در برابر خدا ایستاده است.

محراب عود، اثاثیه ای بود که نزدیک ترین مکان به مقدس ترین مکان، جایی که حضور خداوند در آن تجلی می یافت، بود. کشیش دود عود را که بوی مطبوعی داشت بر روی آن بلند کرد که بر بوی نامطبوع خونی که توسط کشیش روی پرده یا پرده پاشیده می شد غلبه کرد و به طور نمادین حاوی گناهان اعتراف شده بود. همچنین مسیح دعاهای ما را به خدا بر روی مذبح بخور می دهد و عدالت او را با بوی نامطبوع گناهان ما مخلوط می کند (عبرانیان 9: 5-9). این عدالت با 33 سال اطاعت کامل از قانون خدا مطابقت دارد، که او، به عنوان مردی که مانند ما با گرایش به گناه متولد شد، از یک گناهکار، مریم متولد شد، در این زمین زندگی کرد.

دعاهای ما در بهشت خوشایند است و با توجه به شایستگی این پیروزی که عیسی به دست آورده است، خداوند می تواند آن را مستجاب کند. با تقدیم او به عنوان کاهن اعظم ما، این کارنامه زندگی اطاعتی او، شیطان شرمنده می شود و دعاهای ما طبق خواست خدا مستجاب می شود.

در توصیف این کار عیسی، آخرالزمان آشکار می کند: «و فرشته ای دیگر آمد و بر مذبح ایستاده بود و دارای بوی زرین بود. و بخور بسیار به او داده شد تا با دعای همه مقدسین بر مذبح طلایی که در مقابل تخت است قرار دهد. و دود عود با دعای اولیای الهی از دست فرشته در حضور خداوند بلند شد.» (مکاشفه 8:3) از آنجایی که مذبح معرف مسیح است، می دانیم که نشان دهنده این است: «جسم او که کلیسا است» (کولسیان 1:24).

مقدس ترین مکان

«اما فراتر از حجاب دوم، خیمه ای بود که قدس القدس نامیده می شود، و دور تا دور آن را بوسیله شمعدان طلایی و تابوت عهد پوشانده شده بود، که در آن ظرفی طلایی حاوی مانا بود، و عصای هارون که دارای آن بود. جوانه زده و سفره های عهد. و بر فراز تابوت کروی بیان جلال بودند که بر کرسی رحمت سایه افکندند» (عبرانیان 9: 3-5).